

درسنامه

مهدویت ۳

بسم الله الرحمن الرحیم

درسنامه مهدویت

نویسنده:

خدامراد سلیمیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درسنامه مهدویت جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمیان، خدامراد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور : درسنامه مهدویت / خدامراد سلیمیان.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ۴ج.

شابک : دوره ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵ : ؛ ۲۵۰۰۰ ریال : ج.۱ : ۹۶۴-۷۴-۲۸-۳۲-۴ ؛ ۲۵۵۰۰ ریال : ج.۱، چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲-۸۳۲-۳ : ؛ ۳۵۰۰۰ ریال : ج.۲ ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲ : ؛ ۲۵۰۰۰ریال (ج.۲، چاپ اول) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ پنجم) ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ ششم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۱-۸ :

یادداشت : ج.۱ (چاپ پنجم : ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۱(چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۲ (چاپ پنجم: زمستان ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۲ (چاپ ششم: ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) .

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.۱. حضرت مهدی (عج) از ولادت تا امامت.- ج۲. حضرت مهدی (عج) و دوران غیبت.- ج.۴. حضرت مهدی (عج) و حکومت جهانی

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/س۸۷۳د۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۶۲۴۹

ص: ۱

اشاره

درسنامه مهدویّت

(جلد۳)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از

ظهور تا حکومت جهانی

خدامراد سلیمیان

ص: ۲

درسنامه مهدویّت (۳)

 مؤلف: خدامراد سلیمیان

 ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

 نوبت چاپ: سوم زمستان ۹۱

 شابک: ۸-۷۹-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

 شمارگان: دو هزار نسخه (تاکنون چهارده هزار نسخه)

 قیمت: ۷۰۰۰ تومان

 قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹- ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس:۷۷۳۷۱۶۰

 تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

 www.imammahdi-s.com info@imammahdi-s.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فریدی (صفحه آرا)، عباس فریدی (طراح جلد)

و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

حسین احمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

ص: ۷

پیشگفتار

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان هنگامه و رخدادی مهم و مورد بشارت همه پیامبران و اولیای الهی علیهم السلام در کانون نگاه علاقه مندان به بحث های مهدویت و آینده پژوهی قرار دارد؛ بویژه آنکه امروزه دوستان و باورمندان، خود را به این حادثه بزرگ نزدیک می بینند و آرزومند تحقق آن هستند. آنان می خواهند زندگی خود را در آن دوران نورانی سپری کنند و دشمنان و منکران نیز در بیم از دست دادن موقعیت خود، آن را دنبال می کنند تا به گمان خود، برای مقابله با آن غافلگیر نشوند.

از این دوران که مهم ترین مرحله زندگی آن حضرت پیش از برپایی حکومت جهانی است با عنوان رازی از رازهای خداوند و غیبی از غیب های پروردگار، یاد شده است. راز بودن این دوران همچون دوران غیبت، بسیاری از حقیقت های آن را هنوز بر ما پوشیده نگه داشته است، چه اینکه بررسی های ژرف در سخنان ارزشمند پیشوایان معصوم علیهم السلام، می تواند افق های نوین و ارزشمندی فراروی مشتاقان و پژوهندگان قرار دهد.

هر چند تلاش های شایسته ای در این عرصه صورت گرفته و ثمره های ارجمندی به بار آورده است؛ اما یکی از کاستی های این بحث، نبود متنی

آموزشی برای انسجام بخشی به بررسی های موضوعی این مباحث است که جای آن بسی خالی است.

از این رو نگارنـده بـا توشه انـدک و امیـد بسیار بـا اتکا به لطف بی پایان حضـرت حق و عنایات قطب عالم امکان و دلگرمی دوسـتان فرهیخته، به اقـدامی بس بزرگ دست زده، گامی هرچنـد کوتاه در این راه برداشـته است. باشـد با آثار ارزنـده دیگر پژوهشگران و نویسندگان، کمبودهای آن به زیور تکامل آراسته شود.

اینـک آنچه پیش روی شـما خواننـده گرامی قرار گرفته، سومین مجلـد از مجموعه چهار جلـدی «درسـنامه مهـدویّت» با عنوان حضـرت مهدی علیه السلام از ظهور تا حکومت جهانی است. در این کتاب، مباحث مربوط به بزرگ ترین حادثه هستی؛ یعنی ظهور و قیام جهانی آخرین ذخیره الهی بحث و بررسی می شود.

پیش از این در جلـد نخست، با عنوان حضـرت مهـدی علیه السـلام از ولادت تا امامت، به بحث و بررسـی موضوع مهدویّت از ابتدای شـکل گیری، تا آغاز امامت حضـرت مهدی علیه السـلام، و در جلد دوم با عنوان حضـرت مهدی علیه السـلام و دوران غیبت، به بحث در باره موضوعات مربوط به دوران غیبت پرداخته شده است.

امیـد است به یاری خداوند، پس از این نیز در جلد چهارم با عنوان حضـرت مهدی علیه السـلام و حکومت جهانی، موضوعات مربوط به حکومت جهانی آن حضرت بررسی گردد.

در اینجـا بر خـود بایسـته می دانم سپاسـگزاری خـود را از همه اساتیـد بزرگـواری که بـا راهنمـایی هـای خود، این کمـترین را همراهی کردنـد، اعلاـم نموده، از همه عزیزان در بنیاد مبارک فرهنگی حضـرت مهـدی موعود علیه السـلام و مرکز تخصصـی مهدویّت به ویژه حجج اسـلام و المسـلمین مجتبی کلباسی، رحیم کارگر، علی مصلحی، محمد رضا نصوری و مهدی یوسفیان و در بخش انتشارات

مرکز از همه عزیزان مخصوصاً آقای احمد مسعودیان، نیز قدردانی نمایم که این کتاب را در جهت خدمت به ساحت ارزشمند مهدویت پذیرفته و به شایستگی آن را چاپ و منتشر کردند.

به امید آنکه این تلاش اندک، مورد پذیرش خداوند یگانه و رضایت آن پیشوای پنهان قرار گرفته، در جهت شناختن فرهنگ و معارف مهدویّت مفید افتد.

و توفیق از خداوند است

خدامراد سلیمیان

درس اول: جهان در آستانه ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. زندگی انسان ها در آستانه ظهور:

الف. زندگی فردی

۱. برخی مردان آستانه ظهور؛

۲. برخی زنان در آستانه ظهور.

ب. زندگی اجتماعی

۱. عرصه فرهنگی؛

۲. عرصه اجتماعی؛

۳. عرصه اقتصادی؛

۴. عرصه سیاسی.

و...

دو. جهان و طبیعت در آستانه ظهور :

۱ فراوان شدن آفات طبیعی؛

۲ زلزله های فراوان؛

۳ بلاهای شدید.

پیش درآمد

ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، برانگیخته شدن آخرین نور هدایت و ذخیره الهی برای هدفی بسیار بزرگ و به پایان رساندن راه نیمه تمام پیامبران و اولیای خداوند است. بیشتر روایاتی که از آن عصرِ روشنایی، سخن به میان آورده، از زندگی و جهان پیش از آن، به عنوان تاریک ترین دوران زندگی بشر و ستم بارترین مرحله حیات وی یاد کرده است. دورانی که می رود تا یأس و ناامیدی حاکم بر بخش های قابل توجه آن، آخرین رشته های پیوند انسان ها را از پروردگار یگانه بگسلد و آنها را در گرداب های هلاکت نابود سازد.

روایاتِ مربوط به ظهور و قیام جهانی، از برپایی «عدل و قسط» در آن دوران خبر داده، وضع جهان در آستانه ظهور را آکنده از ستم و بی عدالتی دانسته اند. برخی روایات به دیگر جنبه های زندگی و وضع عمومی جهان نیز اشاره کرده اند که در یک بررسی می توان تحولات جهان را در دو محور انسانی و طبیعی، قابل بررسی دانست. از این رو در این درس بر آن هستیم تا با بهره گیری از سخنان معصومان علیهم السلام تصویری در حدّ امکان از این دوران ارائه دهیم.

زندگی انسان ها در آستانه ظهور

اشاره

انسان به عنوان خلیفه خداوند و گل سرسبد آفرینش، در طول تاریخ بر اساس رفتارهای فردی و اجتماعی اش، دگرگونی هایی را تجربه کرده و فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. این تحولات گاهی روبنایی و گاهی نیز ژرف و بنیادین بوده است که به لحاظ اهمیت آن، مورد توجه آموزه های دینی است. روایاتی که این زندگی را در پایان دوران و آستانه ظهور و قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش گویی کرده، که در دو بخش قابل بررسی است:

یک. دگرگونی در زندگی فردی

شاخص ترین نمود تحوّل در زندگی فردی را می توان در چگونگی دین داری، ناامیدی و سرخوردگی انسان ها و... دانست.

سیمای زندگی در آخِرالزمان را می توان در دو گروه مردان و زنان این گونه ترسیم کرد:

۱. برخی مردان آستانه ظهور: آزمایش های خداوندعزوجلّ برای زنان و مردان یکسان است؛ ولی پاره ای از روایات، به ویژه درباره زندگی فردی مردان نقل شده است؛ آن گونه که در برخی روایت ها سخن از زندگی فردی زنان به میان آمده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

... وَرَأَیتَ الرَّجُلَ اِذَا مَرَّ بِهِ یَوْمٌ وَلَمْ یَکْسِبْ فِیهِ الذَّنبَ العَظِیمَ مِنْ فُجُورٍ اَوْ بَخْسِ مِکْیالٍ اَوْ مِیزانٍ اَوْ غِشیَانِ حَرامٍ اَوْ شُرْبِ مُسْکِرٍ کَئیباً حَزِیناً... ؛ (۱) مرد را می بینی هنگامی که یک روز بر او گذشته و گناه بزرگی انجام نداده است از قبیل فحشا، کم فروشی، کلاه برداری و یا نوشیدن مست کننده ای بسیار غمگین و اندوهگین می شود.

۲. برخی زنان در آستانه ظهور: زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی اگر چه از جهاتی با مردان متفاوتند؛ اما از نظر روح

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص ۴۰، ح۷.

انسانی با آنان هیچ تفاوتی ندارند؛ از این رو در عموم خطاب های دینی با مردان یکسان شمرده شده اند. اما گاهی به جهت برخی تفاوت های جسمی، روحی و عاطفی خطاب های ویژه ای متوجه آنان می شود. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

یَظْهَرُ فِی آخِرِالزَّمانِ وَاقتِرَابِ السَّاعَهِ وَهُوَ شَرُّ الاَزمِنَهِ نِسْوَهٌ کَاشِفاتٌ عَارِیاتٌ مُتَبَرِّجاتٌ مِنَ الدِّینِ دَاخِلاتٌ فِی الفِتَنِ مَائِلاتٌ اِلَی الشَّهَواتِ مُسرِعاتٌ اِلَی اللَّذَّاتِ مُستَحِلّاتٌ لِلْمُحَرَّمَاتِ فِی جَهَنَّمَ خَالِداتٌ؛ (۱) در آخِرُالزّمان و نزدیک شدن رستاخیز که بدترین زمان ها است، زنانی آشکار می شوند که برهنه و لخت هستند؛ زینت های خود را آشکار می سازند، به فتنه ها داخل می شوند و به سوی خواسته های نفسانی و شهوت ها می گرایند. به لذت ها می شتابند، حرام های الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود.

از ویژگی های یادشده هرچند در همه دوره های زندگی انسان ها بوده است؛ به نظر می رسد در پایان دوران به اوج و نهایت خود می رسد؛ از این رو مورد تأکید روایات قرار گرفته است.

دو. دگرگونی در زندگی اجتماعی

اشاره

زندگی در دوران غیبت حجت الهی، با سختی های فراوانی همراه است؛ بویژه آنکه تلاش شیطان های انسان نما در این دوران به اوج خود می رسد و هر چه به روزگار ظهور آن حجت الهی نزدیک تر می شویم، بر شدّت این وضعیت افزوده می شود. این دگرگونی های در عرصه های زیر قابل بررسی است:

۲۱. عرصه فرهنگی

بی گمان عرصه بررسی های فرهنگی بسیار گسترده است؛ اما از آنجا که به طور عموم فرهنگ دینی در آستانه ظهور، بیش از جنبه های دیگر فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است، در اینجا آن

۱- . صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۳، ص ۳۹۰، ح۴۳۷۴.

تأکید خواهد شد.

الف. رواج نافرمانی خداوند: پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جوّ حاکم بر جهان، جوّ ستم، گناه و فساد خواهد بود ؛ چنان که در قرآن کریم آمده است.

(اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسابُهُمْ وَ هُمْ فی غَفْلَهٍ مُعْرِضُونَ)؛ (۱) برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی خبری روی گردانند.

در این آیه، مردم آخرالزمان در آستانه برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به غفلت و روی گردانی از خداوند متّصف شده اند.

در روایات نیز منظور از «اشراط الساعه» رواج کفر، فسق و ظلم دانسته شده و موارد پرشماری از آن بر شمرده شده است. (۲)

امام باقر علیه السلام در روایتی برخی از مخالفت های با دستورات الهی را در آستانه ظهور این گونه بیان فرموده است:

إِذَا تَشَبَّهَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اکْتَفَی الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَکِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَ قُبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ وَ ارْتِکَابِ الزِّنَاءِ وَ أُکِلَ الرِّبَا وَ اتُّقِیَ الْأَشْرَارُ مَخَافَهَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ... ؛ (۳)

آنگاه که مردان به زنان تشبّه کنند و زنان به مردان و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان، و زنان بر زین ها سوار شوند و شهادت های دروغ پذیرفته شود و شهادت های عدول مردود گردد و مردم خونریزی و ارتکاب زنا و رباخواری را سبک شمارند و از اشرار به خاطر زبانشان پرهیز کنند و...!!

ب. دوری از دین و دینداری: روز به روز عوامل فراوانی،

۱- . انبیاء (۲۱)، آیه ۱.

۲- . ر.ک: آیه ۱۸ سوره محمد که در درس نشانه های قیامت بررسی می شود.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۳۰، ح۱۶.

گوهر تابناک دین را در هاله ای از غبار و غفلت فرو می برد، از این رو در جوامع انسانی دین رو به کم رنگ شدن می رود و خرافه ها و انحراف های مختلفی، گریبان گیر آن می شود، و وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند غبار از چهره دین برمی گیرد؛ بسیاری می پندارند این دین جدیدی است که آن حضرت آورده است! امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يُسَمَّوْنَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى؛ (۱) بر مردم روزی فرا می رسد که از قرآن جز رسم آن باقی نماند و از اسلام جز نام آن؛ بدان نامیده می شوند، در حالی که دورترین مردم از آن هستند! مسجدهای آنان آباد، اما از هدایت گری خراب است!

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در باره دین داری برخی انسان های این دوران فرمود:

يَأتِي عَلَى النَّاسِ زَمانٌ...دينُهُم دَراهِمُهُمْ وَ هَمُّهُمْ بُطُونُهُمْ وَقِبلَتُهُمْ نِساؤُهُمْ يَركَعُونَ لِلرَّغِيفِ وَيَسْجُدُونَ لِلدِّرْهَم حيارَى سُكارى لا مُسلِمينَ وَ لا نَصارى؛ (۲) زمانی بر مردم خواهد آمد... که دِرهم های آنان دینشان خواهد بود و همّت ایشان شکمشان و قبله آنها زنانشان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می آورند. آنان همواره در سرگردانی و مستی خواهند بود؛ نه بر مذهب مسلمانی اند و نه بر مسلک نصرانی.

امیرمؤمنان علی علیه السلام این حقیقت را این گونه بیان فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۳۰۷، ح۴۷۹.

۲- . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۷۱، ص۱۶۶، ح۳۱؛ ر.ک: مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج۱، ص۱۳۱.

فِیه؛ (۱) ای مردم! به زودی زمانی بر شما می رسد که اسلام چونان ظرف واژگون شده، آنچه در آن است، ریخته می شود.

مهم ترین عامل در پدید آمدن این وضعیت، تحریف در آموزه های متعالی دین در این دوران است که سبب می شود مردم از محتوای اصلی آن دور شده، به باورهای واهی رو آورند. البته نقش دشمنان در این زمینه نباید نادیده گرفته شود.

یادآوری

اگر چه در این دوران، انسان های فراوانی به کژی می گرایند؛ اما این گونه نیست که همه انسان ها در مسیر باطل گام بردارند؛ بلکه برخی به سبب ویژگی های شخصیتی و آگاهی های دینی، از نجات یافتگان این مرحله خواهند بود.

در این باره وقتی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم از چهره های پیروز این دوران یاد می کند، با شگفتی تمام به حضرت علی علیه السلام می فرماید:

یا عَلی اَعجَبُ النّاسِ اِیماناً وَ اَعْظَمُهُمْ یَقیناً قَوْمٌ یَکُونُونَ فِی آخِرِالزَّمانِ لَمْ یَلْحَقُوا النَبِی وَحُجِبَ عَنْهُم الحُجَّهُ فَآمَنُوا بِسَوادٍ عَلَی بَیاضٍ...؛ (۲) ای علی! بدان شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین، مردمی هستند که در آخِرالزمان با آنکه پیامبر خود را ندیده و از امام خود در پرده اند به نوشته که خطی سیاه بر صفحه ای سپید است، ایمان می آورند.

در اینجا مهم ترین سبب یقین و نجات توجه و عمل به سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام دانسته شده است. از بعضی روایات، استفاده می شود نجات یافتگان این دوران در میان انسان ها، ناشناس و غریب هستند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آنان

۱- . سیّد رضی، نهج البلاغه، خطبه۱۰۳.

۲- . صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۳۶۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۸۸، باب ۲۵، ح۸.

به نیکی یاد می کند:

إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِیباً وَ سَیَعُودُ کَمَا بَدَأَ فَطُوبَی لِلْغُرَبَاءِ؛ (۱) اسلام به غریبی آغاز شد و در آینده نیز بدان حال که شروع شده، باز خواهد گشت؛ پس خوشا به حال غریبان.

۲۲. عرصه اجتماع

بحث از دگرگونی هـای اجتمـاعی پیش از ظهور، بـا عبارت های مختلفی در روایات اسـلامی بیان شـده و در متون دینی پیش گویی های قابل توجهی شده است؛ مانند:

الف. فراگیر شدن سـتم: در بررسی روایات مربوط با قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهداف ایشان، کمتر روایتی به چشم می آید که به گونه ای به فراگیر شدن ستم در آستانه ظهور اشاره نکرده باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْیَا حَتَّی یَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِی رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ یَمْلَأُهَا عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرا؛ (۲) دنیا هرگز به پایان نمی رسد تـا آنکه امر امت مرا مردی از دودمـان حسـین بر پا دارد. زمین را پر از عـدل می سازد، آن گونه که از سـتم و بی داد پر شـده باشد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود:

لَتُمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْماً وَ جَوْراً حَتَّی لَا یَقُولَ أَحَدٌ اللَّهُ إِلَّا مُسْتَخْفِیاً ثُمَّ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِینَ یَمْلَئُونَهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً؛ (۳) زمین آکنده از سـتم و بیداد می شود، به گونه ای که کسـی خدا نمی گوید مگر در پنهانی؛ سپس خداوند گروهی از شایستگان را می آورد که زمین را پر از قسط و عدل می کنند آن گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

در همه روایات سخن از پر شدن زمین از ستم و بیداد است، نه ظالم و ستمگر؛ چرا که ممکن

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۶۶.

۲- . صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۶۶، ح۲۹۳؛ و نیز نک: ابی داود، سنن، ح۴۲۸۲.

۳- . طوسی، الامالی، ص ۳۸۲؛ نیز نک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۷.

است برخی از انسان ها با ستم بر انسان های فراوانی، اسباب پر شدن جهان را از ستم فراهم کنند.

ب. هرج و مرج و فتنه های بزرگ: درهم ریختگی در نظام زندگی و پیدایش فتنه های تاریک و گمراه کننده و نیز نابسامانی در نظم اجتماعی، از ویژگی های فراگیری ستم در جهان است. از آنجا که این فراگیری در آستانه ظهور به اوج خود می رسد، چنین آشفتگی جامعه جهانی را درگیر می سازد.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود:

مهدی این امت از نسل حسنین است آن هنگام که دنیا گرفتار هرج و مرج و فتنه های فراوان گردید و راه ها بسته شد.... (۱)

همچنین به نقل از جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

... وَ مِنَّا مَهْدِیُّ هَذِهِ الْأُمَّهِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْیَا هَرْجاً وَ مَرْجاً وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتَنُ وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ فَلَا کَبِیرٌ یَرْحَمُ صَغِیراً وَ لَا صَغِیرٌ یُوَقِّرُ کَبِیراً فَیَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ ذَلِکَ مَهْدِیَّنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ؛ (۲) مهدی این امت از ما خاندان رسالت است؛ وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شد و فتنه ها در میان مردم نمایان گشت و امنیت از راه ها گرفته شد و برخی از این مردم به بعضی دیگر هجوم آوردند و بزرگان به زیردستان رحم نکردند و افراد کم سن و سال به بزرگان و کهن سالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند حسین علیه السلام است، بر می انگیزاند.

ج. اختلاف شدید مردم: از برخی روایات استفاده می شود اختلاف بین انسان ها در آستانه

۱- . ابراهیم بن محمد جوینی، فرائد السمطین، ج۲، ح۴۰۳.

۲- . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۳۶، ص۳۰۷.

ظهور شدت فراوانی می یابد که ناشی از ستم ها و هرج و مرج در جهان است. امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا یَکُونُ ذَلِکَ الْأَمْرُ حَتَّی یَتْفُلَ بَعْضُکُمْ فِی وُجُوهِ بَعْضٍ وَ حَتَّی یَلْعَنَ بَعْضُکُمْ بَعْضاً وَ حَتَّی یُسَمِّیَ بَعْضُکُمْ بَعْضاً کَذَّابِینَ؛ (۱) آن امر واقع نخواهد شد تا اینکه برخی از شما در روی بعضی دیگر آب دهان اندازند و تا اینکه بخشی از شما دیگری را لعن کنند و تا اینکه گروهی از شما گروه دیگر را دروغ گو بنامند!!

د. یأس و ناامیدی مردم: بر اساس روایات معصومان علیهم السلام از اتفاق های رایج در زندگی انسان ها در آستانه ظهور، احساس ناامیدی از بسامان شدن امور زندگی است. این حالت روحی که عموم انسان ها را در بر می گیرد، برخاسته از فاصله ای است که انسان ها از خداوند و آموزه های دینی می گیرند و زندگی آنان همراه با گناه است. داوود بن کثیر رقی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

جُعِلْتُ فِدَاکَ قَدْ طَالَ هَذَا الْأَمْرُ عَلَیْنَا حَتَّی ضَاقَتْ قُلُوبُنَا وَ مِتْنَا کَمَداً؛ فدایت گردم! این امر[فرج و گشایش] بر ما به درازا کشید، تا بدآنجا که سینه های ما تنگ شد و از اندوه جانمان به لب رسید.

آن حضرت فرمود: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ آیَسُ مَا یَکُونُ وَ أَشَدُّ غَمّا؛ (۲) این امر آن گاه صورت گیرد که از آن در کمال نومیدی و شدیدترین اندوه ها باشند.

ابوحمزه ثمالی گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم فرمود:

وَ خُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِیَاسِ وَ الْقُنُوط؛ (۳) و خروج او آن گاه که خروج کند، هنگام یأس و ناامیدی است.

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۰.
۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱، ح ۲۹.
۳- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۴، ح ۲۲.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَاسٍ وَ لَا وَ اللَّهِ حَتَّى تُمَيَّزُوا وَ لَا وَ اللَّهِ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَ لَا وَ اللَّهِ حَتَّى يَشْقَى مَنْ يَشْقَى وَ يَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ؛ (۱) این امر (ظهور امام دوازدهم)به شما نمی رسد، جز پس از ناامیدی و نه به خدا [به شما نمی رسد[تا]خوب از بد] جدا شوید و نه به خدا تا بررسی شوید و نه به خدا تا شقاوت به شقی رسد و سعادت به سعید.

ه . احساس بی پناهی در مردم: از بارزترین پیامد ناامیدی، احساس بی پناهی است؛ پیشوایان معصوم علیهم السلام در وصف آستانه ظهور، بر این نکته تأکید کرده اند که یکی از ویژگی های این دوره، احساس بی پناهی و بی کسی در مردم است. آنان می اندیشند همه درها بر رویشان بسته شده و جایگاهی که حق خود را باز ستانند، دور از دسترس است. صنعانی یکی از بزرگان اهل سنت نقل می کند:

ذَکَرَ رَسولُ الله بلاءَ یُصیب هذه الاُمّه حَتّی لایَجِد الرّجلُ مَلْجَأً یَلْجَأُ اِلیه مِنَ الظُّلم فَیَبْعَثُ اللهُ رَجُلا مِنْ عِتْرَتی مِنْ اَهلِ بَیتِی...؛ (۲) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بلایی را یاد کرد که بر این امت سرازیر خواهد شد تا آنکه در آن مرد پناهگاهی نمی یابد تا از ستمی که به او می شود، بدان پناه برد. پس خداوند مردی از اهل بیت من را برانگیزد....

و. مرگ و میر فراوان در آستانه ظهور: در بعضی از روایات به طور روشن از مرگ و میرهای گسترده در آستانه ظهور سخن به میان آمده است. صرف نظر از بررسی سند آنها، حجم قابل توجهی از روایات اختصاص به این موضوع یافته و علت های مختلفی برای آنها بیان شده است. سلیمان بن خالد گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص ۳۷۰، ح۳.

۲- . عبد الرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۰

فرمود:

قُدَّامَ الْقَـائِمِ مَوْتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْيَضُ... الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونُ؛ (۱) پیش تر از قـائم دو مرگ خواهـد بود یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید... مرگ سفید طاعون است.

بعید نیست که مراد حضرت در این روایت از طاعون، ویژگی همه گیر بودن آن، است. امروزه ثابت شده به رغم همه پیشرفت های بشـر در دانش، گاهی یک بیماری همه گیر، جامعه جهانی را به طور جـدّی تهدیـد می کند! انواع آنفولانزها نمونه ای از اسباب این بیماری های فراگیر است که امروزه بسیاری از برنامه های جهانی را تحت تأثیر خود قرار می دهد!

ز. کشـتار فراگیر در آسـتانه ظهور: در جامعه ای که بر مدار سـتم به دیگران و دوری از آموزه های الهی اسـتوار باشد، فتنه ها، آشوب ها و اختلافات در آن به اوج خود می رسد و مردم در ناامیدی از سامان یافتن زندگی می باشند، جنگ های خونینی به راه می افتـد و انسـان هـای بی شـماری را به کـام مرگ سوق می دهـد که این حقیقت در روایـات فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم السـلام انعکـاس یـافته است. درآسـتانه ظهـور، جنـگ هـای خـونین فراوانی رخ خواهـد داد که بسـیاری از مردم، کشـته خواهند شد. از این کشتار، به مرگ سرخ یاد شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

بَیْنَ یَدَی القائِمِ مَوْتٌ اَحْمَرٌ وَمَوْتٌ اَبْیَضٌ وَجَرادٌ فی حینِهِ وَجَرادٌ فِی غَیرِ حینِهِ اَحْمَرٌ کَالْوانِ الـدَّمِ فَاَمّا المُوتُ الاَحْمرُ فَالسَّیفُ وَاَمّا المَوتُ الاَبیَضُ فَالطّاعُونُ؛ (۲) در آستانه قیام قائم، مرگ سرخ، مرگ سفید و ملخ هایی به هنگام و ملخ هایی نابه هنگام سرخ، همچون خون خواهد بود؛ اما مرگ سرخ [کشته شدن

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۵، ح۲۷.

۲- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۳۸، ح ۴۳۰.

با] شمشیر است و مرگ سفید به وسیله طاعون است.

اگر چه در برخی روایات مربوط به این جنگ های فراوان و کشتارهای بزرگ، تردیدهایی شده است؛ اما بدون شک عوامل یاد شده، چنین وضعیتی را به طور طبیعی رقم خواهد زد؛ بویژه آنکه دیده می شود سازمان های حقوق بشر به جای حمایت از صلح جهانی و ستم دیدگان، در جهت منافع مستکبران بیانیه هایی صادر می کنند!!

۲۳. عرصه اقتصادی

از لحاظ اقتصادی عموم مردم، با فاصله گرفتن از آموزه های دینی و یاد خداوند، در زندگی سختی به سر خواهند برد. همان گونه که خداوند می فرماید:

(وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَهً ضَنْكا)؛ (۱) و هر كس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت.

در نگاه نخست به نظر می رسد جوامع انسانی رو به رفاه و آسایش می روند؛ اما بخش های زیادی در لایه های آشكار و پنهان جامعه، همچنان با فقر و ناداری دست به گریبان هستند. محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت كرده كه آن حضرت فرمود:

همانا پیش از قیام قائم علیه السلام نشانه هایی خواهد بود از جمله: آزمایش [به گرفتاری] از جانب خدای تعالی برای بندگان با ایمان، عرض كردم: آن آزمایش چیست؟ فرمود: همان فرمایش خدای عزّ و جلّ است كه: (وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرینَ)؛ (۲) «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیلِ] ترس و گرسنگی، و كاهشی در اموال و جان ها و محصولات می آزماییم و مژده ده شكیبایان را». آن حضرت فرمود: حتماً شما را خواهیم

۱- . سوره طه (۲۰)، آیه ۱۲۴.

۲- . بقره (۲)، آیه ۱۵۵.

آزمود؛ یعنی، مؤمنـان را به چیزی از ترس از پادشاهـان فلاـن خانـدان در پایان سـلطنتشان و گرسـنگی با گرانی نرخ هایشان و کاستی در مال ها منظور خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن، و جان ها.... (۱)

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا بُدَّ أَنْ یَکُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَهٌ تَجُوعُ فِیهَا النَّاسُ وَ یُصِیبُهُمْ خَوْفٌ شَدِیدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِکَ فِی کِتَابِ اللَّهِ لَبَیِّنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآیَه؛ (۲) ناگزیر بایـد پیش از آمـدن قائم علیه السـلام، سالی باشـد که مردم در آن سال گرسـنه بماننـد و آنـان را ترسـی سـخت از کشـتار و کاهش در مال ها و کم شـدن عمرها و محصولات فراگیرد. این در کتاب خداوند بسیار آشکار است؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: (وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ...).

۲۴. عرصه سیاسی

آنچه پیش تر گفته شـد، می توانـد در عرصه سیاسـی نیز نقش مهمی داشـته باشـد که در اینجا به بعضـی از این امور اشاره می شود:

الف. وقوع نزاع ها و درگیری های بسـیار: در برخی از روایات به صورت ویژه این درگیری ها را در عرصه سیاسی مورد توجه قرار داده انـد. از این رو یکی از نشـانه های آخرالزمان، اختلاف ها و درگیری های فراوان میان گروه ها و احزاب معرفی شـده است. خداوند متعال در این باره می فرماید:

(فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُواْ مِن مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیمٍ)؛ (۳) گروه ها با هم اختلاف کردند، پس وای بر کافران به هنگام حضور در آن روز بزرگ!

برخی روایات، این آیه را به ظهور فرقه های گوناگون در جهان اسلام مربوط دانسته اند که در

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰، ح ۵.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰، ح ۶.

۳- . مریم (۱۹)، آیه ۳۷.

آخرالزمان پدید آمده، موجب اختلاف های بسیار خواهند شد. امام باقر علیه السلام فرمود:

از علی علیه السلام در باره آیه (فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَيْنِهِمْ) پرسیده شد؛ فرمود: انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ؛ از سه چیز انتظار گشایش داشته باشید. راوی گوید: پرسیدم: ای امیر مؤمنان! آنها چیست؟ فرمود: اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ وَ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ وَ الْفَزْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَان؛ (۱) اختلاف بین مردمان شام، پرچم های سیاه از خراسان و صدای بلند در ماه رمضان.

صرف نظر از اعتبار این گونه روایات، روشن است که برخی از آنچه در روایت آمده، مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

ب. حکومت ها (عمر حکومت ها، مرگ زمام داران): در پاره ای از روایات گفته شده در دوران آخر و آستانه قیام جهانی، حکومت ها مجال چندانی پیدا نخواهند کرد. در آستانه ظهور، ستم و بی داد به اوج خود می رسد و بیشترین ظلم از ناحیه حاکمان به مردم است و در روایات اشاره شده خداوند، ستمگران را به زودی بازخواست و سرنگون خواهد کرد. (۲)

جهان و طبیعت در آستانه ظهور

علاوه بر تغییراتی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها به وقوع می پیوندد، در روایات به دگرگونی های طبیعی نیز اشاره شده است. از مجموع روایات، می توان به این حکم کلی رسید که در آستانه ظهور، نظام آفرینش دچار برخی تغییرات می شود؛ چه اینکه این تغییرات معلول تصرفات انسانی باشد یا به اراده خداوند شکل گیرد.

از مهم ترین پدیده های طبیعی می توان به

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۵۱، ح۸.

۲- . نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۲، ص۳۳۳، ح۱۴.

زلزله های شدید، مرگ و میرهای فراوان، باران های زیاد و آفت های طبیعی نام برد. اگرچه ممکن است برخی به خاطر پیشرفت های شگرف در عرصه های گوناگون، این امر را دور از دسترس بدانند؛ اما تجربه ثابت کرده با وجود پیشرفت های بزرگ در عرصه های طبیعی، دخالت های نابجای انسان در طبیعت، منشأ پدید آمدن برخی آفت ها شده که حاصل جهش های ناخواسته در مسیر حرکت طبیعی است. در برخی روایات این آسیب ها این گونه بازتاب یافته است:

الف. زلزله های فراوان: ابو سعید خدری از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که فرمود:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرا؛ (۱) بشارت می دهم شما را به مهدی برانگیخته می شود بر اختلاف میان مردم و زلزله ها؛ پس زمین را پر می کند از عدل و قسط آن گونه که پر شده است از ستم و بیداد.

ب. بلاهای شدید: از أبی حمزه ثمالی روایت شده که گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرماید:

يا أَبَا حَمْزَةَ لَا يَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلَازِلَ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ...؛ (۲) ای أبا حمزه، قائم قیام نمی کند مگر در دوره ترس و وحشت، و زمین لرزه ها و گرفتاری و بلائی که گریبانگیر مردم می گردد و....

همه اموری که یاد شد، می تواند برای آزمایش انسان ها در این دوران باشد.

صفوان بن یحیی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

وَ اللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَ تُمَيَّزُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَالْأَنْدَرُ؛ (۳) آنچه شما چشمان خود را به سویش می دارید (منتظر و چشم به راه

۱- . علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج۲، ح۴۷۱.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۳۴، ح۲۲.

۳- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۰۸، ح۲۲.

آن هستید) واقع نخواهد شد تا اینکه پاکسازی و جداسازی شوید و تا اینکه نماند از شما مگر هر چه کمتر و کمتر.

توضیح:

در پایان شایسته یادآوری است که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، بر این باورند در پس این دوران سخت و طاقت فرسا با ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهان وضعیت دیگری پیدا می کند:

ترس و ناامنی از بین رفته و امنیت و آرامش همه جا را فرا می گیرد؛

فساد، ستم و تباهی از جهان ریشه کن و از قسط و دادگری آکنده می شود؛

برکت های بی شمار آسمان، نازل و نعمت های بی کران زمین، آشکار شده و گنجینه ها و معادن آن استخراج می گردد؛

علوم، صنعت و فن آوری پیشرفت خارق العاده ای یافته و خرد و عقل مردم کامل می شود؛

کشورها و شهرها آباد و زمین خرّم گشته و دیگر ویرانی و عقب ماندگی در آن وجود نخواهد داشت؛

اقتصاد جوامع پیشرفت کرده و ثروت و درآمدها، عادلانه توزیع می شود؛

علم طب و بهداشت و درمان، رشد یافته و بیماری ها ریشه کن می شود.

کارگزاران امور، از افراد با ایمان و کاردان انتخاب شده و آنان خدمت گزاران مردم خواهند بود؛

سرانجام بشر به آرزوی دیرینه خود مبنی بر حکومتی عادلانه، جامعه ای اخلاق مدارانه، آیینی خداپرستانه و رفاه و امنیتی جاودانه خواهد رسید.

خودآزمایی

۱. امام علی علیه السلام ویژگی برخی زنان آخرالزمان و آستانه ظهور را در چه اموری دانسته است؟

۲. رواج نافرمانی از خداوند در آستانه ظهور، به چه معناست؟ دو مورد را شرح دهید.

۳. مهم ترین عامل در دوری مردم از دین و دین داری کدام است؟ در این باره توضیح دهید.

۴. قرآن مهم ترین سبب زندگی تنگ و سخت را در چه چیزی معرفی کرده است؟ این عامل در آستانه ظهور چگونه است؟

۵. برخی تغییرات مهم در جهان و طبیعت کدامند؟ دو نمونه را توضیح دهید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۱۳۷۷ ش.

۲. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ش.

۳. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ش.

۴. موسوی اصفهانی، سیّد محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، دو جلد، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ش.

۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ش.

درس دوم: شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم شناسی شرایط ظهور؛

برخی ویژگی های شرایط ظهور.

شرایط ظهور:

۱ وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی؛

۲ وجود رهبر و هدایتگری بزرگ، شایسته و معصوم؛

۳ وجود گروهی از انسان های پاکدل و فداکار؛

۴ احساس نیاز در جامعه جهانی.

پیش درآمد

ظهور و قیام جهانی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انقلابی فراگیر، گسترده و سرنوشت ساز است که همه بنیان هـای اعتقـادی، اخلاـقی، اجتمـاعی و سیاسـی بشـر را دسـتخوش دگرگونی می سازد. امر ظهور به عنوان سـرآغاز بزرگ ترین تحول در جهـان آفرینش هماننـد قیام و نهضت همه پیامبران و صالحان به طور عمـده از طریق اسـباب و علل طبیعی شـکل می گیرد و نیازمند فراهم شدن شرایط و زمینه هایی مناسب است.

اگر چه ممکن است برخی از شـرایط از نگاه ما پنهان بوده و جزو رازهای الهی باشد؛ اما با بررسی روایات، به بعضی از شرایط دست می یابیم. در این درس ضـمن اینکه اراده الهی شرط اساسی ظهور دانسته شده، چهار شرط برای برپایی حکومت جهانی مهدوی مطرح گشته است.

مفهوم شناسی شرایط ظهور

اشاره

«شـرط» در لغت به معنای چیزی است که تحقّق مشـروط، به آن بسـتگی دارد و جمع آن شـرایط و شروط است. (۱)مقصود از شرایـط ظهور، زمینه هـایی است که تحقق ظهور امـام عصـر عجـل الله تعالی فرجه الشـریف به آنها بسـتگی دارد و آن را امری منطقی و لازم می نمایاند؛

۱- . نک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۶، ص ۳۹.

به گونه ای که با فراهم شدن آنها، ظهور به طور حتمی تحقق خواهد یافت.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی حکومت عدل جهانی با فراهم شدن شرایط و زمینه ها، پدید خواهد آمد. در روایات بخشی از شرایطی که می بایست تحقق یابد تا امر ظهور را حتمی کند، برای ما بیان شده است. در درس فلسفه و علل غیبت (۱) گفته شد: مهم ترین ویژگی و حکمت غیبت، رازی از رازهای خداوند بودن آن است؛ بنابراین می توان گفت: رفع غیبت به عنوان شرط اساسی برای ظهور نیز خود رازی از رازهای الهی است.

پس آنچه در اینجا به عنوان «شرایط ظهور» از آن یاد می شود، شرایط ظاهری است که در روایات بیان شده است؛ وگرنه ممکن است شرایط دیگری نیز باشد که از اسرار الهی بوده و از ما پوشیده است.

از آنجایی که تعریف روشنی برای شرایط ظهور در دست نیست، می توان با بیان بعضی از ویژگی های شرایط ظهور، تا اندازه ای به تعریف آن پی برد:

۱. شرایط می بایست به طور حتم پیش از ظهور فراهم شود؛ وگرنه تحقق مشروط پیش از شرط خواهد بود که غیر قابل قبول است.

۲. وابستگی ظهور به شرایط، یک نحوه وابستگی واقعی است؛ یعنی، نبود بعضی از شرایط موجب تحقق نیافتن ظهور است. معنای «شرط» در فلسفه آن است که رابطه آن با مشروط، رابطه علت با معلول باشد؛ به طوری که مشروط بدون وجود شرط، هیچ گاه موجود نشود. (۲)

۳. از آنجایی که رابطه شرایط با ظهور یک رابطه واقعی است و سبب پیدایش آن می باشد، باید همه شرایط به طور همزمان یک جا جمع

۱- . نک: جلد دوم از همین مجموعه.

۲- . نک: سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۴۹۰.

باشد.

۴. وابستگی ظهور به شرایط، هم در حدوث و هم در بقا است، به این معنا که شرایط می بایست همواره در طول ظهور بقا و دوام داشته باشد.

۵. در شرایط، نوعی هم پوشانی و ارتباط با دیگر شرایط وجود دارد.

۶. آگاهی از تحقق قطعی همه شرایط، خارج از توان انسان هاست. (۱)

حال که تا اندازه ای مفهوم شرایط ظهور و ویژگی های آن روشن شد با استفاده از روایات و بیانات دانشمندان، می توان شرایط را در موارد زیر برشمرد:

یک. وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی

برای هر تحوّلی بزرگ، باید پیش از هر اقدام، چهارچوب آن ترسیم گردد و اهداف آن، مشخص شود. ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان بزرگ ترین و گسترده ترین تحول در جامعه بشری، پیش از هر چیز دارای برنامه ای متناسب با عظمت و گستره آن است؛ چراکه بدون آن نمی توان جامعه ای کوچک را اداره کرد، چه رسد به جامعه ای به گستردگی همه انسان های کره زمین.

آموزه های اسلامی بیانگر این حقیقت است که موعود منجی، هیچ برنامه و طرحی ندارد؛ جز آنچه که به دست آخرین پیامبر الهی در میان انسان ها به امانت سپرده شده است.

حال چنانچه در بعضی از روایات، سخن از دستورات نو در عصر ظهور به میان آمده، رفع پیرایه هایی است که آموزه های دینی را در بر می گیرد؛ از این رو در آن زمان دستورات اصیل دینی برای مردمان، اموری نوین می نماید.

خداوند متعال در آیات قرآن، همه نیازهای اساسی انسان ها را در زندگی فردی و اجتماعی

۱- . شاید حکمت اینکه علم به زمان دقیق ظهور فقط در خداوند است، نیز همین نکته باشد که آگاهی قطعی از فراهم شدن همه شرایط ظهور در علم خداوند است.

تا قیامت، بیان فرموده است و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام در موارد لازم، آیات الهی را در حد فهم مخاطبان بیان کرده اند. در روایات فراوانی نیز تأکید شده که حضرت پس از ظهور، به طور دقیق به دستورات خداوند و سنت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم عمل خواهد کرد.

محمد بن مسلم گوید: در باره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از امام باقر علیه السلام پرسیدم که: وقتی قیام می کند به کدام روش بین مردم حکومت می کند؟ فرمود:

بِسِیرَهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلمحَتَّی یُظْهِرَ الْإِسْلَام؛ (۱) به روش و سیره ای که پیامبر بدان عمل کرد تا آنکه اسلام را پیروز کند.

از این شرط سه مطلب به دست می آید:

الف. هدف نهایی از ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقّق نقشه کامل اسلام است که در آن هیچ ظلم و ستمی وجود ندارد.

ب. این نقشه فقط به هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عملی می شود و اگر بخواهد در آن روز هم قابل اجرا نباشد، دیگر در هیچ زمانی محقق نخواهد شد و گسترش عدالت در روز موعود، محال و ممتنع می شود.

ج. پیش از آنکه بخواهند این نقشه را عملی کنند، اصول و کلیّات آن باید برای مردم روشن باشد و از آن آگاهی داشته باشند. (۲)

دو. وجود رهبر و هدایتگری شایسته و معصوم

اشاره

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همچون همه حرکت های اجتماعی و گروهی، نیازمند رهبری است که بتواند با بهره مندی از توانایی های روحی و جسمی، سکان این کشتی بزرگ را در دست گیرد و آن را تا ساحل نجات رهبری کند. از آنجایی که این انقلاب و قیام در نوع خود بی مانند است، رهبر آن نیز می بایست دارای ویژگی های برجسته

۱- . طوسی، تهذیب الأحکام، ج۶، ص۱۵۴.

۲- . سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص۴۹۶.

و متناسب با آن باشد.

گفتنی است انسا ن ها ناگزیر از زندگی اجتماعی اند که در آن برای برپایی قانون، نیازمند رهبر و حاکم هستند. (۱) البته اگر در زندگی به دنبال سعادت باشند، ناگزیر این رهبر باید دارای ویژگی ها و شایستگی هایی باشد. بنابراین، این شرط به هنگام تحلیل به دو شرط زیر تقسیم می شود:

۱. وجود رهبر برای این نهضت جهانی که بدون او چنین نهضتی راه نمی افتد.

۲. این رهبر باید شایستگی رهبری در سطح یک حکومت جهانی را داشته باشد.

در بعضی از متون پیش از اسلام، بیشتر به حاکمیتِ شایستگان اشاره و به فرودستان نوید وراثتِ زمین داده شده است؛ اما در آموزه های دین اسلام، به طور روشن، رهبرِ آن جامعه آرمانی معرفی شده است. روشن است که انبوه روایات شیعه و اهل سنت، گواه اهتمام بزرگان دین اسلام به معرفی رهبر برای آن حرکت بزرگ جهانی بوده است. در این میان بویژه در منابع روایی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به روشنی نَسَب و ویژگی های آن رهبر بزرگ بیان شده است. (۲)

شیعیان با دلیل های محکم، تحقّق این شرط را با ولادت فرزندی برای امام حسن عسکری علیه السلام قطعی می دانند؛ از این رو معتقدند که از میان چهار شرط معروف در روایات، به طور قطع شرط دوم نیز پدید آمده است.

ویژگی های رهبر

اشاره

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین امام و حجت الهی، دارای دو دسته ویژگی است:

نخست ویژگی هایی که مربوط به امام بودن

۱- . امیر مؤمنان علی علیه السلام، در باره اهمیت وجود رهبر در هر جامعه فرمود: «...وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِیرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ...»؛ «... و همانا مردم ناگزیرند از داشتن زمامدار؛ چه نیکوکار و چه بدکار...»: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۲- . در جلد نخست این اثر به بعضی از این ویژگی ها اشاره شده است.

ایشان است؛ از این رو با دیگر امامان معصوم علیهم السلام در این ویژگی های مشترک است (عام). (۱)

و اما دسته دوم، خصوصیاتی است که در ارتباط با قیام جهانی آن حضرت معنا پیدا می کند (خاص).

۱. ویژگی های عام

اشاره

درک ویژگی های امام، کاری بس مشکل می نماید و یکی از راه های این شناخت، بهره مندی از فرمایش های خود پیشوایان معصوم است. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در باره مقام امام، این گونه می¬فرماید:

... الاِمَـامُ أَمِینُ اللَّهِ فی خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَی عِبَـادِهِ وَ خَلِیفَتُهُ فِی بِلادِهِ وَ الـدَّاعِی إِلَی اللَّهِ وَ الـذَّابُّ عَنْ حُرَمِ اللَّهِ الاِمَـامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الـذُّنُوبِ وَ الْمُبَرَّأُ عَنِ الْعُیُوبِ الْمَخْصُوصُ بِـالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِـالْحِلْمِ نِظَـامُ الـدِّینِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِینَ وَ غَیْـظُ الْمُنَافِقِینَ وَ بَوَارُ الْکَافِرِینَ الاِمَامُ وَاحِدُ دَهْرِهِ لایُدَانِیهِ أَحَدٌ وَ لایُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لا یُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لا لَهُ مِثْلٌ وَ لا نَظِیرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ کُلِّهِ مِنْ غَیْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لا اکْتِسَابٍ بَلِ اخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ... ؛ (۲)

امام امانت دار خداونـد در میان خلق و حجّت او بر بنـدگان و خلیفه او در سرزمین هایش، دعوت کننـده به سوی خـدا و دفاع کننـده از حقوق واجب او بر بنـدگان است. امام پاک از گناه و به دور از عیب¬ها است. دانش ها به او اختصاص دارد و او به بردباری شناخته می شود. امام نظام دهنده به دین و باعث سربلندی مسلمانان و خشم منافقان و از بین رفتنِ کافران است. امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی شود و هیچ دانشمندی با او برابری نمی کند و جایگزینی برای او پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت ها مخصوص او است، بدون آنکه

۱- . به جهت اختصار در این درس فقط اشاره ای اجمالی به این دسته ویژگی ها می کنیم و علاقه مندان را به کتاب های مفصل در این زمینه توصیه می کنیم.

۲- . محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱.

آنها را طلب کرده باشد. این امتیازی از طرفِ فضل کننده بسیار بخشنده، برای امام است.... (۱)

با بهره گیری از این گونه روایات می توان بعضی از این خصوصیات را این چنین اشاره کرد:

۱۱. علم و آگاهی امام

شاخص ترین صفت پیشوای جامعه اسلامی، برخورداری از شناختی ژرف به خداوند متعال و تعالیم اوست؛ چرا که اصلی ترین نقش او، رهبری جامعه برای رسیدن به کمال و لقای الهی است. امام، به عنوان رهبر و پیشوای مردم، بایـد آموزه های دینی را در تمام زوایای خود بشناسد و به قوانین آن آگاهی داشته باشد و نیز با احاطه کامل بر آیات قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تبیین معارف دین بپردازد.

۱۲. عصمت و پاکی

در فرهنگ شیعه، «عصمت امام» به اصلی پذیرفته شده و بیانگر جایگاه بلند جانشینان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. در محل خود با برهان های عقلی و نقلی ثابت شده که امامت جامعه اسلامی را جز معصومان نمی توانند در اختیار بگیرند، که اگر چنین شد جز گمراهی حاصلی در پی نخواهد داشت. (۲)

۲. ویژگی های خاص

۲۱. قدرت و اقتدار روحی و جسمی

از ویژگی های بارز روحی و جسمی حضرت مهدی علیه السلام قوّت فوق العاده جسمانی ایشان است. امام رضا علیه السلام فرمود:

۱- . این روایت مفصل است که علاقه مندان می توانند به متن کامل آن مراجعه می کنند.

۲- . (وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظَّالِمین)؛ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی رسد.»؛ بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

... وَاِنَّ القـائِمَ هُوَ الَّذی اِذا خَرَجَ کـانَ فی سِنِّ الشُّیوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبّانِ قَوِیـاً فی بَدَنِهِ حَتّی لوْ مَدَّ یـدَهُ اِلی اَعْظَمِ شَجَرَهٍ عَلی وَجْهِ الاَرْضِ لَقَلَعَها وَلَوْ صاحَ بَینَ الجِبالِ لَتَدَکْدَکَتْ صُخُورُها...؛ (۱)... قـائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف کسـی است که چون ظهور کند، در سن پیران است و سیمای جوان دارد. چنان نیرومند است که اگر دست به بزرگ ترین درخت زمین اندازد، آن را از جا بکند و اگر میان کوه ها نعره کشد، سنگ های آنها را از هم بپاشد.

علیّ بن أبی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ علیه السـلام لَأَنْکَرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ یَرْجِعُ إِلَیْهِمْ شَابّاً مُوفِقاً لَا یَثْبُتُ عَلَیْهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِیثَاقَهُ فِی الذَّرِّ الْأَوَّلِ؛ (۲) اگر قائم علیه السـلام قیام کند، مردم او را انکار خواهند کرد؛ زیرا او به صورت جوانی رشـید به سوی ایشان باز خواهد گشت. هیچ کس بر اعتقاد به او پایدار نخواهد ماند، مگر مؤمنی که خداوند در عالم ذرّ نخستین از او پیمان گرفته باشد.

در بعضـی روایـات برای تبیین هرچه بهتر اقتـدار و توانـایی هـای حضـرت، ایشان به پیامبران بزرگ الهی بخصوص پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم تشبیه شده است.

در این باره امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود:

الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی اسْمُهُ اسْمِی وَ کُنْیَتُهُ کُنْیَتِی أَشْبَهُ النَّاسِ بی خَلْقاً وَ خُلْقاً؛ (۳) مهـدی از فرزنـدان من است؛ اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. از نظر خَلق و خُلق شبیه ترین مردم به من است.

احمد بن اسحاق گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود:

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۱۸۸، ح۴۳؛ ص۲۱۱، ح ۲۰؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۲۰.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۸۷، ح۴.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یُخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیَا حَتَّی أَرَانِی الْخَلَفَ مِنْ بَعْدِی أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ ص خَلْقاً وَ خُلْقاً؛ (۱) سپاس از آنِ خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد؛ او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول خداست.

۲۲. متعهد نبودن به قدرت های حاکم

از دیگر ویژگی های رهبر، آزاد بودن او از تعهدِ به دیگران است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با غیبت خود، مجبور به بیعت با طاغوت های زمان نشده است. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

اِنَّ القائِمَ مِنَّا اِذا قامَ لَمْ تَکُنْ لاَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیعَه فَلِذلکَ تُخفی وِلادَتُهُ وَیغیبُ شَخْصُهُ؛ (۲) همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علّت است که ولادتش، مخفی نگه داشته می شود و شخص او غایب است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

یَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَیْسَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَا عَقْدٌ وَ لَا بَیْعَهٌ؛ (۳) قائم قیام می کند و در گردن او برای هیچ کس پیمان و قرارداد و بیعتی نیست.

سه. وجود گروهی از انسان های پاکدل و فداکار؛

با توجه به گستره انقلاب مهدوی، باید انسان های توانمندی باشند که رهبر انقلاب را در رسیدن به هدف یاری کنند؛ آنان در اوج تقوا به سر می برند و برای دفاع همه جانبه از برنامه امام آمادگی دارند؛ چرا که بنای خداوند بر آن است که به جز مواردی که خود صلاح می داند، امور بر مجرای طبیعی جریان یابد.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۰۸، ح۷.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳، ح۱۴.

۳- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۴۲، ح۲۵.

به عبارت روشن تر: از سنت های الهی است که همواره مردم را در یاری رهبران و پیامبران خود شریک و سهیم کند؛ از این رو پیامبران الهی علیهم السلام در رساندن پیام خویش به مردم، از یارانی کمک گرفته اند.

در آیات قرآن به نمونه های فراوانی از این یاری گری اشاره شده است. (۱)

یکی از دلیل هایی که عموم پیشوایان معصوم، دست به اقدام جدّی برای برپایی حکومت نزدند، نبود یاران کافی برای همراهی ایشان در این مسیر بود. به عنوان مثال امیر مؤمنان علیه السلام ۲۵ سال سکوت تلخ و طاقت فرسا را تحمل کرد؛ امام مجتبی علیه السلام ناگزیر تن به صلح داد؛ امام حسین علیه السلام مظلومانه در سخت ترین شرایط به شهادت رسید؛ امام سجاد و امامان پس از وی تا امام عسکری علیهم السلام، همگی از حق حاکمیت خود بر جامعه محروم ماندند و هرگز برای بازپس گیری خلافت ظاهری و به عهده گرفتن حکومت و هدایت جامعه، اقدام نظامی و قیام آشکار انجام ندادند.

در این دوران فقط به دو مرحله می توان اشاره کرد که با حضور جمعی از یاران، امامان معصوم علیهم السلام دست به اقدامی محدود زدند: نخست دوران پنج ساله حکومت امیر مؤمنان علی علیه السلام و دیگر قیام تاریخی امام حسین علیه السلام است.

آنان خود می فرمودند: اگر یارانی استوار داشتند هرگز از قیام بر علیه ستم و ستمگران باز نمی نشستند.

البته منظور از یاران، همانا شیعیان راستین و ثابت قدم بود که در حمایت از امامان معصوم علیهم السلام و اهداف ایشان، از هیچ تلاشی فروگذار نبودند و این گونه یاران بس اندک بودند. مأمون رقی می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام بودم، ناگهان، سهل بن حسن خراسانی وارد شد و بر امام سلام کرد و گوشه ای نشست، سپس عرض کرد: ای

۱- . نک: آل عمران (۳)، آیه ۵۲ و ۸۱؛ صف (۶۱)، آیه ۱۴؛ محمد (۴۷)، آیه ۷.

فرزند رسول خدا! رأفت و رحمت از آن شماست و شما اهل بیت، سزاوار پیشوایی و امامت هستید؛ چه چیز شما را در جهت دفاع از حق خود بازمی دارد. در حالی که یکصد هزار شمشیر زن دارید؟

حضرت به وی فرمود: «بنشین.» سپس دستور داد تنور را روشن کنند. به او فرمان داد، تا وارد تنور شود و میان شعله های آن بنشیند. خراسانی، عذر آورد و عرض کرد: سرورم! مرا در آتش، معذَّب مگردان و ببخش و از آنچه گفتم، معاف دار. حضرت او را معاف داشت.

در این میان، هارون مکّی یکی از یاران حضرت که کفش خود را به دست گرفته بود وارد شد و به حضرت عرض سلام کرد. امام به او فرمود: کفش خود را رها کن و وارد تنور شو و در آن بنشین.

او نیز اطاعت کرده و بی درنگ وارد تنور شد و در آن نشست. حضرت، به سخن خود با مرد خراسانی ادامه داد و اوضاع خطّه خراسان را چنان برای خراسانی تشریح می کرد که گویی حضرت خود، در آنجا حضور داشته است. سپس به آن شخص فرمود: برخیز و داخل تنور را بنگر.

آن شخص می گوید: وقتی به داخل تنور نگاه افکندم، یار امام را صحیح و سالم دیدم که راحت در آن نشسته است! سپس از تنور خارج شد و بر ما سلام کرد.

امام، به مرد خراسانی فرمود: چند نفر همانند این شخص (هارون مکّی) در خراسان یافت می شود؟ عرض کرد: به خدا سوگند! حتی یک نفر نیز وجود ندارد.

فرمود: أَمَا إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةً مُعَاضِدِينَ لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ؛ (۱) آگاه باشید! تا آن زمان که حتی پنج تن یاور نداشته باشیم، هرگز دست به قیام نخواهیم زد؛ ما آگاه تر از شماییم که چه زمانی قیام کنیم.

۱- . ابن شهرآشوب، المناقب، ج ۴، ص۲۳۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون همه حرکت های اصلاح گرایانه، بهره مندی از یاران، امری ناگزیر خواهد بود؛ چرا که خداوند اراده فرموده آن قیام جهانی را به طور عمده در مجرای طبیعی و اسباب و علل عادی جریان دهد. (۱) این یاران و یاوران در روایات با ویژگی هایی معرفی شده اند. (۲)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

لا یخرج القائم علیه السلام فی أقل من الفئه و لا یکون الفئه أقل من عشره آلاف؛ (۳) قائم با کمتر از «فئه» خروج نمی کند و فئه کمتر از ده هزار نیست.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا یَخْرُجُ الْقَائِمُ علیه السلام حَتَّی یَکُونَ تَکْمِلَهُ الْحَلْقَهِ قُلْتُ وَ کَمْ تَکْمِلَهُ الْحَلْقَهِ قَالَ عَشَرَهُ آلَافٍ؛ (۴) قائم خروج نخواهد کرد، مگر حلقه سپاه به کمال و تمام رسیده، عرض کردم: آنکه حلقه بدان کامل شود، چقدر است؟ فرمود: ده هزار است. (۵)

عبد العظیم حسنی گوید: به امام جواد علیه السلامگفتم: امیدوارم شما قائم اهل البیت محمّد علیهم السلام باشید. کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. فرمود:

ای أبو القاسم! هیچ یک از ما نیست، جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی است. امّا قائمی که خدای تعالی به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک می کند و آن را پر از عدل و داد می کند؛ کسی است که ولادتش بر

۱- . در بحث امدادهای غیبی اشاره خواهد شد.

۲- . به دلیل اهمیت این بحث در آینده به طور مفصل به آن می پردازیم.

۳- . محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۱، ص۱۳۴، شماره ۴۴۴.

۴- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۳۰۷، ح۲.

۵- . این روایت نگرانی کسانی که می گویند با توجه به شمار اندک ۳۱۳ بعید می نماید ما در شمار یاران خاص آن حضرت باشیم را بر طرف می کند چرا که آن حضرت پس از ۳۱۳ نفر شمار فراوانی یاور خواهد داشت.

مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان... و از اصحابش سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب بدر، از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند و این همان قول خدای تعالی است که فرمود: (أَيْنَ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ)؛ (۱) و چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم آیند، خدای تعالی امرش را ظاهر سازد و چون «عقد» که عبارت از ده هزار مرد باشد کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام کند و دشمنان خدا را بکشد تا خدای تعالی خشنود گردد. (۲)

بر این اساس تعداد ۳۱۳ تن شاید اشاره به شرط ظهور باشد و پس از آنکه ظهور اتفاق افتاد، فراهم آمدن یاوران، سرآغازی بر قیام جهانی آن حضرت خواهد بود.

چهار. احساس نیاز در جامعه جهانی

از آنجایی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای همه مردم دنیا است، باید با نیاز و پذیرش عمومی آنان همراه باشد. پس تا آن گاه که عموم جامعه جهانی احساس نیاز نکنند، حضرت ظهور نخواهد کرد. به عبارت دیگر مردم جهان، باید به قدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بی عدالتی ها را بچشند و نارسایی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی درک کنند و این حقیقت را بیابند که فقط در سایه اصول و پیوندهای مادّی و ضمانت اجرایی موجود و مقرّرات خود ساخته انسان ها، مشکل جهان حل نمی شود؛ بلکه باید انسانی الهی باشد که همه نابسامانی ها را برطرف کند. برای رسیدن به این هدف بزرگ، اصول و نظاماتی تازه لازم است که متّکی به ارزش های انسانی و ایمان و عواطف بشری و اخلاق باشد؛ نه فقط اصول خشک و بی روح و نارسای

۱- . بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۷.

مادّی.

به تعبیر دیگر، تـا در مردم جهان تقاضایی نباشـد، عرضه هر نوع برنامه اصـلاحی، مفیـد و مؤثّر نخواهـد بود که قانون «عرضه و تقاضا»، بیش از آنچه در مسائل اقتصادی مورد توجّه است، در مسائل اجتماعی باید مورد توجّه قرار گیرد.

امیر مؤمنـان علی علیـه السـلام این حقیقت را به برخی از مردم سـرافکنده و پشـیمان از جهـالت خـود که بعـد از ۲۵ سال خانه نشینی، به خانه وی هجوم می برند و از وی می خواهند تا زمام امور را به دست گیرد این گونه بیان فرمود:

أَمَا وَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّه وَ بَرَأَ النَّسَمَه لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِیَامُ الْحُجَّهِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَی الْعُلَمَاءِ أَلَّا یُقَارُّوا عَلَی کِظَّهِ ظَالِمٍ وَ لَا سَغَبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَیْتُ حَبْلَهَا عَلَی غَارِبِهَا وَ لَسَقَیْتُ آخِرَهَا بِکَأْسِ أَوَّلِهَا و...؛ (۱) آگـاه باشـید! به خـدایی که دانه را شکـافت و انسان را آفریـد، اگر نه این بود که جمعیت بسـیاری گِرداگِردم را گرفته و به یاری ام قیام کرده انـد و از این جهت حجت تمام شده است و اگر نبود عهد و مسئولیتی که خداوند از علما و دانشمندان هر جامعه گرفته که در برابر شکم خوارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند؛ من مهار شتر خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می نمودم و آخر آن را با جام آغازش سیراب می کردم.

این بیان می رساند که حضرت آن گاه حاضر شد به دنبال خلافت رود و آن را بپذیرد که مردم دور او را گرفتند و حضرت را یاری رساندند. تاریخ نیز به روشـنی گواه است هرگاه شـرط سوم و چهارم برای پیشوایان معصوم علیهم السـلام فراهم می شد، از هیچ گونه تلاشی برای برپایی عدالت فروگذار نبودند.

حال این سؤال پیش می آید که این حالت عطش و

۱- . سید رضی، نهج البلاغه، خطبه سوم (شقشقیه)، ص۴۹.

تقاضا را چه عاملی باید ایجاد کند؟

در پاسخ می گوییم: بخشی از آن را گذشت زمان، پدید می آورد و بدون آن ممکن نیست؛ امّا بخش دیگری بستگی به پرورش و آموزش بر اساس آموزه های دینی دارد. باید با رستاخیز فکری که از طرف اندیشمندان با ایمان و آگاهان مسئول جامعه به وجود می آید، یاران و یاوران آن حضرت فراهم شده و جامعه جهانی در درون خود به موعود منجی احساس نیاز کند.

ص: ۵۱

خودآزمایی

۱. شرایط ظهور به چه معناست؟ دو ویژگی اساسی آن را بیان نمایید.

۲. نخستین شرط برای برپایی حکومت جهانی، برنامه و طرحی جامع است، در این باره توضیح دهید.

۳. دو ویژگی عمومی برای رهبران الهی کدام است؟

۴. سخن امام رضا علیه السلام در باره قدرتمندی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه نکاتی اشاره کرده است؟

۵. یکی از شرایط برپایی حکومت جهانی، احساس نیاز جامعه جهانی است؛ در این باره توضیح دهید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، تهران، ۱۳۸۱ش.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ ه.ش.

۳. پور سید آقایی، سید مسعود، با جاری انتظار، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۷ش.

۴. هاشمی شهیدی، سیّد اسد اللّه، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرهیزکار، قم، ۱۳۸۰ش.

۵. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ش.

ص: ۵۳

درس سوم: زمینه سازی و زمینه سازان ظهور

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آمادگی و زمینه سازی ظهور

زمینه سازان ظهور:

۱ زمینه سازان عام

ویژگی های زمینه سازان

یک ویژگی های اعتقادی زمینه سازان

دو ویژگی های رفتاری زمینه سازان

۲ زمینه سازان خاص

پیش درآمد

انقلاب بزرگ حضرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف همچون دیگر انقلاب ها، بدون مقدمه و زمینه سازی، پدید نمی آید؛ بلکه در آسـتانه ظهور، حرکت هایی شکل می گیرد که زمینه را برای قیام آن حضرت فراهم می آورد. این سلسله قیام ها و انقلاب ها که از سوی حق پویان صورت می گیرد بر اساس آنچه در بعضـی از روایات آمـده، زمینه را برای حرکت جهانی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آماده می کند. در این درس تلاش می شود تا برخی روایات در این باره نقل و توضیح داده شود.

آمادگی و زمینه سازی ظهور

یکی از سـفارش هـای اساسـی قرآن به مؤمنان در برابر دشـمنان، حفظ آمادگی آنان است. از این رو آمادگی های مناسب هر عصر برای یاری حق در برابر باطل، امری اساسی است:

((وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْـتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّهٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ شَـيْ ءٍ فِي سَبِيـلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ))؛ (۱) و در برابر آنها [دشـمنان] تا می توانید نیرو و اسـبان سواری آماده کنید، تا دشمنان

۱- . (انفعال(۸)، آیه ۶۰.

خـدا و دشـمنان خود را و جز آنها که شـما نمی شناسـید و خـدا می شـناسد بترسانید. و آنچه را در راه خدا هزینه می کنید، به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود.

زمینه سازان عام

اشاره

قیـام جهـانی حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف، برای برپایی حکومت شایسـتگان بر اساس عـدل و قسط است و نصـرت آن امـام بزرگوار، امری لازم و ضـروری است. البته این یاری، نیازمنـد فراهم ساختن مقـدمات و زمینه هایی است. ابو بصیر در این باره می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَـهْماً فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتُ لِأَنْ يُنْسِئَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛ (۱)هر یک از شـما باید برای خروج قائم آماده کند، هر چند یک تیر، که هر گاه خدای تعالی از نیّت او، آن را بداند، امیدوارم که در عمر او تأخیر اندازد تا آنکه قائم را درک کند.

البته ممکن است مقصـود روایـات، به طـور مشـخص تهیه کردن تیر و وسایـل جنگی و ماننـد آن نباشـد؛ بلکه کنـایه از نهـایت کسب آمادگی برای آن اتفاق بزرگ باشد. کلینی از ابو عبدالله جعفی نقل می کند: امام باقر علیه السلام به من فرمود:

بیشـترین زمـان مرابطه (مرزداری) نزد شـما چنـد روز است؟ گفتم: چهـل روز. فرمـود: ولی مرابطه و مرزداری [از حریم مـا] ما همیشگی است (لَكِنْ رِبَاطُنَا رِبَاطُ الدَّهْرِ) (۲).

استاد مطهری در این باره نوشته است: «در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن حضرت می پیوندند. آشکار است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی شونـد؛ [بلکه] معلوم می شود در عین اشاعه و رواج سـتم و فساد، زمینه هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد. این خود می رساند که نه فقط حق و حقیقت به صـفر نرسیده است؛ بلکه بر فرض اگر اهـل حق از نگـاه کمیت قابـل تـوجه نباشـد، از نگـاه کیفیـت ارزنـده تریـن اهـل ایمـان انـد و در ردیـف یـاران سیدالشهداء علیه السلام ». (۱)

نحوه آمادگی و مهیا بودن برای ظهور، بستگی به شرایط زمان و مکان دارد. اگر در بعضی روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهـور حضـرت بـه میـان آمـده و برای آن فضـیلت بسـیاری بر شـمرده شـده اسـت، بـدان معنـا نیسـت کـه اینها موضوعیت دارنـد، بلکه ذکر این موارد می توانـد بیانگر لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت الهی باشد. البته در این عصـر بر شـیعیان لازم است که بـا فراگرفتن فنون رزمی و مسـلح شـدن به تجهیزات نظامی روز، فقط بخشـی از آمادگی هایی است که با آن، خود را برای مقابله با دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده سازند.

ویژگی های زمینه سازان

اشاره

از روایات به روشنی به دست می آید کسانی که برای آن انقلاب بزرگ تلاش می کنند، دارای صفات و ویژگی هایی هستند (۲) که در دو بخش قابل بررسی است:

۱. ویژگی های اعتقادی

۱.۱. شناخت پروردگار

خداوند متعال، فلسفه اساسی آفرینش انسان ها را عبادت و بندگی معرفی فرموده است؛ آنجا که می فرماید:

۱- . مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۵۶.

۲- . از یک نگاه این ویژگی ها همان صفات منتظران است.

«وَمَا خَلَقْتُ الجِّنَ والاِنسَ اِلاّ لِيَعبُدُونَ»؛ (۱) جن و انس را جز برای اینکه عبادت کنند، خلق نکردم.

این امر مهمّ زمانی پدید می آید که شناخت انسان ها به آن ذات مقدس، فراهم آید و پس از آن راه رشد، هموار و موانع بر طرف می شود. زمینه سازان ظهور و یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، که خداوند را آن گونه که شایسته است می شناسند. حضرت علی علیه السلام شناخت والای خداوند را در چنین افرادی، چنین وصف فرموده است:

رِجالٌ مُؤمِنُونَ عَرِفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعرِفَتِهِ وَهُمْ اَنْصارُالمَهْدِی فِی آخِرِ الزَّمانِ؛ (۲) مردانی مؤمن که خدا را چنان که شایسته است شناخته اند و آنان، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمانند.

امام صادق علیه السلام قلب های این گروه را بسان پولاد دانسته، می فرماید:

رِجالٌ کَاَنَّ قُلُوبَهُم زُبُرُ الحَدِیدِ لایَشُوبُها شَکٌّ فِی ذاتِ اللَّهِ اَشَدُّ مِنَ الحَجَرِ...؛ (۳) آنان مردانی اند که دل هایشان گویا پاره های آهن است، هیچ تردیدی نسبت به خداوند قلب هایشان را نیالاید و قلب هایشان از سنگ استوارتر است.

۱۲. شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از ویژگی های مهم زمینه سازان ظهور، شناخت حضرت مهدی علیه السلام است. البته شناخت امام در هر زمان بر پیروان، لازم و ضروری است؛ ولی آنچه شناخت امام دوازدهم را از اهمّیتی دو چندان برخوردار می سازد، شرایط ویژه او (مثل ولادت پنهان، زندگی پنهانی، امتحانات سخت و دشوار، و...) است. امام خویش را به بهترین وجه می شناسند و این شناخت آگاهانه در تمام وجودشان رسوخ کرده است. بنابراین زمینه سازی

۱- . ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

۲- . علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص۴۷۸؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹، ح۶۶.

۳- . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح۸۲.

برای ظهور آن حضرت، بدون شناخت آن بزرگوار امکان پذیر نخواهد بود. در روایات آمده است:

... مَنْ مَاتَ وَلَمْ یَعرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً؛ (۱) هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلی خواهد مرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

...اِعرِفْ اِمامَکَ فَاِذا عَرَفْتَهُ لَمْ یَضُرُّکَ؛ تَقَدَّمَ هذا الامرُ اَمْ تَأَخَّرَ... فَمَنْ عَرَفَ اِمامَهُ کانَ کَمَنْ هُوَ فِی فُسْطاطِ القائِمِ؛ (۲) امام زمان خویش را بشناس، پس وقتی او را شناختی، پیش افتادن و یا تأخیر این امر (ظهور)، آسیبی به تو نمی رساند... پس هر آن کس که امام خویش را بشناسد، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چند در پس پرده غیبت است؛ ولی هرگز جمال وجودش برای انسان های مهدی باور و مهدی یاور پنهان نبوده است. اگر معرفت به آن حضرت نباشد، دیدن ظاهری ایشان نیز سودی در بر نخواهد داشت؛ چنان که کسانی بودند که همواره جمال دلنشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را زیارت می کردند، ولی بهره معرفتی چندانی از آن اسوه های آفرینش نمی بردند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

... وَمَنْ عَرَفَ اِمامَهُ ثُمَّ ماتَ قَبْلَ اَنْ یَقُوْمَ صاحِبُ هذا الاَمرِ کانَ بِمَنزِلَهِ مَنْ کانَ قاعِداً فِی عَسْکَرِهِ لا بَل بِمَنزِلَهِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوائِهِ؛ (۳) هر آن کس که امامش را نشناسد و پیش از قیام صاحب این امر از دنیا برود، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت گزاری خواهد کرد؛ نه بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹؛ و نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۷۸، ح۲.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱، ح۷.

۳- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح۲.

امام صادق علیه السلام با تأکید، شیعیان را به شناخت خداوند، پیامبر و حجّت های الهی فرا خوانده، از جمله در دوران غیبت خواندن دعای زیرا را سفارش فرموده است:

اَللّهُمَّ عَرِّفْنی نَفْسَک فَاِنَّک اِنْ لَم تُعَرِّفْنی نَفْسَک لَمْ اَعْرِفْ نَبِیَّک، اَللّهُمَّ عَرِّفْنی رَسُولَک فَاِنَّک اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی رَسُولَک لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَک، اَللّهُمَّ عَرِّفْنی حُجَّتَک فَاِنَّک اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَک ضَلَلْتُ عَنْ دینی (۱)؛ خدایا! خود را به من بشناسان. پس همانا اگر خود را به من نشناسانی پیامبرت را نمی شناسم. پروردگارا! فرستاده ات را به من بشناسان پس به درستی که اگر پیامبرت را به من نشاسانی حجتت را نمی شناسم. خداوندا! حجت خود را به من بشناسان، پس اگر حجت خود را به من نشناسانی از دینم گمراه شده ام.

۲. ویژگی های رفتاری

اشاره

در این بخش به اموری اشاره می شود که نمادهای رفتاری یک منتظر توانمند است. این ویژگی ها به طور عمده تحت عنوان «اطاعت محض از خداوند و اولیای او» گرد می آیند؛ زیرا شناخت خداوند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به آنان، باید عملی شود و تبلور حقیقی آن در اطاعت محض از آن انوار پاک ظاهر گردد. همسو کردن رفتارها، نیت ها و جهت گیری ها، طبق خواست رهبر الهی، از مهمّ ترین ویژگی های رهروان راستین است و این به خوبی در یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد.

اگر کسی در مرحله شناخت، در حد ممکن معرفت کسب کرد، در مرحله اطاعت دچار تردید نخواهد شد. اگر کسی در آن مرحله دچار تردید و یا نقصان معرفتی باشد، در مرحله اطاعت هرگز

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح۵؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح۲۴؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶، ح۶.

پیرو خوبی نخواهد بود. امروزه که حضرت مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت است، باید به اراده و فرمانش گردن نهاد و اگر کسی اکنون از دستور ات آن حضرت اطاعت کند، در زمان ظهور نیز چنین خواهد بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمود:

طوُبی لِمَنْ اَدرَکَ قائِمَ اَهلِ بَیْتی وَ هُوَ مُقتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِیامِهِ یَتولّی وَلیَّهُ وَیَتَبرَّأُ مِنْ عَدُوِّهِ وَیَتَوَلی الاَئِمَّهَ الهادِیَهَ مِنْ قَبْلِهِ اوُلئِک رُفَقائی وَ ذَوُو وُدّی وَ مَوَدَّتی وَاَکْرَمُ اُمَّتی عَلَی؛ (۱) خوشا به حال کسی که، قائم اهل بیت مرا درک کند؛ حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد. با دوست او دوست و با دشمن او دشمن و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست باشد. اینان همنشین و دوستان من و گرامی ترینِ امت من، در نزد من هستند.

اطاعت و پیروی از خداوند و حجت او در عناوین زیر قابل بررسی است:

۱-۲. آمادگی روحی و روانی

اساسی ترین ویژگی در بخش رفتار ایجاد «آمادگی روحی و روانی» در خود است. برای درک زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. این امرِ مهم، فقط با عمل به واجبات و ترک محرمات حاصل می شود. زمینه ساز راستین به خوبی می داند که محبوب ترین کارها نزد امام زمان، «انجام واجبات دینی» و «ترک محرمات» است. او به درجه ای از ایمان می رسد که توفیق در عمل به واجبات و ترک کارهای حرام را بهترین لذت های زندگی می داند. پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز هرگاه از حالت انسان های دوران غیبت یاد می کردند، به مناسبت، از انجام واجبات و پروای الهی سخن می گفتند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص ۲۸۶، ح ۲و ۳؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۶.

إنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الأَمرِ غَیبَه فَلیتَّقِ اللهَ عَبدٌ وَ لیتَمَسَّک بِدِینِهِ...؛ (۱) همانـا برای صاحبِ این امر، غیبتی است؛ پس بایـد [انسان] تقوا پیشه نماید و به دین خود چنگ زند....

کسانی که صاحب آمادگی روحی و روانی بالایی نشوند، هرگز نمی توانند یار و یاور خوبی برای آن حضـرت باشند؛ چرا که آنـان بـا کمترین فشـاری که برایشـان وارد می شود، عرصه را خالی می کننـد. بی گمان برای حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانی هست که قوت و قدرت بالای روحی و روانی دارند تا بتوانند بر دشمنان چیره شوند.

لازم به یـادآوری است که افزون بر انجـام واجبات و ترک محرمات «رعایت آموزه های اخلاقی» نیز اهمیت والایی دارد، امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

... مَن سُرَّ أَن یکُونَ من أَصحَابِ القَائِمِ فَلینتَظِر وَ لیعمَل بِالوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الأَخلَاقِ وَ هُوَ مُنتَظِر...؛ (۲) هر کسی که شادمان می شود از اینکه از یاران قائم باشـد، پس باید منتظر باشد، پرهیزگاری پیشه کند و نیکویی های اخلاق را انجام دهد؛ در حالی که منتظر است....

پروای الهی در همه زمان ها واجب است؛ اما به دلیل شرایط خاصّ، در دوران غیبت اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این زمان عوامل فراوانی دست به دست هم داده تا انسان ها را به بیراهه بکشاند و گمراه سازد.

۲-۲. آمادگی اقتصادی

آمادگی اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه های زمینه سازی به دو گونه قابل تفسیر است:

الف. یکی از ویژگی هـای «عصـر ظهور» رفـاه عمومی در همه ابعاد زنـدگی است. اما این رفاه و آسایش، با تلاش و کوشـش فراوان انسان ها و

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۳۵، ح۱.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۰۰، ح۱۶.

آباد کردن زمین به دست می آید. (۱) کسانی که در اندیشه زمینه سازی برای آن دوران هستند، می بایست در عصر غیبت نیز با تلاش فراوان مواهب الهی را برای خدمت به بندگان خدا به استخدام در آورند. کوشش برای فتح قله های دانش و کشف ناشناخته های جهان هستی، یکی از نمونه های روشن فعالیت های نسل زمینه ساز است. عقب ماندن از کاروان علم و دانش، در همه عرصه ها، نه فقط باعث سرشکستگی نسل منتظر و زمینه ساز در برابر جهانیان است که خود عاملی برای استثمار بندگان مستضعف و تأمین اهداف دشمنان اسلام است. از این رو شایسته است منتظران برای رشد توانمندی خود، هر چه بیشتر برای کسب دانش و بهره مندی از موهبت های الهی کوشش کنند.

ب. از آنجایی که مهم ترین و متعالی ترین هدف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اقامه قسط و عدل است و آن هم ارتباط مستقیمی با جنبه های اقتصادی زندگی دارد، منتظر او با تأسی به آن امام بزرگوار، نه فقط به اجرای عدالت و قسط در تمام زوایای زندگی می اندیشد که مال و ثروت خود را به گونه ای که مورد رضایت امام است، صرف می کند.

۲۳. آمادگی نظامی

کسب قدرت و قوّت برای مقابله با تهدیدهای دشمنان، همواره مورد تأکید آموزه های دینی بوده است. قرآن کریم با صراحت تمام بر این مهم تأکید می کند:

(وَ أَعِدُّوا لَهُم مَا استَطَعتِم مِن رِباطِ الخَیلِ تُرهِبُونَ بِهِ عَدُوَّاللهِ وَ عَدُوَّکُم وَ آخَرینَ مِن دُونِهِم لا تَعلَمُونَهُمُ اللهُ یعلَمُهُم)؛ (۲) و در برابر آنها تا می توانید نیرو و اسب های سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها که شما نمی شناسید و

۱- . به یاری خداوند در جلد پایانی این مجموعه، به طور مفصل به این بحث می پردازیم.

۲- . انفال (۸)، آیه ۶۰.

خدا می شناسد را بترسانید.

این آموزه اگر چه مربوط به همگـان و همه دوران هاست؛ اما با توجه به حساسیت دوران غیبت و آستانه ظهور، این آمادگی اهمیت فراوانی دارد.

یکی از نمودهـای زمینه سـازی توانمنـد، آمـادگی جسـمانی برای حضور در زمـان ظهور است. امام صادق علیه السلام دربارهٔ ویژگی های یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

... فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنهُم یعطَی قُوَّهَ أَربَعینَ رَجُلاً وَ إِنَّ قَلبَهُ لَأَشَد مِن زُبَرِ الحَدِیدِ وَ لَو مَرُّوا بِجِبَالِ لَقَطَعُوهَا لَا یکُوُّنَ سُیوفَهُم حَتَّی یرضَی اللهُ عَزَّوَجَلَّ؛ (۱) مردی از اصحاب او توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است و اگر بر کوه های آهن بگذرند، آن را بر کنند و شمشیرهای خود را در نیام نکنند تا آنکه خدای تعالی خشنود گردد.

این روایت بیـانگر این مطلب است که افرادی که ادعـای انتظـار و زمینه سـازی دارنـد، هرگز نبایـد دچـار تن پروری و سستی شوند.

حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف پس از اتمام حجت با جهانیان به ناگزیر با معانـدان و دشـمنان، جنگ خونینی کرده و هماننـد جد بزرگوار خود، برخورد شدیدی با آنان خواهد داشت. از روایات اسـتقاده می شود که او در این مواجهه از یاران خود نیز استمداد می طلبد و آنان نیز در نهایت شجاعت به صف مبارزه خواهند پیوست.

حـال چنین یـارانی، می بایست پیش از ظهور فراهم آینـد و این ممکن نیست مگر با افزایش توان و قـدرت جسـمانی در عصـر انتظار. چنانچه تمامی منتظران به این امور مهم و اساسی توجه لازم را داشته باشند، بدون تردید نقش مؤثری برای درک دوران ظهور ایفا خواهند کرد.

سخن را در این بخش با کلامی نورانی از امام

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۷۳، ح ۲۶.

صادق علیه السلام در وصف یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پایان می بریم:

مردانی که گویی قلب هایشان مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نتواند دل های آنان را نسبت به ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت تر از سنگ هستند. اگر بر کوه ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زین اسب امام دست می کشند و از این کار برکت طلب می کنند. گرد امام خویش می چرخند و در جنگ ها جان خود را سپر او می سازند و هر چه او بخواهد، برایش انجام می دهند. مردانی که شب ها نمی خوابند؛ در نمازشان همهمه ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب های خود سوارند. پارسایان شب اند و شیران روز. اطاعت آنان در برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقایش زیادتر است. مانند چراغ ها هستند... گویی که دل هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادت اند. تمنایشان شهید شدن در راه خداست. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه ترس و وحشت حرکت کند، آنان دسته دسته به سوی مولا می روند. خدا به وسیله آنان، امام راستین را یاری می فرماید. (۱)

زمینه سازان خاص

افزون بر آنچه یاد شد، در بعضی از روایات گروه هایی خاص به عنوان زمینه ساز مورد توجه قرار گرفته است، سخنانی از معصومان علیهم السلام نقل شده است. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

کَأَنِّی بِقَوْم قَدْ خَرَجُوا بِالمَشْرِقِ یَطْلُبُونَ الحَقَّ فَلا یُعْطُوْنَهُ ثُمَّ یَطْلُبُونَ فَلا یُعطَونَهُ فَاِذا رَأَوْا ذَلِکَ وَضَعُوا سُیُوفَهُمْ عَلی عَواتِقِهِمْ فَیُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلا

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلا يَدْفَعُونَها اِلاَّ اِلى صاحِبِكُمْ قَتْلاهُمْ شُهَداءٌ اَما اِنِّى لَوْ اَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَاِسْتَبْقَيْتُ نَفْسى لِصاحِبِ هَذا الاَمْرِ؛ گویی قومی را می بینم که از شرق، در طلب حق قیام کرده اند؛ ولی بدانان نمی دهند و باز مطالبه می کنند، اما به آنان نمی دهند. پس چون چنین می بینند، شمشیرهای خود را بر دوش می گیرند. در آن هنگام آنچه را می خواهند به آنان می دهند؛ ولی نمی پذیرند تا اینکه پیروز می شوند و آن را جز به صاحب الامر علیه السلام تسلیم نمی کنند. کشتگان آنان شهیدند. اگر من آنان را درک کنم، جانم را برای صاحب الامر می گذارم (۱).

در این روایت از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام خبر داده شده است. افزون بر اینها، روایات دیگری نیز بر این نکته تأکید دارند که پیش از ظهور، حکومتی به رهبری یکی از صالحان در ناحیه مشرق تشکیل می گردد و زمینه ظهور را مهیّا می سازد. این حکومت، تا ظاهر شدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تسلیم آن به حضرت ایشان، ادامه می یابد.

«بر همین اساس، برخی تشکیل دولت شیعی مذهب صفویه را که پس از قرن ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب، روی کار آمد همان دولتی دانسته اند که در روایات از جمله زمینه سازان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار آمده است. در زمان ما نیز، برخی از نویسندگان با استناد به ویژگی هایی که در روایات آمده، انقلاب اسلامی ایران را که در سال ۱۳۵۷ خورشیدی به رهبری امام خمینیا به پیروزی رسید همان دولتی دانسته اند که زمینه را برای ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می کند که ان شاء اللّه تا ظهور آن حضرت ادامه می یابد.» (۲)

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۳؛ ح ۵۰؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۲- . مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۰۷.

در هر صورت، گرچه قراین فراوانی این احتمـال را قوّت می بخشـد؛ ولی دلیـل قطعی در دست نیست که ثـابت کنـد منظور از حکومت زمینه ساز، همین انقلاب اسلامی ایران است.

این نخستین باری نیست که علمای شـیعه، چنین احتمالی را مطرح ساخته اند. پیش از این نیز، هرگاه حرکت و انقلابی از ناحیه شرق به ویژه منطقه خراسان صورت می گرفت، این احتمال تقویت می شـد. البته هیـچ یک از آن حرکت ها به انـدازه انقلاب اسلامی، زمینه ساز انقلاب مهدی علیه السلام نبوده اند؛ بلکه اصلاً مقایسه آنها با انقلاب اسلامی باطل است. از این رو احتمال اینکه مراد از «دولت زمینه ساز» از جمله انقلاب اسـلامی ایران باشـد و تا ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف تداوم یابد، بسیار است. (۱)

۱- . جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۰۶ ۳۰۳.

خودآزمایی

۱. زمینه سازان به چه کسانی گفته می شود؟ دارای چند دسته ویژگی هستند؟

۲. مهم ترین ویژگی های اعتقادی زمینه سازان کدام است؟ یک مورد را توضیح دهید.

۳. ویژگی های رفتاری زمینه سازان کدامند؟

۴. در باره آمادگی اجتماعی زمینه سازان برای ظهور توضیح دهید.

۵. مقصود از زمینه سازان خاص کیانند؟ شرح دهید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. موسوی اصفهانی، سیّد محمد تقی، مکیال المکارم، سیّد مهدی حائری قزوینی، [بی جا]، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ش.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام، قم:۱۳۸۰ ه.ش.

۳. هاشمی شهیدی، سیّد اسداللّه، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ دوم، پرهیزکار، قم: ۱۳۸۰ه.ش.

۴. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، تهران، ۱۳۸۱ش.

۵. پور سید آقایی، سید مسعود، با جاری انتظار، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۷ش.

درس چهارم: قیام های پیش از ظهور

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

قیام های پیش از ظهور:

دسته بندی روایات در این باره:

یک. طاغوت بودن پرچم داران قیام های پیش از ظهور؛

دو. شکست قیام های پیش از ظهور؛

سه. سکوت و خانه نشینی؛

چهار. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان.

پیش درآمد

یکی از موضوعـاتی که در مبـاحث مهـدویت، همواره مورد بحث و منـاقشه بوده، حکم قیام ها و حکومت های دوران غیبت و پیش از قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برخی، با استناد به پاره ای روایات، پنداشته اند هرگونه تحرّک بر ضـدّ فرمانروایـان سـتمگر، پیش از ظهور امـام زمـان علیه السـلام غیر جایز و ممنوع است. از این رو با هرگونه نـدای عدالت خواهانه ای، مخالفت ورزیده و آن را طاغوت می نامند!

اینـان بر این گماننـد روایـات، به پرهیز از هرگونه قیـام پیش از ظهور حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف سـفارش کرده، از تشـکیل حکومت و هرگونه قیـام مسـلحانه پیش از ظهور منع می کنـد و نیز تأکیـد کرده این گونه قیـام هـا پایانی جز شکست نخواهد داشت.

در برابر، گروهی دیگر با استناد به برخی آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام، برپایی قیام و تشکیل حکومت اسلامی را در عصر غیبت در صورت امکان، امری واجب می دانند.

در اینجا به بررسی کوتاهی در روایات مربوط به قیام های پیش از ظهور می پردازیم.

قیام های پیش از ظهور

اشاره

درباره منع از حرکت های اصلاح گرایانه در عصر

انتظار، روایات گوناگونی نقل شده که می توان آنها را به چند گروه تقسیم کرد: (۱)

۱. طاغوت بودن پرچم داران قیام های پیش از ظهور

بعضـی از این روایات، به طور عام، هرگونه شورش و برافراشتن هر پرچمی را پیش از قیام حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف، محکوم کرده و پرچمدار آن را طاغوت و یا مشرک معرّفی می کنند. (۲) دو روایت در این بحث مطرح می شود:

۱. کلینی با ذکر سند از ابو بصیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

کُلُّ رایَهٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِیامِ القائِمِ فَصاحِبُها طاغُوتٌ یُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (۳) هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، پرچم دار آن طاغوتی است که در برابر خدا پرستش می شود.

اگر چه علاّمه مجلسی، این روایت را موثّق دانسته (۴)، ولی سند آن خالی از اشکال نیست؛ زیرا در این سند، «حسین بن مختار» است که برخی وی را توثیق و عده ای او را تضعیف کرده اند. (۵) در باره محتوای آن می توان گفت: واژه «طاغوت» و جمله «یُعْبَدُ مِنْ دوُنِ اللَّهِ»، در این حدیث بیانگر آن است که مقصود از «پرچم برافراشته شده پیش از قیام قائم، پرچمی است که در مقابل خداوند متعال و رسول و امام علیهم السلام برافراشته شود و برافرازنده آن در برابر

۱- . از آنجایی که بررسی همه روایات مجال گسترده ای می طلبد، در اینجا فقط به برخی از روایات اشاره و به صورت مختصر به بررسی آنها می پردازیم.

۲- . روایات یاد شده را شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعه» و محدث نوری در «مستدرک الوسائل» در بابی با عنوان «بابُ حکمِ الخروج بالسیف قبل قیام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف» گرد آورده اند.

۳- . عَنْهُ[محمد بن یحیی] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِی بَصِیر؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۲.

۴- . محمد باقر مجلسی، مرآه العقول، ج ۲۶، ص ۳۲۵.

۵- . نک: ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۸۶.

حکومت خدا، حکومتی تأسیس کند و در پی آن باشد که به خواسته های خود، جامه عمل بپوشاند. بنابراین، نمی توان شخص صالحی را که برای حاکمیت دین، قیام و اقدام کرده است؛ طاغوت خواند؛ زیرا چنین پرچمی، نه فقط در مقابل پرچم قائم علیه السلام برافراشته نشده که در مسیر و طریق و جهت اوست.

۲. روایتی که ابن ابی زینب در کتاب الغیبه به نقل از مالك بن اعین جهنی از امام باقر علیه السلام با مضمون روایت نخست و با سه سند متفاوت نقل کرده است:

۱-۲. مالك بن أعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

کُلُّ رایَهٍ تُرْفَعُ قَبْلَ رایه القائِمِ صاحِبُها طاغُوتٌ؛ (۱) هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در سند این روایت، «علی بن ابی حمزه بطائنی» وجود دارد که «از ارکان واقفیه است» و دانشمندان علم رجال او را توثیق نکرده اند. علامه در کتاب خلاصه وی را به شدّت تضعیف کرده است. (۲) او از وکلای مشهور و مورد اعتماد امام کاظم علیه السلام بود که پس از زندانی شدن آن حضرت، اموال فراوانی از شیعه به دست او و دیگر وکلا رسید؛ ولی آنان پس از شهادت امام هفتم، طمع ورزیدند و آن حضرت را آخرین حجت خدا و همان مهدی موعود علیه السلام معرفی کرده و امامت فرزندش حضرت رضا علیه السلام را منکر شدند تا اموال را تصاحب کنند!!

مرحوم خوئی پس از نقل کلام موافقان و مخالفان، نتیجه می گیرد که نمی توان به وثاقت

۱- . و أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله قال حدثنا أحمد بن محمد بن رباح الزهری قال حدثنا محمد بن العباس بن عیسی الحسینی عن الحسن بن علی بن أبی حمزه عن أبیه عن مالك بن أعین الجهنی؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۱۱۴.

۲- . لأن ابن أبی حمزه البطائنی ضعیف جدا؛ علامه حلی، الخلاصه، ص۹۶، شماره ۲۹.

او حکم کرد. (۱) بنابراین به دلیل ضعف سند، نمی توان به این روایت اعتماد کرد.

۲-۲. مالک بن أعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

كُلُّ رايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيامِ القائِمِ صاحِبُها طاغُوتٌ؛ (۲) هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در این سند «محمّد بن حسان رازی» است، نجاشی وی را راوی از ضعفا (۳) دانسته و ابن داود از وی با عنوان «ضعیف جداً» یاد کرده اند. (۴) با توجه به تضعیف «رازی» توسط این دو نفر به این روایت نیز اعتماد نمی شود؛ اگرچه مرحوم خویی پس از نقل سخن نجاشی و ابن غضائری، وی را بنابر «اظهر» ثقه دانسته است. (۵)

۳-۲. و علی بن أحمد بندنیجی از عبید الله بن موسی علوی از علی بن إبراهیم بن هاشم از پدرش از عبد الله بن مغیره از عبد الله بن مسکان از مالک بن أعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

كُلُّ رايَةٍ تُرْفَعُ او قال تخرج قَبْلَ قِيامِ القائِمِ صاحِبُها طاغُوتٌ؛ (۶) هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در سند آن، «علی بن أحمد بندنیجی» آمده

۱- . فلا یمکن الحکم بوثاقته و بالنتیجه یعامل معه معامله الضعیف؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص۲۲۶.

۲- . و أخبرنا علی بن الحسین قال حدثنا محمد بن یحیی العطار بقم قال حدثنا محمد بن حسان الرازی قال حدثنا محمد بن علی الکوفی عن علی بن الحسین عن ابن مسکان عن مالک بن أعین الجهنی؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۱۱۵.

۳- . أبو عبد الله الزینبی یعرف و ینکر بین بین یروی عن الضعفاء کثیرا؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص۳۳۸، ش۹۰۳؛ و نیز: احمد بن حسین غضایری، رجال ابن غضائری، ج ۱، ص۹۵.

۴- . ابن داود، رجال ابن داود، ص ۵۰۲، شماره ۴۲۷.

۵- . ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۱۹۰، شماره ۱۰۴۴۳.

۶- . و أخبرنا علی بن أحمد البندنیجی عن عبید الله بن موسی العلوی عن علی بن إبراهیم بن هاشم عن أبیه عن عبد الله بن المغیره عن عبد الله بن مسکان عن مالک بن أعین الجهنی؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ۱۱۵.

است که در کتاب¬های رجالی شیخ طوسی و شیخ نجاشی مطرح نگشته و از سوی آنان چیزی در مورد او گزارش نشده است. برخی محققان او را همان ابوالحسن علی بن احمد بن نصر بندنیجی دانسته¬اند که نعمانی از او به نقل روایت پرداخته است. (۱) در این صورت این استاد نعمانی، همان کسی خواهد بود که ابن غضائری درباره¬اش می نویسد: «در رمله ساکن بود، ضعیف و ساقط است. به او توجه نمی¬شود.» (۲)

حتی اگر ابن غضائری را در بیان اوصاف و احوال راویان، دچار تند روی بدانیم و سخن او را در مورد علی بن احمد بندنیجی نپذیریم، در مورد او توثیقی نداریم تا با اعتماد بر آن روایات وی را بپذیریم. بنابراین این نقل نیز قابل اعتماد نیست.

یکی از محققان در بررسی دلالت این روایت می نویسد: دعوت، دو گونه است:

۱. دعوت حق؛ یعنی؛ دعوت مردم برای به پا داشتن حق و بازگردانیدن زمام امور حکومت، به دست اهل بیت علیهم السلام که چنین دعوتی مورد تأیید امامان معصوم علیهم السلام است.

۲. دعوت باطل؛ یعنی، دعوت مردم برای مطرح کردن خود و مقصود از «کلُّ رایه» همین بخش دوم در مقابل بخش نخست است؛ یعنی دعوت، در عرض و مقابلِ دعوتِ اهل بیت علیهم السلام باشد، نه در طول و مسیر آن. بنابراین، قیام هایی که بر مبنای دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام و دعوت مردم به سوی آنان، صورت گرفته است، به طور کلّی، از دائره مصادیق این روایت، خارج اند.

ممکن است گفته شود: این حدیث، در بطلان تمام قیام های پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور دارد؛ یعنی، ملاک بطلان، این نیست که دعوت برای خود و در عرض نهضت امامان معصوم علیهم السلام صورت بگیرد؛

۱- . علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج۵، ص۳۰۲.

۲- . احمد بن حسین غضایری، رجال ابن الغضایری، ص۸۲.

بلکه ملاک، پیشی گرفتن آن، بر قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ خواه دعوتِ حق باشد و یا دعوتِ باطل!

اوّلاً: به احتمال قوی این روایت، ناظر به بعضی از قیام های آن زمان است و به اصطلاح، «قضیه خارجیه» است، نه حقیقی و ناظر به تمام قیام ها نیست و ملاک حق و باطل بودن، همان دعوت به راه راست است.

ثانیاً: روایات بسیاری از امامان معصوم علیهم السلام وارد شده که برخی از قیام هایی را که بعدها و پیش از ظهور امام زمان اتّفاق می افتد، کاملا تأیید کرده و مردم را برای پیوستن به آنان تشویق نموده اند؛ همانند «رایه الیمانی» و اگر آن روایت را قضیه خارجیه ندانیم، با این روایات، در تعارض خواهد بود. (۱)

البته با توجه به عنوانی که نعمانی به باب این روایات داده؛ یعنی «باب ما روی فیمن ادعی الإمامه و من زعم أنه إمام و لیس بإمام و أن کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت» (۲) می توان گفت: او به عنوان نخستین نقل کننده این روایات، چنین فهمیده که مقصود از صاحب پرچم، کسی است که خود را به عنوان امام و یا قائم معرفی کند.

افزون بر آنچه در باره سند روایات گفته شد، اگر با استناد به این روایات، هرگونه قیام و نهضتی را محکوم و غیر مشروع بدانیم، این گونه برداشت، با روایت های جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و نیز با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام تعارض دارد و در مقام تعارض، باید از این روایات صرف نظر کرد.

امام خمینی در برابر کسانی که با تمسّک به روایت های یاد شده به بهانه جویی می پردازند، می فرماید:

۱- . نک: نجم الدین طبسی، تا ظهور، ج۱، ص۷۸.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۱۱۱.

«این احـادیث، هیـچ مربوط به تشـکیل حکومت خـدایی عادلانه که هر خردمنـد لازم می دانـد نیست؛ بلکه در روایت اول، دو احتمال است: یکی آنکه راجع به خبرهای ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهـد بگویـد علم هـایی که به عنوان امـامت قبـل از قیـام قـائم بر پـا می شود، باطل است چنانچه در ضـمن همین روایات علامت های ظهور هم ذکر شده است و احتمال دیگر آنکه از قبیل پیشـگویی باشد از این حکومت هایی که در جهان تشـکیل می شود تا زمان ظهور که هیچ کدام به وظیفه خود عمل نمی کنند و همین طور هم تا کنون بوده... .» (۱)

ایشان در جای دیگر می فرمایـد: «آن روایات [اشاره دارد] که هر کس عَلَم بلنـد کنـد با عَلَم مهـدی، به عنوان «مهـدویت» بلند کند [باطل است].» (۲)

۲. شکست قیام های پیش از ظهور

روایاتی که بیانگر ناکامی و شـکست قیام های پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام است. این دسته از روایات، در ضمن، به مشـروع نبودن تلاـش برای ایجـاد حکومت اسـلامی اشاره کرده است؛ زیرا قیامی که بـدون ثمر باشـد، از دیـد گاه عقل و عقلا ناپسند است.

بعضی از روایاتی که در این باره نقل می شود از این قرار است:

کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش از حمّاد بن عیسی از ربعی... نقل کرده که امام سجاد علیه السلام فرمود:

وَاللَّهِ لایَخْرُجُ واحِدٌ مِنَّا قَبْلَ خُرُوجِ القائِمِ علیه السلام اِلّا کانَ مَثَلُهُ مَثَلَ فَرْخٍ طارَ مِنْ

۱- . سید روح الله موسوی خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۲۵.

۲- . همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴.

وَکْرِهِ قَبْلَ اَنْ یَسْتَوِی جَناحاهُ فَاَخَذَهُ الصِّبْیانُ فَعَبَثُوا بِهِ؛ (۱) به خدا سوگند! هیچ یک از ما پیش از قیام قائم خروج نمی کند؛ مگر اینکه مَثَل او، مانند جوجه ای است که پیش از محکم شدن بال هایش، از آشیانه پرواز کرده باشد. در نتیجه کودکان او را گرفته و با او به بازی می پردازند.

از این روایت نتیجه گرفته اند که: قیام برای تشکیل حکومت اسلامی، نه فقط بی نتیجه است که گرفتاری و ناراحتی اهل بیت را نیز در پی دارد. بنابراین باید از تشکیل حکومت اسلامی، پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چشم پوشید!

یکی از اشکالات این است که این روایت، مرسل است و در سند آن شخصی به نام ربعی بن عبدالله بن الجارود قرار دارد که هر چند ثقه است؛ ولی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام به شمار می آید. بنابراین از نظر طبقه و سال، نمی تواند بدون واسطه، از امام زین العابدین علیه السلام روایت نقل کرده باشد.

البته این روایت را نعمانی با اندکی تفاوت، از امام باقر علیه السلام با سند دیگری این چنین نقل کرده است:

مَثَلُ مَنْ خَرَجَ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ مَثَلُ فَرْخٍ طَارَ وَ فوَقَعَ من وکره فَتَلَاعَبَتْ بِهِ الصِّبْیَانُ؛ (۲) مَثَلِ خروج قائم ما خاندان، مانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و مثل آن کس که از ما خاندان قبل از قیام قائم به پا خیزد، بسان جوجه ای است که پرواز کند و از آشیانه خود فرو افتد و کودکان با آن به بازی پردازند (یعنی دستخوش بازیچه کودکان شود).

۱- . علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن حمّاد بن عیسی، عن ربعی، رفعه عن علی بن الحسین علیه السلام قال:؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۲؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹، ح ۱۴.

۲- . حدثنا محمد بن همام قال حدثنا جعفر بن محمد بن مالک قال حدثنی أحمد بن علی الجعفی عن محمد بن المثنی الحضرمی عن أبیه عن عثمان بن زید عن جابر؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۱۹۹، ح۱۴.

این روایت هم به دلیل مجهول و یا مهمل بودن احمد بن علی جعفی و محمّد بن مثّنی حضرمی و عثمان بن زید جهنی در آن، غیر قابل قبول است. افزون بر آن اینکه جعفر بن محمّد بن مالک، (فزاری) به تصریح نجاشی، ضعیف الحدیث و فاسد المذهب است. (۱)

اضافه بر اشکال در سند که به آن اشاره شد؛ استناد به این روایت و مانند آن از جهاتی باطل است:

جهت نخست: این روایت در صدد این نیست که اصل جواز قیام را ردّ کند؛ بلکه پیروزی را نفی می کند. اگر چنانچه قائل شویم این روایت نفی جواز می کند، پس قیام امام حسین علیه السلام در برابر یزید و نیز قیام زید بن علی و حسین بن علی (شهید فخ) و... را نیز محکوم کرده است! با اینکه بدون تردید، این قیام ها مورد تأیید ائمه علیهم السلام بوده است. امام صادق علیه السلام در باره قیام زید شهید فرمود:

وَ لَا تَقُولُوا خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْداً كَانَ عَالِماً وَ كَانَ صَدُوقاً وَ لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ لَوْ ظَهَرَ لَوَفَى بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَى سُلْطَانٍ مُجْتَمِعٍ لِيَنْقُضَه؛ (۲) قیام زید را به رخ نکشید؛ زیرا او مردی عالم و راستگو بود و شما را به سوی خود دعوت نکرد؛ بلکه به سوی آل محمد علیهم السلام و رضایت آنان دعوت نمود. هر آینه، اگر پیروز می شد، به وعده خود وفا می کرد. او در برابر سلطنت و حکومتی قیام کرد که محکم و یک پارچه بود و می خواست ارکان آن را متلاشی کند.

جهت دوم: پیروز نشدن قیام، دلیل بر نفی تکلیف

۱- . کان ضعیفا فی الحدیث قال: أحمد بن الحسین کان یضع الحدیث وضعا و یروی عن المجاهیل؛ نجاشی، رجال نجاشی، ص۱۲۲، شماره ۳۱۳.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۶۴، ح۳۸۱.

به قیـام نیست؛ به عنوان نمونه «در جنگ صـفین، شایع شـد که معاویه مرده است. این خبر باعث شادی مردم شـد؛ اما حضـرت علی علیه السـلام در مقابل شادی مردم، فرمود: سو گنـد به آن خدایی که جان من در قبضه قدرت او است! معاویه هلاک نمی شود تا مردم با او هماهنگ شوند. از آن حضـرت پرسیدند: بنابراین پس چرا با او می جنگید؟ امام فرمود: «اَلْتَمِسُ العُذْرَ بَینی وَ بَیْنَ اللّهِ؛ (۱) می خواهم بین خود و خدایم عذر داشته باشم».

این روایت و مانند آن بیانگر این معنا است که انسان مسلمان، باید به تکلیف خود عمل کند و نباید انتظار داشته باشد، حتماً به نتیجه مطلوب برسد.

جهت سوم: شایـد مقصود از جمله «مِنّا اَهْل البَیْت» فقط ائمه معصومین علیهم السـلام باشـند؛ زیرا شـیعیان از آنان، انتظار خروج مسـلحانه را داشـتند و ایشان با توجّه به شـرایط حاکم بر آن زمان، می خواسـتند با اخبار غیبی، آنان را قانع کنند که هرکس از مـا، پیش از قیـام قـائم خروج کنـد، به علت نبود امکانات لازم، پیروز نمی شود و مصـلحت اقتضا می کنـد که خروج مسـلحانه نکنند.

جهت چهـارم: در برخی از روایـات، به قیـام هـای پیش از قیام قائم بشارت داده شـده است که زمینه ساز حکومت مهـدی علیه السـلام هسـتند. بـدون تردیـد زمینه سـازی آنها، به لحاظ موفقیت آن قیام ها است. افزون بر اینکه ایجاد آمادگی، خود بزرگ ترین ثمره آنها می باشـد. یکی از بارزترین این قیام ها خروج یمانی است که در روایات فراوانی، از پرچم او به عنوان هـدایت یافته ترین پرچم یاد شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

۱- . ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۵۹.

خُرُوجُ الثَّلَاثَهِ الْخُرَاسَانِيِّ وَ السُّفْيَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ فِی سَنَهٍ وَاحِدَهٍ فِی شَهْرٍ وَاحِدٍ فِی یَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَیْسَ فِیهَا رَایَهٌ بِأَهْدَی مِنْ رَایَهِ الْیَمَانِیِّ یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ؛ (۱) خروج سه نفر خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز است. در میان این قیام ها، پرچمی هدایت کننده تر از پرچم یمانی نیست. آن پرچم هدایت به حق دعوت می کند.

امام باقر علیه السلام نیز به این مهم اشاره کرده، دعوت یمانی را به حضرت مهدی علیه السلام دانسته است. (۲)

... وَ لَیْسَ فِی الرَّایَاتِ أَهْدَی مِنْ رَایَهِ الْیَمَانِیِّ هِیَ رَایَهُ هُدًی لِأَنَّهُ یَدْعُو إِلَی صَاحِبِکُم؛ (۳) در میان پرچم ها، هدایت گر تر از پرچم یمانی نیست. آن پرچم هدایت است، چون به صاحب شما فرا می خواند.

کلینی با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ الصَّیْحَهُ وَ السُّفْیَانِیُّ وَ الْخَسْفُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکِیَّهِ وَ الْیَمَانِی؛ (۴) پنج نشانه پیش از قیام قائم است: صیحه، سفیانی، فرو رفتن، کشته شدن نفس زکیه و یمانی.

در این روایات تأکید بر حتمی بودن آنها پیش از قیام قائم علیه السلام است که به طور روشن با جمله «قبل قیام القائم»، وقوع آن را پیش از قیام حضرت دانسته است.

جهت پنجم: این روایات اگر در صدد نهی از قیام و مبارزه با ستم و فساد باشد، با آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و نیز با سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام ناسازگار خواهد بود؛ از این

۱- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۴۶.

۲- . این نکته می تواند شاهدی بر آن باشد که صاحب پرچم های طاغوت، نه به حق و نه به امام مهدی علیه السلام دعوت می کنند.

۳- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۵۶، ح۱۳.

۴- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

رو باید به دور افکنده شود.

۳. سکوت و خانه نشینی

روایـاتی که برای مشـروع نبودن تلاش در راه ایجاد حکومت اسـلامی در دوره غیبت، بـدان ها اسـتناد شـده است. این روایات مردم را به سـکوت و سکون، فرا می خواند و از مشارکت در هر قیام و مبارزه ای، پیش از تحقق نشانه های ظهور باز می دارد. جابر بن یزید جعفی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

یا جابر! الْزَم الْأَرْضَ وَ لَا تُحَرِّکْ یَداً وَ لَا رِجْلًا حَتَّی تَرَی عَلَامَاتٍ أَذْکُرُهَا لَکَ وَ مَا أَرَاکَ تُدْرِکُهَا اخْتِلَافُ بَنِی فُلَانٍ وَ مُنَادٍ یُنَادِی مِنَ السَّمَاءِ وَ یَجِیئُکُمُ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِیَهِ دِمَشْقَ؛ (۱) بر زمین بنشین (خانه نشین باش) و دست و پا نجنبان (فعّالیتی نکن)، تا نشانه هـایی را که برایت یـاد می کنم، ببینی و بـدانها برسـی: نخستین آنهـا اختلاـف بنی عبّاس است و من در تو نمی بینم که آن را دریـابی ولی پس از من آن را از من روایت کن و آواز دهنـده ای از آسـمان نـدا کنـد و شـما را آوازی از جانب دمشق به فتح برسد... .

امام صادق علیه السلام به سدیر می فرماید:

یا سَـدیرُ اِلْزَمْ بَیْتَکَ وکُنْ حِلْساً مِن اَحْلاسِهِ وَاسْـکُنْ ما سَـکَنَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ فَاِذا بَلَغَکَ اَنَّ السُّفْیانِیَّ قَـدْ خَرَجَ فَارْحَلْ اِلَیْنا وَلَوْ عَلی رِجْلِکَ؛ (۲) ای سدیر! در خانه بنشین و به زندگی بچسب

۱- . أخبرنا أحمد بن محمد بن سعید عن هؤلاء الرجال الأربعه عن ابن محبوب و أخبرنا محمد بن یعقوب الکلینی أبو جعفر قال حـدثنی علی بن إبراهیم بن هاشم عن أبیه قال و حـدثنی محمـد بن عمران قال حـدثنا أحمد بن محمد بن عیسـی قال و حدثنی علی بن محمـد و غیره عن سـهل بن زیاد جمیعا عن الحسن بن محبوب قال و حـدثنا عبـد الواحد بن عبد الله الموصـلی عن أبی علی أحمـد بـن محمـد بن أبی ناشـر عن أحمـد بن هلاـل عن الحسن بن محبـوب عن عمرو بن أبی المقـدام عن جـابر بن یزید الجعفی؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۷۹، ح۶۷.

۲- . عِدَّهٌ مِنْ أَصْـحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ بَکْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَدِیر؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۳.

وآرامش داشته باش تا آن هنگام که شب و روز آرام هستند؛ اما هنگامی که خبر رسید سفیانی خروج کرده، به سوی ما بیا، اگرچه با پای پیاده باشد.

از دیدگاه برخی، مقتضای این روایات منحصر به جابر و سدیر نیست؛ بلکه بر همه واجب است تا خروج سفیانی و... قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، سکوت کرده و از قیام و خروج خودداری کنند! در پاسخ به این دیدگاه باید گفت تعمیم حکم به همه افراد، در همه زمان ها، متوقف است بر اینکه ما علم داشته باشیم به اینکه شخص یا زمینه خاصّی، مورد نظر امام نبوده است.

برخی از بزرگان، مدّعی شده اند: این گونه روایات، از ساخته و پرداخته های بنی امیّه و بنی عبّاس است و انگیزه آنان، بازداشتن علویان از قیام و شورش بر ضدّ فرمانروایان است. (۱) البته این سخن را به عنوان احتمال می توان پذیرفت؛ زیرا جعل احادیث از سوی فرمانروایان بالأخص امویان امری عادی و رایج بوده است؛ ولی ادعای قطع و یقین مشکل است.

۴. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان

برای اثبات مشروع نبودن برپایی حکومت اسلامی در دوره غیبت، گاهی روایاتی استناد می شود که به صبر دعوت کرده و از شتاب، نهی کرده است. در اینها آمده است: انسان مسلمان، پیش از فرا رسیدن موعد فرج و زوال ملک ستمگر، نباید خود را به زحمت بیندازد و به دنبال برقراری حکومت عدل باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّ إِزَالَهَ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَهِ مُلْكٍ لَمْ تَنْقَضِ أَيَّامُهُ؛ (۲) ای علی! برکندن کوه های بزرگ آسان تر است از برچیدن پادشاهی ای که زمانش به

۱- . نک: نجم الدین طبسی، تا ظهور، ج ۱، ص ۷۳.

۲- . رَوَى حَمَّادُ بْنُ عَمْرٍو وَ أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیهم السلام عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّهُ قَالَ لَه:؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۲، ح ۵۷۶۲.

سر نرسیده است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

الْزَمُوا الْأَرْضَ وَ اصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سُيُوفِكُمْ فِي هَوَى أَلْسِنَتِكُمْ وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلِ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النِّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ بِسَيْفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْ ءٍ مُدَّةً وَ أَجَلًا؛ (۱) به زمین بچسبید و بر بلاها صبر کنید؛ دست ها و شمشیرهایتان را در جهت خواست های زبانتان به حرکت در نیاورید و نسبت به آنچه خداوند برای شما در آن عجله قرار نداده، شتاب نکنید. اگر کسی از شما در رختخواب بمیرد، اما نسبت به خدا و رسول و اهل بیت او، شناخت و معرفت داشته باشد، شهید از دنیا رفته و اجر او با خدا است و آنچه را از اعمال نیک نیّت داشته، پاداشش را خواهد برد و همان نیّت خیر او در ردیف به کار گرفتن شمشیر است. بدانید که برای هر چیز مدّت و سرآمدی است.

این روایت دلالتی بر مدّعای اندیشه نفی مشروعیّت حکومت ندارد؛ زیرا در بیشتر این گونه احادیث، شتاب قبل از موعد و قیام در مواردی که شرایط زمان مهیّا نیست، مورد نهی قرار گرفته است، اما اگر زمینه های قیام و تشکیل حکومت فراهم باشد، آیا باز هم مبارزه و قیام، همان حکم را دارد؟! این احادیث، در این مورد ساکت است و در صدد بیان چنین حکمی نیست و ممکن است در مقام تقیّه صادر شده باشند. بدون تردید سخن امام علی علیه السلام نیز در ارتباط با مورد خاصّ و شرایط ویژه است.

از طرفی روایاتی نقل شده که در آن بسیاری از قیام های علویان وغیرآن مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین قیام هایی صورت گرفته که

۱- . سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳.

شیعیان وعالمان معروف در آن شرکت داشته اند. این دسته از احادیث، روایات پیشین را توضیح داده وتفسیرمی کنند. صاحب وسائل الشیعه به نقل از محمدبن ادریس، آورده است: «فردی در محضر امام صادق علیه السلام سخن از قیام به میان آورد و از خروج کسانی که از اهل بیت قیام می کنند، سؤال کرد. حضرت فرمود:

لاـ اَزالُ اَنا وَ شیعَتی بِخَیْرٍ مَا خَرَجَ الخارِجیُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوَدِدْتُ اَنَّ الخَارِجیَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَ عَلَی نَفَقَهُ عِیالِهِ؛ (۱) پیوسته من و شیعیانم بر خیر هستیم تا هنگامی که قیام کننده ای از آل محمد علیهم السلام قیام کند. چقدر دوست دارم که شخصی از آل محمد علیهم السلام قیام کند و من مخارج خانواده او را بپردازم.

نکته قابل توجه اینکه حر عاملی این روایت را در همان بابی که روایات منع از قیام را آورده، نقل کرده است. افزون بر آن، تأیید برخی از قیام ها از جمله قیام زید، قیام حسین بن علی شهید فخ و قیام توابین خود دلیلی بر تأویل روایات ناهی از قیام است. (۲)

بنابراین بر فرض صحیح بودن اسناد بعضی از احادیث، هیچ یک از آنها نمی تواند مشروعیّت قیام و حکومت در عصر غیبت را زیر سؤ ال ببرد؛ بلکه این گونه روایات، قیام هایی را ممنوع و محکوم به بطلان می داند که دارای شرایط لازم نیست و یا جهت اهداف فاسد و هواها و هوس ها انجام می شود.

پس اگر قیامی با شرایط بیان شده در شرع، زیر نظر حاکم عادل (فقیه) انجام پذیرد و اهداف آن نیز بر اساس شریعت شکل گرفته باشد، زمینه ساز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و نه تنها از آن نهی نخواهد شد؛ بلکه در برخی از

۱- . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۴، ح ۱۹۹۷۵.

۲- . نک: محمدصادق مزینانی، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۱۹ .۱۳۸

موارد، تلاش برای برپایی آن، واجب خواهد بود.

به نظر می رسد برخی با مطرح کردن این بحث ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، به نوعی حرف دشمن را بیان می کنند.

خودآزمایی

۱. در باره طاغوت بودن پرچم داران به چه روایتی استدلال شده است؟ اشکالات آن را توضیح دهید.

۲. روایاتی را که سخن از شکست قیام های پیش از ظهور به میان آورده بیان نمایید و یک روایت را شرح دهید.

۳. موضع گیری پیشوایان معصوم علیهم السلام در برابر قیام های هم عصر آنان چونه بوده است؟ با ذکر دو مثال شرح دهید.

۴. روایاتی که برخی اصحاب را به خانه نشینی و سکوت توصیه کرده، به چه چیزی دلالت می کند؟ تا چه اندازه می توان با آنها بر قیام های پیش از ظهور استدلال کرد؟

۵. ارتباط روایات مذمت شتاب برای نابود کردن دشمنان، با قیام های پیش از ظهور چگونه است؟ یک روایت را در این زمینه بررسی نمایید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، تا ظهور، دو جلد، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۸ش.

۲. دشتی، محمد، آینده و آینده سازان، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر مؤمنان، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۱ش.

۳. مزینانی، محمد صادق، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۴. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی، چاپ اول، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ش.

۵. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹ش.

درس پنجم: دشمن شناسیِ اعتقاد به مهدویّت

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. ضرورت دشمن شناسی؛

۲. برخی عوامل مخالفت و دشمنی با حق؛

۳. راهبرد دشمنان برابر مهدویت؛

۴. راه های مقابله با دشمن.

پیش درآمد

برای رسیدن به هدف، لازم است تا موانع راه به خوبی و روشنی شناخته شود؛ از این رو «دشمن شناسی» در آموزه های دینی، همواره مورد توجه و سفارش بوده است. در همه دوران ها در برابر حق، باطل به مخالفت و دشمنی پرداخته است: از رویارویی ابلیس با آدم علیه السلام و از قابیل با هابیل علیه السلام تا فرعون و موسی علیه السلام و ابوسفیان در برابر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و... همه از بی پایان بودن این دشمنی ها حکایت می کند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان آخرین ذخیره الهی برای برپایی حکومت عدل جهانی و پایان بخش همه باطل ها، از آغاز تا به امروز و تا برپایی آن حکومت جهانی، همواره مورد دشمنی بوده و هست؛ بویژه آنکه اندیشه مهدویت، و انتظار ظهور سبب می شود تا استکبار و دشمنان به بسیاری از خواسته های خود دست نیابند.

بایسته است با شناسایی این دشمنی ها و جدّی بودن مبارزه دشمنان با مقوله مهدویّت، با قوّت و قدرت به پاسداشت این اعتقاد اساسی بپردازیم و با بهره گیری از شیوه ها و روش های دقیق، به اقدامات لازم دست بزنیم.

این بحث در عرصه هایی قابل بررسی است:

یک. ضرورت دشمن شناسی

اشاره

آیات قرآن در حوزه های گوناگون، به این بحث پرداخته و دشمنان را به صراحت معرفی کرده است. در بررسی آیات، گروه های زیر بیشتر به چشم می خورد:

۱-۱. کافران، دشمن خدا و مؤمنان

خداوند در آیات فراوانی، کافران را دشمن خود و دشمن دوستان خود دانسته و مسلمانان را از دوستی با آنان پرهیز داده است؛ چنان که در سوره ممتحنه می فرماید:

(یَأَیهَُّا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیَاءَ تُلْقُونَ إِلَیهِْم بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ کَفَرُواْ بِمَا جَاءَکُم مِّنَ الْحَقّ ِ...) (۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی می گیرید؛ [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده، کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکّه] بیرون می کنند که [چرا] به خدا، پروردگارتان ایمان آورده اید... .

بنابراین مهم ترین تلاش کافران، زدودن دین از زندگی انسان ها و به گمان خود خاموش کردن نور الهی است؛ (۲) کاری که امروزه به روشنی در دستور کار دشمنان قرار گرفته است.

۲-۱. یهود سرسخت ترین دشمن

آیات قرآن از «یهود» به عنوان دشمن ترین گروه برای مؤمنان یاد کرده و پس از آنان به «مشرکان» اشاره نموده است.

(لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِینَ ءَامَنُواْ الْیَهُودَ وَ الَّذِینَ أَشرَْکُواْ...)؛ (۳) مسلّماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت... .

۱- . ممتحنه (۶۰)، آیه ۱و ۲.

۲- . توبه (۹)، آیه ۳۲.

۳- . مائده (۵)، آیه ۸۲.

آیاتی دیگر علت این دشـمنی را کفر به آیات خداوند، (۱) تکذیب و قتل برخی پیامبران، (۲) سلطه جویی و خوی استکباری، (۳) روحیه عصیان و تجاوزگری، (۴) فساد در زمین (۵) و جنگ افروزی (۶) دانسته است.

۳-۱. مشرکان

«مشـرکان» در دشـمنی با مسـلمانان، هماننـد یهودیان هسـتند؛ امّا در مرتبه و اولویّت دوم قرار دارند و خطر ایشان کمتر از یهود است؛ لـذا پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم درطول مـدّت رسالت خود، همواره مراقب تحرکات و اقـدامات آنان بوده و چنانچه هرگونه تحرکی از طرف آنها می دید، به مقابله و رفع آن می پرداخت.

۴-۱. منافقان

در آیـات فراوانی از نفاق و منافقان به عنوان دشـمنی خطرناک یاد شـده و ویژگی های آنان، کفر ورزیـدن در پوشـش ایمان، فریب کـاری و نیرنـگ، افسـاد در پوشـش اصـلاح، چنـد چهرگی و رنگارنگی، سـفاهت و نادانی، طغیانگری و سرکشـی، (۷) تشویق مردم به منکرات، جلوگیری از نیکی ها، دروغ گویی (۸) و... دانسته شده است.

۵-۱. نصارا

اگرچه نگـاه قرآن به مسـیحیان ملایـم تر از یهود است؛ امـا این نگـاه هرگز به معنـای دوستی آنان با مسـلمانان نیست؛ بلکه در آیاتی،

۱- . مائده (۵)، آیه ۷۸.

۲- . مائده (۵)، آیه ۷۰.

۳- . بقره (۲)، آیه ۸۷.

۴- . مائده (۵)، آیه ۷۸.

۵- . مائده (۵)، آیه ۶۴.

۶- . مائده (۵)، آیه ۶۴.

۷- . نک: بقره(۲)، آیات ۸ تا ۱۴.

۸- . نک: توبه(۹)، آیه ۶۷ و منافقون(۶۳)، آیات ۱ تا ۸.

مؤمنـان را از دوستی با آنان پرهیز داده است. (۱) آنجایی که تعالیم حضـرت عیسی علیه السلام بیشتر بر محور مواعظ و توصیه های اخلاقی تکیه دارد و رفتارهای سیاسـی اجتماعی پیروان او نیز ریشه در این آموزه ها دارد؛ از این رو آنان از مواضع صـلح جویانه بیشتر استقبال می کنند. به همین جهت قرآن در پایان همین آیه می فرماید:

(ذَالِکَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّیسِینَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا یَسْتَکْبِرُون) (۲)؛ زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی اند که تکبر نمی ورزند.

اینان در مرتبه سوم دشمنی قرار گرفته اند و امروزه نیز مواضع سیاسی و نظامی دولت های مسیحی در ارتباط با مسلمانان بیانگر همین واقعیّت است. گروه های یادشـده در دشـمنی با اسـلام ناب، «مهـدویت» را به عنوان آموزه ای تأثیر گـذار، همواره مورد هجوم خود قرار داده اند.

دو. عوامل مخالفت و دشمنی با حق

۱-۲. دنیاپرستی

بـدون تردیـد «دنیا پرستی»، از مهم ترین عواملی است که شـمار فراوانی از انسان ها را از مسـیر حق جـدا کرده، (۳) آنها را در صف دشـمنان قرار داده است. تاریخ گواه روشـنی است بر اینکه افرادی به جهت بهره های ناپایدار دنیایی، در برابر حق و اهل آن، به مخالفت و دشمنی برخاسته اند؛ خواه این بهره ها، ثروت، جاه و مقام باشد و خواه هوا و هوس و... .

از آنجایی که جهت آموزه مهدویت مبارزه با

۱- . مائده (۵)، آیه ۵۱.

۲- . مائده (۵)،آیه ۸۲.

۳- . امام سـجاد علیه السـلام فرمود: حُبُّ الـدُّنْیَا رَأْسُ کُلِّ خَطِیئَه؛ محمـد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۲، ص ۱۳۰، ح۱۱. و نیز: آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص۱۴۲، ح۲۵۱۹.

دنیا پرستی و دنیا پرستان و خلاف خواسته های آنان است؛ به شدّت مورد دشمنی آنها قرار دارد.

۲-۲. سلطه جویی

آموزه های بلند دینی با هرگونه استکبار و «سلطه جویی» بر دیگران مخالف است؛ بویژه آنکه در اندیشه مهدویّت نابودی ستم و ستمگران به عنوان هدفی مهم به چشم می آید؛ از این رو سلطه جویان، آن را در مقابل خود می دانند. به گونه ای که می توان گفت دشمن ترین اشخاص با مهدویت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ستمگران و سلطه جویان عالم اند.

آنان با این عقیده، مخالف و دشمن اند و می دانند که این عقیده و باور، برای هدف های مستکبرانه آنها مزاحم است. از این رو همواره، تلاش کرده اند تا آن را از زندگی مردم دور نمایند و یا مفاهیم این باورداشت را تحریف کنند.

۲۳. تعصب های کور

در طول تاریخ گروه هایی بوده اند که با پافشاری بی جا بر پندارها و گاهی باورهای خود، در بیراهه و کژراهه گام نهاده اند. اینان به جهت تعصب های کور از پذیرش حقیقت هایی را که پیامبران الهی بیان کرده اند، سر باز زده و به دشمنی با آن برخاسته اند. خداوند متعال لجبازی برخی را در برابر حق را این گونه توصیف کرده است:

(وَ إِنْ یَرَوْا کِسْفاً مِنَ السَّماءِ ساقِطاً یَقُولُوا سَحابٌ مَرْکُومٌ)؛ (۱) و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند، می گویند: «ابری متراکم است.»

اینان آنقدر لجوج اند که حقایق حسی را منکر می شوند و سنگ های آسمانی را به ابرهای متراکم تفسیر می کنند. تاریکی گناه و هوا پرستی و

۱- . طور (۵۲)، آیه ۴۴.

دشـمنی و لجاجت، چنـان افق دیـد انسـان را تیره و تار می سازد که حتی عاقبت کار او به انکار محسوسات می کشـد و با این حال امیدی برای هدایت او نیست.

اینان به فکر و انـدیشه ارج نمی نهنـد و با بی اعتنایی به برهان و اسـتدلال محکم، بر ایمان سـطحی و تقلیدی خویش پا فشاری می کنند. شهامت تجزیه و تحلیل را ندارند و از شنیدن حق و پذیرفتن آن امتناع می ورزند.

گروه فراوانی از دشـمنان حضرت مهدی علیه السلام و اندیشه مهدویت، صرفاً به جهت تعصب بی جا مخالفت می ورزند و آن را به این جهت که در منابع روایی شیعه آمده است، نمی پذیرند.

۲۴. ناآگاهی از حقیقت مهدویت

از افتخـارات مهم اسـلام، دعوت انسـان هـا به اندیشـیدن و کسب آگـاهی است. پیشوایان معصوم علیهم السـلام همواره پیروان خود را به خردورزی سـفارش کرده انـد تـا مبادا در دام جهل و نادانی به انکار حقایق نرسـند. خداونـد متعال دلیل انکار آیات الهی را به سبب جهل برخی از افراد دانسته است:

(بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحیطُوا بِعِلْمِهِ...)؛ (۱) بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن، احاطه نداشتند....

آنهـا قرآن را به جهت اشـکالات و ایرادهـایی انکـار نمی کردنـد؛ بلکه تکـذیب و انکارشـان این دلیـل بـود که از محتوای آن آگاهی نداشتند و عامل انکار جهل آنها بود.

همین طور بخش قابل توجهی از کسانی که به دشـمنی با انـدیشه مهدویّت برخاسـته اند، به سـبب ناآگاهی از حقیقت این باور بوده است. (۲)

۱- . یونس (۱۰)، آیه ۳۹.

۲- . البته نگارنده معترف است که در میان آموزه های روشن مهدویت بحث های آسیب زای فراوانی وارد شده که سبب شده برخی به حقایق این اعتقاد دست نیابند.

سه. راهبرد دشمنان در برابر مهدویت

اشاره

امروزه دشـمنان، بـه عظمـت و کـارآیی این اعتقـاد پی برده و به هر طریـق بـا این اعتقـاد دشـمنی می کننـد و در این مبـارزه از «راهبردهای مختلفی» بهره می برند؛ از قبیل:

۱-۳. انکار

نخسـتین حربه و شـگرد دشـمنان در مواجهه بـا بحث مهـدویت «انکـار» آن است که بـا القـای شـبهه هـایی چون متولـد نشـدن حضرت، عدم امکان طول عمر و... همراه است.

آنان مهـدویت را برآمـده و پاسـخی خیالی به نابسامانی ها و حوادث تاریک و سـتم آلود زندگی دانسـته اند و یا آن را باوری وارداتی از دیگر ادیان پنداشته اند! روشن است که این انکار گستره ای وسیع تر از باور شیعی را هدف گرفته است.

۲-۳. تحریف

آن گاه که دشـمن در عرصه انکار چنـدان طرفی نبست، به راهبرد تحریف متوسل شده است. او در قالب پذیرش این باور، آن را بـه گـونه هـایی نـادرست ارائـه می کنـد. و در ایـن عرصه نقش قلم به مزدان دین فروش بسـیار دارای اهمیت است! آنـان با آشنایی با بعضی از این آموزه ها، می توانند نقاط ضعف آن را برجسته و به اهداف شوم دشمنان یاری رسانند.

۳-۳. تخریب

راهبرد دیگر دشمنان در برابر این باور تخریب آن است. این تخریب به طور عمده به دو صورت تحقق می یابد:

الف. القای شـبهه: آنان با بیان زیرکانه برخی پرسش ها و شبهه ها، ذهن مخاطبان را دچار تشویش کرده، این باور را مخدوش می سازند. امروزه بخش قابل توجهی از این شبهه ها، از طرف مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام، ناجوانمردانه کسانی

را در معرض هجوم قرار می دهـد کـه از توانـایی لازم، برای تجزیـه و تحلیـل مطـالب برخوردار نیسـتند. آنـان کـه در برابر دانشمندانی بزرگ چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی راه به جایی نبرده اند، انسان های عادی را مورد هجوم قرار می دهند. (۱)

البته پیشوایـان معصوم علیهم السلام موضع مؤمنـان را در برابر شـبهه افکنی دشـمنان، به روشـنی بیـان کرده انـد. امام هشـتم از پدرانش علیهم السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ بَشِیراً لَیَغِیبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِی بِعَهْدٍ مَعْهُودٍ إِلَیْهِ مِنِّی حَتَّی یَقُولَ أَکْثَرُ النَّاسِ مَا لِلَّهِ فِی آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَهٌ وَ یَشُکُّ آخَرُونَ فِی وِلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَکَ زَمَانَهُ فَلْیَتَمَسَّکْ بِدِینِهِ وَ لَا یَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ إِلَیْهِ سَبِیلًا بِشَکِّهِ فَیُزِیلَهُ عَنْ مِلَّتِی وَ یُخْرِجَهُ مِنْ دِینِی فَقَدْ أَخْرَجَ أَبَوَیْکُمْ مِنَ الْجَنَّهِ مِنْ قَبْلُ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الشَّیاطِینَ أَوْلِیاءَ لِلَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ؛ (۲)

قسم به کسـی که مرا بشـیر مبعوث کرد! به یقین امـام قائم از فرزنـدان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهـده اوست، غایب می شود تا آنجا که بیشتر مردم می گوینـد: خـدا را در خاندان محمّد حاجتی نیست! و دیگران در اصل ولادت او شـکّ می کنند، پس هر کس در زمان او واقع شود، بایستی به دین او متمسّک شود و به واسـطه شکّ خود راه شیطان را باز نسازد تا شیطان او را از آیین من زایل ساخته و از دین من بیرون برد. او پیش تر پدر و مادر شـما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان را ولی بی ایمانان قرار داده است.

ب. تحقیر و استهزا: همواره در طول تاریخ یکی از جلوه های دشمنی در برابر حق «مسخره کردن» حق (۳)

۱- . متأسـفانه هر سال شاهد نشـر کتاب ها و جزواتی در دشـمنی با مکتب اهل بیت علیهم السلام در مراسم وحدت بخش حج هستیم که بی گمان در راستای خشنودی صهیونیسم جهانی است.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص ۵۱.

۳- . حجر(۱۵)، آیه ۱۱.

و باورمندان (۱) به آن بوده است.

امروزه دشـمنان بخشـی از خصومت خود را در اسـتهزای این بـاور نشـان می دهنـد؛ همـان گونه که در صـدر اسـلام چنین می کردند. خداوند این برخورد را این گونه توصیف کرده است:

(إِنَّ الَّذینَ أَجْرَمُوا کـانُوا مِنَ الَّذینَ آمَنُوا یَضْـحَکُونَ)؛ (۲) [آری در دنیـا] کسـانی که گناه می کردنـد، آنان را که ایمان آورده بودند، به ریشخند می گرفتند!

این خنده تمسـخرآمیز و تحقیر کننده، ناشـی از روح طغیان و کبر و غرور و غفلت است، و همیشه افراد سبکسـر مغرور در برابر مؤمنان با تقوا چنین خنده های مستانه داشته اند.

در آیه بعد دومین برخورد زشت آنها را بیان کرده، می فرماید:

(وَ إِذَا مَرُّواْ بِهِمْ یَتَغَامَزُون)؛ (۳) و چون بر ایشان می گذشتند، اشاره چشم و ابرو با هم ردّ و بدل می کردند.

البته آنچه بـاعث تـأسف است، دشـمنی مسـلمانان با این باور در بین پیروان مکتب اهل بیت علیهم السـلام است. غافل از اینکه بیشترین نفع را در این جریان، دشمنان اسلام می برند!

خداونـد متعـال برای تقویت قلب پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم به او اطمینان می دهـد که در برابر اسـتهزا کننـدگان از وی حمایت می کند:

(إِنَّا کَفَیْناکَ الْمُسْتَهْزِئین)؛ (۴) ما [شرّ] ریشخندکنندگان را از تو برطرف خواهیم کرد.

(فَقَدْ کَذَّبُوا فَسَـیَأْتیهِمْ أَنْبؤُا ما کانُوا بِهِ یَسْـتَهْزِؤُنَ)؛ (۵) [آنـان] در حقیقت به تکـذیب پرداختنـد و به زودی خبر آنچه که بـدان ریشخند می کردند،

۱- . بقره(۲)، آیه ۱۳.

۲- . مطففین (۸۳)، آیه ۲۹.

۳- . مطففین (۸۳)، آیه ۳۰.

۴- . حجر (۱۵)، آیه ۹۵.

۵- . شعرا (۲۶)، آیه ۶.

بدیشان خواهد رسید.

۴-۳. جلوگیری از ترویج حق

از حربه های دیگر دشمنان در برابر گسترش حق و حقیقت، جلوگیری از گسترش آن است. این مسئله در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، با گرفتن گوش ها و یا ایجاد

سر و صدا برای نشنیدن صدای قرآن صورت می گرفت:

(وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لا تَسْمَعُوا لِهذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فیهِ لَعَلَّکُمْ تَغْلِبُون)؛ (۱) کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید، شاید شما پیروز شوید!»

برپا کردن جنجال و هیاهو، روش قدیمی برای مبارزه در برابر نفوذ حق است که امروز نیز به صورت گسترده تر و خطرناک تری ادامه دارد. برای منحرف ساختن افکار مردم و خفه کردن صدای منادیان حق و عدالت، محیط را آن چنان پر از جنجال می کنند که هیچ کس صدای آنها را نشنود، و با توجه به اینکه «و الغوا» از ماده «لغو» معنای گسترده ای دارد و هر گونه کلام بیهوده ای را شامل می شود، وسعت این برنامه روشن خواهد شد.

امروزه هرچند سردمداران کفر به روشنی توصیه به پرهیز از شنیدن صدای حق نمی کنند، اما با گسترش امور لغو و بیهوده (مانند فیلم های سینمایی و تلویزیونی مبتذل؛ بازی های رایانه ای و صدها ابزار دیگر) به طور عملی، جلوی اندیشیدن در سخن حق را می بندند.

۵-۳. جایگزینی

یکی دیگر از شگردهای دشمنان «جایگزین سازی» است. آنها که نمی توانند علاقه فطری انسان ها را به حق و حقیقت از بین ببرند، امور باطلی را در پوشش حق ارائه می کنند. خداوند در این باره می فرماید:

۱- . فصلت (۴۱)، آیه ۲۶.

(وَ إِذا تُتْلی عَلَيْهِمْ آياتُنا قالُوا قَدْ سَمِعْنا لَوْ نَشاءُ لَقُلْنا مِثْلَ هذا إِنْ هذا إِلاَّ أَساطيرُ الْأَوَّلين)؛ (۱) و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می گویند: «به خوبی شنیدیم، اگر می خواستیم، قطعاً ما نیز همانند این را می گفتیم، این جز افسانه های پیشینیان نیست.»

یکی از کارهای اساسی دشمن، جایگزین کردن اشخاص و جریان های دروغین به جای درست است. تاریخ گواه آن است که بسیاری از مدعیان مهدویت، نیابت و ملاقات، دست پروردگان و مزدوران دشمنان بوده اند.

این راهبرد دشمن در دوران حاضر، در قالب فیلم ها، سریال ها و بازی های هیجان آور رایانه ای با محوریت منجی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به علاقه مندان ارائه می شود.

۶-۳. گمراه کردن پیروان

دشمنان همواره در صدد انحراف به پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام هستند و می کوشند تا با آلوده کردن آنان به گناه، کیان و عظمت آنان را متزلزل سازند. آنان امروزه همه تلاش خود را در به انحراف کشاندن جوانان مسلمان و شیعه به کار می برند؛ چرا که می دانند تا ایمان و اعتقاد آنها ثابت و استوار باشد، راه به جایی نخواهند برد. آنان هزینه های سنگینی را صرف می کنند تا مردم را از خداوند دور سازند (۲) و مهم ترین کارشان، اشاعه فساد و تباهی است. (۳)

۱- . انفال (۸)، آیه ۳۱.

۲- . (إِنَّ الَّذينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبيلِ اللَّهِ ...(؛ «بی گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند... ؛ انفال(۸)، آیه ۳۶.

۳- . (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَری لَهْوَ الْحَديثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ مُهينٌ)؛ «و برخی از مردم کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود»: لقمان(۳۱)، آیه۶.

چهار. راه های مقابله با دشمن

اشاره

در آیات قرآن و بیانات بزرگان دین بعضی از راه های مقابله با دشمنان نیز بیان شده است که از این قرارند:

۱-۴. شکیبایی و تقوا

خداوند وعده داده اگر مسلمانان «صبر و تقوا» پیشه سازند، هرگز نیرنگ دشمنان به آنان آسیبی نمی رساند.

(... وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لا یَضُرُّکُمْ کَیْدُهُمْ شَیْئاً إِنَّ اللَّهَ بِما یَعْمَلُونَ مُحِیطٌ) (۱)؛ اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی رساند. یقیناً خداوند به آنچه می کنند، احاطه دارد.

این سنت الهی، مربوط به زمانی غیر از زمان دیگر نیست و امروزه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به شدت نیازمند شکیبایی و پرهیزگاری اند.

۲-۴. مجهز شدن به تجهیزات مناسب

یکی از راه های مقابله با دشمنان «فراهم آوردن همه امکانات مناسب» برای رویارویی با آنان است:

(وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّهٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّکُمْ وَ آخَرِینَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ یَعْلَمُهُمْ ...) (۲)؛ هر چه در توان دارید، از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان- که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد- بترسانید.

از آنجایی که این عرصه کارزار فرهنگی است، سلاح مناسب خود را می طلبد و مهم ترین سلاح در این زمینه، بالا بردن آگاهی و بصیرت است.

دشمنان برای اینکه بتوانند نقشه های شوم

۱- . آل عمران(۳)، آیه ۱۲۰.

۲- . انفال(۸)، آیه ۶۰.

خود را اجرا کنند، همیشه از راه دشـمنی وارد نمی شوند. گاهی با دراز کردن دست دوستی و در پس آن دشمنی، از ناآگاهی مسـلمانان به اهـداف خود می رسـند. قرآن مجیـد از این نقشه هـای شوم پرده برداشـته، مسـلمانان را از دوستی بـا کافران (۱)، منافقان، یهود، نصارا (۲) و... پرهیز داده است.

امروزه دشـمنان با طرح شـعارهای بشـر دوستانه، به دنبال مسخ باورهای اسلامی هستند و متأسفانه شاهد دوستی برخی از سران مسلمانان با آنها هستیم.

۴-۳. مبارزه منفی با دشمنان

یکی از راه هـای عملی مبـارزه با دشـمنان، در بی توجهی به آنها و «مبارزه منفی» است. قرآن خطاب به پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

(وَ لَا تُصَلِّ عَلی أَحَدٍ مِّنهُْم مَّاتَ أَبَدًا وَ لَا تَقُمْ عَلی قَبرْهِِ إِنهَُّمْ كَفَرُواْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَاتُواْ وَ هُمْ فَاسِقُون)؛ (۳) هرگز بر هیچ مرده ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست؛ چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردند.

۴-۴. شناساندن دشمن

مرور زمان گاهی دشـمن را از یاد انسان ها بویژه نسل نو به فراموشـی می برد. خداوند در آیاتی مسلمانان را به یادآوری چهره دشمن و دشمنی های آنها متذکر می شود. (۴) امروزه چهره بسیاری از دشمنان، در پس نقابی از دوستی قرار گرفته و این کار شناخت آنان را بویژه برای جوانان بسیار مشکل کرده است!

۱- . آل عمران (۳)، آیه۲۸.

۲- . مائده(۵)، آیه ۵۱.

۳- . توبه(۹)، آیه ۸۴.

۴- . نک: سوره منافقون، جمعه و ...

۵-۴. همکاری نکردن با دشمنان

آموزه های دینی و دستورات پیشوایان معصوم علیهم السلام، همواره بر عدم همکاری با دشمنان پافشاری کرده است؛ تا جایی که کمترین مساعدت با آنها را گناهی بزرگ دانسته اند.

۶-۴. اتحاد و برادری

خداوند یکی از ابزارهای مهم در برابر دشمن را «اتحاد و یکپارچگی» معرفی کرده است:

(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا...)؛ (۱) همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

امروزه در برابر انسجام دشمنان علیه باورهای دینی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند همدلی و اتحاد هستیم. همه باورداران به حضرت مهدی علیه السلام باید ضمن مقابله با فعالیت های دشمنان، همه حرکات آنها را زیر نظر داشته، هرگز از شیطنت هایشان غفلت نکنند.

۱- . آل عمران(۳)، آیه ۱۰۳.

خودآزمایی

۱. از نگاه قرآن دشمنان به چه گروه هایی تقسیم شده اند؟ دو گروه را توضیح دهید.

۲. یکی از عوامل مخالفت و دشمنی با حق، دنیاپرستی است؛ در این باره توضیح دهید.

۳. راهبردهای دشمنان را در برابر اعتقاد به مهدویت نام برده، دو نمونه را توضیح دهید.

۴. راه های مقابله با دشمنان مهدویت کدامند؟ یک مورد را به تفصیل بیان نمایید.

۵. به نظر شما مهم ترین راهبرد دشمنان در برابر اعتقاد به مهدویت در عصر کنونی چیست؟

□□□

منابع برای پژوهش

۱. جعفری اریسمانی، رحمت، دشمن شناسی از دیدگاه قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.

۲. جمعی از نویسندگان، درسنامه تاریخ تحلیلی دشمن شناسی، قم، مؤسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، ۱۳۸۳ ش.

۳. جعفری، محمد صابر، مهدی انکاری، انتظار ستیزی، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش۵، پاییز ۱۳۸۱ ش.

۴. باقری، خسرو، آسیب شناسی مهدویت، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش۱و۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ش.

درس ششم: نشانه های ظهور (مفاهیم و کلیّات)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نشانه های ظهور:

۱ آشنایی با مفاهیم:

علائم؛ آیت؛ دلالت؛

آخِرُ الزَّمان؛

ملاحم و فتن؛

ظهور؛ خروج؛ قیام؛

اشراط الساعه.

۲ آشنایی باکلیات:

نشانه های آخِرُالزّمان؛

نشانه های ظهور ؛

نشانه های قیام؛

نشانه های قائم؛

نشانه های خروج؛

نشانه های ظهور توصیف یا تمثیل؟

شمار نشانه ها.

ص: ۱۰۴

پیش درآمد

یکی از بحث هـایی که امروزه به گونه ای در کـانون توجه علاـقه منـدان مباحث مهـدویت و نیز دشـمنان این باور قرار گرفته، بحث «نشانه های ظهور» است. علاقه منـدان بـدان توجه کرده انـد، چون آنان با تطبیق رخدادها، جایگاه خود را با عصـر ظهور در می یابنـد و فعالیت های دشـمن را رصـد می کننـد. دشـمنان در هر حال نگران و مضـطرب آن رخداد بزرگ هسـتند و می پندارند با آگاهی از نشانه ها، می توانند در مقابله با ظهور به پیروزی هایی دست یابند.

نخستین گام بررسـی کامل و نتیجه بخش این بحث، مراجعه به روایات و سخنان بزرگان دین است که از رخدادهای شگرف و شگفت آور در پایان دوران حکایت دارند.

در این درس در حد امکان، به بحث های کلی پرداخته می شود تا زمینه برای بررسی های دقیق فراهم گردد.

یک. آشنایی با مفاهیم

اشاره

از آنجـایی کـه بررسـی هـای ژرف در ایـن موضـوع نیازمنـد بهره گیری از برخی واژه هـا و «مفـاهیم» است و از طرفی تعریف روشنی از بعضی از آنها در دست نیست؛ از این رو، گام نخست آن است که این واژه ها در حد امکان بازکاوی و تعریف

شود. برخی از این واژه هایی که در بحث نشانه ها به کار رفته، عبارت است از:

۱-۱. علایم

«عَلایم» جمع «علامه»، از ریشه «علم» به معنای «نشانه» است. و در عربی به معنای «آیه و دلالت» آمده است. از این رو عَلَم به معنای پرچم است که لشکر به نشانه آن گرد آیند. (۱) ابن فارس گوید: عَلَم به معنای نشانه ای است که در چیزی باشد و آن را از دیگری مشخص و متمایز نماید. (۲)

به گفته ابن منظور: علامت به معنای نشانه (السمه) و هم ریشه با عَلَم و مترادف با آن است. وی علامت و علم را به «فاصله بین دو قطعه زمین» و «چیزی که در بیابان برپا می شود تا افراد راه گم کرده، به سبب آن راه را پیدا می کنند». معنا کرده است! (۳)

این واژه در فارسی به «نشانه»، برگردان شده و آن عبارت است از آنچه که سبب شناختن کسی یا چیزی شود. (۴)

اگرچه واژه «علامات» به صورت جمع فقط یک بار در قرآن آمده، (۵) اما در روایات، فراوان ذکر شده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا... ؛ (۶) همانا برای اهل دین نشانه هایی است که بدان شناخته می شوند.

۱- . خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج۲، ص۱۵۳.

۲- . ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج۴، ص۱۰۹.

۳- . نک: ابن منظور، لسان العرب، ج۴، ص۴۱۶.

۴- . محمد معین، فرهنگ معین، ص ۱۱۱۵.

۵- . (وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُون)؛ و نشانه هایی [دیگر نیز قرار داد]، و آنان به وسیله ستاره[قطبی] راه یابی می کنند. نحل (۱۶)، آیه ۱۶.

۶- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۲، ص۲۳۹.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: لقمان به فرزندش گفت:

یَا بُنَیَّ! لِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلَامَهٌ یُعْرَفُ بِهَا وَ یُشْهَدُ عَلَیْهَا؛ (۱) ای پسرکم! برای هر چیز نشانه ای است که به آن شناخته می شود و بر آن گواهی می دهد.

از این رو می توان گفت: «نشانه» یکی از ابزار شناخت است. دقّت در این روایات و مانند آن، گویای این مطلب است که می بایست چیزی یا کسی موجود و یا در حکم موجود باشد تا علامت حاکی از آن بوده، و به آن شناخته شود.

۲-۱. آیت

درباره ریشه لغتِ «آیه»، میان لغت شناسان اختلاف هست؛ از این رو معانی گوناگونی برای آن ذکر شده است. یکی از معانی آن «نشانه» است. که ریشه همه معانی دیگر می باشد.

راغب اصفهانی «آیه» را به علامت آشکار معنا کرده و حقیقت معنای آن را برای هر چیز آشکار که همراه چیز دیگری که آشکار نیست بیاید دانسته است. (۲) برخی دیگر از بزرگان لغت شناس نیز به طور روشن «آیات» را به معنای «علامات» دانسته اند. (۳)

در مفهوم این واژه نیز همچون مترادف آن (علامت)، نوعی هم زمانی در وجود نشانه و آنچه نشانه از آن حکایت می کند، به چشم می خورد. (۴) برخی نیز تفاوت بین «علامت» و «آیه» را در این دانسته اند که نشانه بودن در «آیه»، ثبوت بیشتری دارد. (۵) در قرآن مجید آمده است:

۱- . صدوق، الخصال، ج۱، ص۱۲۱.

۲- . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده «ای».

۳- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۱، ص۱۰۴؛ جوهری، الصحاح، ج۶، ص۲۲۷۵؛ و نیز نک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۱، ص ۱۸۶.

۴- . ر.ک: بقره(۲)، آیه ۲۴۸؛ آل عمران(۳)، آیه ۴۱؛ مریم(۱۹)، آیه ۱۰.

۵- . ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص۳۶۸، ش ۱۴۷۶.

(وَ کَأَیِّنْ مِنْ آیَهٍ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَمُرُّونَ عَلَیْها وَ هُمْ عَنْها مُعْرِضُونَ)؛ (۱) چه بسیار نشانه ها در آسمان ها و زمین است که بر آنها می گذرند؛ در حالی که از آنها روی برمی گردانند.

(فیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِنا...)؛ (۲) در آن نشانه های روشن است.

این واژه در بعضی از روایات (۳) و نیز در سخنان برخی از بزرگان، به معنای «نشانه های مرتبط با ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » به کار رفته است. (۴)

۳-۱. دلالت

برخی از کارشناسان لغت «علامت و دلالت» را به یک معنا گرفته اند؛ با این تفاوت که «علامت» تابع وضع است و «دلالت» تابع اقتضا؛ به این صورت که هر دلالتی علامت است، ولی هر علامتی دلالت نیست. (۵) در بعضی از روایات نیز «علامت» را به «دلالت» معنا کرده اند. (۶) از این رو بررسی این واژه می تواند به روشن شدن معنای علامت، کمک کند. راغب اصفهانی در کتاب مفردات نوشته:

«دلالت» عبارت است از آنچه به آن، برای شناخت یک چیز بهره می گیرند؛ مانند دلالت لفظ ها بر معنا، و دلالت اشارات و نوشتار و عقدها در حساب؛ و فرقی نمی کند که دلالت در قصد آن کس که چیز را علامت قرار داده، لحاظ

۱- . یوسف(۱۲)، آیه۱۰۵.

۲- . آل عمران(۳)، آیه ۹۷.

۳- . امام باقر علیه السلام فرمود: آیَتَانِ تَکُونَانِ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام ... ؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۱۲، ح۲۵۸؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۴۴، محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۱۷.

۴- . قد جاءت الأخبار بذکر علامات لزمان قیام القائم المهدی علیه السلام و حوادث تکون أمام قیامه و آیات و دلالات ... ؛ مفید، الإرشاد، ج۲، ص۳۶۸.

۵- . ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص۲۳۴، ش۹۱۳.

۶- . نک: شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج۴، ص۳۰۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۳، ص۱۵۲.

شده باشد یا لحاظ نشده باشد؛ مانند کسی که حرکت موجودی را می بیند، پس می داند او زنده است. (۱)

۴-۱. آخِرُ الزَّمان

اگرچه واژه «آخرالزمان» در قرآن به کار نرفته است؛ اما مطالب گوناگونی درباره آن، از آیات قرآن قابل استفاده است. این تعبیر در منابع روایی شیعه (۲) و اهل سنت (۳) نقل شده است. در باره چگونگی شکل گیری و انجام جهان، سخن روشنی در آیات و روایات به چشم نمی خورد؛ اما آن گاه که سخن از این دوران به میان می آید، همواره به دو پدیده بسیار مهم و بزرگ اشاره می شود:

۱. ولادت و بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جایگاه واپسین فرستاده الهی؛ (۴)

۲. ظهور و قیام موعود نجات بخش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. (۵)

این دوران، دارای دو ویژگی مهمّ و اساسی است:

نخست آنکه آخرین مرحله زندگی در دنیاست؛ یعنی، با سپری شدن این دوران، زندگی در دنیا به پایان رسیده، مرحله ای دیگر در نظام

۱- . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده "دلّ".

۲- . نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۹۱، ح۳، ج۵، ص۵۵، ح۱؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۳۹۰، ج۴، ص۳۶۵؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۳۶، ص۱۷۸؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۳۱۱، صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۸۸، ح۸، ج۱، ص۳۳۰، ح۱۴ و ....

۳- . نک: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج۱، ص۸۱؛ بخاری، صحیح بخاری، ج۴، ص۱۷۹، ج۶، ص۱۱۵؛ مسلم، صحیح مسلم، ج۱، ص۹، ص۱۱۴، ج۸، ص۱۸۵؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج۱، ص۵۹، ابی اشعث سجستانی، سنن ابی داود، ج۲، ص۲۹۱، ص۴۲۹؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج۳، ص۳۷۰؛ ج۴، ص۳۰.

۴- . ...أَنَّهُ یَأْتِی فِی آخِرِ الزَّمَانِ نَبِی...، محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۲۶، ص۱۹۹، ح۱۲؛ همچنین نک: محمد بن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج۴، ص۳۰۶؛ محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، ج۱، ص۵۵۷.

۵- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۸ و ۱۸۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۳.

آفرینش آغاز می شود.

دوم. این دوران، خود به دو بخش با ویژگی های خاص تقسیم می شود:

۱. دوران فاصله گرفتن مردم از دین، پر شدن زمین از ستم و بیداد؛ این مرحله که به طور ویژه در دوران غیبت آخرین حجت الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل می گیرد در آستانه ظهور آن حضرت به اوج خود می رسد.

۲. دوران معنویت در پرتو حکومت شایستگان؛ این مرحله در پس تلاش های بی وقفه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان بر روی زمین شکل می گیرد و پیش از آن خداوند در آیات فراوانی، این دوران را وعده داده است.

۵-۱. ملاحم و فتن

«ملاحم»، جمع «ملحمه» به معنای جنگ، کشتار (۱) و حادثه پرکشتار (۲) است. «فِتَن» جمع «فتنه» و از ریشه «فتن» به معنای امتحان و آزمودن (۳) است. این واژه به طور معمول، درباره آن دسته از آزمون هایی به کار می رود که با تلخی و سختی همراه است. (۴)

در قرآن کریم، این واژه علاوه بر این معنا، (۵) برای بستن راه و بازگرداندن از مسیر حق، (۶) افتادن در معاصی و نفاق، (۷) اشتباه گرفتن و تشخیص ندادن حق از باطل، (۸) گمراهی، (۹) کشتار و

۱- . خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج۳، ص۲۴۶.

۲- . ابن منظور، لسان العرب، ج۵، ص۴۸۶؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص۱۶۲۵.

۳- . ابن منظور، لسان العرب، ج۵، ص۸۹؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص ۱۳۶۰.

۴- . ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ج۳، ص ۴۱۰.

۵- . سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۲.

۶- . سوره مائده (۵)، آیه ۴۹.

۷- . سوره حدید (۵۷)، آیه ۱۴.

۸- . سوره انفال (۸)، آیه ۷۳.

۹- . سوره مائده (۵)، آیه ۴۱.

اسارت، (۱) تفرقه و اختلاف میان مردم (۲) و... به کار رفته است.

این دو واژه بویژه در منابع اهل سنت فراوان به کار رفته است. «ملاحم» بیانگر رخدادهای خونینی است که در آخرین دوره زندگی انسان بر زمین و آستانه رستاخیز بزرگ پدید می آید. و مقصود از «فتن» در اصطلاح، آزمایش های بزرگی است که در دوران یاد شده، رخ می نماید. این دو واژه گاهی در کنار هم و گاهی به صورت مستقل به کار می رود.

اهمیت و جایگاه این بحث به گونه ای است که در اصلی ترین منابع روایی اهل سنت، فراوان مورد اشاره قرار گرفته است. در این آثار به روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره شده که از به پدید آمدن آشوب ها، فتنه ها (۳) و حتی جایگاه فرود آمدن فتنه ها خبر داده شده است. (۴)

اهل سنت به جهت اهمیت این روایات، بخشی از کتاب های خود را، به روایات پرشماری از آن اختصاص داد ه (۵) و هر یک از این دو واژه و یا ترکیب آنها را عنوان آثار فراوانی قرار داده انـد. این آثار، به طور عمـده روایاتی را در بر دارد که از جنگ های بزرگ و آزمایش های سخت، در دوره آخرالزمان سخن به میان آورده

۱- . سوره نسا (۴)، آیه ۱۰۱.

۲- . سوره توبه (۹)، آیه ۴۷.

۳- . بخاری، صحیح بخاری، ج۸، ص۸۹.

۴- . مسلم، صحیح مسلم، ج۸، ص۱۶۸؛ بخاری، صحیح بخاری، ج۲، ص۲۲۲؛ ج۳، ص۱۰۳؛ ج۴، ص ۱۷۶.

۵- . بخاری در جلد پایانی مجموعه صحیح، کتابی را با عنوان «الفتن» سامان داده است که در آن روایات مربوط را نقل کرده است؛ صحیح بخاری، ج۸، ص۸۶؛ ابن ماجه نیز در سنن خود با این عنوان بخشی از روایات فتن را نقل کرده است؛ محمد بن یزیـد قزوینی، سنن ابن مـاجه، ج۲، ص۱۲۹۵، کتـاب الفتن؛ ترمـذی نیز بـا عنـوان مشـابه بخشـی از سـنن خـود را به این بحث اختصاص داده است؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج۳، ص۳۱۲، ابواب الفتن.

است. (۱)

۶-۱. ظهور

از اصطلاحات بسیار رایج در «فرهنگ مهدویّت» واژه «ظهور» است. این کلمه از نظر لغت به معنای آشکار شدن چیزی که پیش تر ظاهر نبوده است. (۲) در اصطلاح، ظاهر شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پنهان زیستی طولانی، برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است.

کلمه «ظهور» افزون بر آشکار شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر موارد دیگری چون آشکار شدن دولت حق، (۳) آشکار شدن امر امامان معصوم علیهم السلام (۴) و پیروزی حضرت (۵) به کار رفته است.

۷-۱. خروج

از اصطلاحاتی که درباره ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار رفته، «خروج» است. «خروج» در لغت نقیض «دخول» به معنای بیرون شدن (۶) و در اصطلاح، به معنای ظهور یا معنای قیام است. (۷)

۱- . الملاحم، اثر حافظ احمد بن جعفر بن محمد مشهور به ابن المنادی(م۳۳۶ ق)؛ الفتن اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (م۲۲۹ق)؛ و الملاحم و الفتن، نگاشته سید علی بن موسی بن طاووس.

۲- . خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج۴، ص۳۷.

۳- . امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ای می فرماید: ... سَیُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِکَلِمَاتِهِ وَ یَمْحَقُ الْبَاطِلَ ها هَا طُوبَی لَهُمْ عَلَی صَبْرِهِمْ عَلَی دِینِهِمْ فِی حَالِ هُدْنَتِهِمْ وَ یَا شَوْقَاهْ إِلَی رُؤْیَتِهِمْ فِی حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ... ؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۳۵، ح۳.

۴- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۴؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۸۳.

۵- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۰۷.

۶- . خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج۴، ص۱۵۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج۲، ص۲۳۵؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۱، ص۵۰۱.

۷- . نک: محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج۲، ص۱۳۶۶(باب خروج المهدی)؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۱۴، ص۲۶۱، (خروج المهدی) یادآوری می کنم هرگاه این واژه در روایات اهل سنت به کار می رود بی تردید مقصود ظهور حضرت مهدی علیه السلام طبق دیدگاه شیعه نخواهد بود بلکه به معنای قیام نزدیک تر است.

«خروج» در روایات و سخنان دانشمندان دینی، بیشتر همان قیام است؛ چه اینکه شیخ صدوق در دو کتاب خود برای روایات قیام این عنوان را قرار داده است: «باب علامات خروج القائم» (۱) و «ما روی فی علامات خروج القائم». (۲)

۸-۱. قیام

از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام «قیام» است. این واژه به معنای «ایستادن». (۳) و در اصطلاح عبارت از: نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در برابر ستمگران، برای برپایی قسط و عدل در سراسر کره زمین است.

۹-۱. اشراط الساعه

أشراط جمع «شَرَط» به معنای نشانه (۴) یا سرآغاز یک چیز است و «الساعه» به جزئی از اجزای شبانه روز گفته می شود. مقصود از آن اینجا قیامت است؛ به جهت اینکه وقوع آن ناگهانی است یا اینکه طول آن نزد خداوند، مانند ساعتی از ساعات بندگان است. (۵)

بنابراین، مراد از «اشراط الساعه»، نشانه هایی است که پیش از قیامت یا در آستانه آن، واقع می شود. (۶) یکی از پژوهشگران قرآنی معاصر در باره «اشراط الساعه» می نویسد: «فأشراط الساعه: وقائع حادثه قبل

۱- . صدوق، الخصال، ج۱، ص۳۰۳.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۴۹.

۳- . ابن منظور، لسان العرب، ج۵، ص۳۴۵؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص ۱۵۳۱.

۴- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۲، ص۹۴۲.

۵- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۲، ص ۹۰۷.

۶- . خلیل بن احمد، کتاب العین، ج۶، ص۲۳۵.

الساعه یتوقّف مجی ء الساعه علی حدوثها؛ (۱) اشراط الساعه وقایعی است که پیش از قیامت پدید خواهد آمد که به وجود آمدن قیامت متوقف بر آن است». وی در واقع یک نوع معنای شرطیتی برای نشانه قایل شده است.

واژه «اشراط» در قرآن، فقط یک بار و به صورت اضافه به ضمیر «هاء» که به «الساعه» بر می گردد، به کار رفته است. (۲) مفسران، برخی از تحولات اجتماعی، فروپاشی نظام طبیعت و درهم پیچده شدن و تبدیل آسمان و زمین پیش از ظهور قیامت را که در آیات گوناگون به آنها اشاره شده است از نشانه های قیامت دانسته اند. در روایات (۳) بویژه احادیث اهل سنّت بر تحولات اجتماعی و دگرگونی های کیهانی که پیش از قیامت واقع می شود، «اشراط الساعه» اطلاق شده است. (۴) بنابریان برخی از نشانه ها، به ظهور (۵) و برخی به قیامت (۶)، اختصاص دارند و برخی نیز در هر دو مشترک اند. (۷)

۱- . حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۶، ص ۳۹.

۲- . سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۸.

۳- . با توجه به جایگاه و اهمیت این بحث برخی از بزرگان بخش مستقلی از کتاب خود را با این عنوان یاد کرده اند: نک: محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج۲، ص۴۸۴، با عنوان «مجلس فی ذکر اشراط الساعه»؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج۱، ص۶۶، با عنوان «الباب السادس عشر فی اشراط الساعه»؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۶، ص۲۹۵، با عنوان «باب اشراط الساعه و قصه یأجوج و مأجوج».

۴- . ر.ک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج۱۱، ص۲۷۴؛ علی بن جعد، مسند، ص۲۴۸؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ج۸، ص۲۶۷؛ ابن ابی عاصم، کتاب الاوائل، ص۱۱۴؛ نسائی، السنن الکبری، ج۱، ص۲۵۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج۹، ص۲۹۶.

۵- . مانند: ندای آسمانی، خروج یمانی و قتل نفس زکیه.

۶- . مانند: پیدا شدن دود و خروج جنبنده از زمین.

۷- . مانند: سفیانی.

دو. آشنایی با کلیات

اشاره

با بررسی ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت ایشان با نشانه ها، به ترکیب هایی برمی خوریم که بررسی دقیق هر یک و جداسازی روایات در هر مورد، می تواند به شفاف کردن بحث ها کمک شایانی نماید. در یک تقسیم بندی ساده می توان مضمون این سخنان را به چند گروه تقسیم کرد:

۱-۲. نشانه های آخِرُالزّمان

در آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام نشانه هایی برای آخرالزمان گفته شده است که در اصطلاح «علایم آخِرالزمان» خوانده می شود. ختم نبوت و نزول واپسین شریعت که با ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پدیدار شد، از مهم ترین و نخستین نشانه های آخرالزمان به شمار می رود. از این رو مفسران، مقصود از نشانه های قیامت را در ذیل آیه (فَهَلْ یَنْظُرُونَ إِلاَّ السَّاعَهَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَهً فَقَدْ جاءَ أَشْراطُها) (۱)؛ بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند که در مقایسه با عمر جهان، فاصله کمی تا قیامت دارد.

در آخرالزمان، پدیده های فراوان دیگری نیز پیش بینی شده است که بیشتر به دوره پایانی آن (آستانه ظهور مهدی علیه السلام) مربوط می شود؛ مانند: بحران معنویّت، وقوع اختلاف ها و درگیری های بسیار، ظهور دجّال، وقوع مصیبت های بزرگ، خروج سفیانی، ندای آسمانی، ظهور منجی بزرگ بشر، نزول حضرت عیسی علیه السلام، خروج جنبنده ای از زمین، هجوم یأجوج و مأجوج، رجعت، صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان.

۲-۲. نشانه های نزدیک شدن قیامت

بخش قابل توجهی از این روایات، مربوط به «نشانه های نزدیک شدن قیامت» است و از آنجا

۱- . آیا [کافران] جز این انتظار می برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرارسد؟ و علامات آن اینک پدید آمده است؛ محمد(۴۷)، آیه ۱۸.

که در منابع دینی، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی از نشانه های نزدیکی قیامت شمرده شده است؛ پاره ای از نشـانه های ظهور، نشانه های قیامت نیز شـمرده می شود. (۱) امام علی علیه السـلام در این باره می فرمایـد: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به ناگزیر ده چیز پیش از برپایی قیامت خواهد بود: سـفیانی، دجّال، دود، دابه، خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، طلوع خورشید از مغرب خود، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن در جزیره العرب و آتشی که از قعر عدن بیرون خواهد آمد، تا مردم را به سوی محشر سوق دهد. (۲)

این نشانه ها در برخی روایات اهل سـنت با انـدک تفاوت به گونه ای دیگر ذکر شـده است. (۳) البته افزون بر موارد یاد شـده پدیده های دیگری نیز به عنوان «اشراط الساعه» ذکر شده است. (۴)

۳-۲. نشانه های ظهور

بررسـی ها نشان می دهد این تعبیر، به ندرت در روایات به کار رفته و به طور عمده در قرن های اخیر اسـتفاده شده است؛ ولی آنچه روشن است اینکه در گـذر تاریـخ، برای این عنوان تعریف هـای متفـاوتی ارائه شـده که هر یک حکایت از آن دارد که تلقی افراد از این حوادث متفاوت بوده است.

در نگاه مشـهور، نشانه های ظهور، عبارت است از: آن دسـته از رخدادها که بر اساس پیش بینی معصومان علیهم السلام، پیش از ظهور یا در آسـتانه آن، یا هم زمان و یا پس از ظهورحضـرت مهـدی علیه السـلام پدید می آید. پدید آمدن هر یک از این نشانه ها،

۱- . در یک درس به طور مستقل به این نشانه ها می پردازیم.

۲- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۳۶، ح۴۲۶.

۳- . طبرانی، المعجم الکبیر، ج۳، ص۱۸۳.

۴- . محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج۳،ص ۲۶۱؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۱۷، ص ۳۱۰.

نویدی از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزدیک تر شدن قیام جهانی آن حضرت است.

۴-۲. نشانه های قیام قائم

در بعضـی از روایات، نشانه ها به طور روشن مربوط به قیام دانسته شـده است. امام صادق علیه السـلام در این باره با تعبیرهای گوناگون به برخی از آنها اشاره کرده است:

ان قدام قیام القائم علامات؛ (۱) همانا پیش از قیام قائم نشانه هایی است.

إِنَّ لِقِیَامِ الْقَائِمِ عَلَامَات؛ (۲) همانا برا ی قیام قائم نشانه هایی است.

ان لقیام قائمنا علامات؛ (۳) همانا برای قیام قائم ما نشانه هایی است.

و : قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف خَمْسُ عَلَامَات؛ (۴) قبل از قیام قائم پنج نشانه است.

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ؛ (۵) پنج نشانه قبل از قیام قائم است.

امام صادق علیه السلام به نشانه های قائم نیز با تعبیرهای گوناگونی اشاره کرده است:

ان قدام القائم علامات؛ (۶) همانا پیش از قائم نشانه هایی است.

للقائم خمس علامات؛ (۷) برای قائم پنج نشانه است.

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰، ح ۵.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۳.

۳- . محمد بن جریر طبری، دلایل الامامه، ص ۲۵۹. این روایت با تفاوت اندکی در کتاب الغیبه نعمانی آمده است.

۴- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۵- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

۶- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۳.

۷- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۲، ح ۹.

قبل القائم خمس علامات؛ (۱) پیش از قائم پنج نشانه است.

به نظر می رسد اینها با توجّه به قراین دیگر و نوع نشانه هایی که مطرح شده، نشانه مربوط به قیام قائم هستند.

۵-۲. نشانه های خروج

برخی تعبیرها نشانه را مربوط به خروج دانسته است. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِخُرُوجِهِ عَلَامَاتٍ عَشَرَه؛ (۲) برای خروج او نشانه های ده گانه است.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

وَ أَنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِه... ؛ (۳) از نشانه های خروج او عبارت است از... .

افزون بر موارد یادشده، تعبیرهای دیگری نیز وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. بدون اشاره به حادثه ای فقط از واژه علامات استفاده شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

الْزَمِ الْأَرْضَ وَ لَا تُحَرِّكْ يَداً وَ لَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَات؛ (۴) به زمین بچسب و ملازم آن باش و دست و پایی نجنبان تا اینکه نشانه هایی ببینی.

البته به قرینه اینکه امام فرمود: «هیچ اقدامی نکن»، می توان آن را به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط دانست؛ یعنی، چون قیام آغاز شد، از هیچ اقدامی فروگذار نکن اما الآن خویشتن باش.

۲. نشانه مربوط به «امر» دانسته شده و با

۱- . محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص۲۶۱.

۲- . علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۱۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۳۶، ص۳۵۵؛ ج ۴۱، ص۳۲۹.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۳۲۷، ح۷.

۴- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۴۱؛ نعمانی، الغیبه، ص۲۷۹، ح۶۷؛ شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج۱۵، ص۵۶، شماره ۱۹۹۷۹.

استفاده از دیگر روایات، باید بررسی کرد امر به چه معناست. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَات؛ (۱) پیشواز این امر پنج نشانه است.

به قرینه روایات مربوط، مقصود از «امر» در اینجا، امر قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۳. نشانه مربوط به فرج دانسته شده است. امام رضا علیه السلام فرمود:

أَوَّلُ عَلَامَاتِ الْفَرَج ... ؛ (۲) نخستین نشانه گشایش ...

مقصود از این فرج، گشایش در زندگی افراد است و این گشایش لزوماً ارتباطی با ظهور یا قیام حضرت مهدی علیه السلام ندارد؛ همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ الْفَرَج ... ؛ (۳) همانا از نشانه های فرج است ...

نکته مهم اینکه در هیچ یک از این روایات، اشاره ای به ظهور نشده، بنابراین استفاده از آنها و اطلاق نشانه های ظهور به آنها، کاری بس مشکل می نماید. (۴)

۶-۲. توصیفی یا تمثیلی بودن نشانه های ظهور

اشاره

این پرسش مطرح است که: آیا هریک از نشانه ها به طور حتم در جهان بیرون تحقق خواهد یافت و آیا روایات به توصیف آنها پرداخته یا اینکه آنچه گفته شده، تمثیلی است که مصداق بیرونی ندارد و رمزی است که می تواند واقعیت های مورد نظر حکایت گری کند. بر این اساس دو دیدگاه در این زمینه قابل بررسی است:

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۹، ح۶.

۲- . عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۶۳.

۳- . مفید، الارشاد، ج۲، ص۲۷۵.

۴- . مگر اینکه گفته شود: قیام و ظهور یکی است که البته اثبات آن کاری مشکل است.

الف. توصیفی بودن نشانه ها

صاحبان دیدگاه نخست، به ظاهر روایات استناد می کنند که حمل آنها بر تمثیلی بودن، امری غیر قابل قبول است و افزون بر آن دیگر به هیچ یک از روایات در موضوعات دیگر نیز نمی توان حکم قطعی داد؛ مگر اینکه در موردی قرائن و شواهد لازم بر تمثیلی بودن وجود داشته باشد. (۱)

افزون بر آن اینکه روایات مربوط به روشنی به جزئی ترین امور اشاره کرده است؛ در حالی که در تمثیل نیازی به ورود در این امور جزئی دیده نمی شود. بنابراین تمثیلی بودن خلاف ذهنیت عرفی مخاطبان است، یعنی آنان چیزی جز ظاهر این سخنان درک نمی کنند و اگر مقصود غیر از ظاهر این سخنان بود، می بایست به گونه ای به آن اشاره می شد.

ب. تمثیلی بودن نشانه ها

در دیدگاه دوم، نشانه ها به تناسب چگونگی، تمثیلی از یک واقعیت متفاوت دانسته شده است. به طور مثال عده ای از سفیانی به عنوان تمثیل برای یک جریان فکری انحرافی یاد کرده اند که در هنگام ظهور به دست هر کسی ممکن است شکل بگیرد و همان گونه که در صدر اسلام، ابوسفیان تمام حقیقت دشمنی برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، این جریان نیز تمام حقیقت دشمنی در برابر آخرین حجت الهی خواهد بود. (۲) یا از دجال به عنوان نمادی از فریبکاران و رهبران مادی ستمگر در دنیای ماشینی یاد شده است. (۳)

آنچه در نقد این دیدگاه در ابتدا به چشم می خورد این است که اگر باب چنین ادعایی

۱- . سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج۱، ص ۴۵۱.

۲- . نک: سید محمد صدر، تاریخ مابعدالظهور، ص۱۷۳ ؛ علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص۵۳۰؛ اسماعیل اسماعیلی، «بررسی نشانه های ظهور»، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص۲۹۰.

۳- . نک: ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص۱۷۸.

گشوده شود، به همه مباحث سرایت کرده، دیگر در هیچ موردی قابل مهار نخواهد بود. حتی گفته می شود ظهور مهدی علیه السلام تمثیلی است از ظهور حقیقت و حاکمیت صالحان! و البته این خود نوعی از تفسیر به رأی است که در اسلام به شدّت از آن نهی شده است. افزون بر آن، پیش تر نیز گفته شد این برداشت، خلاف ظاهر روایات و ذهنیت مخاطبان است.

۷-۲. شمار نشانه ها

با توجه به دیدگاه نگارنده در بحث نشانه ها بر خلاف بحث های رایج «شمار نشانه ها» فقط پنج نشانه حتمی است. بنابراین نشانه های دیگر زیر عنوان های غیر حتمی، آخرالزمان، قیامت، ملاحم و فتن و... جای می گیرند. از این رو برخی از ادعاها را که شمار نشانه ها را تا ۲۵۰ مورد و بیش از آن دانسته اند، غیر قابل توجیه است. (۱)

به یاری خداوند در درس آینده بحث را بر نشانه های حتمی متمرکز کرده و آگاهی درباره دیگر نشانه ها را به منابع مفصل ارجاع می دهیم.

۱- . نک: مصطفی صادقی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، ص۸۳ و۸۴.

خودآزمایی

۱. واژه علامت را از نگاه لغت و اصطلاح توضیح دهید.

۲. آخرالزمان به چه معناست؟ دو پدیده ای که همواره مربوط به دوران آخر الزمان دانسته شده، کدامند؟

۳. ملاحم و فتن از نظر لغت به چه معناست و اشاره به چه اتفاقاتی می کند؟

۴. اشراط الساعه یعنی چه و به چه اموری اطلاق می شود؟

۵. در باره توصیفی و تمثیلی بودن نشانه ها توضیح دهید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.

۲. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.

۳. صدر، سیّد محمّد، تاریخ الغیبه الکبری، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۴. اسماعیلی، اسماعیل، «بررسی نشانه های ظهور»، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۵. خادمی شیرازی، محمّد، نشانه های ظهور او، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸ش.

ص: ۱۲۳

درس هفتم: نشانه های ظهور (حتمی و غیر حتمی)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نشانه های حتمی ظهور:

۱ ندای آسمانی

۲ خروج سفیانی

۳ خروج یمانی

۴ خسف به بیداء

۵ قتل نفس زکیه

برخی از نشانه های غیر حتمی ظهور:

۱. مرگ و میرها، زلزله ها و جنگ ها و آشوب های فراگیر؛

۲. خسوف و کسوف نابه هنگام؛

۳. بارش باران های فراوان و...

پیش درآمد

آنچه امروزه بـا عنوان نشـانه هـای ظهور در نوشـته هـا و گفته ها مطرح می شود، انبوهی است از حوادث و رخـدادهایی که به انواع فراوانی قابل تقسـیم است. بر خلاف تلقی عمومی، درباره تقسـیم نشانه ها به اقسام مختلف، هیچ سـخن روشـنی از امامان معصومان علیهم السـلام در دست نیست و آنچه در آثار با این عنوان وجود دارد، به طور عموم پرورده ذهن نویسـندگان است. البته برخی قابل قبول و برخی از اساس دارای اشکال است.

به نظر می رسد یگانه تقسیم پذیرفتنی، تقسیم نشانه ها به حتمی و غیر حتمی است. در این درس کوشش شده تا حد ممکن، به بررسـی این نشانه ها پرداخته شود. اگر چه هم نویسـنده و هم خواننده بر این باورند که بحث و بررسـی نشانه ها، بسیار فراتر از این نوشتار است.

انواع نشانه های ظهور

یک. نشانه های حتمی

اشاره

پیش از آنکه به بحث در بـاره نشانه های حتمی بپردازیم، شایسـته است در باره واژه «حتم» به طور کوتاه اشاره کنیم. این کلمه فقط یک بار با تعبیر «حتما» در قرآن استفاده شده است؛

آنجا که خداوند متعال می فرماید:

((وَ إِنْ مِنْكُمْ إِلاَّ واردُها كانَ عَلى رَبِّكَ حَتْماً مَقْضِيًّا))؛ (۱) هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می گردد؛ این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است.

طریحی «حتم» را واجبی دانسته که اراده بر آن تعلق گرفته، اسقاط آن امکان پذیر نیست. (۲) راغب اصفهانی آن را به قضای مقدر معنا کرده است. (۳) ابن منظور نیز آن را به معنای قضا و وجوب قضا دانسته که گریزی از انجام آن نیست. (۴) خلیل بن احمد نیز آن را با تعبیر «ایجاب القضاء» تعریف کرده است. (۵)

یکی از پژوهشگران پس از نقل برخی از سخنان بزرگان لغت، دیدگاه خود را این چنین می نگارد: معنای حقیقی برای این لفظ عبارت از «جزم و قطع در حکم و عمل» است. (۶)

در بحث نشانه ها طبق نگاه مشهور، منظور از «نشانه های حتمی» مقابل نشانه های غیر حتمی آن دسته از پدیده هایی است که پدید آمدن آنها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود؛ (۷)

از روایات فراوانی حتمی بودن نشانه های پنج گانه زیر استفاده می شود: ۱. خروج سفیانی؛ ۲. قیام یمانی؛ ۳. صیحه آسمانی؛ ۴. قتل نفس زکیه؛ ۵. خسف در بیداء.

۱- . مریم (۱۹)، آیه ۷۱.

۲- . الحتم: الواجب المعزوم علیه ... و تحتم وجب وجوبا لا یمکن إسقاطه و منه الأمر المحتوم؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص: ۳۲

۳- . الحَتْم: القضاء المقدّر؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص: ۲۱۸

۴- . الحَتْمُ: اللازم الواجب الذی لا بد من فعله؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص: ۱۱۳

۵- . الحتم: إیجاب القضاء؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص: ۱۹۵

۶- . «أنّ المعنی الحقیقیّ لهذا اللفظ هو الجزم و البتّ فی حکم أو عمل»: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۶۳.

۷- . بر خلاف کسانی که با استناد به برخی روایات غیر معتبر به بداء در نشانه های حتمی اشاره کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ الصَّیْحَهُ وَ السُّفْیَانِیُّ وَ الْخَسْفُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکِیَّهِ وَ الْیَمَانِی؛ (۱)پیش از قیام قائم پنج نشانه است: صیحه، سفیانی، خسف، قتل نفس زکیه و یمانی.

۱-۱. ندای آسمانی

اشاره

این نشانه، در منابع شیعه و اهل سنت با واژه هایی چند، بیان شده است؛ از جمله:

الف. نداء: در لغت به معنای بلند کردن و آشکار ساختن صدا است و گاهی فقط به صدا اطلاق می شود. (۲) این واژه در قرآن در موارد مختلفی به کار رفته است. (۳) عموم روایات مربوط به ندای آسمانی، از این واژه بهره برده اند.

ب. صیحه: در لغت به معنای فریاد و صدای بلند بوده و در قرآن نیز به کار رفته است. (۴) اگر چه در روایات فراوانی صیحه در معنای «ندا» به کار رفته است؛ اما در بعضی، صیحه و ندا دو پدیده دانسته شده است. (۵)

ج. صوت: در لغت به معنای صدای سخن است. (۶) این واژه نیز در آیاتی از قرآن به کار رفته است (۷) و اینجا منظور از ندای آسمانی، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه مردم، آن را از آسمان می شنوند.

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص ۳۱۰، ح۴۸۳؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۲- . راغب، المفردات، ماده ندا.

۳- . مائده (۵)، آیه ۵۸.

۴- . هود(۱۱)، آیه ۶۷.

۵- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۷، ح۷.

۶- . نک: فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۲، ص۲۰۹؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج۲، ص۱۴۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج۲، ص۵۷.

۷- . حجرات (۴۹)، آیه ۲.

حتمی بودن ندای آسمانی

کلینی با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَهُ وَ... ؛ (۱) پنج نشانه پیش از قیام قائم است؛ صیحه و....

ابو بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! خروج قائم چه زمانی است؟ آن حضرت فرمود:

إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا نُوَقِّتُ وَ قَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ يَا بَا مُحَمَّدٍ إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَاتٍ أَوَّلُهُنَّ النِّدَاءُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ... ؛ (۲) ما خاندان هرگز وقتی را معیّن نمی کنیم؛ زیرا حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: وقت گذاران دروغ می گویند. ای ابا محمّد! همانا پیشاپیشِ این امر پنج نشانه است: نخستین آنها آوازی است در ماه رمضان،... .

صدوق با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُومَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ وَ الصَّيْحَهُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ وَ الْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ؛ (۳) پیش از قیام قائم، پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، صیحه، قتل نفس زکیه و خسف به بیداء.

در این روایات به روشنی، به نشانه بودن ندای آسمانی تصریح شده است.

چگونگی و گستره ندای آسمانی

این ندا توسط جبرئیل بلند می شود و همه انسان ها با گویش های مختلف آن را می فهمند و همه به صورت یکنواخت آن را می شنوند. در باره گستره آن در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۹، ح۶.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۵۰، ح۷.

... يُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السلام فَیَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ...؛ (۱) ندا دهنده ای از آسمان به نام قائم ندا می دهد که هر کس در شرق و غرب است، آن را می شنوند.

با توجه به این روایات و نیز رسالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام برای همه مردم، به راحتی می توان مخاطبان این ندای آسمانی را همگان دانست و چنانچه به دیگر جانداران نیز اشاره شده، بدان جهت است که آنها نیز از این ظهور به طور تکوینی آگاه شده و از ظهور حجت الهی و رفع ستم بر انسان ها، شادمان می شوند.

از عمومی بودن ندای آسمانی، می توان فهمید که هر کس به زبان خود آن را شنیده و می فهمد. در بعضی از روایات تصریح شده که هر کس به زبان خود آن را می شنود. در این باره زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که:

يُنَادِی مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السلام قُلْتُ خَاصٌّ أَوْ عَامٌّ قَالَ عَامٌّ يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ قُلْتُ فَمَنْ يُخَالِفُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ نُودِيَ بِاسْمِهِ قَالَ لَا يَدَعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَيُشَكِّكُ النَّاسَ يدعهم إبليس حتى ينادی فی آخر الليل و يشكك الناس؛ (۲) نداکننده ای قائم علیه السلام را به نام می خواند. گفتم: ندای خاصّ است یا ندای عامّ؟ فرمود: ندای عامّ است و هر ملّتی به زبان خود آن را می شنود. گفتم: پس چه کسی با او مخالفت می کند، در حالی که او را به نام می خوانند؟ فرمود: ابلیس آنان را رها نمی کند و در آخر شب ندا می کند و مردم را به شکّ می اندازد!

بیشتر روایات، آسمان را به عنوان محل ندای آسمانی معرفی کرده اند. محمد بن علی حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«... وَ النِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمَحْتُومِ قُلْتُ وَ كَيْفَ النِّدَاءُ

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۴.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

قَالَ یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ...»؛ (۱)... نـدای آسـمانی نیز از علامات حتمی است و خروج حضـرت قائم نیز حتمی است، عرض کردم: ندای آسمانی چگونه است؟ فرمود: یک منادی در اول روز از آسمان ندا کند... .

زمان ندای آسمانی

یکی از بحث هایی که در باره ندای آسـمانی مطرح می شود، زمان آن است و از آنجا که روایات در باره زمان ندای آسمانی به صورت گوناگون ذکر شده، بنابراین دیدگاه های متفاوتی پدید آمده است؛ این دیدگاه ها عبارت است از:

الف. پیش ازظهور: آنچه مشـهور است اینکه صـیحه آسـمانی، در ماه مبارک رمضان اتفاق خواهد افتاد. نعمانی با ذکر سند از ابو بصیر و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

الصَّیْحَهُ لَا تَکُونُ إِلَّا فِی شَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرِ اللَّهِ وَ هِیَ صَیْحَهُ جَبْرَئِیلَ إِلَی هَذَا الْخَلْقِ ثُمَّ قَالَ یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السـلام فَیَسْـمَعُ مَنْ بِالْمَشْـرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ...؛ آن صـیحه جز در ماه رمضان ماه خـدا بر نخواهد خاست؛ همان آوای بس بلند جبرئیل علیه السـلام بدین مردمان است، بعد فرمود: نداکننده ای از آسمان به نام حضرت قائم علیه السلام ندا سر می دهد و هر که در مشرق و مغرب است، می شنود... .

همه کسانی که این روایت و مانند آن را نقل کرده اند، زمان آن را پیش از ظهور دانسته اند.

ب. هنگام ظهور: از بعضـی روایات اسـتفاده می شود: ندای آسـمانی هم زمان با ظهور حضـرت مهدی علیه السلام رخ خو اهد داد. ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«... فَلَا یَزَالُونَ بِتِلْکَ الْحَالِ حَتَّی یُنَادِیَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ فَإِذَا نَادَی فَالنَّفِیرَ

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۱.

النَّفیرَ فَوَ اللَّهِ لَکَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَیْهِ بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ یُبَایِعُ النَّاسَ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ کِتَابٍ جَدِیدٍ وَ سُلْطَانٍ جَدِیدٍ مِنَ السَّمَاءِ... »؛ (۱)... پس پیوسته بدان حال خواهند بود تا اینکه نداکننده ای از آسمان، آواز برآورد و چون ندا برآمد: «پس کوچ کنید! کوچ کنید»؛ به خدا سوگند! گویی به او می نگرم که در میان رکن و مقام از مردم، به امری نوین و فرمانی جدید و نظامی تازه از آسمان [نظامی الهی] بیعت گیرد.

صدوق از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

«... وَ جَاءَتْ صَیْحَهٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِیهِ وَ فِی شِیعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِکَ خُرُوجُ قَائِمِنَا...»؛ (۲) صیحه ای از آسمان بیاید و بگوید: حقّ با او و شیعیان اوست؛ در این هنگام است که قائم ما خروج می کند.

در این روایات نوعی هم زمانی بین ندای آسمانی و خروج حضرت به چشم می آید. مفید نیز در روایتی این هم زمانی را در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این گونه نقل کرده است:

إِذَا کَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَیُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْکُمْ مُدَّهُ الْجَبَّارِینَ وَ وَلِیَ الْأَمْرَ خَیْرُ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُوا بِمَکَّهَ...؛ (۳) هنگامی که نزدیک خروج قائم شد، ندا دهنده ای از آسمان آواز می دهد: ای مردم! زمان ستم گران به سر رسیده و ولی امر بهترینِ امت محمد است؛ پس به مکه برسید... .

ج. پس از ظهور: یکی از نویسندگان با متفاوت دانستن ظهور با قیام، زمان نداهای آسمانی را پس از ظهور و پیش از قیام دانسته، می نویسد: «نداهای آسمانی از بدو ظهور تا هنگام قیام، بسیار است، از جمله سه ندا است در ماه رجب و

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۶۳، ح۲۲.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- . مفید، الاختصاص، ص۲۰۸.

از بعضی روایات استفاده می شود که رجب پیش از قیام است.» (۱)

مضمون بعضی از روایات نیز به نوعی مؤید این احتمال است؛ برای مثال ندا را پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برای هلاک ستمگران دانسته است. نعمانی در روایتی از حسن بن محبوب نقل کرده که: امام رضا علیه السلام به من فرمود:

... یُنَادِی أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَاناً علی هلاک الظالمین فعند ذلک یأتی المؤمنین الفرج...؛ (۲) [ندا دهنده ای] آواز می دهد: که خداوند به منظور برانداختن ستمگران، فلانی را برانگیخت. در این هنگام گشایشی برای مؤمنان دست می دهد و خداوند سینه های آنان را شفا می بخشد و عقده های دلشان بر طرف می گردد.

همچنین صدوق از امام رضا علیه السلام آورده است:

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِی ابْنُ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ... وَ هُوَ الَّذِی یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ یَسْمَعُهُ جَمِیعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَیْهِ یَقُولُ أَلَا إِنَّ حُجَّهَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَیْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ...؛ (۳) چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان... و او کسی است که از آسمان نداکننده ای او را به نام ندا می کند و به وی دعوت می نماید؛ به گونه ای که همه اهل زمین آن ندا را می شنوند. می گوید: آگاه باشید! همانا حجت الهی در خانه خداوند آشکار شده است، پس از او پیروی کنید.

از آنجا که مضمون ندای آسمانی، نوعی بیان ظهور و حقانیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز بیان تقابل بین جبهه کفر و ایمان است؛ بی تردید این رخداد پس از ظهور خواهد بود؛ چرا که هرآنچه گفته شده با پس از ظهور تناسب دارد تا پیش از ظهور.

۱- . محمد جواد خراسانی، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۹۷.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۰، ح۲۸.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

محتوای ندای آسمانی

بیشترین شمار روایات در این زمینه، مربوط به احادیثی است که در آن محتوای ندای آسمانی، معرفی حضرت مهدی علیه السلام است. صدوق از امام رضا علیه السلام نقل کرده است:

«... وَ هُوَ الَّذِی یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ... »؛ (۱) و او کسی است که ندا دهنده به نام او ندا می دهد.

البته در برخی روایات نیز گفته شده محتوای ندای آسمانی حقانیت علی علیه السلام و رستگاری شیعیان او است. محمد بن علی حلبی می گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ عَلِیّاً وَ شِیعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ (۲) منادی در اول روز از آسمان ندا می کند: بدانید علی و شیعیانش رستگارانند.

ندای شیطانی(زمینی)

ندای شیطانی(زمینی) (۳)

در کنار روایات مربوط به ندای آسمانی به برخی سخنان از ندای زمینی که شیطان سر می دهد، حکایت دارد. با توجه به شمار روشن نشانه های حتمی، می توان فقط به هم زمانی این پدیده، با ندای آسمانی اشاره کرد. زراره بن أعین می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «در شگفتم، خداوند حال شما را به سلامت دارد و من در عجبم از قائم که چگونه با او جنگ می کنند با وجود آنچه از شگفتی ها که می بینند: از فرو بردن زمین صحرا سپاهیان را، و آن صدا که از آسمان است؟» امام فرمود:

إِنَّ الشَّیْطَانَ لَا یَدَعُهُمْ حَتَّی یُنَادِیَ کَمَا نَادَی بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَوْمَ الْعَقَبَهِ؛ (۴) همانا شیطان آنان را رها نمی کند تا

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۷۱، ح۵.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰.

۳- . بحث ندای شیطانی فقط به جهت ارتباط تنگاتنگش با ندای آسمانی بررسی می شود، و گرنه نقش چندانی در قیام حضرت مهدی علیه السلام ندارد.

۴- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۵، ح ۲۹.

جایی که ندا می کند؛ همچنان که برای رسول خدا در روز عقبه ندا کرد.

مهم ترین هدف شیطان از برپایی این صدا، ایجاد تردید در انسان ها در پیروی از حجت خداوند است.

در پایان یادآور می شویم جای بسی شگفتی است که برخی از نویسندگان با وجود انبوه روایات، تلاش کرده اند این نشانه را در تناسب فن آوری های نوین و پیشرفت دانش های روز تفسیر کنند. (۱) البته ممکن است بشر در آینده به فن آوری هایی دست یابد که با پیشرفت های موجود، قابل مقایسه نباشد؛ اما نمی توان به سرعت بین اینها و نشانه های ظهور ارتباط برقرار کرد.

۱-۲. خروج سفیانی

اشاره

«سفیانی و خروج وی»، مشهورترین و در عین حال مشکل ترین مسئله در میان نشانه های ظهور به شمار می آید. روایات این نشانه، به گونه ای گسترده در منابع قدیم و جدید بیان شده است که در مجموع می توان موضوعات زیر را در مورد آن بررسی کرد: (۲)

نام و نسب سفیانی

اگر چه دانستن و ندانستن نام های وی، چندان اهمیتی ندارد و آنچه مهم است نقش و جایگاه او در حوادث عصر ظهور است؛ (۳) اما در روایاتی از نام های سفیانی سخن گفته شده است، در این روایات بیشتر از واژگانی چون سفیانی، ابن آکله الاکباد (۴)، عتبه (۵) و عثمان بن عنبسه (۶) و عبد

۱- . اسماعیل اسماعیلی، «بررسی نشانه های ظهور»، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص۲۸۷.

۲- . شمار روایات در بحث های مورد نظر، بسیار بیشتر از آن است که در اینجا آورده شده که به جهت رعایت اختصار فقط به برخی از آنها اشاره شد.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۴- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۳۰۵؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۱؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۶۱.

۵- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۴۳.

۶- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۱، ح۹.

الله (۱) استفاده شده است.

نخستین چیزی که از عنوان رایج سفیانی که به ذهن می رسد این است که وی با ابوسفیان نسبتی دارد و این انتساب به گونه های مختلف منعکس شده است. صدوق با نقل روایتی از امام علی علیه السلام او را از نسل ابو سفیان (وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِی سُفْیَانَ) دانسته است. (۲)

ویژگی های سفیانی

سفیانی بهره چندانی از زیبایی نبرده و در مقابل بیشتر نمادهای زشتی و پلیدی، در او جمع شده است.

صدوق با ذکر سند از امام علی علیه السلام نقل کرده است:

یَخْرُجُ ابْنُ آكِلَهِ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِی الْیَابِسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رَبْعَهٌ وَحْشُ الْوَجْهِ ضَخْمُ الْهَامَهِ بِوَجْهِهِ أَثَرُ الْجُدَرِیِّ إِذَا رَأَیْتَهُ حَسِبْتَهُ أَعْوَرَ اسْمُهُ عُثْمَانُ وَ أَبُوهُ عَنْبَسَهُ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِی سُفْیَانَ...؛ (۳) پسر هند جگرخوار از بیابانی خشک خروج می کند و او مردی است چهار شانه، زشت رو، کلّه گنده و آبله رو و چون او را ببینی، می پنداری که یک چشم است! نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از فرزندان ابو سفیان است... .

وی مسلمانی منحرف است که در دل با امام علی علیه السلام دشمنی دارد. (۴) حضرت باقر علیه السلام می فرماید:

السُّفْیَانِیُّ أَحْمَرُ أَشْقَرُ أَزْرَقُ لَمْ یَعْبُدِ اللَّهَ قَطُّ وَ لَمْ یَرَ مَكَّهَ وَ لَا الْمَدِینَهَ قَطُّ یَقُولُ یَا رَبِّ ثَارِی وَ النَّارَ یَا رَبِّ ثَارِی وَ النَّارَ؛ (۵) سفیانی سرخ رویی سفید پوست و زاغ چشم است؛ هرگز خدا را پرستش نکرده و و مکه و مدینه

۱- . نعیم بن حماد، الفتن، ص۲۲۴، شماره ۸۲۶.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۵۱.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۱، ح ۹.

۴- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۰.

۵- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۳۰۶، ح۱۸.

را ندیده است! می گوید: خدایا! خون خویش را از مردم می طلبم؛ هر چند با رفتن در آتش باشد و...!

زمان خروج سفیانی

چنان که گذشت صدوق با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

پیش از قیام قائم پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی و سفیانی و صیحه و قتل نفس زکیه و خسف به بیداء. (۱)

درباره زمان خروج به سه دسته روایت بر می خوریم:

الف. خروج سفیانی پیش از ظهور: حَذْلَم بن بشیر می گوید: به امام زین العابدین علیه السلام عرض کردم: آمدن مهدی و نشانه ها و علایم آن را برای من بیان نمایید تا بدانم چه زمانی ظهور می کند؟ فرمود:

... إذَا ظَهَرَ السُّفْیَانِیُّ اخْتَفَی الْمَهْدِیُّ ثُمَّ یَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِکَ؛ (۲)... وقتی او خروج می کند، مهدی پنهان است و بعد از آن قیام می کند.

ب. خروج سفیانی در سال قیام حضرت مهدی علیه السلام: نعمانی با ذکر سند از محمد بن مسلم نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

السُّفْیَانِیُّ وَ الْقَائِمُ فِی سَنَهٍ وَاحِدَهٍ؛ (۳) سفیانی و قائم در یک سال است.

جابر جعفی گوید: «از امام باقر علیه السلام در مورد سفیانی سؤال کردم: فرمود:

وَ أَنَّی لَکُمْ بِالسُّفْیَانِیِّ حَتَّی یَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّیْصَبَانِیُّ یَخْرُجُ مِنْ أَرْضِ کُوفَانَ یَنْبُعُ کَمَا یَنْبُعُ الْمَاءُ فَیَقْتُلُ وَفْدَکُمْ فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِکَ السُّفْیَانِیَّ وَ خُرُوجَ الْقَائِمِ علیه السلام؛ (۴) چگونه ممکن است شما به سفیانی برسید

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۵۰، ح۷.

۲- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۴۳، ح۴۳۷.

۳- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۶۷، ح۳۶.

۴- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۳۰۲، ح۸.

تا آن گاه که پیش از او شیصبانی خروج می کند؛ او از سرزمین کوفان خروج می کند و همانند چشمه آب از زمین می جوشد و کاروان شما را می کشد! پس از آن منتظر سفیانی و خروج قائم علیه السلام باشید.

ج. خروج سفیانی پس از ظهور: عموم روایات از خروج سفیانی به عنوان نشانه پس از ظهور یاد کرده است. پیش تر در مباحث کلی مربوط به ظهور این گمانه مطرح شد که نشانه های حتمی پس از ظهور اتفاق می افتد. حال این ادعا را درباره خروج سفیانی بررسی می کنیم.

محمّد بن مسلم گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود:

... وَ كَفَى بِالسُّفْيَانِيِّ نَقِمَةً لَكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ هُوَ مِنَ الْعَلَامَاتِ لَكُمْ... وَ لَكِنْ عَلَيْكُمْ بِمَكَّةَ فَإِنَّهَا مَجْمَعُكُمْ؛ (۱)... سفیانی برای شکنجه کردن دشمنتان، برای شما کافی است، و او از نشانه هایی است که به سوی شما می آید،... شما را به مکّه توصیه می کنم که محلّ گرد آمدنتان همان جاست.

یونس بن أبی یعفور گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

إِذَا خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ يَبْعَثُ جَيْشاً إِلَيْنَا وَ جَيْشاً إِلَيْكُمْ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأْتُونَا عَلَى كُلِّ صَعْبٍ وَ ذَلُول؛ (۲) هنگامی که سفیانی خروج کند، سپاهی به طرف ما و سپاهی به طرف شما گسیل می دارد. وقتی چنان شد، شما نزد ما بیایید با [هر] وسیله ای نزد ما بیایید: با مرکبی ناهموار و سخت یا هموار و آرام!

نکته ای که آن را تأیید می کند «خسف به بیداء» است که بدون شک پس از ظهور است و این نشانه در راستای خروج سفیانی بر علیه حضرت به شمار می آید. روایاتی نیز بر درگیری سفیانی با حضرت مهدی علیه السلام و یا کشته شدن وی به

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۰.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۶.

دست آن حضرت دلالت دارد.

پایان کار سفیانی

بعضـی از روایات، بدون اشاره به منطقه خاصـی، از آن به سرزمین خشک (۱) یا مغرب زمین (۲) یاد کرده و برخی دیگر شام (۳) را محل خروج وی دانسـته است. جمع بین همه روایات آن است که وی از سرزمین شام و منطقه ای خشک خروج خواهد کرد.

در بـاره کارهـای سـفیانی و مـدت حکومت وی سـخنان فراوان و عموماً نامعتبر به چشم می خورد؛ اما از آنجا که تنها بررسـی خروج وی به عنوان نشانه در این بحث اهمیت دارد، از ذکر آنها صرف نظر می کنیم. (۴)

پایـان لشـکریان سـفیانی فرو رفتن در زمین و مبتلاـ شـدن به خشم خداونـد دانسـته شـده؛ اما سـخن روشـنی درباره فرجام خود سفیانی در دست نیست. البته در میان برخی منابع اهل سنت مثل کتاب الفتن نعیم بن حماد آمده است که: سفیانی و سپاهیان او در نهایت با حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کارزار می پردازند و به دست آن امام نابود می شوند. اما از آنجا که این کتاب چندان اعتباری ندارد، از نقل آنها چشم پوشی می کنیم.

۱-۳. خروج یمانی

اشاره

یکی از نشانه های حتمی ظهور خروج سرداری از اهل یمن است که مردم را به حق و عدل دعوت

۱- . نـک: محمـد بن ابراهیم نعمـانی، الغیبه، ص۳۰۵، ح۱۶؛ صـدوق، کمال الـدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۱، ح۹؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۴۳.

۲- . ... یَخْرُجَ عَلَیْهِمُ الْخُرَاسَانِیُّ وَ السُّفْیَانِیُّ هَـذَا مِنَ الْمَشْـرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ ... ؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۵۳، ح۱۳، ص۲۵۹، ح۱۸.

۳- . ... خُرُوجَ السُّفْیَانِیِّ مِنَ الشَّام... ؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۷، ح۷، ص۳۳۰، ح۱۶.

۴- . نعیم بن حماد، الفتن، ص۲۵۳، شماره ۹۳۱.

می کند. (۱) در مصادر شیعه، روایات فراوانی در این باره وجود دارد؛ به گونه ای که برخی آنها را مستفیض دانسته اند. (۲) صدوق با ذکر سند از عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

قَبْلَ قِیامِ الْقَائِمِ علیه السلام خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُومَاتٍ الْیمَانِیُّ وَ... ؛ (۳) پیش از قیام قائم، پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی و....

زمان و مکان خروج یمانی

اگر چه به طور خاص به زمان خروج یمانی اشاره نشده؛ اما روایاتی این رخداد را هم زمان با بعضی اتفاق های دیگر دانسته است. (۴)

در روایات از یمن به عنوان محل خروج یمانی نام برده شده است. محمّد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می خواستم از قائم آل محمّد علیهم السلام پرسش کنم، امام باقر علیه السلام پیش از آنکه من سؤال کنم، فرمود:

وَ إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْیانِی مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْیمَانِی مِنَ الْیمَنِ وَ... ؛ (۵) از علامات قیام او: خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و....

به دلیل نبود روایات معتبر در باره اینکه قیام یمانی چگونه پایان می یابد و آیا یمانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک می کند یا خیر؛ نمی توان به طور قطع در باره پایان کار وی قضاوت کرد.

۱-۴. خسف به بیداء

اشاره

واژه «خَسْف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن

۱- . پیش از این گفته شد برخی روایات که نشانه های حتمی را مطرح کرده اند هیچ اشاره ای به خروج یمانی نکرده اند.
۲- . ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص۶۵۴.
۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۵۰، ح۷.
۴- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۳۶۹، باب۱۳، ح۱۳.
۵- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۷، ح۷.

است [(۱)](#) که در قرآن این دو معنا، در آیاتی به کار رفته است. [(۲)](#) «بَیداء» در لغت به معنای دشت هموار، پهناور، خالی از سکنه و آب و علف می باشد [(۳)](#) و نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. [(۴)](#)

منظور از «خسف به بیداء» آن است که سفیانی لشکری عظیم، به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می کند؛ اما بین مکه و مدینه در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است به گونه ای معجزه آسا، به امر خداوند، در زمین فرو می روند. این حادثه در روایات اهل سنت [(۵)](#) و شیعه، یکی از نشانه های ظهور و قیام معرفی شده و در شماری از آنها بر حتمی بودن آن تأکید شده است. [(۶)](#)

چگونگی خسف به بیداء

در باره چگونگی خسف به بیداء سخن روشنی در روایات نیامده و تنها به فرو رفتن سپاهیان سفیانی در این زمین اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

... سفیانی گروهی را به مدینه روانه می کند و مهدی از آنجا به مکه رخت برمی بندد. خبر به فرمانده سپاه سفیانی می رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه بیرون رفته است. او لشکری از پی آن حضرت روانه کند؛ ولی او را نمی یابد تا اینکه مهدی، با حالت ترس و نگرانی بدان سنّت که موسی بن عمران داشت، داخل مکه شود. فرمانده سپاه سفیانی در صحرا فرود می آید. منادی از آسمان ندا می کند: «ای

۱- . نک: ابن منظور، لسان العرب، ج۲، ص۲۵۴.

۲- . نک: قصص (۲۸)، آیه ۸۱؛ عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۰؛ نحل (۱۶)، آیه ۴۵؛ ملک (۶۷)، آیه ۱۶.

۳- . یاقوت حموی، معجم البلدان، ج۱، ص ۵۲۳.

۴- . ابن منظور، لسان العرب، ج۱، ص۲۷۷.

۵- . عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج۱۱، ح۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبه، الکتاب المصنف، ح۱۹۰۶۶.

۶- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص ۳۱۰، ح۴۸۳؛ صدوق، الخصال، ج۱، ص۳۰۳، ح۸۲؛ نعمانی، الغیبه، ص۲۵۷، ح۱۵.

دشت! آن قوم را نـابود ساز»؛ پس آن نیز ایشان را به درون خود می برد و هیـچ یک از آنان نجات نمی یابـد، مگر سه نفر... . (۱)

بعضـی از روایات از تأخر این اتفاق بر ظهور سـخن گفته و در برخی دیگر این اتفاق پس از بیعت یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است. مصنّف عبد الرزاق، (۲) مصنف ابن ابی شیبه، (۳) مسند احمد (۴) و برخی منابع دیگر، به طور روشن به این رخداد اشاره کرده اند.

با نگاه به آنچه درباره تفاوت بین ظهور و قیام گفته شد و اینکه قیام آن حضـرت با فاصـله ای نامعین پس از ظهور خواهد بود؛ این روایت نیز به روشنی حکایت از آن دارد که پدیده خسف پس از ظهور خواهد بود.

۱–۵. قتل نفس زکیه

اشاره

«کشته شدن انسانی بی گناه» یکی از نشانه های پنج گانه حتمی است. «نفس زکیّه»؛ یعنی، فرد بی گناه، پاک و کسی که قتلی انجام نداده است (۵) و جرمی ندارد. این مضـمون در آیات قرآن در داسـتان حضرت موسی علیه السلام نیز به کار رفته است. (۶) محمد بن مسـلم می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! چه زمانی قائم شما قیام می کند؟ امام در پاسخ فرمود:

... وَ قُتِلَ غُلَامٌ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ

۱- . نعمانی، الغیبه، ص۲۷۹، باب۱۴، ح۶۷.

۲- . «فیبـایعونه بین الرکن و المقـام فیبعث الیه جیش من الشـام حتی اذا کانوا بالبیـداء خسف بهم ...»؛ عبـد الرزاق، المصـنف، ج۱۱، ص۳۷۱، ح۲۰۷۶۹.

۳- . «یبـایع لرجـل بین الرکن و المقـام ... فیغزوهم جیش من اهل الشام حتی اذا کانوا بالبیـداء یخسف بهم ...»؛ ابن ابی شـیبه، المصنف، ج ۱۵، ص۴۵، ح ۹۰۷۰.

۴- . «فیبایعونه بین الرکن و المقام فیبعث الیهم جیش من الشام فیخسف بهم البیداء ...»؛ احمد بن حنبل، مسند، ج۶، ص۳۱۶.

۵- . نک: طریحی، مجمع البحرین، ج۱، ص۲۰۳ (زکا).

۶- . (أَ قَتَلْتَ نَفْساً زَکِیَّهً بِغَیْرِ نَفْس)؛ کهف (۱۸)، آیه ۷۴.

النَّفْسُ الزَّكِيَّه (۱)؛

جوانی از آل محمد علیهم السلام بین رکن و مقام کشته می شود، نام او محمد بن حسن نفس زکیه است.

در روایتی جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

... وَ النَّفْسُ الزَّكِيَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛ (۲) و نفس زکیه از فرزندان حسین علیه السلام است.

از ویژگی هایی که برای «کشته شدن نفس زکیه»، بیان شده و اهمیت این رخداد را می نمایاند، حتمی بودن این واقعه است. روایات متعددی با تعابیر گوناگونی چون «محتوم»، «لابدّ ان یکون»، «لایخرج حتی» این مطلب را بیان می کنند. این حتمی بودن، در حدیث حمران بن اعین از امام صادق علیه السلام با تأکید بیشتری تبیین شده است:

مِنَ الْمَحْتُومِ الَّذِی لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ وَ الْمُنَادِی مِنَ السَّمَاءِ؛ (۳) از نشانه های حتمی که ناگزیر پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، خروج سفیانی و فرو رفتن در سرزمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و منادی از آسمان است. آنچه از روایات به دست می آید کلیاتی درباره قتل نفس زکیه و به چگونگی و اهداف او کمتر اشاره شده است.

زمان و مکان قتل نفس زکیه

در مدت کمتر از پانزده شبانه روز پس از این حادثه قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. صدوق با ذکر سند از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَهَ

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص ۳۳۰، ح۱۶.

۲- . محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج۱، ص۶۴.

۳- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۶۴، ح۲۶.

لَیْلَهً؛ (۱) بین قیام قائم آل محمّد و کشتن نفس زکیّه، پانزده شب فاصله خواهد بود.

در باره محل شهادت وی امام علی علیه السلام فرمود:

قَتْلُ نَفْسٍ حَرَامٍ فِی یَوْمٍ حَرَامٍ فِی بَلَدٍ حَرَامٍ...؛ (۲) کشته شدن انسان بی گناه در روز حرام در شهر حرام... .

صدوق از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

... وَ قُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّکِیَّهُ...؛ (۳) و جوانی از آل محمّد که نامش محمّد بن حسن یا نفس زکیّه است بین رکن و مقام کشته شود.

دو. نشانه های غیر حتمی

طبق نگاه معمول به نشانه ها، در برابر نشانه های حتمی، «نشانه های غیرحتمی» (۴) قرار دارد؛ یعنی، مقیّد و مشروط به اموری است که در صورت تحقق آنها، پدید می آید. این نشانه ها، شاید پدید آید و شاید بدون پیدایش آنها، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند. پاره ای از نشانه های غیر حتمی از این قرار است:

۱. مرگ و میرها، زلزله ها و جنگ ها و آشوب های فراگیر؛

۲. خسوف و کسوف نابه هنگام؛

۳. بارش باران های فراوان و...

البته برخی از نویسندگان نشانه ها را به انواع دیگری نیز تقسیم کرده اند که به نظر می رسد اثبات این انواع، کار آسانی نخواهد بود.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۴۹، ح۲.

۲- . نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۹، ح ۱۷.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۳۳۱، ح ۱۶.

۴- . در درس نخست به صورت پراکنده به برخی از این نشانه ها اشاره شد.

ص: ۱۴۳

خودآزمایی

۱. مشهورترین تقسیم بندی نشانه ها که از روایات قابل استفاده است کدامند؟

۲. ندای آسمانی به چه معناست؟ در باره چگونگی و گستره آن با استناد به روایات توضیح دهید.

۳. خروج سفیانی به چه معناست؟ در باره چگونگی خروج و سرانجام او توضیح دهید.

۴. یمانی کیست؟ زمان و مکان قیام او را با استفاده از روایات توضیح دهید.

۵. در باره قتل نفس زکیه توضیح داده، این اتفاق در چه زمانی پدید خواهد آمد؟

□□□

منابع برای پژوهش

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.

۲. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.

۳. صدر، سیّد محمّد، تاریخ الغیبه الکبری، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۴. ، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش

۵. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، قم، انتشارات پرهیزکار، ۱۳۸۰ش.

درس هشتم: نشانه های قیامت

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

اشراط الساعه:

دسته نخست:

دگرگونی های انسانی:

۱ خروج سفیانی؛

۲ خروج دجّال؛

۳ خروج دابَهُ الاَرض؛

۴ خروج قائم؛

۵ نزول عیسی علیه السلام.

دسته دوم:

دگرگونی های کیهانی:

۱ دود در آسمان؛

۲ طلوع خورشید از مغرب؛

۳ فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق؛

۴ فرو رفتن زمین در جزیره العرب؛

۵ آتشی از عدن.

پیش درآمد

رستاخیز بزرگ (قیامت)، بزرگ ترین حادثه نظام آفرینش و پدیده ای است که همه پیامبران الهی به آن وعده داده اند. عظمت این حادثه به گونه ای است که بخش فراوانی از آیات قرآن، بدان اختصاص یافته است. این واقعه بزرگ همچون دیگر حوادث چشمگیر، دارای نشانه هایی است. بررسی روایات در این زمینه، اتفاق های فراوانی را در شمار این نشانه ها معرفی کرده که از جمله آنها «قیام و حکومت جهانی» آخرین حجت خداوند در زمین است.

بزرگی قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پایان دوران و آستانه قیامت، سبب شده تا نوعی درهم آمیختگی بین نشانه های این دو رخداد شکل گیرد. از این رو بررسی نشانه های قیامت، به نوعی بحث نشانه های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را کامل می کند. بنابراین در این درس به اجمال به برخی از نشانه های نزدیک شدن قیامت اشاره می کنیم.

نشانه های نزدیک شدن قیامت

اشاره

پیش تر گذشت که «أشراط» جمع«شَرَط» به معنای

نشانه (۱) یا سرآغاز یک چیز است و «الساعه» به بخشی از بخش های شبانه روز گفته می شود و مقصود از آن در این جا قیامت است؛ به جهت اینکه وقوع آن ناگهانی است و یا اینکه طول آن نزد خداوند مانند ساعتی از ساعات بندگان است. (۲) پس مراد از «اشراط الساعه»، نشانه هایی است که پیش از قیامت یا در آستانه آن، پدید می آید. واژه «اشراط» در قرآن، فقط یک بار و به صورت اضافه به ضمیر«الساعه» به کار رفته است. (۳)

در روایات «اشراط الساعه»، زنجیره ای از پدیده های انسانی و طبیعی شمرده شده که از زمان بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز و تا فروپاشی کامل نظام طبیعت ادامه می یابد و البته همه آنها را می توان نشانه هایی از نزدیک شدن رستاخیز بزرگ دانست.

علاوه بر واژه «اشراط» از واژه هایی چون «علامات» نیز برای نشانه های قیامت استفاده شده است. (۴)

در منابع اهل سنت روایات فراوانی درباره نشانه های قیامت نقل شده است. (۵) بخاری در صحیح خود از حذیفه نقل کرده است: ما در حال

۱- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۲، ص۹۴۲.

۲- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۲، ص ۹۰۷.

۳- . سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۸.

۴- . شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج۱۵، ص۵۶.

۵- . جایگاه این بحث در میان اهل سنت سبب شده تا شمار قابل توجهی از آثار روایی آنان با همین عنوان و عنوان های مشابه آن نام گذاری شود. نک: اشراط الساعه اثر مجدی سید ابراهیم، اشراط الساعه نوشته خالد الغامدی، اشراط الساعه الکبری تألیف البنکانی، اشراط الساعه و امور الآخره نگاشته محمد بن احمد کنعان، الموسوعه فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعه، نوشته محمد احمد مبیض، صحیح الفتن و اشراط الساعه، اثر ابو انس صدیق، علامات القیامه و اشراطها اثر الجمیلی و نهایه العالم و اشراط الساعه نوشته منصور عبدالحکیم فقط بخشی از آثار با این عنوان است.

گفت وگو بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شد و فرمود: از چه سخن می گویید؟ گفتیم از قیامت؛ فرمود:

انّها لَن تَقُوم حتی تَرَونَ قبلَها عشر آیاتٍ فَذَکر الدُخان والدجّال والدّابهَ و طلوعَ الشمسِ من مغربِها و نزولَ عیسی بن مریم علیه السلام و یأجوجَ و مأجوجَ و ثلاثه خسوفٍ: خَسفٌ بالمشرقِ و خسفٌ بالمغرب و خَسفٌ بجزیره العرب و آخر ذلک نار تَخرُج من الیَمن تَطردُ الناسَ الی مَحشَرهم؛ (۱) قیامت آشکار نمی شود، مگر اینکه ده نشانه پیش از آن ببینید: دود، دجّال، جنبنده، طلوع خورشید از سمت مغرب، نزول عیسی علیه السلام، یأجوج و مأجوج، لرزش زمین در مشرق و مغرب و در جزیره العرب و آخرین نشانه آتشی است که از سوی یمن آشکار شود و مردم را به سوی محشر سوق دهد.

آن حضرت در روایت دیگری درباره نشانه های قیامت می فرماید:

عَشْرٌ قَبْلَ السَّاعَهِ لَا بُدَّ مِنْهَا السُّفْیَانِیُّ وَ الدَّجَّالُ وَ الدُّخَانُ وَ الدَّابَّهُ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ نُزُولُ عِیسَی علیه السلاموَ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِجَزِیرَهِ الْعَرَبِ وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدَنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَی الْمَحْشَرِ؛ (۲) به ناگزیر ده چیز، پیش از برپایی قیامت، رخ خواهد داد: خروج سفیانی، دجّال، پیدا شدن دود، جنبنده، خروج قائم علیه السلام، طلوع خورشید از مغرب آن، فرود آمدن عیسی علیه السلام، فرو رفتن [در زمین] در ناحیه مشرق و فرو رفتن در منطقه جزیرهالعرب و آتشی که از انتهای عدن بر می خیزد و مردمان را به سوی صحرای محشر راهنمایی می کند.

از آنجایی که روایات مربوط به نشانه های قیامت، در منابع اسلامی بویژه اهل سنت گستره بسیار وسیعی را به خود اختصاص داده و بررسی همه آنها فرصتی فراخ تر را می طلبد، در اینجا مبنای درس را بر روایت نقل شده از شیخ طوسی قرار می دهیم.

۱- . مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۶. محمد بن اسماعیل بخاری،

۲- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۳۶، ح۴۲۶؛ ر.ک: ابن حبان، الصحیح، ج۱۵، ص۲۵۷.

بنابراین می توان مجموعه «اشراط الساعه» را بویژه از نگاه منابع شیعی به دو بخش تقسیم کرد:

الف. تحولات انسانی که در حلقه پایانی زندگی دنیا رخ می دهد و عبارت است از: خروج سفیانی، دجّال، جنبنده، خروج قائم و فرود آمدن حضرت عیسی.

دوم. دگرگونی های کیهانی که به فروپاشی نظام دنیا و ظهور قیامت می انجامد که عبارت است از: پیدا شدن دود، طلوع خورشید از مغربِ آن، فرو رفتن [در زمین] در ناحیه مشرق، فرو رفتن در منطقه جزیرهالعرب و آتش عدن. (۱)

یک. دگرگونی های انسانی

۱۱. خروج سفیانی

۱۱. خروج سفیانی (۲)

پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و با تظاهر به دین داری، گروه فراوانی از مسلمانان را فریب می دهد و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلامی (شام، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین و منطقه عراق) را به تصرّف خود در می آورد. (۳) در کوفه و نجف، به کشتار شیعیان می پردازد و برای کشتن و یافتن آنان جایزه تعیین می کند (۴)، مدت حکومت او، نه ماه است. (۵)

وی، آن گاه که از ظهور آن حضرت آگاه می شود، سپاهی بزرگ برای جنگ با ایشان

۱- . از نگاه های دیگر، تقسیم بندی های دیگری نیز قابل ارائه است؛ مانند تقسیم از نظر زمان وقوع.

۲- . به طور مفصل این نشانه در بحث نشانه های ظهور مطرح شد و در اینجا به طور مختصر به آن اشاره می شود.

۳- . مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص۸۶.

۴- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۵۱.

۵- . طوسی،کتاب الغیبه، ص۴۴۹.

میفرستد. (۱) به امر خـدا، همه لشـکریان وی جز چنـد نفر در منطقه «بیداء» (بین مکه و مدینه) در زمین فرو می روند و هلاک می شوند. (۲)

۲-۱. خروج دجّال

«خروج دجال» از نشانه های قیامت است که به خاطر توجه بیش از حد به این پدیده در اینجا به تفصیل به آن می پردازیم. (۳)

«دجّال» در زبـان عربی به معنـای «آب طلا» و «طلا انـدود کردن» است و به همین علت، افراد بسـیار دروغ گو که باطل را حق جلوه می دهنـد، «دجّال» نامیده می شوند. (۴) از روایات اسـتفاده می شود «دجّال» سـتم کاری است که در آخِرالزمان، مردم را گمراه می کند. البته در آموزه های هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسـلام از آن سخن به میان آمده است. برخی می گویند: دجّال تولد یافته و زنده است. (۵)

در روایاتی چند از خروج «دجّال» جزو «اَشْراطُ السّاعَه» یاد شده است. (۶) برخلاف پافشاری برخی بر نشانه ظهور بودن آن، در منابع روایی شـیعه، از آن به عنوان حادثه ای مهّم یاد شـده که مقارن ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف رخ خواهد داد. (۷)

در باره دجّال، چند احتمال وجود دارد:

۱- . ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ح۳۱۵۳۵.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۷۹، ح۶۷.

۳- . مبالغه آمیز نیست اگر گفته شود حجم روایات دجال در منابع اهل سـنت چنـدین برابر روایات مهـدویت است. نگارنده بر این اعتقاد است دست های پیـدا و پنهان برخی مخالفان و دشـمنان برای به حاشـیه کشانـدن بحث مهم و تأثیر گـذار مهـدویت سبب شده تا روایات فراوانی در باره دجال ساخته و در منابع روایی وارد شود.

۴- . ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج۴، ص۲۹۴.

۵- . ر.ک: متقی هندی، کنزالعمال، ج۱۴، ص۳۲۳ ۲۸۲.

۶- . مسلم، صحیح، باب فی الآیات التی تکون قبل الساعه، ح۱؛ ترمذی، سنن، ج۴، ص۵۰۷؛ ابو داوود، سنن، ج۴، ص۱۱۵.

۷- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۵۰.

احتمال نخست اینکه: دجّال، نام شخص معیّنی نیست و هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با حیله گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجّال است. اینکه در روایات، از «دجّال»های فراوان سخن به میان آمده، این احتمال را تقویت می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

لاتَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّی یَخْرُجَ المَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی وَلایَخْرُجُ الْمَهدِیّ حَتَّی یَخْرُجَ سِتُّونَ کَذّاباً کُلُّهُمْ یَقُولُ أَنَا نَبِیٌّ؛ (۱) قیامت، برپا نمی شود تا وقتی که مهدی از فرزندانم، قیام کند. مهدی قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغ گو خروج کنند و هر کدام بگوید: من پیامبرم.

در روایات، از «دجّال»ها و دروغ گویان فراوان نام برده شده است؛ چنان که در بعضی دوازده، در برخی سی و برخی هفتاد دجّال آمده است. (۲) از میان آنها فردی که در دروغ گویی، حیله گری و مردم فریبی، سرآمد همه دجالان و فتنه اش از همه بزرگ تر است، نشانه برپایی قیامت می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «پیش از خروج دجّال، بیش از هفتاد دجّال خروج خواهد کرد». (۳)

حقیقت داستان دجّال، بیانگر این واقعیت است که در آستانه هر انقلابی، افراد فریبکار و منافقی که معتقد به نظام های پوشالی گذشته و حافظ ضد ارزش هایند، برای نگه داشتن فرهنگ و نظام جاهلی گذشته، همه تلاش خود را به کار می گیرند و با سوء استفاده از زمینه های فکری و اجتماعی و احساسات مردم، دست به تزویر و حیله گری می زنند.

از آنجایی که انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همه انقلاب های تاریخ بزرگ تر و گسترده تر است، خطر فریبکاران دجّال صفت نیز به مراتب بیشتر

۱- . مفید، الارشاد، ج۲، ص۳۷۱.

۲- . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۰۹؛ متقی هندی، کنزالعمال، ج۱۴، ص۱۹۸ ۲۰۰.

۳- . متقی هندی، کنز العمال، ج۱۴، ص۲۰۰.

و گسترده تر است. در آستانه ظهور، آنان تلاش خواهند کرد که مردم را فریب داده، آنها را از نتیجه آن، دلسرد و ناامید سازند و از پیروزی حتمی آن جلوگیری کنند. البته می توان گفت: ممکن است یکی از آن دجّال ها که صفات زشت در او بیشتر از همه متبلور است یکی از نشانه ها باشد.

احتمال دوم آن است که فردی معیّن و مشخص، به نام «دجّال» با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده است خروج می کند و مردم را به انحراف می کشاند. برخی با استناد به روایاتی چند، او را زنده می دانند؛ برای مثال گفته می شود: او در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله زنده بوده و تا هنگام خروج، زنده خواهد ماند. (۱)

اصبغ بن نباته از حضرت علی علیه السلام پرسید: «ای امیر مؤمنان! دجّال کیست؟» آن حضرت فرمود:

دجّال، صائد بن صائد (صید) است. بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و خوشبخت آن است که او را تکذیب نماید. از شهری برمی آید که آن را اصفهان نامند؛ از دهی که آن را یهودیه گویند. (۲) چشم راستش ممسوح و چشم دیگرش بر پیشانی است و مانند ستاره صبح می درخشد. در آن، نقطه عَلَقه ای است که با خون در آمیخته است و میان دو چشمش نوشته است: «کافر» و هر خواننده و بی سواد آن را می خواند. در دریاها فرو می رود و آفتاب با او می گردد. مقابل او کوهی از دود و عقبش کوهی سپید است که مردم تصور می کنند طعام است. در زمان قحطی و سختی خروج می کند؛ در حالی که بر الاغ سپیدی سوار است. هر قدم حمارش، یک میل است و زمین، منزل به منزل زیر پایش درنَوَردیده شود. بر آبی نگذرد، جز آنکه

۱- . ر.ک: طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۱۳، ح۸۶.

۲- . در پاره ای روایات محل خروج او سجستان ذکر شده است. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص ۲۵۰.

فرو رود، تـا روز قیـامت. به آوازی که همه جن و انس و شـیاطین در شـرق و غرب عالم آن را می شـنوند، فریاد می کنـد: «ای دوسـتان من! نزد من آییـد. منم آنکه آفرید و تسویه کرد و تقدیر کرد و رهبری نمود. منم پروردگار شـما!» دشـمن خدا دروغ می گوید. او یک چشـمی است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود. به راستی که پروردگار شـما نه یک چشم است و نه غـذا می خورد؛ نه راه می رود و نه زوال دارد. برتر است خدا از این اوصاف؛ برتری بزرگی. آگاه باشـید! بیشترِ پیروانش در آن روزگار، ناپاک زادگاننـد و صاحب پوستین های سبز. خداونـد تعالی او را در شام بر سر گردنه ای که آن را افیق نامند به دست کسـی که عیسـی علیه السـلام پشت سرش نمـاز می خوانـد هنگـامی که سه ساعت از روز جمعه گذشـته باشـد، خواهد کشت. آگاه باشید پس از آن، حادثه بزرگ و قیامت کبرا باشد. (۱)

احتمال سوم این است که برخی می گویند: که مراد از «دجّال» همان سـفیانی است که درکتاب های اهل سنّت، بیشتر با عنوان «دجّال» و در کتاب های شیعی با عنوان «سفیانی» آمده است! البته این احتمال مردود است. (۲)

در نهـایت به نظر عـده ای: دجّـال، کنـایه از کفرجهـانی و سیطره فرهنگ مادی بر جهان است. اینان براساس این احتمال، همه ویژگی هـایی که برای دجّال بیان شـده، با ویژگی های اسـتکبار جهانی برابر است. «اسـتکبار» به معنای واقعی، دجّال است که خود را قیّم ملت ها می دانـد و با تکیه به ثروت انبوه و قدرت عظیم، در همه جای زمین دخالت می کند و همه را به زیر سـلطه خویش می آورد. (۳)

۱- . صـدوق، کمال الـدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۲۷، ح۱. (با فرض پـذیرش روایت، بعید نیست بسـیاری از آنچه ذکر شده است، معنایی کنایی داشته باشد.)

۲- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۶۳.

۳- . سیّد محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، صص ۵۳۲-۵۳۶.

البته غیر از منابع اسلامی، اصل داستان «دجّال» در کتاب های مسیحیان نیز آمده است. در انجیل، واژه «دجّال» بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند یا «پدر و پسر» را انکار کنند، «دجّال» یاد شده است.

به عنوان مثال در رساله یوحنا آمـده است: « دروغ گو کیست، جز آنکه مسـیح بودن عیسـی را انکار کند؟ آن، دجّال است که پسر و پدر را انکار کند». (۱)

از نکات شـگفت آور و تأمل برانگیز در انبوه روایات شیعه و سنّی، ارتباط تنگاتنگی است که بین دجّال و یهودیان مطرح شده است. از این نظر بیشتر پیروان دجـال، یهودی معرفی شـده انـد (۲). در منابع اهل سـنّت به صورت عمده، سـخن از کشـته شدن دجّال به دست عیسی علیه السلام است. (۳)

۳-۱. خروج دابَه الاَرض

«خُروج دابه الارض»، به معنای بیرون آمـدن جنبنده زمین است. این پدیده، هم در روایات شـیعه و اهل سـنّت، مورد اشاره قرار گرفته و از آن به عنوان «اَشراط السّاعه» و یکی از نشانه های نزدیک شدن قیامت یاد شده است. (۴)

درباره ماهیت «دابه» و چگونگی خروج او، سـخن هایی گفته و گمانه هایی زده شـده است. برخی نوشـته انـد: «دابه»، به معنای جنبنده و «ارض» به معنای زمین است. بر خلاف آنچه برخی می پندارند، دابه فقط به جنبندگان غیرانسان

۱- . رساله یوحنا، باب۲، : ۱۸ و ۲۲.

۲- . ر.ک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۲۸،ح۲؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ج۸، ص۶۶۱.

۳- . تفسیر طبری، ج۳، ص ۲۹۰، تفسیر ابن کثیر، ج۱، ص۵۷۹.

۴- . ر.ک: صدوق، علل الشـرایع، ج۱، ص۷۳؛ طوسی، کتاب الغیبه، ۲۶۶؛ ابن شهرآشوب، المناقب، ج۳، ص۱۰۲، و در کتب اهل سنّت ر.ک: بیضاوی، انوارالتنزیل و اسرار التأویل، ذیل : ۸۲ سوره نمل؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج۶، ص ۲۱۰.

اطلاق نمی شود؛ بلکه مفهوم وسیعی دارد که انسان ها را نیز در بر می گیرد؛ چنان که در آیه ۶ سوره «هود» می خوانیم:

(وَما مِنْ دَابَّهٍ فِی الاَرْضِ اِلاَّ عَلَی اللَّهِ رِزْقُها...)؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی اش بر عهده خداست.

در باره تطبیق این کلمه، بنای قرآن بر اجمال و ابهام بوده و یگانه وصفی که برای آن ذکر کرده، این است که با مردم سخن می گوید و افراد بی ایمان را مشخص می کند؛ ولی در روایات اسلامی و سخنان مفسران، بحث های فراوانی در این زمینه دیده می شود. در یک جمع بندی می توان آن را در دو دیدگاه خلاصه کرد:

الف. گروهی، آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیرعادی از غیر جنس انسان، با شکل عجیب دانسته و برای آن عجایبی نقل کرده اند. این جنبنده در آخِرالزمان ظاهر می شود و از کفر و ایمان سخن می گوید و منافقان را رسوا می سازد و بر آنها علامت می نهد.

ب. جمعی دیگر به پیروی از روایات، او را یک انسان فوق العاده، متحرک، جنبنده و فعال می دانند که یکی از کارهای اصلی اش جدا ساختن صفوف مسلمین از کفار و منافقان و علامت گذاری آنان است. حتی از بعضی روایات استفاده می شود که عصای موسی و خاتم سلیمان، با او است. می دانیم عصای موسی، رمز قدرت و اعجاز، و خاتم سلیمان رمز حکومت و سلطه الهی است؛ بنابراین او یک انسان قدرتمند و افشاگر است.

در روایاتی دابه الارض بر شخص امیرمؤمنان علی علیه السلام تطبیق شده است. در تفسیر علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام آمده است:

مردی به عمار یاسر گفت: «آیه ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است.» عمار گفت: «کدام آیه؟» گفت: «آیه (وَاِذا وَقَعَ القَوْلُ عَلَیْهِمْ

اَخْرَجْنا لَهُمْ دابَةً مِنَ الاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ...)؛ (۱) این کدام جنبنده است؟» عمار گفت: «به خدا سوگند! روی زمین نمی نشینم، غذا نمی خورم و آبی نمی نوشم، تا دابهُالاَرْض را به تو نشان دهم.» پس به همراه آن مرد خدمت حضرت علی علیه السلام آمد؛ در حالی که حضرت غذا می خورد. هنگامی که چشم امام به عمار افتاد، فرمود: «بیا.» عمار آمد و نشست و با امام غذا خورد.

آن مرد سخت در تعجّب فرو رفت و ناباورانه به این صحنه نگریست؛ چرا که عمار به او قول داده و قسم خورده بود تا به وعده اش وفا نکند، غذا نخورد. گویی قول و قسم خود را فراموش کرده است!

هنگامی که عمار برخاست و با حضرت علی علیه السلام خداحافظی کرد، آن مرد به او گفت: «عجیب است! تو سوگند یاد کردی که غذا نخوری و آب ننوشی و بر زمین ننشینی، مگر اینکه «دابهالارض» را به من نشان دهی!» عمار در پاسخ گفت: «من او را به تو نشان دادم، اگر فهمیدی.» (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود:

امام علی علیه السلام پس از ذکر اوصاف خود، فرمود:... من، همان جنبنده ای هستم که با مردم سخن می گوید.... (۳)

۴-۱. خروج قائم

در روایاتی چند، قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام از بزرگ ترین پدیده هایی دانسته شده که در آستانه رستاخیز شکل می گیرد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

۱- . نمل (۲۷)، آیه ۸۲.

۲- . ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج۱۵، ص ۵۵۱ ۵۵۳.

۳- . «...اِنّی... وَالدَّابَّهُ الَّتی تُكَلِّمُ النَّاسَ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص۱۹۸، ح۳.

لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ اللَّهَ اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ فَأْتُوهُ وَ لَوْ عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيفَتِي (۱)؛

قیامت بر پا نمی شود، تا اینکه قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند، به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد.

۵-۱. نزول عیسی علیه السلام

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیدگاه همه مسلمانان، یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. (۲) این حادثه بزرگ از شگفت انگیزترین حوادث تاریخ، مهم ترین رخدادها، بزرگ ترین نشانه ها و پرشکوه ترین دلیل ها بر حقانیت امام مهدی علیه السلام است. ابوبصیر گوید: [به امام صادق علیه السلام] عرض کردم: «ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟» فرمود:

یا اَبا بَصیرٍ هُوَ الخامِسُ مِنْ وُلْدِ ابنی مُوسی، ذلِکَ ابنُ سَیِّدَهِ الاِماءِ، یَغیبُ غَیْبَهً یَرْتابُ فیها المُبْطِلُونَ، ثُمَّ یُظْهِرُهُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ فَیَفْتَحُ اللّهُ عَلی یَدِهِ مَشارِقَ الاَرضِ وَمَغارِبَها، وَیَنزِلُ رُوحُ اللهِ عیسَی بنُ مَرْیَمَ فیُصَلِّی خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الاَرضُ بنورِ رَبِّها...؛ (۳) ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسرم موسی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبتی می کند که باطل جویان در آن شک می کنند! خدای تعالی او را آشکار می کند و به دست او شرق و غرب عالم را می گشاید. روح اللّه عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن می شود...»

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم، عیسی بن

۱- . صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۵۹. ر.ک: اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج۲، ص۴۵۹.

۲- . مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص۲۷۴.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب۳۳، ح۳۱.

مریم را بنده وارسته و شایسته خدا و پیامبر بزرگ او می شمارند و همان گونه که قرآن بارها او را به پاکی، طهارت و قداست و احترام یاد می کند، از وی تجلیل می کنند. به سبب اهمیت این موضوع و شکوه و شخصیت والای آن حضرت است که او، به اراده خدا و برای تقویت حرکت جهانی و نجات بخش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، از آسمان فرود می آید.

روایات بسیاری در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان وحی و رسالت علیهم السلام رسیده و در آن، به فرود آمدن عیسی علیه السلام و اقتدای او به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تصدیق و تأیید آن، اصلاح گر بزرگ عصرها و نسل ها، تصریح شده است. (۱)

بنابراین یکی از حکمت های فرود آمدن آن حضرت در قیام امام مهدی علیه السلام، تقویت این حرکت جهانی و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گرانمایه و امامت او است؛ بویژه آنکه حضرت عیسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام اقتدا می کند و به امامت او نماز می گزارد و امامت او را تصدیق و تأیید می کند.

دو. دگرگونی های کیهانی

۱-۲. دود در آسمان

یکی از نشانه های قیامت، پر شدن آسمان از دود است. برخی از مفسران منظور از «دخان مبین» را در آیه (فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ)؛ (۲) همان دود غلیظی دانسته اند که در پایان جهان و آستانه قیامت، صفحه آسمان را می پوشاند و

۱- . ر.ک: سیّد محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلاماز ولادت تا ظهور، صص ۶۷۸-۶۸۰؛ همچنین ر.ک: صدوق، الامالی، ص۲۷۱، ح۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج۱، ص۴۷۰؛ صدوق، الخصال، ج۱، ص۳۲۰، ح۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۴۹، ح۱۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۸۰، ح۲۷، ج۲، ص۳۴۵، ح۳۱.

۲- . «پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی آورد.»؛ دخان (۴۴)، آیه ۱۰.

سرآغاز عذاب دردناك الهی، برای ستمگران است. (۱)

۲-۲. طلوع خورشید از مغرب

اگر چه در باره چگونگی این پدیده سخن روشنی در روایات به چشم نمی خورد؛ اما برخی از بزرگان درباره چگونگی این اتفاق نوشته اند: «خورشید، هنگام ظهر در آسمان، راکد می شود و ساعتی چند تا هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از مغرب آشکار شود (۲). »

عده ای نیز این امر را بعید پنداشته آن را مستلزم در هم ریختن و از هم پاشیدن نظم جهان و تغییر در حرکت منظومه خورشیدی دانسته اند که با اصول حاکم بر نظام طبیعت، ناسازگار است!! ولی به نظر می رسد این امر، همانند بسیاری دیگر از امور، از آیات الهی خواهد بود. افزون بر آن، نظیر این اتفاقات پیش تر نیز در آسمان رخ داده است که از جمله آنها «ردّالشَّمس» (بازگشتن خورشید) برای یوشع بن نون بوده است.

در برخی دیگر از نوشته ها نیز آمده است: «مقصود از طلوع خورشید از مغرب، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بدین معنا که او، همان خورشید است که در پایان عمر طولانی خویش، طلوع خواهد کرد.» (۳)

از آنجایی که چنین مطلبی در کلام معصوم علیه السلام نیامده و علاوه بر آن، در روایات، سخن از طلوع خورشید از مغرب در ردیف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است؛ بنابراین، طلوع خورشید از مغرب، حادثه ای است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در آستانه قیامت روی خواهد داد.

۱- . ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج۲۱، ص ۱۶۳.

۲- . مفید، الارشاد، ج۲، ص۳۶۸.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۴۷، ح۱.

۳-۲. فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق

در روایات اشاره روشنی به چگونگی این نشانه نشده و فقط به فرو رفتن زمین در مشرق، بسنده شده است.

۴-۲. فرو رفتن زمین در جزیره العرب

هرچند از این پدیده نیز به روشنی صحبت نشده است؛ اما به نظر می رسد همان «خسف به بیداء» باشد. واژه «خَسْف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بَیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. (۱) منظور از «خسف به بیداء» آن است که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می شود؛ اما آنان بین مکه و مدینه در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است به امر خداوند، در زمین فرو می روند. (۲)

۵-۲. آتشی از عدن

آخرین نشانه و نزدیک ترین نشانه به برپایی قیامت، به احتمال آتشی است که از عدن بیرون آمده، مردم را به محشر سوق می دهد (تَسُوقُ النَّاسَ إِلَی الْمَحْشَرِ).

در برخی روایات، افزون بر موارد یادشده، ناهنجاری های اجتماعی و گناهان آشکار و عمومی نیز به عنوان «اشراط الساعه» نام برده شده که مشروح ترین و جامع ترین حدیث در این زمینه آن است که ابن عباس از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در داستان حجه البلاغ نقل کرده است. (۳) در بخشی از آن آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کعبه را گرفت و سپس روی

۱- . ابن منظور، لسان العرب، ماده خسف و بیداء.

۲- . در بحث نشانه های ظهور به طور مفصل در باره آن بحث شد.

۳- . علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۳۰۳-۳۰۷؛ و نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۳، ص۲۶۱.

خود را به طرف ما کرد و فرمود: می خواهید شما را خبر دهم از نشانه های قیامت؟ و در آن روز سلمان رضی اللَّه عنه از هر کس دیگر به آن حضرت نزدیک تر بود؛ لذا در پاسخ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشت: بله، یا رسول اللَّه! حضرت فرمود:

یکی از علامت های قیامت این است که نماز ضایع می شود (یعنی از میان مسلمین می رود) و از شهوات پیروی می شود و مردم به سوی هواها میل می کنند. مال مقامی عظیم پیدا می کند و مردم آن را تعظیم می کنند. دین به دنیا فروخته می شود. در آن زمان است که دل افراد با ایمان در درونشان، برای منکرات بسیاری که می بینند و نمی توانند آن را تغییر دهند، آب می شود آن چنان که نمک در آب حل می گردد...

سلمان با شگفتی گفت: یا رسول اللَّه: به راستی چنین روزی خواهد رسید؟

فرمود: آری، به آن خدایی که جانم به دست او است، ای سلمان!... در این هنگام منکر، معروف، و معروف منکر می شود. خائن امین قلمداد می گردد و امین خیانت می کند. دروغگو تصدیق می شود و راستگو تکذیب می گردد.

سلمان شگفت زده پرسید: یا رسول اللَّه! به راستی چنین چیزی خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان!... در آن روز ربا همه جا را می گیرد و یک عمل آشکار می شود. معاملات با غیبت و رشوه انجام می شود و دین خوار و دنیا بلند مرتبه می شود.

سلمان گفت: یا رسول اللَّه آیا این نیز واقع خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان! در این هنگام طلاق زیاد می شود و هیچ حدی جاری نمی گردد، البته خدای تعالی از این بابت هرگز متضرر نمی شود... .

سلمان عرضه داشت: یا رسول اللَّه آیا چنین وضعی خواهد شد؟

فرمود: آری به خدایی سوگند که جانم به

دست او است ای سلمان! این وقتی است که حرمت ها و قرق ها شکسته می شود و مردم از روی آگاهی و عمدی در پی ارتکاب گناه هستند. اشرار بر اخیار مسلّط می شوند؛ دروغ آشکار و بی پرده و لجاجت ها ظاهر می گردد و فقرا فقر خود را علنی می کنند. مردم در لباس به یکدیگر فخرفروشی می کنند و باران در غیر فصل آن می باشد. مردم شطرنج و نرد و موسیقی را کاری پسندیده می شمارند و در مقابل امر به معروف و نهی از منکر را عملی نکوهیده می دانند تا آنجا که یک فرد با ایمان ذلیل ترین و منفورترین فرد امت می شود.... (۱)

۱- . محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۵، ص۶۴۹ ۵۵۲.

خودآزمایی

۱. دجال در لغت به چه معناست و مقصود از خروج دجال چیست؟ ارتباط آن با مهدویت چگونه است؟

۲. در باره دجال و خروج او احتمالاتی داده شده است؛ هر یک را به اختصار بیان نمایید.

۳. مقصود از خروج دابه الارض چیست؟ دیدگاه هایی را که در این باره ذکر شده، توضیح دهید.

۴. یکی از نشانه های قیامت نزول حضرت عیسی علیه السلام است؛ در این باره توضیح داده ارتباط آن را با مهدویت بیان نمایید.

۵. در باره طلوع خورشید از مغرب توضیح داده، چگونگی این اتفاق را شرح دهید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. فاطمیان، علی، نشانه های پایان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۱ش.

۲. صدر، سیّد محمّد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، چاپ اول، موعود عصر، تهران: ۱۳۸۴ش.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ ش.

۴. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چ نوزدهم: شفق، قم ۱۳۷۹ش.

۵. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ه.ش.

درس نهم: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیّات)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفاهیم و کلیّات ظهور:

ظهور در لغت و اصطلاح؛

ظهور امام مهدی علیه السلام از نگاه روایات؛

دیدن ظهور مهدی علیه السلام آرزوی صالحان؛

وقت ظهور؛

آگاه شدن امام مهدی علیه السلام از زمان ظهور؛

محل ظهور؛

مراسم ظهور؛

شادمانی اهل آسمان و زمین از ظهور مهدی علیه السلام؛

امر به پذیرفتن مهدی علیه السلام ؛

بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

پیش درآمد

برانگیخته شـدن و ظهور مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف، بزرگ ترین حادثه ای است که در پایان دوران رخ می دهـد و به آرمان بلنـد همه پیامبران الهی و آرزوی همه انسان ها جامه عمل پوشانـده می شود. ظهور او به عنوان سـرآغاز بنیان جهانی است که در آن همه انسان ها بر محور عدل، آخرین صفحات کتاب زندگی روی زمین را به نگارش در می آورند.

ظهور او عینیت بخشـی به وعـده هـای همه پیـامبران الهی در تحقق جـامعه آرمـانی بر مـدار یکتـاپرستی است. او نه تنها موعود آموزه های ادیان الهی که پاسخی است از خداوند به میل درونی و نیاز فطری همه انسان ها.

ظهور او، برانگیخته شدن انسانی است بی مانند که برای تحقق اهداف دیرینه همه انبیا و اولیای خداوند به پا می خیزد تا به نور ایمان و عدالت، سرتاسر گیتی را روشن کند.

در این درس تلاش می شود به بعضی از مباحث مهم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شود، از این رو برای علاقه مندان به بررسی های عمیق تر کتاب های مفصل توصیه می شود.

ظهور

از اصطلاحات رایج در فرهنگ مهدویّت، واژه «ظهور» است. این کلمه از نظر لغت به معنای آشکار شدن چیزی است که پیش تر ظاهر نبوده است (۱) و در اصطلاح، ظاهر شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پنهان زیستن طولانی، برای قیام و بر پایی حکومت عدل جهانی است.

افزون بر واژه «ظهور» واژه «بعث» و «قیام» نیز برای ظهور به کار رفته است. «بعث» به معنای فرستادن، (۲)برانگیختن و برانگیخته شدن است. این کلمه بیشتر در باره برانگیخته شدن پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به کار رفته است؛ اما در بعضی از روایات ظهور و گاهی قیام حضرت مهدی صلی الله علیه و آله و سلم با این واژه بیان شده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس... ؛ (۳) بشارت باد شما را به مهدی که در هنگام اختلاف مردم برانگیخته شود....

طوسی در کتاب الغیبه (۴) و اربلی در کتاب کشف الغمه (۵) این روایت را به نقل از ابو سعید خدری نقل کرده اند. امام رضا علیه السلام نیز فرمود:

... حَتَّی یَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَاماً مِنَّا خَفِیَّ الْوِلَادَهِ وَ الْمَنْشَإِ غَیْرَ خَفِیٍّ فِی نَسَبِهِ؛ (۶) تا اینکه خداوند بر این امر جوانی از ما را برانگیزد؛ ولادت و منشأش مخفی و نسبش آشکار است.

۱- . خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج۴، ص۳۷.

۲- . خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج۲، ص۱۱۲.

۳- . احمد بن حنبل، مسند احمد، ج۳، ص۳۷.

۴- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۷۸.

۵- . اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج۲، ص ۴۷۱.

۶- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص ۳۴۱، ح۲۵؛ ج۳، ص۵۰۳.

یک. اصطلاح ظهور از نگاه روایات

اشاره

در روایات معصومین علیهم السلام آن گاه که سخن از «ظهور» به میان می آید، بیشتر به آشکار شدن حضرت اشاره دارد؛ اما گاهی به موضوعات دیگری نیز اشاره می شود:

۱-۱. آشکار شدن امام مهدی علیه السلام پس از غیبت

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

إِنَّ لِلْغُلَامِ غَیْبَهً قَبْلَ ظُهُورِه؛ (۱) همانا برای قائم، غیبتی است پیش از ظهورش....

امام صادق علیه السلام در روایتی ظهور وی را به اراده الهی دانسته، می فرماید:

فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِکْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَکَتَ فِی قَلْبِهِ نُکْتَهً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی؛ (۲) چون خدای عزّ ذکره اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در دلش نکته ای می گذارد؛ پس ظاهر می شود و به امر خدای تبارک و تعالی قیام می کند.

در باره چگونگی این آشکار شدن سخنی روشن در روایات نیامده است؛ اما از آنجا که این ظهور پایان غیبت دانسته شده، می توان این آشکار شدن را طبق روایاتی که به چگونگی غیبت اشاره کرده اند، تعریف کرد. برخی روایات غیبت را ناپیدایی دانسته اند. بر این اساس ظهور حضرت، به معنای کنار رفتن پرده از مقابل دیدگان مردم و آشکار شدن ناگهانی او است. در حالی که طبق روایات ناشناسی، ظهور به معنای معرفی آن حضرت توسط خودش به مردم است.

۲-۱. همه دوران ظهور و آشکار بودن حضرت

امام صادق علیه السلام فرمود:

تَوَاصَلُوا وَ تَبَارُّوا وَ تَرَاحَمُوا فَوَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّهَ وَ بَرَأَ النَّسَمَهَ لَیَأْتِیَنَّ عَلَیْکُمْ

۱- صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۹؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۹، ح ۲۷۴.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۷، ح ۴۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۴۲.

وَقْتٌ لَا یَجِدُ أَحَدُکُمْ لِدِینَارِهِ وَ دِرْهَمِهِ مَوْضِعاً یَعْنِی لَا یَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ علیه السلام مَوْضِعاً یَصْرِفُهُ فِیهِ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِیعاً بِفَضْلِ اللَّهِ وَ فَضْلِ وَلِیِّهِ؛ (۱) به یکدیگر بپیوندید و نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید؛ پس سوگند به آن که دانه را شکافته و جانداران را از نیستی آفرید! روزی فرا می رسد که هیچ یک از شما جایی برای درهم و دینارش نمی یابد؛ یعنی به هنگام ظهور قائم علیه السلام محلّی که در آن درهم و دینار خود را صرف کند، نمی یابد به جهت بی نیازی همه مردم که با فضل خدا و ولیّ او حاصل شده است.

۳-۱. آشکار شدن دولت حق

اشاره

امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ای فرمود:

... سَیُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِکَلِمَاتِهِ وَ یَمْحَقُ الْبَاطِلَ ها ها طُوبَی لَهُمْ عَلَی صَبْرِهِمْ عَلَی دِینِهِمْ فِی حَالِ هُدْنَتِهِمْ وَ یَا شَوْقَاهْ إِلَی رُؤْیَتِهِمْ فِی حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ... ؛ (۲) خدا هم با کلمات خود (ائمه یا آیات قرآن و یا تقدیر خود) حق را ثابت کند و باطل را از میان ببرد. آه آه، خوشا به حالشان که در زمان صلح و آرامش، بر دینشان شکیبایی ورزیدند، هان از اشتیاق به دیدارشان در زمان ظهور دولتشان... .

اشتیاق صالحان به درک زمان ظهور

درک زمان ظهور دارای فضیلت فراوانی است؛ از این رو انسان های صالح در طول تاریخ، همواره آرزومند حضور در آن دوران بوده اند. پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره به ارجمندی حضور در آن رخداد بزرگ اشاره می کردند. امام علی علیه السلام در روایت یاد شده در بحث قبل به این مسئله اشاره فرموده است. حضرت حسین بن علی علیهما السلام نقل کرده است:

مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید. ایشان وقتی صفات او را ذکر

۱- . نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۰؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۳۸۲.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۳۵، ح۳.

کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی، به سینه خود اشاره کرده، آهی کشید و از شدت اشتیاقِ به ایشان، به سینه خود اشاره فرمود. (۱)

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

... فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ؛ (۲) پس خوشا به حال آن که او را در می یابد و از یاران اوست.

ام هانی ثقفیه گوید:

بامدادی خدمت سرورم، امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: ای آقای من! آیه ای از کتاب خدا بر دلم خطور کرده، مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم ربوده است. فرمود: ای ام هانی! بپرس. پرسیدم: ای سرورم! این قول خداوند: (فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ، الجَوارِ الكُنَّسِ)؛ (۳) فرمود: ای ام هانی! خوب مسأله ای پرسیدی. این، مولودی در آخِرُالزّمان است. او مهدی این عترت است و برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن، گمراه می شوند و اقوامی نیز هدایت می یابند. ؛ (۴) خوشا بر تو اگر او را دریابی! و خوشا بر کسی که او را دریابد!

کلینی بخش پایانی روایت را این گونه نقل کرده است:

ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشِّهَابِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلَةِ الظَّلْمَاءِ فَإِنْ أَدْرَكْتِ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكِ؛ (۵)... سپس مانند شعله ای در شب تاریک فروزان می شود، اگر زمان او را درک کنی، چشمت روشن می گردد.

۱- . «... وَ أَوْمَأَ بِيدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقاً إِلَى رُؤْيَتِهِ»؛ نعمانی، الغیبه، ص۲۱۲، ح۱.

۲- . نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۴، ح۲۲.

۳- . تکویر (۸۱)، ۲ و ۳.

۴- . «فَياطُوبى لَكِ اِنْ اَدرَكْتِهِ، وَيا طُوبى لِمَنْ اَدرَكَهُ» صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، باب۳۲، ح۱۴.

۵- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۴۱.

امام صادق علیه السلام در باره زمان آن حضرت فرمود:

فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَکَ ذَلِکَ الزَّمَان؛ (۱) پس خوشا به حال آن که آن زمان را درک کند.

امامان معصوم علیهم السلام با این تعبیرها به بزرگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران ظهور او را خاطر نشان می ساختند.

دو. ابعاد و مراحل ظهور

۱-۲. وقت ظهور

یکی از موضوعات مهم در مباحث مهدویت، «وقت ظهور» است؛ به گونه ای که حتی سال ها پیش از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درباره آن، از معصومان علیهم السلام پرسش می شد. آنان نیز مسائل مربوط به آن حضرت بویژه زمان ظهور آن حضرت را از رازهای الهی دانسته و وقت گذاران را تکذیب می کردند. با گذری کوتاه در سخنان ائمه اطهار علیهم السلام درباره وقت ظهور، به مطالب ذیل بر خواهیم خورد:

۱. آشکار کردن زمان ظهور، فقط از آن خداوندعزوجلّ است.

در روایت مشهوری آمده است:

وقتی دعبل شاعر بلند آوازه شیعی در محضر امام رضا علیه السلام در ضمن قصیده ای، سخن از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام بر زبان جاری ساخت، آن حضرت در حالی که سرشک از دیدگانش جاری بود، رو به دعبل کرد و فرمود: ای خزاعی! همانا روح القدس بر زبانت، این دو بیت را جاری ساخت. آیا می دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می کند؟

آن گاه خود آن حضرت به معرفی امام مهدی علیه السلام پرداخت. سپس درباره زمان ظهورش چنین فرمود: اما اینکه «چه زمانی ظهور خواهد کرد»، این خبردادن از وقت است.

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۹۰، ح ۲۱؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۵.

پدرم از پدرش و ایشان از پدرانش از رسول گرامی اسلامی صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند که وقتی از آن حضرت سؤال شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می کند؟ آن حضرت فرمود: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَهِ (اَلَّتی لا یُجَلّیها لِوَقْتِها اِلاَّ هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَالاَرْضِ لا تَأْتِیَنَّکُم اِلَّا بَغْتَهً) (۱)؛ (۲) جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند. [این حادثه] بر آسمان ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد.

پنهان بودن زمان ظهور، همانند زمان قیامت و رستاخیز است که یک نوع آزادی عمل برای همگان پیدا می شود. از سوی دیگر چون زمان آن به طور دقیق معلوم نیست و در هر زمان محتمل است، نتیجه اش حالت آماده باش دائم است. درباره قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز اگر تاریخ تعیین می شد و زمان ظهور دور بود، همه در غفلت و غرور و بی خبری فرو می رفتند و اگر زمانش نزدیک بود، ممکن بود آزادی عمل را از دست بدهند و اعمالشان جنبه اضطراری پیدا کند. همان گونه که آشکار کردن زمان رستاخیز بزرگ، فقط در اختیار خداوند است، اعلان زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در دست خداوند است.

خداوند در ادامه آیه یاد شده، آگاهی به قیامت را در علم خداوند دانسته است:

(یَسْئَلُونَکَ کَأَنَّکَ حَفِیٌّ عَنْها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ اللَّهِ)؛ (۳) [باز] از تو می پرسند، گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی، بگو: «علم آن، تنها نزد خداست.

بر این اساس این که عده ای به خود جرئت می دهند و به راحتی هنگام ظهور را تعیین

۱- . اعراف(۷)، آیه ۱۸۷.

۲- . صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۳- . اعراف (۷)، آیه ۱۸۸.

می کنند، جای بسی تأمل است!

وقتی چنین پرسشی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مطرح شد، ضمن توقیعی اینسان پاسخ فرمود:

وَ أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَی اللَّهِ وَ کَذَبَ الْوَقَّاتُون؛ (۱) اما ظهور فرج همانا در اختیار خداوند متعال است و وقت گذاران دروغ گفتند.

آن حضرت در آخرین توقیع به سفیر چهارم خود، ظهور را فقط در اراده و اختیار خداوند دانسته، می فرماید:

... ولا ظهور إلا بعد إذن الله؛ (۲) ...ظهوری نخواهد بود؛ مگر آن گاه که خداوند اجازه فرماید.

پس زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و اندیشه و فکر بشر از رسیدن به آن، سخت کوتاه و ناتوان است.

۲. روایات فراوانی ظهور را ناگهانی دانسته (۳) و احادیثی اصلاح امر فرج را یک شَبِه ذکر کرده است.

امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

اَلْمَهْدِی مِنَّا اَهْلَ الْبَیْتِ یُصْلِحُ اللَّه لَهُ اَمْرَهُ فِی لَیْلَهٍ؛ (۴) مهدی از ما اهل بیت است که خداوند امر [فرج] او را در یک شب اصلاح می فرماید.

امام باقر علیه السلام نیز پس از بیان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرمود:

ثُمَّ یَبْدُو کَالشِّهَابِ الْوَقَّادِ فِی ظُلْمَهِ اللَّیْل؛ (۵) او همانند شهابی شعله ور در تاریکی شب، آشکار خواهد شد.

۱- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۱.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۱۶، ح۴۴؛ قطب الدین راوندی، الخرایج والجرایح، ج ۳، ص ۱۱۲۸؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵.

۳- . بر خلاف پندار کسانی که ظهور را با غیبت مقایسه کرده، گفته اند: چون غیبت صغرا مقدمه غیبت کبرا بود، پس دورانی به عنوان ظهور اصغر در پیش داریم.

۴- . نعمانی، الغیبه، ص۱۶۳؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۱۵۲.

۵- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۵۹؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۴.

۲-۲. آگاه شدن امام مهدی علیه السلام از زمان ظهور

آگـاه شـدن حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف از وقت ظهور، براساس الهام خواهـد بود. بـدون شک، معصومان علیهم السـلام مورد الهام خداوند قرار می گیرند. البته وحی، به صورت رسـمی با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پایان گرفت؛ ولی در موارد فراوانی به اهل بیت علیهم السـلام الهاماتی شـده و خواهد شد. برخی روایات چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی علیه السلام از زمان ظهور را از راه الهام ذکر کرده است.

مفضل بن عمر گوید: امام صادق علیه السلام در باره آیه (فَإِذا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ)، فرمود:

إِنَّ مِنَّا إِمَاماً مُظَفَّراً مُسْتَتِراً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِی قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی؛ (۱) همانا امام پیروز و پنهـان از مـا خانـدان است و چون خـدای عزّ ذکره اراده کنـد که امر او را ظـاهر سـازد، در دلش نکته ای می گـذارد. سپس ظاهر می شود و به امر خدای تبارک و تعالی قیام می کند.

۳-۲. محل ظهور

در بـاره محـل ظهور امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و گردآمـدن یاران ویژه او و نیز پیمان مردم با وی، در روایات پرشماری بین رکن و مقام در مسجد الحرام دانسته شده است. این روایات در دسته های زیر قابل تقسیم است:

۱. ظهور از مکه؛

۲. ظهور از مسجد الحرام؛

۳. ظهور از بین رکن و مقام.

مسـجدالحرام از مهم ترین مساجد روی زمین است که محیط بر کعبه و قبله گاه مسلمانان است. بین مسلمین از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده

۱- . محمـد بـن یعقـوب کلینی، الکـافی، ج۱، ص۳۴۳، ح۳۰؛ نعمـانی، الغیبه، ص۱۸۷، ح۴۰؛ طوسـی، کتـاب الغیبه، ص۱۶۴؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۴۹، ح۴۲؛ محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ص۱۹۲.

و در قداست و عظمت ویژه ای در تاریخ بعثت پیامبران الهی دارد.

آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آنجا بوده و نیز همه مسلمانان به طرف آن نماز می گزارند؛ به همین در نگاه آنان دارای عظمت است؛ بویژه آنکه محل آغاز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۱)

اگرچه همه مکان های این مسجد دارای عظمت و اهمیت است، اما در برخی روایات تأکید شده محل آشکار شدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بین رکن و مقام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

فیهِم مَهدِی اُمَّتی مُحَمَّدٌ الَّذی یَمْلَأُ الاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، وَاللّهِ اِنّی لَاَعْرِفُ مَنْ یُبایِعُهُ بَیْنَ الرُّکْنِ وَالمَقامِ وَاَعْرِفُ اَسْماءَ آبائِهِمْ وَقَبائِلِهِمْ؛ (۲) مهدی امتم میان ایشان (امامان) محمدی است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. به خدا سوگند! من کسانی را که میان رکن و مقام با او بیعت می کنند، می شناسم و اسامی پدران و قبایلشان را نیز می دانم.

در برخی آثار اهل سنّت نیز جایگاه بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یارانش، دانسته شده است. (۳) در هر حال محل ظهور حضرت، میان رکن و مقام در مسجد الحرام است.

۴-۲. چگونگی ظهور

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام روایت کند که در باره آیه: (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ أَيْنَ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ

۱- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۷۷، ح۵۰۲.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، باب۲۴، ص۲۸۴، ح۳۷.

۳- . نک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج۱۱، ص۲۷۱؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ج۸، ص۶۰۹؛ طبرانی، معجم الکبیر، ح۲۳، ص۲۹۶؛ کنزالعمال، ج۱۱، ص۱۲۵، ح۳۰۹۳۲، ج۱۴، ص۲۶۵، ح۳۸۶۶۸؛ سیوطی، درالمنثور، ج۵، ص۲۴۱.

جَمِیعاً) (۱) فرمود:

یَعْنِی أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثَمِائَهِ وَ الْبِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ هُمْ وَ اللَّهِ الْأُمَّهُ الْمَعْدُودَهُ قَالَ یَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهِ فِی سَاعَهٍ وَاحِدَهٍ قَزَعٌ کَقَزَعِ الْخَرِیفِ...؛ (۲) مقصود از نیکی ها ولایت (اهل بیت علیهم السلام) است و مقصود از گفتار خدای تبارک که «هر کجا باشید خداوند همه شماها را بیاورد»، اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که متجاوز از ۳۱۰ مردند، فرمود: و آنهایند به خدا سوگند «امت معدوده» و آنان در یک ساعت گرد می آیند مانند پاره های ابر پاییز (که گرد هم جمع می شوند).

اسماعیل بن جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است:

به خدا قسم! گویی هم اکنون او را می بینم که پشت خود را به حجر تکیه داده و از خداوند وفای وعده خود را مطالبه کند. آن گاه می گوید: ای مردم! هر کس با من در مورد خدا محاجّه (بحث و گفت وگوی متقابل) نماید، پس من خود سزاوارترین مردم به خداوند هستم... سپس به سوی مقام می رود و نزدیک آن، دو رکعت نماز به جای می آورد و از خداوند وفای به وعده اش را درخواست می نماید.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا قسم! او همان مضطرّ است که خداوند در باره اش می فرماید: (أَمَّن یجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُکُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ) (۳). این آیه در باره او و برای او نازل شده است. (۴)

محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

۱- . «به نیکی ها پیشی گیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را بیاورد.» بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۳۱۳، ح۴۸۷.

۳- . «یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند، و گرفتاری را برطرف می گرداند، و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد؟». نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

۴- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۱۸۱.

... در این هنگام است که قائم ما خروج کند و چون ظهور کند به خانه کعبه تکیه زند و سیصد و سیزده مرد به گرد او اجتماع کنند و اوّلین سخن او این آیه قرآن است: (بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِین)؛ (۱) سپس می گوید: منم بقیّه اللَّه در زمین و منم خلیفه خداوند و حجّت او بر شما و هر درود فرستنده ای به او چنین سلام گوید: السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّهَ اللَّهِ فی ارضه، و چون برای بیعت ده هزار مرد به گرد او اجتماع کنند خروج خواهد کرد. (۲)

۵-۲. امر به پذیرفتن مهدی علیه السلام

روایات آنگاه که سخن از ظهور آن حضرت به میان می آورد، به پیروی از او تأکید می کند و امتناع کنندگان از این کار را هلاک شونده می داند. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام و او از پدرش نقل کرده که فرمود:

... إِذَا تَحَرَّکَ مُتَحَرِّکُنَا فَاسْعَوْا إِلَیْهِ وَ لَوْ حَبْواً وَ اللَّهِ لَکَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَیْهِ بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ یُبَایِعُ النَّاسَ...؛ (۳) و چون کسی که از طرف ما حرکت می کند، فعّالیت خود را آغاز نماید؛ به سوی او بشتابید [به هر نحو ممکن]؛ اگر چه بر دست و زانو باشد. به خدا سوگند! گویی هم اکنون به او می نگرم که میان رکن و مقام از مردم بیعت می گیرد.

۶-۲. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

در برخی روایات از مراسم «بیعت (۴) یاران» با

۱- . «اگر مؤمن باشید، باقیمانده خدا برای شما بهتر است»؛ هود (۱۱)، آیه ۸۶.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۳۰، ح۱۶؛ و نیز: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۴۱۱، ح۲.

۳- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۱۹۴، ح۱.

۴- . «بیعت» واژه عربی از ریشه (ب ی ع) به معنای خرید و فروش و ایجاب و پذیرش بیع و در اصطلاح بر هم زدن کف دست راست از طرفین معامله به نشانه ختم معامله و تسلیم است و نیز به هر عمل و رفتاری اطلاق می شود که شخص به وسیله آن، فرمانبرداری خود را از شخص دیگر و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او نشان دهد. شاید اطلاق کلمه «بیعت» به این معنا، از این جهت است که هر یک از دو طرف، تعهّدی همچون دو معامله گر در برابر دیگری می کنند؛ بیعت کننده حاضر می شود تا پای جان و مال و فرزند در راه اطاعتِ او بایستد و بیعت پذیر نیز حمایت و دفاع او را بر عهده می گیرد.

آن حضـرت، به عنـوان نخسـتین مراسم ظهور یـاد شـده است. بیعت، سنّتی بود که پیش از اسـلام، میـان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل طائفه اوس و خزرج در آغاز اسلام به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در عقبه بیعت کردند. برخورد آنهـا بـا مسـئله بیعت، برخورد با یک امر آشـنا بود. پس از آن نیز پیغمبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم در فرصت های گوناگون، با مسلمانان تجدید بیعت کرد.

گفتنی است در باره پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و امامان معصوم علیهم السـلام که از سوی خدا نصب می شوند به بیعت نیازی نیست، یعنی اطاعت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و امام معصوم منصوب از سوی او، واجب است؛ چه بر کسانی که بیعت کرده انـد و چه آنان که بیعت نکرده انـد. به تعبیر دیگر، لازمه مقام نبوّت و امامت، وجوب اطاعت است؛ همان گونه که قرآن می فرماید:

(یَا اَیُّهـا الَّذِینَ آمَنُوا اَطیعُوا اللّهَ وَاَطِیعُوا الرَّسُولَ وَاُولِی الاَمْرِ مِنْکُمْ)؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده ایـد خـدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

حـال این پرسـش پیش می آیـد که: چرا پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم از یاران خود یا تازه مسـلمانان، بیعت گرفت که دو نمونه آن (بیعت رضوان و بیعت با اهل مکه)، به طور صریح در قرآن آمده است؟ (۲)

در پاسخ بایـد گفت: بـدون شـک این بیعت هـا، یک نوع تأکیـد بر وفاداری بوده که در مواقع خاصـی انجام می گرفته است. بخصوص برای مقابله با بحران ها و حوادث سخت از آن استفاده می شده است تا در سایه آن، روح تازه ای در کالبد

۱- . نساء (۴)، آیه ۵۹.

۲- . ر.ک: سوره فتح (۴۸)، آیه ۱۰ و ۱۸.

افراد دمیده شود. همین امر در بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز صورت خواهد گرفت که جنبه تأکید بر وفاداری دارد.

یکی از کارهای نخست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرفتن بیعت از یاران خود است. این بیعت، در مسجد الحرام و بین رکن و مقام صورت می گیرد. (۱) البته در روایاتی نقل شده که نخستین بیعت کننده با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جبرئیل امین است. امام باقر علیه السلام فرمود:

...فَیَکُونُ أَوَّلُ مَنْ یُبَایِعُهُ جَبْرَئِیلَ ثُمَّ الثَّلَاثَمِائَهِ وَ الثَّلَاثَهَ عَشَر؛ (۲) ... پس نخستین کس که با او بیعت می کند، جبرئیل است. سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می کنند]....

افزون بر روایات شیعه در پاره ای از روایات اهل سنّت نیز بر بیعت یاران حضرت با ایشان تأکید شده است. (۳) ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: پدرم به من فرمود:

... وَ اللَّهِ لَکَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَیْهِ بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ یُبَایِعُ النَّاسَ عَلَی کِتَابٍ جَدِیدٍ عَلَی الْعَرَبِ شَدِیدٌ؛ (۴) ... به خدا سوگند! گویی هم اکنون به او می نگرم که میان رکن و مقام به فرمانی جدید از مردم بیعت می گیرد، فرمانی که بر عرب سخت گران است.

بنابراین بیعت فقط به دلیل تأکید بر دلدادگی یاران نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و

۱- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۷۶، ح۵۰۲؛ عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ج۱۱، ح۲۰۷۶۹.

۲- . علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۲۰۴؛ نیز ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۴، ص۱۸۴، ح۳.

۳- . عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج۱۱، باب المهدی، ح۲۰۷۶۹؛ نیز نک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص۱۲۳.

۴- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ۱۹۴، ح۱؛ ص۲۶۲، ح۲۲؛ ص۲۶۳، ح۲۴.

هرگز به سبب اعتماد و یا عدم اعتماد نیست. (۱) امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، به هدایت و ارشاد مردم می پردازد و آنان را به معنویت و عدل و داد فرا می خواند. در برابر گفت و گوهای منطقی و ارشادات آن حضرت، گروه باطل و صاحبان زر و زور و تزویر و فساد قرار می گیرند. در نتیجه آن حضرت بعد از اتمام حجت به مبارزه می پردازد و نهضت مستضعفان و ستمدیدگان را رهبری می کند... و در اینجاست که قیام جهانی او آغاز می شود.

شادمانی اهل آسمان و زمین

همه هستی از نافرمانی خداوند و ستم به دیگران در رنج و ناخرسندی اند؛ از این رو نه فقط انسان ها که اهل آسمان ها نیز از ظهور او و برپایی عدل و قسط، شادمان و خشنود می شوند. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره فرمود:

یَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سُکَّانُهَا؛ (۲) اهل آسمان ها و ساکنان آن از خروج او شادمان می شوند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

أُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِیِّ یُبْعَثُ فِی أُمَّتِی... یَرْضَی عَنْهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ سَاکِنُ الْأَرْضِ؛ (۳) شما را مژده می دهم به مهدی که در امت من برانگیخته می شود... و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند.

مردگان نیز در عالم برزخ، از این واقعه بزرگ شادمان می شوند و به یکدیگر بشارت می دهند. امام علی علیه السلام فرمود:

... إِذَا هَزَّ رَایَتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ... وَ لَا یَبْقَی مَیِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَیْهِ تِلْکَ الْفَرْحَهُ فِی قَلْبِهِ وَ هُوَ فِی قَبْرِهِ وَ هُمْ یَتَزَاوَرُونَ فِی

۱- . در برخی از کتاب ها به مفاد بیعت نامه حضرت نیز اشاره شده است؛ اما از آنجا که این منابع روایی و روایات مربوط، دارای اعتبار کافی نیست از ذکر آن ها چشم پوشی شد.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۱۴، ح۲.

۳- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۷۸.

قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ؛ (۱) و چون پرچمش به اهتزاز درآید، از مشرق تا مغرب را تابان می کند و... و هر مؤمنی گر چه در قبر خود باشد شادمان می شود، و به دیدار هم می روند، و مژده ظهور قائم را به یک دیگر می دهند.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، ص۶۵۳، ح۱۷.

ص: ۱۸۲

خودآزمایی

۱. ظهور به چه معناست و تفاوت اساسی دو دیدگاه شیعه و اهل سنت در چیست؟

۲. در باره وقت ظهور و تکذیب وقت گذاران توضیح داده، چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از وقت ظهور را بیان نمایید.

۳. طبق روایات محل ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کجاست؟ در باره فضیلت آن مکان روایاتی را نقل کرده توضیح دهید.

۴. در باره مراسم بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح داده، فلسفه این بیعت را شرح دهید.

۵. در باره شادمانی اهل آسمان و زمین از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح داده، به نظر شما این شادمانی به چه دلیل اتفاق می افتد؟

□□□

منابع برای پژوهش

۱. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ه.ش.

۲. بنی هاشمی، سیّد محمد، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ش.

۳. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اصفهان، گلبهار، ۱۴۱۶ق.

۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ ه.ش.

۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ش.

درس دهم: قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. مفهوم شناسی قیام؛

دو. حتمی بودن قیام امام مهدی علیه السلام؛

سه. مهم ترین عناصر قیام امام مهدی علیه السلام؛

چهار. زمان و مکان قیام؛

پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران)؛

شش. جغرافیای قیام و فتوحات؛

هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام.

پیش درآمد

حکومت عدل جهانی و خلافت مؤمنان شایسته، بشارتی است که در همه آموزه های آسمانی به چشم می خورد. قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، نهضتی بزرگ و حتمی، علیه همه ستمگران و ستم پیشگان است که آخرین راه نفس را بر زندگی مادی و معنوی انسان ها بسته اند. اگر چه تحقق این وعده، بر خداوند متعال لازم و حتمی است و نیازی به دلیل نیست؛ اما در سخنان معصومان و دانشمندان مسلمان بر حتمی بودن آن تأکید شده است.

در این درس با مجال محدود، به بعضی از بحث های مربوط به این حادثه بزرگ اشاره می شود.

برخی از عرصه های مهم این بحث از این قرارند:

یک. مفهوم شناسی قیام

از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام در منابع شیعه قیام است. (۱)

۱- . این واژه و مشتقات آن بجز در کتاب الفتن نعیم بن حماد یا کسانی که از وی نقل کرده اند، در منابع اهل سنت یافت نشد. نک: نعیم بن حماد، الفتن، ص۲۶۰، ۹۶۲ و ۹۷۴؛ ونیز نک: متقی هندی، کنز العمال، ج۱۱، ص۲۴۷، شماره ۳۱۴۰۰.

این واژه به معنای ایستادن و نقیض و خلاف معنای نشستن است. (۱) و در اصطلاح عبارت است از: نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام برابر ستمگران، برای برپایی قسط و عدل در سراسر کره زمین. چنین حادثه ای بس بزرگ و با اهمیت است و در روایات از روز قیام آن حضرت، به عنوان یکی از «ایام الله» یاد شده است. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

اَیَّامُ اللّهِ ثَلاثَهٌ یَوْمُ یَقُومُ القائِمُ وَیَوْمُ الکَرَّهِ وَیَوْمُ الْقِیامَهِ؛ روزهای خداوند سه [روز] است؛ روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد کرد و روز بازگشت برخی از مردگان و روز رستاخیز. (۲)

این اهمیت سبب شده تا در روایات شیعه، لقب «قائم» در میان القاب آن حضرت، از جایگاه ویژه ای برخوردار شود و لقبی به اندازه آن مورد استفاده قرار نگیرد. گویا از آنجا که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درخشان ترین فصل زندگی آن حضرت است؛ اتصاف به این صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. پس مهم ترین سبب اتصاف به این لقب، آن است که او، در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگ ترین قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد. البته همه امامان علیهم السلام قائم به حق هستند؛ اما ویژگی های قیام امام مهدی علیه السلام، آن حضرت را از دیگر امامان متفاوت ساخته است. ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام راجع به امام قائم علیه السلام پرسید، حضرت فرمود:

کُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّی یَجِیءَ صَاحِبُ السَّیْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّیْفِ جَاءَ بِأَمْرٍ غَیْرِ الَّذِی کَانَ؛ (۳) همه ما قائم به امر خدائیم؛ یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید. چون صاحب شمشیر

۱- . ابن منظور، لسان العرب، ج۵، ص۳۴۵؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص ۱۵۳۱.

۲- . صدوق، الخصال، ص۱۰۸، ح۷۵؛ و نیز نک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۱، ص۳۶۷.

۳- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۵۳۶، ح۲.

آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده می آورد.

از امام جواد علیه السلامپرسیدند: «چرا او را قائم می نامند؟» فرمود:

لَأَنَّهُ یقُومُ بَعْیدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَارْتِدادِ اَكْثَرِ القائِلینَ بِإمامَتِهِ؛ (۱) زیرا او پس از آنکه یادش از بین برود و بیشتر معتقدان به امامتش مرتدّ شوند، قیام می کند.

در برخی روایات «ظهور» و «قیام» در یک معنا به کار رفته است و این خود سبب شده تا افرادی هر دو را در یک معنا به کار برند. اما از روایاتی چند به دست می آید که ظهور با قیام متفاوت است و قیام مرحله ای متأخر بر ظهور می باشد.

کلینی از امام صادق علیه السلام در باره قول خداوند عز و جل((فَإِذا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ))؛ (۲) نقل کرده است که فرمود:

إِنَّ مِنَّا إِمَاماً مُظَفَّراً مُسْتَتِراً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِی قَلْبِهِ نُكْتَهً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی؛ (۳) همانا امام پیروز و پنهان از ما خاندان ا و چون خدای عزّ ذکره اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در دلش نکته ای می رد، پس ظاهر می و سپس به امر خدای تبارک و تعالی قیام کند.

علاوه بر کلینی این روایت را کشی در کتاب رجال خود، (۴) نعمانی در الغیبه (۵)، و شیخ طوسی در کتاب الغیبه (۶) با اندک تفاوتی نقل کرده اند که استفاده از حرف «فاء» در «فقام» می تواند

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۸، ح۳.

۲- . «زمانی که در صور دمیده شود» مدثر(۷۴)، آیه۸.

۳- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰.

۴- . کشی، رجال الکشی، ص۱۹۲، ش۳۳۸.

۵- . نعمانی، الغیبه، ص۱۸۷، ح ۴۰.

۶- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۶۴.

چنین برداشتی را برساند.

در روایت دیگری از امام جواد علیه السلام نیز به این نکته اشاره شده است:

هیچ یک از ما نیست جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی است؛ امّا قائمی که خدای تعالی به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک سازد و آن را پر از عدل و داد نماید، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان و بردن نامش حرام است. او هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کسی است که زمین برایش در هم پیچیده می شود و هر دشواری برایش هموار می گردد. از اصحابش ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند... .

در ادامه فرمود:

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّهُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشَرَهُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۱) و چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم می آیند، خدای تعالی امرش را ظاهر سازد (ظهور کند) و چون عقد که عبارت از ده هزار مرد باشد کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام می کند و دشمنان خدا را می کشد تا خدای تعالی خشنود گردد.

روشن است در این روایت «اظهار امر» و «خروج» متفاوت است؛ مقصود بخش نخست ظهور و بخش دوم قیام و خروج است. شاید بتوان اختلاف برخی روایات در مورد زمان ظهور و قیام را با این تقسم بندی رفع نمود؛ یعنی برخی ناظر به زمان ظهور و بعضی دیگر ناظر به زمان قیام باشد.

دو. حتمی بودن قیام امام مهدی علیه السلام

افزون بر بعضی از آیات قرآن که به

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۷، ح۲.

فرودستان و مؤمنان شایسته بشارت پیشوایی (۱) و خلافت بر زمین (۲) داده شده روایاتی به قطعی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یَقُومَ قَائِمُ الْحَقِّ مِنَّا... ؛ (۳) هرگز رستاخیز به پا نگردد، مگر اینکه پیش از آن قائم بحقّ، از خاندان ما قیام کند.

همچنین امام علی علیه السلام در این باره فرمود: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به ناگزیر ده چیز پیش از برپایی قیامت خواهد بود: سفیانی، دجّال، دود، دابه، خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، طلوع خورشید از مغرب خود، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن در جزیره العرب و آتشی که از قعر عدن بیرون خواهد آمد تا مردم را به سوی محشر سوق دهد. (۴)

محمد بن علی حلبی گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

اخْتِلَافُ بَنِی الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَ النِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمَحْتُومِ؛ (۵) اختلاف بنی عباس حتمی است و ندای آسمانی نیز حتمی است و خروج قائم نیز حتمی است.

از این روایات و مانند آن (۶) استفاده می شود که قیام حضرت مهدی علیه السلام، از امور حتمی و قطعی است که هرگز در آن تخلف صورت نمی گیرد.

۱- . (وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِین)؛ قصص (۲۴)، آیه ۵.

۲- . (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ)؛ نور(۲۴)، آیه ۵۵.

۳- . صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۴- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

۵- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۴.

۶- . نک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

سه. مهم ترین عناصر قیام امام مهدی علیه السلام

همان گونه که در بحث شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شد، اموری به عنوان «شرط» برای ظهور و قیام مطرح است. افزون بر آنها برخی امور دیگر نیز به عنوان عناصر قیام، ایفای نقش می کند. که در مجموع می توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد: (۱)

الف. عناصر انسانی؛ و آن عبارت است از انسان هایی در شکل گیری و پیروزی نقشی مهم دارند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان رهبر قیام و پس از وی، یاران و سرانجام یاوران انسان هایی هستند که وظایف مهمی را بر دوش دارند. (۲)

ب. عناصر غیر از انسان ها؛ یعنی، عواملی غیر از انسان ها که وجود آنها در قیام، قابل توجه است. از امدادهای الهی گرفته تا میراث پیامبران، بخشی از این عناصر به شمار می آیند. (۳)

چهار. زمان و مکان قیام

در برخی روایات درباره زمان قیام و ظهور یک تعبیر شده است؛ به نظر می رسد آنچه درباره تکذیب وقت گذاران در روایات ذکر شد، مربوط به زمان ظهور است.

بنابراین زمان قیام اگر چه به روشنی بیان نشده؛ اما بعضی از رخدادها چون اتمام حجت بر جهانیان و گردآمدن یاوران برای آغاز قیام ضروری دانسته شده است. البته در بعضی از آنها از روز عاشورا، به عنوان روز قیام آن حضرت یاد شده است. روزی که امامان شیعه، یاد آن را زنده می داشتند و در آن، مجلس عزا بر پا می کردند و بر حسین بن علی علیهما السلام می گریستند؛

۱- . به جهت اهمیت این دو مجموعه در دو درس به صورت مستقل بررسی خواهد شد.

۲- . از برخی روایات استفاده می شود، بخشی از یاوران حضرت مؤمنان خالصی هستند که پس از ظهور آن حضرت به دنیا رجعت می کنند.

۳- . در درس های آینده به این موارد می پردازیم.

آن حضرت را زیارت می کردند و به زیارت او تشویق و امر می نمودند و این روز، روز اندوهشان بود.

شاید عظمت بزرگداشت آن، برای این است که خداوند سرآغاز بزرگ ترین قیام را در این روز قرار داده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

یَقُومُ القائِمُ یَوْمَ عاشُورا؛ (۱) قائم در روز عاشورا قیام می کند.

در برخی روایات مکان قیام و ظهور یکی دانسته شده است؛ اما بعضی دیگر به طور روشن به مکان قیام اشاره شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی به نقل از امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَکَّهَ وَ أَرَادَ أَنْ یَتَوَجَّهَ إِلَی الْکُوفَهِ...؛ (۲) چون حضرت قائم در مکه قیام می کند و متوجه کوفه می شود... .

پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران)

اشاره

هنگام ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمام قدرت های باطل و ستمگر، مقهور و مغلوب قدرت بی پایان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شده، مانند علف های هرز از روی زمین برداشته می شوند تا زمینه رشد و کمال انسان ها، به صورت کامل فراهم آید و زمین پر از عدل و داد شود. اما پرسش این است که این پیروزی به چه صورت است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چه ابزاری بر آن قدرت ها پیروز می شود؟

در روایات، کمتر سخن روشنی در این باره به چشم می خورد و یگانه ابزار و سلاح آن حضرت هنگام قیام، سیف (شمشیر) ذکر شده است. (۳) در

۱- . نعمانی، الغیبه، ص۲۸۲، ح۶۸.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۲۳۱، ح۳.

۳- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۴۰۷، ح۱؛ ج۸، ص ۵۰، ح۱۳؛ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج۱، ص۵۹، ح۲۹؛ همو، علل الشرایع، ج۱، ص۲۴۵، ح۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۱، ح۳؛ الاستبصار، ج۳، ص۱۰۸، ح۵۳۸۳؛ التهذیب، ج۶، ص۱۵۴، ح۲؛ نعمانی، الغیبه، ص۱۶۴، ح۵. و ده ها کتاب دیگر.

این باره که آیا این شمشیر بر معنای حقیقی حمل می شود یا معنای کنایی، دو دیدگاه وجود دارد:

۱-۵. معنای حقیقی

عده ای بر این باورند: کاربرد کلمه «شمشیر» در معنای حقیقی است و مصداق آن، همان ابزار جنگی خاص است. اینان درباره پیروز شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با این سلاح بر دشمنان، توجیهات گوناگونی دارند:

برخی می گویند: اگرچه حضرت با شمشیر قیام می کند؛ اما خداوند در آن شمشیر قدرت و اعجازی قرار می دهد که همه سلاح های موجود را مقهور نیروی خود می سازد. (۱)

دسته دیگر می گویند: خداوند در عصر ظهور، همه تسلیحات دشمن را از کار می اندازد و یا به سبب جنگ های خونینی که در آستانه ظهور به وقوع می پیوندد، تمام سلاح های پیشرفته از بین می رود. مردم نیز به ناگزیر در جنگ، از همان سلاح های ابتدایی (یعنی شمشیر و مانند آن) استفاده می کنند؛ بنابراین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با همان شمشیر می جنگد.

به نظر عده ای: همه اسلحه ها در اختیار حضرت قرار می گیرد؛ ولی از آنجا که استفاده از آنها به ناگزیر ستمگرانه خواهد بود، حضرت فقط از سلاح شمشیر بهره می برد.

دلیل های این دیدگاه: ۱. روایاتی که حکایت می کند آن حضرت، مدتی طولانی شمشیر بر دوش می گیرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

وَ یَضَعُ السَّیْفَ ثَمَانِیَهَ أَشْهُرٍ هَرْجاً هَرْجاً حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ؛ (۲) و مدت هشت ماه شمشیر بر شانه خود دارد و دشمنان را از بین می برد تا آن گاه که خداوند خشنود شود... .

۱- . ر.ک: صدوق، الخصال، ج۲، ص۶۴۹، ح۴۳.

۲- . نعمانی، الغیبه، ص۱۶۴، ح۵.

۲. معصومین علیهم السلام می توانستند از مدلول سلاح که قدرت و قوّت است یاد کنند.

۳. استفاده از سلاح های ساده همچون شمشیر بر خلاف بهره گیری از سلاح های پیشرفته به جهت عادلانه بودن مبارزه با آن است. استفاده از سلاح های کشتار گروهی، شایسته رهبر آسمانی عدالت گستر نیست؛ چه اینکه سلاح های کشتار جمعی، علاوه بر انسان های بی گناه، جانوران و طبیعت را نیز از بین می برد!

۲-۵. معنای مجازی و کنایی

دسته ای دیگر بر این باورند که شمشیر، کنایه از قدرت و نیروی نظامی است. این گروه، شواهد متعددی بر این ادعای خود، از ادبیات محاوره ای ذکر می کنند؛ ولی آنچه ایشان را به این قول وادار کرده، پیشرفت روزافزون جنگ افزارها و فناوری دفاعی است. از آنجا که اینان نتوانسته اند بین شمشیر و سلاح های پیشرفته، نسبتی بر قرار کنند، به چنین توجیهی دست زده اند!

آنان شمشیر را نماد قدرت دانسته، می گویند: هر ابزاری که قدرت حضرت را به نمایش بگذارد، می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

به نظر می رسد دیدگاه نخست قابل قبول تر باشد. افزون بر آنچه یاد شد، ممکن است گفته شود: با تکامل خارق العاده علم در آن زمان، ممکن است سلاح هایی فراهم آید که هرگز در تصور انسان های امروز قابل درک نباشد. بنابراین علم آن به اهلش واگذار شده است.

در هر حال قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبارزه ای است در برابر نیروهای کفر جهانی و برخلاف پندار برخی، این پیروزی با سختی ها و ناملایمات فراوانی آمیخته خواهد شد که بایسته است منتظران راستین و زمینه سازان آن قیام جهانی، به بهترین صورت ممکن خود را آماده سازند. موسی بن بکر واسطی از بشیر نبّال روایت کرده که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آنان

می گوینـد که مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف اگر قیام کنـد، کارها به خودی خود برای او برقرار می شود و به انـدازه حجامتی خون نمی ریزد. آن حضرت فرمود:

کَلَّا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَوِ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْواً لَاسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ص حِینَ أُدْمِیَتْ رَبَاعِیَتُهُ وَ شُجَّ فِی وَجْهِهِ کَلَّا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ حَتَّی نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمُ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ؛ (۱) هرگز چنین نیست؛ سوگنـد به آنکه جانم در دست اوست! اگر کارها به خودی خود، برای کسـی برقرار و رو به راه می شد، به طور مسلّم برای رسول خدا درست می شد؛ آن گاه که دندان های پیشین آن حضرت شکست و صورتش را زخم رسید! نه هرگز، سوگند به آن که جان من در دست اوست [چنین نخواهد شد] تا آنکه ما و شـما عرق و خون بسته شده را پاک کنیم. سـپس آن حضرت پیشانی خود را به عنوان نشانه ای از آن حالت پاک کرد.

شکی نیست که دشـمنان آن گـاه که نـابودی خـود را در قیـام آن حضـرت ببیننـد همه تلاش خود را برای بقـای خود به کـار خواهنـد گرفت و این گونه نخواهـد بود که به راحتی تسـلیم شونـد! اگر چنین باشـد، پس این همه انتظار و فراهم شدن ابزار و امدادهای الهی برای چیست؟

شش. جغرافیای قیام و فتوحات

در باره چگونگی و جزئیات جغرافیای قیام حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، سـخن روشـنی در معصومان علیهم السـلام به چشم نمی آیـد و چنـانچه برخی بـا تمسـک به پاره ای از روایات به ترسـیم نقشه قیام می پردازنـد، لازم است اسـناد روایـات، مورد بررسـی قرار گیرد. از این رو در اینجـا برخی روایـات نقـل می شود و بحث مفصـل به زمـانی دیگر موکول می گردد.

آنچه که در آن هیـچ شـک و تردیـدی نیست، این است که پس از قیـام جهـانی حضـرت، همه جـای کره خاکی زیر ولایت و رهبری او قرار می گیرد. ابو

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۸۴، ح۳.

بصیر گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: سنّت های انبیا با غیبت هایی که بر آنان واقع شده است، همه در قائم ما اهل بیت مو به مو پدیدار می گردد. ابو بصیر گوید: گفتم: یا ابن رسول اللّه! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود:

هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِی مُوسَی ذَلِکَ ابْنُ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ یَغِیبُ غَیْبَهً یَرْتَابُ فِیهَا الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ یُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَیَفْتَحُ اللَّهُ عَلَی یَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ یَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ فَیُصَلِّی خَلْفَهُ وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ لَا تَبْقَی فِی الْأَرْضِ بُقْعَهٌ عُبِدَ فِیهَا غَیْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا عُبِدَ اللَّهُ فِیهَا وَ یَکُونُ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُون؛ (۱) ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است؛ او فرزند سیّده کنیزان است. غیبتی می کند که باطل جویان در آن شکّ کنند؛ سپس خدای تعالی او را آشکار می سازد و بر دست او شرق و غرب عالم را می گشاید، روح اللّه عیسی بن مریم علیهما السلام فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و در زمین بقعه ای نمی ماند که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود. همه دین از آن خدای تعالی می گردد؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید.

در برخی روایات نام مناطقی از زمین برده شده است که آغاز ظهور و قیام از آنجا بوده (سرزمین مکه) و پایان قیام و محل استقرار حکومت حضرت نیز در آنجا خواهد بود (سرزمین کوفه). همچنین از بیت المقدس به عنوان سرزمینی که حضرت عیسی علیه السلام در آنجا به حضرت ملحق می شود، یاد شده است.

نکته مهم اینکه فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا عیسی بن مریم علیهما السلام، به هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیدگاه همه مسلمانان، یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۴۵، ح۳۱.

شایـد حکمت فرود آمـدن او، تقویت حرکت جهـانی آن حضـرت و اعتراف و تصـدیق به حقـانیت آن وجود گران مایه است. بویژه آنکه حضـرت عیسـی، به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، اقتدا می کند و به امامت او نماز می گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مِنْ ذُرِّیَّتِی الْمَهْدِیُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّی خَلْفَهُ؛ (۱) و از ذریه من، مهـدی است. آن هنگـام که ظهور کند، عیسی بن مریم برای یاری او نازل می شود؛ پس مهدی را مقدم داشته، پشت سر او نماز می گزارد.

هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام

اشاره

هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام (۲)

۱-۷. نابودی باطل

قیام حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف بر اساس حق و حق گرایی بوده و مهم ترین هدف آن، برپاداشتن حق، غلبه دادن نور بر تاریکی، برداشـتن شـرارت و شـیطنت و نابودی باطل است. در آیاتی از قرآن که به حادثه برانگیخته شـدن حجت الهی در پایان دوران اشاره شده، نابودی باطل بزرگ ترین اثر و برکت آن دانسـته است. امام باقر علیه السلام درباره آیه: (جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً)؛ (۳) فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام ذَهَبَتْ دَوْلَهُ الْبَاطِلِ؛ (۴) هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل از میان می رود.

۱- . صدوق، الامالی، ص۲۱۸، ح۴.

۲- . البته ممکن است برخی این آثـار، بـا آثـار برپایی حکومت جهانی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف یکسان باشند که در جلد پایانی از این مجموعه به طور مفصل بدان می پردازیم.

۳- . «و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است»: اسراء (۱۷)، آیه ۸۱.

۴- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۸۷، ح۴۳۲.

همچنین در تفسیر قمی از امام باقر علیه السلام ذیل آیه (وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّی)؛ (۱) نقل شده که فرمود:

النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ علیه السلام إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَهَ الْبَاطِلِ؛ (۲) «روز»، قائم از ما اهل بیت است که چون قیام کند، بر دولت باطل پیروز گردد.

۷۲. نابودی مشرکان و کافران

زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام از تأویل آیه (وَقَاتِلُواْ الْمُشْرِکِینَ کَآفَّهً کَمَا یُقَاتِلُونَکُمْ کَآفَّهً)؛ (۳) پرسیدند؛ آن حضرت در پاسخ فرمود:

إِنَّهُ لَمْ یَجِیْ ءْ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَهِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَیَرَی مَنْ یُدْرِکُهُ مَا یَکُونُ مِنْ تَأْوِیلِ هَذِهِ الْآیَهِ وَ لَیَبْلُغَنَّ دَیْنُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم مَا بَلَغَ اللَّیْلُ حَتَّی لَا یَکُونَ شِرْکٌ عَلَی ظَهْرِ الْأَرْضِ؛ موقع تأویل این آیه نرسیده است؛ هر کس قیام قائم ما را درک کند و او را ببیند، تأویل آن را می بیند. دین محمد تا جایی که شب و روز است، گسترش می یابد؛ به گونه ای که در روی زمین مشرکی نباشد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُون)؛ (۴)

می فرماید:

وَ اللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِیلُهَا بَعْدُ وَ لَا یَنْزِلُ تَأْوِیلُهَا حَتَّی یَخْرُجَ الْقَائِمُ ع فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ یَبْقَ کَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِیمِ وَ لَا مُشْرِکٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا کَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّی لَوْ کَانَ کَافِرٌ أَوْ مُشْرِکٌ فِی بَطْنِ صَخْرَهٍ لَقَالَتْ یَا مُؤْمِنُ فِی بَطْنِی کَافِرٌ فَاکْسِرْنِی وَ اقْتُلْهُ؛ (۵)

۱- . «سوگند به روز چون جلوه گری آغازد»: لیل (۹۲)، آیه ۲.

۲- . علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۴۲۵.

۳- . «و همگی با مشرکان بجنگید، چنان که آنان همگی با شما می جنگند»: ///.

۴- . «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید»: صف (۶۱)، آیه ۹.

۵- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۷۰، ح۱۶.

به خـدا سوگنـد! تأویل این آیه به مرحله اجرا در نمی آیـد؛ مگر آنکه قائم ما مهدی علیه السـلام ظهور کند. تمام مشـرکان در روی زمین محو می شونـد؛ تـا جایی که سـنگ به سـخن می آیـد و به مؤمن می گویـد: ای مؤمن! درون من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان.

اینها شمار اندکی از روایات است که به روشنی سخن از نابودی مشرکان و کفار به میان آورده است.

۷۳. رشد خردورزی بندگان خداوند

با شـناخت و معرفت اصولی است که خداونـد، بهتر بنـدگی می شود و در نتیجه آن انسان به رشد و کمال و لقای الهی دست می یابد. امام باقر علیه السلام در باره یکی از آثار قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَـدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَاد فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ؛ (۱) هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان گذاشته، اندیشه های ایشان جمع و اخلاق آنها کامل می گردد.

۷۴. برپایی عدل و قسط

در مجموع روایاتی که به اهـداف متعالی قیام جهانی حضـرت مهـدی علیه السـلام اشاره کرده انـد، از برپاداشت عـدل و قسـط فراوان سخن به میان آمده است.

روایات فراوانی با تعبیر «يمْلأ الارْضَ عَـدْلا وَ قِسْـطاً» به این حقیقت اشاره کرده است. عبدالعظیم حسـنی گوید: امام هادی علیه السلام فرمود:

... وَ مِنْ بَعْـدِى ابْنِى الْحَسَنُ فَكَيفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلَفِ مِنْ بَعْـدِهِ قُلْتُ وَ كَيفَ ذَلِكَ قَالَ لانَّهُ لايرَى شَخْصُهُ وَ لا يحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْـمِهِ حَتَّى يخْرُجَ فَيمْلا

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱.

الارْضَ قِسْطاً وَ عَدْلا...؛ (۱)... پس از من، پسرم حسن است و مردم، با جانشین او چگونه باشند؟ گفتم: فدای شما شوم برای چه؟ فرمود: زیرا شخص او را نمی بینند و بردن نام او روا نباشد، تا آنکه قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید....

بنابراین آن حضرت حرکت خویش را برای اقامه عدل و قسط بنیان نهاده و مهم ترین اثر قیام او پر شدن زمین از عدل و داد خواهد بود.

۷۵. غلبه اسلام بر دیگر ادیان

محمد بن فضیل گوید:

از حضرت ابو الحسن علیه السلام درباره آیه شریفه (یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ)؛ (۲)

پرسیدم، امام علیه السلام فرمود:

یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا وَلَایَهَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام بِأَفْوَاهِهِمْ؛ می خواهند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را با پف دهانشان خاموش کنند.

گفتم: (وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)؛[به چه معناست؟]

آن حضرت در پاسخ فرمود: وَ اللَّهُ مُتِمُّ الْإِمَامَهِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِینَ (فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذی أَنْزَلْنا) (۳) فَالنُّورُ هُوَ الْإِمَامُ؛ خدا تمام کننده امامت است، به دلیل قول خدای عز و جل «کسانی که به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده ایم ایمان آورند»، پس نور همان امام است.

گفتم: (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ)؛ (۴)

امام علیه السلام فرمود:

هُوَ الَّذِی أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَایَهِ لِوَصِیِّهِ وَ الْوَلَایَهُ هِیَ دِینُ الْحَقِّ؛ یعنی

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۹، ح۱.

۲- . «می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید»: صف (۶۱)، آیه ۸.

۳- . تغابن (۶۴)، آیه۸.

۴- . «اوست خدائی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده است»: توبه (۹)، آیه۳۳.

اوست که رسولش را به ولایت وصی اش امر کرد و ولایت همان دین حق است.

گفتم: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)؛ [به چه معناست؟] امام علیه السلام فرمود:

يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ يَقُولُ اللَّهُ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَايَهِ الْقَائِمِ (وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ)؛ آن را در زمان قیام قائم بر همه دینها غلبه دهد، خدا می فرماید: «و خدا تمام کننده نور خود است»، یعنی ولایت قائم، «اگر چه کافران نخواهند».

عرض کردم: این تنزیل است؟ امام علیه السلامفرمود: آری این حرف تنزیل است و اما غیر آن تأویل است. (۱)

البته افزون بر آنچه یاد شد در برخی روایات به مواردی اشاره شده است که در محل خود بدان می پردازیم.

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۴۳۲، ح۹۱.

خودآزمایی

۱. قیام به چه معناست و چرا درروایات لقب قائم بیش از دیگر القاب برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار رفته است؟

۲. آیا قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان ظهور است؟ به چه دلیل؟

۳. در باره زمان و مکان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه ذکر یک روایت توضیح دهید.

۴. انواع برداشت ها در باره سلاح حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان نموده یک تفسیر را به تفصیل توضیح دهید.

۵. مهم ترین آثار و برکات قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده، دو مورد را با استناد به روایات شرح دهید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ه.ش.

۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ش.

۳. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اصفهان، گلبهار، ۱۴۱۶ق.

۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ ه.ش.

۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ش.

ص: ۲۰۱

درس یازدهم: دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. نبرد پایانی حق و باطل؛

۲. گونه شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام:

الف. غیر مسلمانان؛

ب. مسلمانان.

۳. انتقام؛

اقسام انتقام:

الف. انتقام پسندیده و لازم؛

ب. انتقام مُجاز؛

ج. انتقام مذموم و ناروا.

۴. فرجام شیطان.

ص: ۲۰۲

پیش درآمد

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین و بزرگ ترین انقلاب در برابر اهل باطل برای برپایی حاکمیت عدل و قسط است. به همین جهت از ابلیس گرفته تا همه کسانی که به پیروی از او تلاش می کنند، درصددند تا فروغ حق را خاموش سازند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جریان باطل را پایان داده و طومار زندگی آنان را در هم می پیچد تا همه انسان ها، بر اساس آموزه های دینی، زندگی آرام و مطمئنی داشته باشند. البته این وعده خداوند است و وعده الهی تخلف ناپذیر است.

بحث درباره دشمنان حضرت مهدی علیه السلام در موضوعاتی قابل بررسی است:

یک. نبرد پایانی حق و باطل

انسان در زندگی اجتماعیِ خود، همواره شاهد صحنه نزاع بین دو نیروی حقّ و باطل است. این صف بندی برای رسیدن به آرمان ها و اهداف خود است؛ یعنی برخی به طرفداری و اطاعت از حقّ و گروهی به دنباله روی از باطل می پردازند و این نزاع همچنان ادامه خواهد داشت تا آن گاه که از باطل اثری نماند. زمانی که جهان به صورت یک جامعه ایده آل در آید و پایان این مبارزه اعلام گردد، لشگر حقّ پیروز و بساط باطل

برچیده می شود و بشریت وارد مرحله تازه ای از تاریخ خود می گردد.

بر این اساس، در بعضی از روایات، عبارت (جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ) به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است. این بشارتی است در زمینه پیروزی حقّ بر باطل و ایمان بر کفر که نمونه کامل آن، ظهور حکومت حقّ و عدالت در تمامی کره زمین است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رهبری گروه حقّ و حزب خدا را در دست می گیرد و با تمام توان به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل و جنود شیطان می پردازد و در تحقّق وعده های حتمی الهی، پیروز می شود و تاریخ به شکوهمند ترین فرجام خود می رسد.

دو. گونه شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام

اشاره

بی گمان در این مصاف بزرگ، شیطان ها و پیروان شیطان، گرد هم می آیند تا آخرین تلاش های خود را برای رودرویی با حق به کار گیرند. بررسی روایات به روشنی برخی از گونه های دشمنان حضرت را در هنگام قیام معرفی می کند؛ البته در پاره ای موارد ممکن است این گروه ها، شامل بخشی از گروه دیگر نیز بشوند، اما از آنجا که در روایات مورد اشاره قرار گرفته اند این گونه عنوان بندی شدند. در یک تقسم بندی کلی دشمنان به دو گروه تقسیم می شوند: ۱. غیر مسلمانان (کافران، مشرکان، یهود و نصارا)؛ ۲. مسلمانان (طور عمده منافقان).

۲۱. غیر مسلمانان

۲۱۱. کافران و مشرکان

نخستین گروهی که در برابر حضرت مهدی علیه السلام صف آرایی می کنند، مشرکان و کفارند؛ آنان که ادعا می کنند سرکرده مردم جهانند و نهضت آزادی بخش امام مهدی علیه السلام را مانع منافع ناروای خود می بینند. برای جلوگیری از پیروی مستضعفان از ایشان و حاکمیت محرومان، نیرو

تهیه کرده و با سپاهیان امام درگیر می شوند. امام صادق علیه السلام در باره آیه شریفه (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ)؛ (۱) می فرماید:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ یَبْقَ مُشْرِکٌ بِاللَّهِ الْعَظِیمِ وَ لَا کَافِرٌ إِلَّا کَرِهَ خُرُوجَه؛ (۲) آن گاه که قائم قیام کند، هیچ مشرک به خداوند بلند مرتبه و هیچ کافری نخواهد بود مگر اینکه از قیام او ناخشنود خواهد شد.

آنان به دنبال این ناخرسندی، به دشمنی و جنگ با آن حضرت می پردازند.

شیوه برخورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با آنان که همان شیوه پیامبر است به شدید ترین صورت ممکن خواهد بود که:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ)؛ (۳) محمّد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند.

شاید به جهت شرایطی که خداوند فراهم سازد، بسیار سخت تر و دردناک تر باشد.

۲۱۲. یهود، سرسخت ترین دشمن

خداوند متعال در برخی آیات قرآن، از یهود به عنوان دشمن ترین گروه برای مؤمنان یاد کرده است، (۴) از این رو به راحتی می توان گفت: در آن انقلاب جهانی این گروه از هیچ تلاشی برای سرکوب یاران حق فروگذاری نمی کنند. در بعضی روایات، بیشترین پیروان دجال از یهود دانسته شده و دشمنی دجال نیز با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- . «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند»: توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲- . عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۲، ص۸۷.

۳- . فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

۴- . مائده (۵)، آیه ۸۲.

بسیار روشن است. ابن عمر گوید:... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... أَكْثَرُ أَتْبَاعِهِ الْيَهُودُ وَ النِّسَاءُ وَ الْأَعْرَابُ... ؛ (۱) و بیشتر پیروان او یهود و زنان و اعرابند.

۲۱۳. نصارا

از آنجایی که امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیام جهانی خود، جز به برپایی دسـتورات الهی اقـدام نمی کند، از این رو همه دشمنان از جمله نصارا، در برابر او دشمنی می کنند.

۲۲. مسلمانان

اشاره

در این بخش، کسانی به دشـمنی با حضـرت بر می خیزنـد که در ظاهر به آموزه های اسـلامی اعتقاد دارند، اما به جهت برخی امور، هنگام ظهور از پیروی آن حضـرت سر باز می زنند و در صف دشمنان قرار می گیرند. در اینجا به برخی از این افراد و یا گروه ها اشاره می شود:

۲۲۱. منافقان

بررسـی ها، نشان می دهد به جز کافران، مشرکان، یهود و نصارا گروه های دیگری نیز به مقابله با حضرت بر می خیزند که در میان آنان کسانی که پیش تر ادعای موافقت با امام را داشـتند، دیده می شود. آنان منافقانی هسـتند که به پندار خود، منافعشان را در ظهور او می جسـتند و اینک بر خلاف این پندار، قیام آن حضـرت را بر مبنای عدل و قسط می بینند! گویی به طور دقیق تاریخ تکرار می شود و کسانی که حکومت امام علی علیه السـلام را برای رسیدن به دنیا می خواستند، از مدار ولایت او خارج و در صف دشمنان آن حضرت وارد می شوند!!

در طول تاریـخ اسـلام، افرادی از منافقـان، بـا سوء اسـتفاده از آزادی هـای اسـلامی، وارد مسـلمانان شـده و بـا تظاهر به شـعائر اسلامی، از امکانات جامعه اسلامی، استفاده کرده اند!

۱- . ر.ک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۲۸، ح۲؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ج۸، ص۶۶۱.

مصالح اسلام نیز، ایجاب می کرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام، با آنان مدارا کنند و از درونشان پی جویی نکنند. در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این گونه افراد در صدد نفوذ در حکومت و جامعه اسلامی بر می آیند. حضرت، پس از درهم شکستن مقاومت مخالفان، پیروزمندانه وارد کوفه می شود و منافقان را در ردیف سایر فرقه های منحرف نافرمان، از میان بر می دارد.

۲۲۲. راحت طلبان

«راحت طلبی» ریشه در خود پرستی دارد و خودخواهی، منشأ همه مفاسد است. لذت طلبی حالتی را در انسان ایجاد می کند که همه معیارهای اعتقادی و اخلاقی او را دگرگون می سازد.

لذت طلب، دین را به گونه ای توجیه می کند که با رفاه او در تزاحم نباشد؛ او بیشتر به دنبال آن دسته از احکام ساده و بدون دردسر است که دنیای او در خطر نیفتد. انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام، بدون گذشتن از آتش و خون به پیروزی نمی رسد؛ در نبرد محرومان با مستکبران، برق تیغ بلا، ایمان ها را به آزمایش در می آورد. مؤمنان راستین پیشاپیش به استقبال رفته و خود را برای بلاها آماده می سازند؛ ولی راحت طلبان با دستاویز قرار دادن مذهب، در پس توجیه وضع و پایگاه خویش هستند. در دوران انتظار، بیش از همه چیز، در فکر زندگی خودند و انتظار را بیشتر در دعا و.... می جویند.

۲۲۳. جمود اندیشان

از آغاز تاریخ اسلام، ظاهرگرایان از مهم ترین کسانی اندکه مانع گسترش دین می باشند، کسانی که به باطن و روح و هدف دین توجه نکرده و افق درکشان فراتر از پوست و قالب را نمی نگرد. دور بودن از واقعیت های عینی، آنان را کوته بین و به خود محوری دچار کرده، محدود بودن درکشان نسبت به دین، موجب می شود در

بحران ها و زمان های حساس، تکلیف خود را نشاسند و آن گونه که شایسته است، از پیامبر و امامان علیهم السلام پیروی نکنند و گاهی نیز به رویارویی با آنان بپردازند!

هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه فقط تحجر در اندیشه ها و رفتار اجتماعی، از میان نمی رود که به گونه هایی نو، جلوه می کند. محمّد بن أبی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

الْقَائِمُ علیه السلام یَلْقَی فِی حَرْبِهِ مَا لَمْ یَلْقَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَاهُمْ وَ هُمْ یَعْبُدُونَ حِجَارَةً مَنْقُورَةً وَ خُشُباً مَنْحُوتَةً وَ إِنَّ الْقَائِمَ یَخْرُجُونَ عَلَیْهِ فَیَتَأَوَّلُونَ عَلَیْهِ کِتَابَ اللَّهِ وَ یُقَاتِلُونَهُ عَلَیْهِ؛ (۱) قائم علیه السلام در پیکار خود با چنان چیزی مواجه خواهد شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با آن مواجه نگردید! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی به سوی مردم می آمد که آنان بت های سنگی و چوب های تراشیده را پرستش می کردند؛ ولی قائم چنان است که علیه او خروج می کنند و کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و به استناد همان تأویل با او به جنگ بر می خیزند:

فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ جُهَّالِ الْجَاهِلِیَّةِ؛ قائم ما چون قیام کند، مردم از روی جهل با او برخورد می کنند؛ شدیدتر از آنچه رسول خدا با آن از سوی نادانان جاهلیّت روبه رو شد.

گفتم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَتَی النَّاسَ وَ هُمْ یَعْبُدُونَ الْحِجَارَهَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِیدَانَ وَ الْخُشُبَ الْمَنْحُوتَهَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَی النَّاسَ وَ کُلُّهُمْ یَتَأَوَّلُ عَلَیْهِ کِتَابَ اللَّهِ یَحْتَجُّ عَلَیْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لَیَدْخُلَنَّ عَلَیْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُیُوتِهِمْ کَمَا یَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُّ؛ (۲) همانا رسول خدا درحالی به

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۹۷، ح۳.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۹۶، ح۱.

سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوب های تراشیده و مجسّمه های چوبین را می پرستیدند؛ قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و بر او بدان احتجاج می نمایند! سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند! موج دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.

ناگفته نماند امام، در مرحله دعوت، به تبیین اهداف و علل اقدامات خود می پردازد و ابهامی برای مردم باقی نمی گذارد تا تمام حق آشکار گردد. آن گاه که حق آشکار شد، اگر دشمنان از آن سر باز زدند، حضرت اقدام نظامی می کند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همه سرکشان که از دستورات قائم آل محمد سرپیچی کنند را به هلاکت و نابودی بشارت داده است که فرمود:

مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَکَ؛ (۱) هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس سرپیچی کند، نابود می شود.

در روایاتی چند از شدّت برخورد آن حضرت با برخی از عرب ها سخن به میان آمده است. شاید به این دلیل که شماری مسلمانان از میان عرب ها هستند و بیشترین ستم به اهل بیت پیامبر علیهم السلام از طرف آنان صورت گرفته است. امروزه نیز این دشمنی با پیروان اهل بیت علیهم السلام و هم سویی با استکبار، در بخش قابل توجهی از آنان به چشم می خورد. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ یَکُنْ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَیْشٍ إِلَّا السَّیْفُ مَا یَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّیْفَ؛ (۲) هنگامی که قائم قیام کند، میان او و عرب و قریش جز شمشیر چیزی نخواهد بود؛ از آنان چیزی دریافت نخواهد کرد جز شمشیر.

۱- صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۵۹، ح ۲۳۰.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۳۴، ح ۲۱.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

يقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيـدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفَ لَا يَسْـتَتِيبُ أَحَداً وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَهُ لَائِمٍ؛ (۱)

قائم، به امری نوین و دستورات تازه و قضایی جدیـد قیام خواهد کرد. این بر عرب سـخت گران خواهد بود (یا سـخت خواهد گرفت). او را کاری جز با شمشـیر نیست؛ توبه هیچ کس را نمی پذیرد و در کار خدا از ملامت هیچ شخص خرده گیری باک ندارد.

سه. انتقام

اشاره

یکی از ابعاد قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزون بر جنبه های اصلاح گری، انسان سازی، عدالت گستری، کمال بخشی و احیاگری دین خداوند خون خواهی از دشمنان خداوند، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، اهل بیت علیهم السـلام و همه سـتمدیدگان تاریخ است. در این میان خونخواهی از سـید الشهدا علیه السلام از ویژگی خاصی برخوردار است. بنابراین با استفاده از روایات گروه هایی که از آنان انتقام گرفته می شود، عبارتند از:

۳۱. دشمنان خداوند

رسـول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم در حـدیث معراج، پس از بیـان دیـدن نور پیشوایـان معصوم علیهم السـلام و آخرین جانشین خود در میان آنها، فرمود: ... عرض کردم: «پروردگارا! اینان چه کسانی هستند؟» خداوند فرمود:

هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّهُ وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِی يُحِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي ...؛ (۲) ایشان پیشوایانند و این قائم است؛ همو که حلال مرا حلال می کند و حرام مرا را حرام می سازد و از دشمنان من انتقام می گیرد....

احمد بن اسحاق گوید:

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۳۳، ح ۱۹.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۵۲، ح۲؛ نعمانی، الغیبه؛ ص۹۳.

بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم؛ او آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان آدم علیه السلام زمین را خالی از حجّت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجّت نخواهد گذاشت. به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر اوست که باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد.

گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت، در حالی که بر شانه اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید. فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای تعالی و حجّت های او گرامی نبودی، این فرزندم را به تو نمی نمودم. او هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است؛ کسی است که زمین را آکنده از عدل و داد می کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد... .

احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من! آیا نشانه ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟

آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثَراً بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ؛ (1) ای احمد بن اسحاق! منم بقیه الله در زمین خداوند و انتقام گیرنده، از دشمنان او؛ پس از مشاهده، جست و جوی نشانه مکن!

۳۲. قاتلان امام حسین علیه السلام

اشاره

امام صادق علیه السلام در باره انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام می فرماید:

لما كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَ قَالَتْ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيِّكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ قَالَ فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۸۴، ح۱.

الْقَائِمِ وَ قَالَ بِهَذَا أَنْتَقِمُ لِهَذَا؛ (۱) چون کار حسین علیه السلام چنان شد که شد (اصحاب و جوان هایش کشته شدند و خودش تنها ماند)، فرشتگان به سوی خدا شیون و گریه کردند و گفتند: با حسین برگزیده و پسر پیغمبرت چنین رفتاری کنند؟ پس خدا سایه حضرت قائم علیه السلام را به آنها نمود و فرمود: با این انتقام او را می گیرم.

در پاره ای از روایات نیز آمده است که: آن حضرت انتقام گیرنده خون تمامی امامان علیهم السلام و مظلومان تاریخ است. فرات بن أحنف از امام صادق علیه السلام روایت کرده که به نقل از پدران خود علیهم السلام فرمود:

در زمان خلافت امیر المؤمنین علیه السلام آب فرات بالا آمد، پس آن حضرت و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام سوار شدند چون گذرشان بر طایفه ثقیف افتاد، آنان گفتند: علی علیه السلام آمده است آب را به جای خود بازگرداند (فرو نشاند). پس حضرت فرمود:

أَمَا وَ اللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَ ابْنَایَ هَذَانِ وَ لَیَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِی فِی آخِرِ الزَّمَانِ یُطَالِبُ بِدِمَائِنَا؛ (۲) بدانید به خدا قسم! من و این دو فرزندم یقیناً کشته خواهیم شد و بدون تردید خداوند مردی از فرزندان من را در آخرالزّمان بر می انگیزاند که خونخواهی ما خواهد کرد.

علاوه بر منتقم، یکی از القاب آن حضرت «مَوْتور» است. «مَوْتور» از نظر لغت به کسی گویند که یکی از خویشاوندانش کشته شده؛ ولی خون بهای او گرفته نشده است. (۳) در برخی روایات، از حضرت مهدی علیه السلام با عنوان «موتور بوالده» (۴) یا «موتور بابیه» (۵) یاد شده

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۴۶۵، ح۶؛ طوسی، الامالی، ج۲، ص۳۳.

۲- . نعمانی، الغیبه، ص۱۴۰، ح۱؛ نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۲، ص۸، ح۱.

۳- . طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص۵۰۹.

۴- . نعمانی، الغیبه، ص۱۷۸، ح۲۲.

۵- . نعمانی، الغیبه، ص۱۷۹؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۲۲.

است؛ یعنی، کسی که پدرش کشته شده و از خون او مطالبه و خونخواهی نشده است. مراد از پدر در این روایت، ممکن است امام حسن عسکری علیه السلام یا امام حسین علیه السلام باشد یا اینکه جنس پدر است که شامل همه امامان معصوم علیهم السلام باشد.

در روایاتی چند این انتقام به اراده خداوند و به دست آن حضرت و در بعضی به آن حضرت نسبت داده شده است. در هر حال تفاوتی نمی کند خداوند به دست او و از دشمنانش انتقام بگیرد یا اینکه خود حضرت از دشمنان خود و خاندانش انتقام بگیرد، این وعده ای است که خداوند در قرآن فرموده است.

در کامل الزیارات از امام صادق علیه السلام نقل کرده که در باره آیه (وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً فَلا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ)؛ (۱) فرمود:

ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ...؛ (۲) او قائم آل محمد است؛ قیام می کند و به انتقام از خون حسین بن علی، دست به کشتار می زند... .

البته این انتقام به دو صورت تصور می شود:

نخست اینکه: ستمگران یاد شده به دنیا بر می گردند؛ آن گاه حضرت از آنان انتقام می گیرد.

دیگر اینکه: فرزندان آنان که به کارهای پدران و گذشتگان خود خشنودند، مورد انتقام قرار می گیرند. عبد السّلام بن صالح هروی گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: نظرتان در باره این حدیث امام صادق علیه السلام چیست که حضرت فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتَلَهِ الْحُسَيْنِ ع بِفِعَالِ آبَائِهَا؛ زمانی که قائم علیه السلام قیام کند فرزندان قاتلان

۱- . «و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده روی کند»: اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.

۲- . ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص۶۳.

حسین علیه السلام را به خاطر کردار پدرانشان خواهد کشت؟

حضرت فرمود: همین طور است. گفتم: پس معنای این آیه چیست: (وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْری)؟ (۱)

امام در پاسخ فرمود:

صَدَقَ اللَّهُ فِی جَمِیعِ أَقْوَالِهِ وَ لَکِنْ ذَرَارِیُّ قَتَلَهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام یَرْضَوْنَ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ وَ یَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِیَ شَیْئاً کَانَ کَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِیَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ بِالْمَغْرِبِ لَکَانَ الرَّاضِی عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَرِیکَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا یَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ ع إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ؛ (۲) خداوند در تمام گفتارهایش درست گفته است؛ لکن فرزندان قاتلان حسین علیه السلام از کردار پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار می کنند و هر کس از کاری راضی باشد، مثل کسی است که آن را انجام داده، و اگر کسی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب از این قتل راضی باشد، نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود.

در اینجا مناسب است به جهت اهمیت بحث انتقام، به مفهوم و انواع آن اشاره ای کنیم.

«انتقام» (۳) گاه به انسان نسبت داده می شود و گاه به خداوند. تفاوت این دو در این است که انتقام های بشری، بیشتر در پی زیانی است که فرد بر اثر ناتوانی از ناحیه دشمن دیده و بدین وسیله می خواهد ناکامی و شکست خود را جبران کند! ازاین رو گاه ضمن گرفتن انتقام، از حدّ میانه روی بیرون رفته، مرتکب کارهای ناروا و خلاف حق می شود. اما انتقام الهی بر اثر آسیب دیدن خداوند یا برای تشفّی خاطر نیست؛ زیرا خداوند آسیب پذیر نیست و تشفی خاطر در او راه ندارد، بلکه انتقام او به معنای کیفر دادن گناه کاران، براساس

۱- . «و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را برنمی دارد»: انعام (۶)، آیه۱۶۴.

۲- . صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۲۷۳، ح۵.

۳- . بر گرفته از: دایره المعارف قرآن کریم، مدخل انتقام، محمدابوطالبی.

حق و عدالت است.

اقسام انتقام

«حس انتقام گیری» یک اصل حیاتی است که خداوند آن را در وجود همه انسان ها حتی برخی حیوانات به ودیعه نهاده است؛ لیکن بهره وری از آن، به تناسب مورد و کیفیت احکام و وجوه گوناگونی دارد که می توان آن را به انتقام پسندیده، مباح و ناپسند تقسیم کرد:

الف. انتقام پسندیده و لازم: اسلام، با هرگونه ظلم و تعدی، به فرد یا جامعه مخالف است؛ ازاین رو مقابله با ستمگران و گرفتن حق مظلومان را امری ممدوح و گاه واجب می شمارد. قرآن کریم در آیات ۱۴و ۱۵ سوره «توبه»، به مسلمانان فرمان می دهد با کافران و مشرکان نبرد کنند، تا ضمن رفع شرک و کفر از روی زمین، خشم مؤمنان ستمدیده فرو نشسته و دل های آنان تشفی یابد.

شاید پسندیده بودن و وجوب انتقام در این موارد، بدان سبب باشد که اگر از ستمگران انتقام گرفته نشود، موجب گستاخی آنان و پایمال شدن حقوق دیگران گشته و فساد و ناامنی در جامعه گسترش می یابد.

ب. انتقام مُجاز؛ اگر ستم و تجاوز، متوجه خود انسان باشد و انتقام گرفتن او پیامدی برای دیگران نداشته باشد، این کار، جایز و روا خواهد بود. بدین معنا که انسان در این گونه موارد، بین گرفتن انتقام از ظالم یا عفو او مخیّر است. البته گرفتن انتقام به طور مطلق و در همه موارد، روا نیست؛ بلکه در مواردی جایز است که اسلام اجازه آن را داده باشد.

ج. انتقام مذموم و ناروا: انتقام، اگر برخاسته از تعصب های جاهلانه، دشمنی های نابجا و همراه با تجاوز و تعدی باشد، ناروا و ناپسند است؛ زیرا در این انتقام ها نه فقط حقی به دست نیامده و ظلمی برطرف

نمی گردد، بلکه خود موجب پایمال شـدن حقوق دیگران و منشأ ظلم و فساد می شود و این امر مـذمومی است. اما انتقامی که در قیام جهانی حضرت از آن یاد می شود، انتقام پسندیده و لازم است.

چهار. فرجام شیطان

از آنجـایی که نقش شـیطان در دشـمنی بـا حضـرت، قابـل تـوجه است و می توان او را دشـمن ترین فرد بـا حضـرت و قیـام او دانست؛ در اینجا به فعالیت ها و سرنوشت او اشاره می شود.

روایات در باره سـرانجام شـیطان، متفاوت است؛ اما در بعضـی آمده است نابودی وی به دست حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. (۱) از وهب بن جمیع نقل شده که گفت:

از حضـرت صـادق علیه السـلام درباره این گفته ابلیس پرسـیدم که: (قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنی إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِینَ إِلی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ)؛ (۲)

آن، چه روزی خواهد بود؟ امام فرمود:

یـا وَهْبُ أَ تَحْسَبُ أَنَّهُ یوْمُ یبْعَثُ اللَّهُ النَّاسَ لا ـ وَ لَکِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَـلَّ أَنْظَرَهُ إِلَی یوْمِ یبْعَثُ اللَّهُ قَائِمَنَا فَیأْخُـذُ بِنَاصِـیتِهِ فَیضْـرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِکَ الْیوْمُ هُوَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ؛ (۳) آیـا گمـان می کنی آن روز رسـتاخیز بزرگ است؟ هرگز! بلکه خداونـدعزوجلّ او را تا روزی که قـائم مـا قیـام کنـد، فرصت داده است. آن گاه [قائم ما]او را از پیشانی اش گرفته، گردنش را خواهـد زد. آن هنگام روز وقت معلوم است.

ممکن است مقصود از روایت، این باشـد که بـا روشن شـدن حقایق در عصـر ظهور و رشـد بسیار بالای عقلانی در آن عصـر، دیگر مجالی برای

۱- . در جلد پایانی این مجموعه به برخی پرسش ها در این باره اشاره خواهد شد.

۲- . گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهنـد شـد مهلت ده.» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی، تا روز [و] وقت معلوم.»حجر (۱۵) آیات ۳۶ ۳۸.

۳- . عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۴۲؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

اغوای شیطان باقی نخواهد ماند و او عملاً خلع سلاح و نابود می شود و این، پایان مهلت او است. (۱) البته در برخی روایات، هلاکت شیطان به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته شده است. (۲)

۱- . نک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۲، ح۵؛ طبری، دلائل الامامه، ص۲۴۶؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص۱۵.

۲- . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۶۰، ص۲۴۴، ح۹۶.

خودآزمایی

۱. از نگاه آیات قرآن برخی از گونه های دشمنان چه کسانی هستند؟ دو گروه را توضیح دهید.

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام از چه گروه هایی انتقام می گیرد؟ چرا و چگونه؟

۳. چگونه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از قاتلان امام حسین انتقام می گیرد؛ در حالی که آنان از دنیا رفته اند؟

۴. انتقام به چند نوع تقسیم می شود؟ هر یک را شرح دهید.

۵. روایات اسلامی فرجام شیطان را چگونه دانسته است؟ توضیح دهید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. جعفری اریسمانی، رحمت، دشمن شناسی از دیدگاه قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.

۲. جمعی از نویسندگان، درسنامه تاریخ تحلیلی دشمن شناسی، قم، مؤسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، ۱۳۸۳ش.

۳. جعفری، محمد صابر، مهدی انکاری، انتظار ستیزی، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش۵، پاییز ۱۳۸۱ش.

۴. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ش.

۵. رضوی، سید عباس، «موافقان و مخالفان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ش.

درس دوازدهم: یاران و یاوران

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یاران و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یک یاران خاص

ویژگی های یاران خاص؛

یاران زن.

گونه شناسی یاران خاص:

ابدال؛

اخیار؛

عصائب؛

نجبا.

دو یاران عام (یاوران):

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام.

پیش درآمد

یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام، بازوان توانمند ایشان و مایه پیروزی نهضت جهانی ایشان هستند. همه پیامبران از این همراهی بهره مند بوده و به پیروزی هایی دست می یافتند؛ همان گونه که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با همراهی مهاجران و انصار، رسالت بزرگ خود را به انجام رساند و امیر مؤمنان علی علیه السلام با مجاهدت یاران راستین خود، پیروزی های بزرگی به دست آورد و سید الشهدا علیه السلام در قیام عاشورا، به کمک یاران خود برگی زرین در تاریخ به یادگار نهاد.

این جایگاه سبب شده تا پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره اهمیت حضور این انسان ها را در آن قیام جهانی یادآور باشند. امام صادق علیه السلام مجموع عواملی را که سبب پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود در سه چیز دانسته و در باره این آیه که (أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ)؛ (۱) فرمود:

وَ أَمْرُنَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّی یُؤَیِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَهِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِکَهِ وَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الرُّعْبِ؛ (۲)

آن امر ما است، خدای عزّ و جلّ امر

۱- . «[هان] امر خدا دررسید، پس در آن شتاب مکنید»: نحل (۱۶)، آیه۱.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۸، ح۹؛ ص۲۴۳، ح۴۳.

فرموده که در مورد آن شتاب نشود تا آنکه او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس.

با بهره گیری از این روایت، مجموع عوامل پیروزی حضرت مهدی علیه السلام را در دو بخش تقسیم کرده و در باره آن بحث می کنیم.

یاران و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

مؤمنان، همان منتظران راستین اند که دوران غیبت را به نیکی سپری کرده اند؛ و نیز زمینه سازان ظهور ند که در آستانه برانگیخته شدن حضرت، به وظایف خود به شایستگی عمل کرده اند. روایات در مجموع این انسان ها را به دو بخش تقسیم کرده است. یاران خاص و یاران عام (یاوران).

یک. یاران خاص

اشاره

اما دسته نخست، ۳۱۳ تن از یاران ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. احادیث فراوانی در ستایش این گروه ممتاز وارد شده و در قرآن کریم آیاتی چند به آنان تأویل شده است. از امام باقر و صادق علیهما السلام در تأویل این سخن خداوند متعال: (وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّهٍ مَعْدُودَه...)؛ (۱)

نقل شده که فرمودند:

... أُمَّهٍ مَعْدُودَهٍ یَعْنِی عِدَّهً کَعِدَّهِ بَدْرٍ قَالَ یَجْمَعُونَ لَهُ فِی سَاعَهٍ وَاحِدَهٍ قَزَعاً کَقَزَعِ الْخَرِیفِ؛ (۲) مراد از امت معدود، یاران مهدی در آخرالزمانند؛ ۳۱۳ تن به شمار افراد جنگ بدر. آنان، در ساعتی جمع می شوند؛ مانند ابرهایی که در پاییز جمع می گردند.

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران خاصّ حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

۱- . «و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم....»: هود (۱۱)، آیه ۸.

۲- . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۱، ص۵۵، ح۴۲؛ نیز: ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص۲۴۱، ح۳۶.

مردانی که گویی قلب هایشـان،ماننـد پـاره های آهن است. هیـچ چیز نمی توانـد دل های آنان را درباره ذات خداونـد گرفتار شک سازد. سـخت تر از سـنگ هسـتند. اگر بر کوه ها حمله کننـد، آنها را از هم خواهنـد پاشـید... گویی که بر اسـبان خود، مانند عقاب هسـتند. بر زین اسب امام دست می کشند و از این کار برکت می جویند. گِرد امام خویش چرخیده، در جنگ ها، جان خود را سپر او می سازند و هر چه را بخواهد، برایش انجام می دهند. مردانی که شب ها نمی خوابند؛ در نمازشان همهمه ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب ها بر پای خویش ایسـتاده و صـبح بر مرکب های خود سوارند. پارسایان شب و شـیران روزاند. اطاعت آنان برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقایش زیادتر است. مانند چراغ ها هستند...

گویی که دل هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شـهادتند. تمنایشان شـهید شدن در راه خدا است. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسـین به پا خیزید.» وقتی حرکت می کنند، پیشاپیش آنان به فاصـله یک ماه، وحشت حرکت کند. آنان، دسته دسته به سوی مولا می روند. خدا به وسیله آنان امام راستین را یاری می کند. (۱)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود:

مَا کَانَ قَوْلُ لُوطٍ علیه السـلام لِقَوْلِهِ (لَوْ أَنَّ لی بِکُمْ قُوَّهً أَوْ ءَاوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیـد (۲)) إِلَّا تَمَنِّیاً لِقُوَّهِ الْقَائِم علیه السـلام وَ لَا ذَکَرَ إِلَّا شِـدَّهَ أَصْـحَابِهِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَیُعْطَی قُوَّهَ أَرْبَعِینَ رَجُلًا وَ إِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَـدُّ مِنْ زُبَرِ الْحَدِیـدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِیدِ لَقَلَعُوهَا وَ لَا یَکُفُّونَ سُیُوفَهُمْ حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۳) وقتی لوط علیه السلام به قومش می گفت: «کاش برای مقابله

۱- . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸.

۲- . هود (۱۱)، آیه ۸۰.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۷۳، ح۲۷.

با شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستم»؛ آرزو داشت که توانایی قائم علیه السلام را داشته باشد. او با این کلام استواری اصحاب او را یاد کرده است، زیرا مردی از اصحاب وی، توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است. اگر بر کوه های آهن بگذرند، آن را بَر کَنَند و شمشیرهای خود را در نیام نکنند تا آنکه خدای تعالی خشنود گردد.

۱-۱. ویژگی های یاران خاص

اشاره

در باره ویژگی های یاران خاص حضرت، نکات فراوانی در روایات ذکر شده که بعضی از آنها چنین است:

۱-۱-۱. جوان بودن

جوانی، دلپذیرترین لحظات زندگی و شورانگیزترین فرصت های حیات انسانی است. فصلی است برای شکفتن غنچه های کمال و معرفت و موسمی است برای جوشش زلال ایمان و معنویت. جوانان، جوانه های سرسبز و شاداب و شکوفه های زیبا و دلپذیر درخت زندگی و حیات انسانی اند. با توجه به جایگاه مهم جوان و جوانی، آموزه های دینی همواره بر این موقعیت تأکید فراوانی کرده و به مناسبت بدان توجه نموده است.

یکی از این موارد مورد تأکید این است که در برپایی قیام جهانی منجی موعود، نه فقط خود حضرت در هیئت مردی جوان ظهور خواهد کرد که بیشتر یاران خاصّ او در سن جوانی بوده و بزرگسالان میان آنان کم شمارخواهند بود.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

اِنَّ اَصحابَ القائِمِ شَبابٌ لا کُهولَ فیهِم اِلاَّ کَالکُحْلِ فِی العَینِ، اَوْ کَالمِلْحِ فِی الزّادِ، وَاَقَل الزّادِ المِلْحُ؛ (۱) همانا یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی جوانند و پیر میانشان نیست؛ مگر به

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۳۱۵، ح۱۰.

اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه راه، نمک است.

۲-۱-۱. محدود بودن شمار آنها

با توجه به سختی دین داری در دوران غیبت و بویژه در آستانه ظهور، کسانی که شایستگی ملازمت با آن حجت الهی را پیدا کنند و به بالاترین درجه ایمان برسند، محدود خواهند بود؛ از این جهت در شماری از روایات گفته شده است: شمار یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۳ تن است. (۱) این عدد نیز مانند بسیاری از اعداد دیگر، دارای رمز و رازهایی است که بر ما پنهان و پوشیده است.

۳-۱-۱. نخستین بیعت کنندگان

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ علیه السلام جَبْرَئِيلُ علیه السلام؛ (۲) نخستین کسی که با قائم بیعت می کند جبرئیل است.

امام باقر علیه السلام در باره نخستین کسانی که پس از فرشته وحی بیعت می کنند فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نَيِّفٌ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيُقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يُقِيمَ؛ (۳)

۴-۱-۱. پرچم داری و حاکم بودن آنها

قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی عدل و قسط در همه گیتی است و یاران او در مبارزه علیه ستمگران، آن حضرت را برای این مهم یاری خواهند کرد. پس از آنکه در مبارزه با دشمنان «پرچم دار» امام بودند، در دوران حکومت از کارگزاران و حاکمان وی بر مناطق مختلف جهان

۱- . حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج۴، ص۵۵۴؛ سیوطی، عقد الدرر، ص۵۹.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۷۱، ح ۱۸.

۳- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۷۶.

خواهند بود. این مطلب در کلام امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

كَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی الْقَائِمِ عَلَی مِنْبَرِ الْكُوفَهِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّهَ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِیَهِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ عَلَی خَلْقِهِ؛ (۱) گویا به قائم علیه السلام می نگرم که بر منبر کوفه است و اصحابش که ۳۱۳ تن و به شمار اصحاب جنگ بدر اند در اطراف او هستند و آنان پرچمداران و حاکمان خدای تعالی بر خلقش در زمین می باشند... .

۵-۱-۱. قدرت مند بودن

یاری حضرت مهدی علیه السلام در آن قیام جهانی، افزون بر قدرت روحی و معنوی، نیازمند قدرت جسمانی نیز است؛ از این رو در روایاتی به توانایی فوق العاده یاران خاص اشاره شده است. عبد الملک بن اعین گوید:

در نزد امام باقر علیه السلام از جا برخاستم و [از پیری] تکیه بر دستم زده، گریستم. حضرت فرمود: تو را چه شده؟ عرض کردم: من امید آن داشتم که تا نیرویی در تن دارم، حکومت حقه شما و پیروزیتان را درک کنم؟ امام فرمود:

... إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِیَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ قُوَّهَ أَرْبَعِینَ رَجُلًا وَ جُعِلَتْ قُلُوبُكُمْ كَزُبَرِ الْحَدِیدِ لَوْ قُذِفَ بِهَا الْجِبَالَ لَقَلَعَتْهَا وَ كُنْتُمْ قِوَامَ الْأَرْضِ وَ خُزَّانَهَا؛ (۲) به راستی اگر این جریان بشود، (و هنگام ظهور و پیروزی ما گردد)، بر مردی از شما نیروی چهل مرد داده شود و دل های شما چون پاره های آهن گردد؛ اگر با آنها به کوه ها زنند آنها را از جای برکنند، و شما در آن زمان حاکمان روی زمین و خزینه داران آن می باشید.

البته این قدرتمندی برای رهبر قیام در نقل ریّان بن صلت چنین آمده است:

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۷۲، ح۲۵.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۹۴، ح۴۴۹.

به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم، امّا آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد، همچنان که پر از جور شده باشد، نیستم و چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می بینی. قائم کسی است که در سنّ پیران و منظر جوانان قیامی کند چنان نیرومند است که اگر دستش را به بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای برمی کند و اگر بین کوه ها فریاد برآورد، صخره های آن فرو می پاشد. (۱)

۶-۱-۱. کرامت داشتن

در بعضی روایات از کرامات یاران حضرت سخن به میان آمده است. یکی از این کرامت ها آن است که دارای قدرت طی الارض هستند. اگر چه حقیقت این امر برای ما به روشنی معلوم نیست؛ اما این قدرتی است که خداوند در اختیار برخی بندگان خود قرار می دهد که با آن مسافت های بسیار طولانی را در اندک زمانی سپری کنند. امام صادق علیه السلام درباره طی الارض یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

... فَیَصیرُ اِلیهِ شیعَتُهُ مِنْ اَطْرافِ الاَرْضِ تُطْوی لَهُمُ الاَرْضُ حَتَّی یُبایِعُوهُ...؛ (۲) پس، از گوشه و کنار زمین پیروان او به سویش گرد می آیند و زمین برای آنها به هم پیچیده می شود، تا اینکه با او بیعت می کنند.

۲-۱. یاران زن

لازم یادآوری است که در تشکیل هسته اصلی آن پیکار بزرگ و جهاد مقدس، زنان نیز نقش به سزایی دارند و طبق بیان بعضی از احادیث، پنجاه زن، از یاران اصلی امام و همراه هسته مرکزی آن قیام حضور دارند. امام باقر علیه السلام در

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۶، ح۷.

۲- . فتال نیشابوری، روضهالواعظین، ص۲۶۳.

این باره فرمود:

وَ اللَّهِ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ بِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا فِیهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَهً یَجْتَمِعُونَ بِمَکَّهَ عَلَی غَیْرِ مِیعَادٍ قَزَعاً کَقَزَعِ الْخَرِیفِ یَتْبَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً... ؛ (۱) به خدا سوگند! ۳۱۳ مرد که پنجاه زن نیز در میان آنهاست، مانند قطعه های ابر در فصل پاییز، در غیر موسم حج در مکه معظمه جمع می شوند.

این موضوع، دو نکته را روشن می سازند:

یکم. به رغم تأکید آموزه های وحیانی بویژه در دین مقدس اسلام زنان در طول تاریخ، از حقوق خویش محروم بوده و شخصیت آنان تحقیر شده است. اما، در دوران آن انقلاب بزرگ، شخصیت واقعی خویش را باز می یابند و به عنوان کارگزاران اصلی آن تحوّل عظیم، در جامعه جهانی شرکت می کنند. این موضوع، اهمیت ویژه ای دارد که ارزش واقعی و پایه قدرت و توانمندی نوع زن و ارزشیابی استعدادهای او را مشخص می سازد.

دوم. زنان اگر در جهاد و رویارویی مستقیم شرکت نکنند، در دیگر مسئولیت ها و سازندگی ها، می توانند مشارکت کنند. همچنین در گسترش فرهنگ اسلامی و آموزش معارف الهی می توانند کارآمد باشند و نقش برجسته ای ایفا کنند. در مسائل پشت جبهه و مسائل اجتماعی و تربیتی نیز می توانند نقش سازنده ای داشته باشند.

این موضوع، ارجمندی جایگاه زن و رشد و تکامل قابل توجّه او را روشن می کند. اثر تربیتی این موضوع مهم، در جامعه منتظر، می تواند خودآگاهی زنان و بازشناسی توان رشد و بازیابی شخصیت آنان باشد.

برای شرکت در آن انقلاب جهانی، زنان از هم اکنون باید با معیارهای دقیق اسلامی و اخلاقی، شخصیت خود را بسازند و در بعد علم و عمل

۱- . محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج۱، ص۶۴.

تکامل یابند و بدانند که هم اکنون و در آینده، مسئولیت های بزرگی بر عهده دارند و در آینده کارهای مهمی را انجام خواهند داد. پس بایستی از هم اکنون به شناخت دقیق و درست اسلام بپردازند و در تربیت خویش بکوشند، تا پیش از ظهور، در جرگه زنان منتظر قرار گیرند، و پس از آن شایستگی شرکت در آن حرکت بزرگ و کمک رساندن به داعی حق را داشته باشند. (۱)

۳-۱. گونه شناسی یاران خاص

اشاره

یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از صنف، نژاد و منطقه خاصی نیستند؛ بلکه از گروه ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند. کسانی که به یاری آن حضرت می شتابند از مناطق مختلف و اقصی نقاط کره زمینند.

امام جواد علیه السلام از پدران بزرگوار خود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن مفصلی در باره یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است:

... رِجَالٌ مُسَوَّمَهٌ یَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مِنْ أَقَاصِی الْبِلَادِ عَلَی عَدَدِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثَمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا...؛ (۲) و مردانی شناخته شده و نامدار، خدای تعالی برای او از اقصی نقاط بلاد ۳۱۳ تن به عدد اصحاب بدر گرد می آورد.

البته در بعضی از روایات به گروه های خاصی نیز اشاره شده است که از این قرارند:

۱-۳-۱. أبدال

«أبدال»، گروهی از شایستگان و خاصان خدا [هستند] که هیچ گاه زمین از آنان خالی نباشد و جهان بدیشان برپا است. آن گاه که یکی از آنان بمیرد، خداوند متعال انسان دیگری را به جای او برانگیزد، (۳) تا آن شمار که به

۱- . محمد حکیمی، عصر زندگی، ص۷۵ ۷۶ (با تصرف).

۲- . ر.ک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۶۸.

۳- . ر.ک: متقی هندی، کنزالعمال، ج۱۱، ص۱۲۵.

قولی هفت و به قولی هفتاد است همواره کامل بماند. (۱)

برخی نیز گفته اند: آنان، گروهی اند که خداوند به وسیله آنها دین را بر پا نگه می دارد و روزی را نازل می کند. چهل نفر از ایشان در شام و سی نفر در سایر بلاد هستند. هرگاه یکی از دنیا برود، کس دیگری همانند او به جای او قرار می گیرد. (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نَيِّفٌ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛ (۳) سیصد و چند نفر به شمار اهل بدر با قائم بین رکن و مقام بیعت می کنند که در بین آنان نجبا از اهل مصر و ابدال از اهل شام و اخیار از اهل عراق هستند.

براین اساس «ابدال» گروهی از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شام هستند که هنگام ظهور، خود را به مکه رسانده با ایشان بیعت می کنند.

در باره ویژگی این افراد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... رُهْبانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهارِ كانَ قُلُوبُهُم زُبُرَ الحَدِيدِ فَيُبايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ... ؛ (۴) آنان راهبان شب و شیران روز هستند. دل هایشان چون فولاد سخت است؛ میان رکن و مقام، با او (مهدی علیه السلام) بیعت می کنند.

۲-۳-۱. اخیار

«اخیار» در لغت به معنای نیکان،

۱- . علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ابدال.

۲- . خلیل بن احمد، العین، ج۸، ص۴۵.

۳- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۷۶؛ مفید، الاختصاص، ص۲۰۸؛ مسند ابی یعلی، ج۱۲، ص۲۷۰؛ صحیح ابن حبان، ج۱۵، ص۱۵۹؛ ابن ابی شیبه، کتاب المصنف، ح۱۹۰۷۰؛ عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح۲۰۷۶۹.

۴- . مفید، الاختصاص، ص۲۰۸.

برگزیدگان، نیکوتران (۱) و انسان های نیک رفتار است. همان گونه که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آنان گروهی از یاران خاصّ حضرت مهدی علیه السلام و از جمله۳۱۳ تن هستند که از عراق به آن حضرت می پیوندند و بین رکن و مقام با ایشان بیعت می کنند.

۳-۳-۱. عصائب

«عصائب» جمع «عصابه» به معنای گروهی بین ده تا چهل نفراست. گفته شده است: «عصابه» گروهی از زاهدان و وارستگانند. (۲) طبق برخی روایات، آنان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عراق هستند، (۳) که هنگام ظهور، خود را به مکه می رسانند و با او بیعت می کنند. (۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... وَعَصائِبُ العِراقِ... ؛ (۵)... و گروه هایی از عراق بیرون می آیند....

۴-۳-۱. نجبا

در روایت پیش گفته آن حضرت فرمود:

فَیَخْرُجُ النُّجَباءُ مِنْ مِصْرَ... ؛ (۶) نجبا از مصر بیرون می آیند... .

امام باقر علیه السلام نیز در روایتی فرمود:

یُبایعُ القائِمَ بَینَ الرُّکنِ وَالمَقامِ ثَلاثمائه وَنَیِّف عِدَه اَهْلِ بَدْر فِیهِم النُّجَباءُ مِنْ اَهْلِ مِصْر... ؛ (۷) سیصد و چند تن، به شمار اهل بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می کنند. بین آنان نجبا، از اهل مصر ...

۱- . دهخدا، لغتنامه، أخیار.

۲- . ابن منظور، لسان العرب، ج۹، ص۲۳۳؛ مجمع البحرین، ج۲، ص۱۲۳.

۳- . عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبه، کتاب المصنف، ح۱۹۰۷۰.

۴- . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ح۵۱، ص۸۸؛ مفید، الاختصاص، ص۲۰۸؛ طبری، دلائل الامامه، ص۲۴۸؛ اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص۴۷۹.

۵- . مفید، الاختصاص، ص۲۰۸.

۶- . مفید، الاختصاص، ص۲۰۸.

۷- . طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۷۶، ح۵۰۲.

وجود دارند....

طالقان

افزون بر گروه های یاد شده برخی روایات نیز به مناطقی اشاره کرده که بخشی از یاران حضرت از آنجا به او می پیوندند از جمله آنها می توان به سرزمین «طالقان» اشاره کرد.

منظور از طالقان، چه منطقه ای بین مرو و بلخ باشد و یا شهری میان قزوین و ابهر، (۱) خاستگاه برخی از یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

در منابع اهل سنّت از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خوشا به حال طالقان! خداوند دارای گنج هایی در آنجا است که نه از طلا است و نه از نقره؛ امّا در آن خطه، مردانی هستند که خدا را آن گونه شناخته اند که شایسته معرفت است و آنان، یاران مهدی علیه السلام در آخِرالزمان می باشند. (۲)

همین روایت به گونه ای دیگر در منابع شیعه نیز آمده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست، و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده اند برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل های آنها مانند پاره های آهن است. شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم تر است. اگر آنان را وادارند که کوه ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می دارند. لشکر آنها قصد هیچ شهری نمی کنند، جز اینکه آن را خراب می کند. اسب های آنها زین های زرین دارند و خود آنها برای تبرک بدن خود را به زین اسب امام می سایند. آنها در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند و هر کاری

۱- . یاقوت بن عبد الله حموی، معجم البلدان، ج۴، ص۶.

۲- . سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج۲، ص۸۲؛ متقی هندی، کنزالعمال، ج۷، ص۲۶۲.

داشته باشد، برایش انجام می دهند. مردانی در میان آنها است که شب ها نمی خوابند؛ زمزمه آنان در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می کنند. آنها در وقت شب راهب و هنگام روز شیرند. در فرمانبرداری امام بیش از کنیز نسبت به آقایش پافشاری دارند. مانند چراغ های درخشنده اند و دل هایشان همچون قندیل هاست، و از خوف خدا خشنود می باشند. ادعای شهادت دارند و تمنا می کنند که در راه خداوند کشته گردند. شعار آنان این است: «ای خون خواهان حسین»! از هر جا می گذرند، رعب آنها پیشاپیش آنان به اندازه یک ماه راه در دل های جای می گیرد و بدین گونه رو به پیش می روند. خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می گرداند. (۱)

برخی، طالقان را منطقه ویژه ای دانسته اند؛ ولی گروهی نیز آن را به منطقه بسیار وسیعی همانند ایران معنا کرده اند. (۲) از روایت ذکر شده در منابع اهل سنّت، استفاده می شود که آنان اصحاب و یاران ویژه آن حضرت هستند زیرا در روایت، نوع آنان مشخص شده است امّا در روایت بحارالانوار علاوه بر بیان چگونگی و کیفیت، سخن از کمّیت و لشکر و درفش های فاتح و پیروز به میان آمده است.

در روایاتی هم به کسانی اشاره شده که شماری از آنان به یاری مهدی موعود علیه السلام بر نخواهند خاست. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

مَعَ الْقَائِمِ علیه السلام مِنَ الْعَرَبِ شَیْ ءٌ یَسِیرٌ فَقِیلَ لَهُ إِنَّ مَنْ یَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَکَثِیرٌ قَالَ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ یُمَحَّصُوا وَ یُمَیَّزُوا وَ یُغَرْبَلُوا وَ سَیَخْرُجُ مِنَ الْغِرْبَالِ

۱- . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۷.

۲- . نک: علی کورانی، عصر ظهور، ص ۲۶۰.

خَلْقٌ کَثِیرٌ؛ (۱) به همراه قائم علیه السلام از عرب تعداد ناچیزی خواهد بود؛ به آن حضرت عرض شد: همانا از عرب کسانی که این امر را توصیف می کنند، فراوانند، فرمود: مردم ناگزیرند از اینکه مورد امتحان و پاکسازی و جداسازی و غربال شدن قرار گیرند و در آینده نزدیک، مردم بسیاری از غربال خارج خواهند شد.

البته ما امروز شاهد آزمایش های بزرگی از آنان هستیم. از یاری مردم عرب و مسلمان مظلوم غزه گرفته تا مردم مظلوم یمن و... همه و همه امتحاناتی است که در دوران ما برای مسلمانان عرب پدید آمده است! باشد آزمایش های دیگر در آینده چگونه باشد؟

دو. یاران عام (یاوران)

اشاره

پس از گردآمدن یاران خاص حضرت در آغاز ظهور، نوبت به یاوران آن حضرت می رسد. آنان به طور سریع در مکه جمع شده، آماده یاری او می شوند. شمار یاوران آن حضرت در ابتدا افزون بر ده هزار خواهد شد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا یَخْرُجُ إِلَّا فِی أُولِی قُوَّهٍ وَ مَا یَکُونُ أُولُو الْقُوَّهِ أَقَلَّ مِنْ عَشَرَهِ آلَافٍ؛ (۲) امام زمان علیه السلام خروج نمی کند، مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ده هزار نفر نیستند.

آنچه در اینجا باید یادآور شد اینکه بخشی از یاران، همان شیعیان واقعی آن حضرتند که در دوران غیبت به شایستگی به وظایف خود عمل کرده اند. در این باره ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

امام در تفسیر این قول خدای تعالی (یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۷۰، ح۲؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص۲۰۴.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۴، ح۲۰.

آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمانِها خَیْراً)؛ (۱) فرمود:

یَعْنِی خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا. یَا أَبَا بَصِیرٍ طُوبَی لِشِیعَهِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظِرِینَ لِظُهُورِهِ فِی غَیْبَتِهِ وَ الْمُطِیعِینَ لَهُ فِی ظُهُورِهِ أُولَئِکَ أَوْلِیَاءُ اللَّهِ الَّذِینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُون؛ (۲)

یعنی خروج قائم منتظر ما، [سپس فرمود:] ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام

در برخی روایات گفته شده شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام «یالثارات الحسین علیه السلام» است. «ثار» در لغت به معنای خون خواهی است. (۳) بخشی از اهداف امام مهدی علیه السلام و یاران او در برپایی قیام جهانی انتقام از ستمگران است و آنان با این شعار به خون خواهی امام حسین علیه السلام قیام خواهند کرد. پس معنای این شعار چنین خواهد بود: «کجایند قاتلان حسین؟» (۴) یا «کجایند خون خواهان حسین؟». امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

... وَهُمْ مِنْ خَشیَهِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ یَدعُونَ بِالشَّهادَهِ وَیَتَمَنَّونَ اَنْ یُقتَلُوا فِی سَبیلِ اللّهِ شِعارُهُم یَا لَثاراتِ الحُسَینِ علیه السلام اِذا سَارُوا یَسیرُ الرُّعبُ اَمَامَهُمْ مَسِیرَهَ شَهرٍ؛ (۵) یاران مهدی... فقط از خدا می ترسند و فریاد «لا اله الاّ اللّه» آنان

۱- . «روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلًا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده است، ایمان آوردنش سود نمی بخشد».

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۵۷.

۳- . ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج۴، ص۹۷؛ خلیل بن احمد، کتاب العین، ج۸، ص۲۳۶؛ طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص۲۳۴.

۴- . ر.ک: طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص۲۳۵.

۵- . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۷، ح۸۲.

بلند است و همواره در آرزوی شـهادت و کشـته شدن در راه خدایند. شعار آنان «یالثارات الحسین» است. به هر سو که رو می آورند، ترسِ از آنان، به اندازه یک ماه مسیر پیشاپیش در دل مردم می افتد.

در بعضـی از روایات، این عبارت، شـعار فرشـتگان، به هنگام یاری حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، دانسته شده است.

امام رضا علیه السلام در این باره فرمود:

فَیَکُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ یَا لَثَارَاتِ الْحُسَیْن؛ (۱) پس آنها از یاران او هستند و شعارشان «یا لثارات الحسین» است.

طبق این روایت نیز شـعار یاران حضـرت هماهنگ با فرشـتگان الهی خواهـد بود. البته روشن است چون حسـین بن علی علیهما السـلام آینه تمـام نمـای حق و حقیقت است و دشـمنان وی در آن زمان، نماد تمام نمای باطل؛ انتقام از خون امام حسـین علیه السـلام انتقام از خون همه مظلومان در طول تاریخ خواهد بود و حکومت عدل جهانی، برآورنده آرزوی همه فرودسـتان جهان در طول تاریخ است.

۱- . صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۲۹۹؛ همو، ألامالی، ص۱۲۹.

ص: ۲۳۶

خودآزمایی

۱. در روایات گفته شده خداوند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را لشکریانی تأیید و یاری می دهد آنها کدامند؟ یک نمونه را توضیح دهید.

۲. ویژگی های یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده، دو مورد را بنویسید.

۳. در باره حضور زنان در میان یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شمار آنان توضیح دهید.

۴. گونه های یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده، دو گروه را توضیح دهید.

۵. شعار یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست و چرا این شعار را مطرح می کنند؟

□□□

منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ش.

۲. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ه. ش.

۳. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ش.

۴. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۸ش.

۵. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ ه.ش.

ص: ۲۳۷

درس سیزدهم: امدادهای غیبی در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

الف. مفهوم شناسی امدادهای غیبی

ب. برخی امداد غیبی از نگاه قرآن:

۱. سپاهیان دیده نشدنی؛

۲. یاری با فرشتگان؛

۳. آرام کردن دل های مؤمنان؛

۴. ترس در دل های دشمنان؛

۵. بادهای ویرانگر.

ج. شرایط برخورداری از امدادهای غیبی:

۱. ایمان؛

۲. پارسایی؛

۳. پایداری؛

۴. کوشش در راه خداوند.

د. برخی امدادهای غیبی در عصر ظهور

۱. فرشتگان؛

۲. ترس در دل دشمنان؛

۳. نیروهای طبیعت.

پیش درآمد

همان گونه که می دانیم عواملی چنـد دست به هم داده و زمینه های پیروزی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را در قیام جهانی فراهم می کنند. اساسی ترین و اصلی ترین عامل این پیروزی، شخصیت خود آن حضرت است؛ آن گاه یاران و یاوران ایشان و در کنار آن دو، امدادهای غیبی خداوند نقش آفرین است.

اگر چه اساس این قیام بزرگ، بر امور طبیعی و سنت های جاری خداوند است؛ اما به اقتضای عظمت و گستردگی آن در همه کره زمین، و نیز مجهز بودن دشـمنان به امکانات بسیار و پیشرفته، خداوند برخی از نیروهای پنهان و فوق طبیعی را در اختیار او قرار خواهد داد تا موجبات پیروزی ایشان، هر چه بهتر فراهم شود.

در این درس تلاش می شود تا با بهره مندی از آیات قرآن کریم، سخنان معصومان علیهم السلام و نیز بیانات بزرگان، موضوع را در حد امکان بررسی نماییم.

بحث در امدادهای غیبی در موارد زیر قابل بررسی است:

یک. مفهوم شناسی امدادهای غیبی

«امداد غیبی» تعبیری مرکب از دو واژه

«امـداد» و «غیب» است. «امـداد» یاری کردن دیگری است و بیشتر، در موارد دوست داشـتنی به کار می رود. امداد، به چیزهای مـادی منحصـر نیسـت و در معنویـات هـم به کـار می رود. «غیب» چیزی است که از انسـان پوشـیده و مخفی است. برخی واژه پژوهان، آن را به معنای پوشیده از چشم گرفته اند.

«امدادهای غیبی» به معنای مددهایی است که از غیب سرچشـمه می گیرد. هر چند با عنایت به معنای لغوی آن، می توان جهان و نظم و حیات همه نعمت های موجود در آن را مـدد گرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست چنان که قرآن، اموال و فرزندان را از امدادهای خداوند دانسته است (۱) ولی این ترکیب در اصطلاح، به معنای مددهای ویژه در زندگی بشر است.

بـدون تردیـد از برترین آموزه های پیامبران، ایمان به غیب است؛ به گونه ای که خداونـد در ابتدای صـحیفه آسـمانی خود آن گاه که ویژگی های پرهیزگاران را برمی شمرد نخست ایمان به غیب را این گونه بیان می فرماید:

(ذَلِکَ الْکِتابُ لارَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقینَ اَلَّذینَ یُؤمِنوُنَ بِالْغیْبِ...)؛ (۲) این است کتابی که در آن هیـچ تردیـدی نیست و مایه هدایت تقواپیشگان است؛ آنان که به غیب ایمان می آورند.

بخشی از این اعتقاد به غیب، مربوط به اعتقاد به امـدادهای پنهان خداوند است. این امدادها در طول تاریخ، به بهترین صورت ممکن به کمک انسان ها آمده و آنها را از زوال و نابودی نجات داده است.

از آیات قرآن اسـتفاده می شود که خداونـد، در مقابله حق با باطل، جانب جریان حق را نگه می دارد و از آن دفاع می کنـد و این دفاع، گاهی

۱- . اسراء(۱۷)، آیه ۶.

۲- . بقره (۲)، آیه ۲و۳.

از طریق نیروهای پنهان و امدادهای غیبی صورت می گیرد. البته، در بزرگ ترین و وسیع ترین رویارویی حق با باطل و انقلابی که در راستای اهداف پیامبران رخ می دهد، این سنت الهی بیش از پیش جلوه خواهد کرد.

دو. امدادهای غیبی از نگاه قرآن

اشاره

آیات قرآن حضور امـدادهای غیبی را بیشتر در جنگ ها و حوادثی دانسـته که بنـدگان شایسـته نیازمند یاری خداوند بوده اند. بعضی از مصادیق امداد غیبی بدین قرار است:

۲۱. سپاهیان دیده نشدنی

قرآن در سه مورد با تعبیر «جُنودًا لَم تَرَوها» (سپاهیان دیده نشدنی) یاد کرده است:

یکی در آنجا که به وضع مخاطره آمیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غار ثور اشاره کرده، می فرماید:

(... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَـِكینَتَهُ عَلَیْهِ وَ أَیَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْها وَ...)؛ (۱)... پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرسـتاد، و او را با سپاهیانی که آنها را نمی دیدید، تأیید کرد و... .

همچنیـن آن گـاه که دشـمن در جنـگ حنین، به پیروزی مـوقّت رسـید و مسـلمانان از گرد پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم پراکنده شدند، امدادهای غیبی از جمله سپاه نامرئی آنان را نجات بخشید:

(ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكینَتَهُ عَلی رَسُولِهِ وَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ وَ أَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها وَ...)؛ (۲) آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان، فرود آورد و سپاهیانی فرو فرستاد که آنها را نمی دیدید و... .

سوم موقعی بود که دشـمنان اسـلام، شهر مدینه را محاصره كردندو مسلمانان ناچار به ماندن در شهر و کندن خندق در اطراف آن شدند!

۱- . توبه (۹)، آیه ۴۰.

۲- . توبه (۹)، آیه ۲۶.

چشم های رزمندگان مسلمان خیره و جانشان به گلوگاه رسیده و گمان های خاصی درباره خدا پیدا کرده بودند!! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خداونـد کمک خواست، در پی آن امدادهای غیبی به یاری آنان آمد که از مهم ترین آنها لشکرهای نامرئی بود:

(یـا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ جاءَتْکُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنا عَلَیْهِمْ ریحاً وَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها وَ کانَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصیراً)؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده ایـد! نعمت خـدا را بر خود به یـاد آریـد؛ آن گـاه که لشکرهایی به سوی شـما [در] آمدند. پس بر سر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را نمی دیدید، فرستادیم و خدا به آنچه می کنید، همواره بیناست.

۲۲. یاری با فرشتگان

مهم ترین مصـداق کمک های پنهان خداونـد، آمدن فرشـتگان به یاری پیامبران خود است. بخش قابل توجهی از آیات قرآن، از یاری فرشـتگان به پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم و مسـلمانان در جنگ های صـدر اسـلام حکایت می کند. روشـن ترین نمونه آیاتی است که در آن به این حضور در جنگ بدر اشاره کرده است.

(وَ لَقَدْ نَصرَکُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنتُمْ أَذِلَّهٌ فَاتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِینَ أَ لَن یَکْفِیَکُمْ أَن یُمِدَّکُمْ رَبُّکُم بِثَلَاثَهِ ءَالَافٍ مِّنَ الْمَلَئکَهِ مُنزَلِینَ بَلی إِن تَصْبرُواْ وَ تَتَّقُواْ وَ یَأْتُوکُم مِّن فَوْرِهِمْ هَاذَا یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُم بخَمْسَهِ ءَالَافٍ مِّنَ الْمَلَئکَهِ مُسَوِّمِینَ)؛ یقیناً خـدا شما را در [جنگ] بـدر- با آنکه ناتوان بودیـد- یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید! باشد که سپاس گزاری نمایید. آن گاه که به مؤمنان می گفتی: «آیا شـما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟» آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و

۱- . احزاب (۳۳)، آیه ۹.

خروش] بر شما بتازند، [همان گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. (۱)

۲۳. آرام کردن دل های مؤمنان

آرامش دل از مهم ترین موهبت های خداوند به مؤمنان است که در پرتو آن سخت ترین شرایط زندگی تحمل پذیر می شود. در لحظات حساس جنگ یا زمان مخفی شدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غار و احتمال برخورد وی با دشمنانی که به قصد کشتن او آمده و تا مرز دستگیری اش پیش رفته بودند، از این یاری خداوند برخوردار شدند.

۲۴. ترس در دل های دشمنان

خداوند متعال افزون بر امدادهای یاد شده، گاهی با انداختن هراس در دل دشمنان، جبهه حق را یاری می کرد. به عنوان نمونه خداوند جنگ بدر براساس وعده خویش سپاه ترس را یک باره و ناگهانی بر قلب دشمن چیره ساخت:

(... سَأُلْقِی فی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُواْ الرُّعْبَ ...)؛ (۲) به زودی در دل کافران وحشت خواهم افکند....

۲۵. فرستادن بادهای ویرانگر

یکی دیگر از امدادهای الهی، بادهایی است که سبب از بین رفتن دشمنان و یاری مؤمنان شده است. خداوند می فرماید:

(یَأَیهَُّا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اذْکُرُواْ نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَیْکمُ ْإِذْ جَاءَتْکُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَیهِْمْ رِیحًا وَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا)؛ (۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آرید؛ آن گاه که لشکرهایی به سوی شما [در] آمدند، پس بر سر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را نمی دیدید، فرستادیم.

۱- . آل عمران (۳) آیات ۲۳ ۲۵.

۲- . انفال (۸)، آیه ۱۲.

۳- . احزاب (۳۳)، آیه ۹.

سه. شرایط برخورداری از امدادهای غیبی

اشاره

بر اساس سنن الهی، خداوند به هرکس بخواهد یاری می دهد؛ (۱) لیکن با توجه به اینکه خواست او حکیمانه است، ضوابط و شرایطی برای برخورداری از امدادهای ویژه وجود دارد که مهم ترین آنها بدین شرح است:

۳۱. ایمان

نخستین شرط برخورداری از امدادهای الهی ایمان است؛ چنان که خداوند می فرماید:

(انّا لَنَنصُرُ رُسُلَنا والَّذینَ ءامَنوا...)؛ (۲) در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده اند، قطعاً یاری می کنیم.

درباره امداد غیبی در قالب آرامش بخشی نیز می فرماید:

(هُوَ الَّذی انزَلَ السَّکینَهَ فی قُلُوبِ المُؤمِنینَ)؛ (۳) اوست آن کس که در دل های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد.

۲ ۳. پارسایی

پرهیزگاری و تقوای الهی، از دیگر شرط های بهره مندی از امدادهای خداوند است که:

(بَلی إِن تَصْبِرُواْ وَ تَتَّقُواْ وَ یَأْتُوکُم مِّن فَوْرِهِمْ هَاذَا یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُم بِخَمْسَهِ ءَالَافٍ مِّنَ الْمَلَئکَهِ مُسَوِّمِین)؛ (۴) آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

۱- . (واللَّهُ یُؤَیِّدُ بِنَصرِهِ مَن یَشاءُ)؛ «و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می کند»: آل عمران (۳)، آیه ۱۳؛ (جَاءَهُم نَصرُنا فَنُجّی مَن نَشَاءُ)؛ «یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می خواستیم، نجات یافتند»: یوسف(۱۲)، آیه ۱۱۰؛ (بِنَصرِ اللَّهِ یَنصُرُ مَن یَشاءُ)؛ «هر که را بخواهد یاری می کند»: (روم (۳۰)، آیه ۵.

۲- . غافر (۴۰)، آیه ۵۱.

۳- . فتح (۴۸)، آیه ۴.

۴- . آل عمران (۳)، آیه ۱۲۵.

۳۳. پایداری

ثبات قدم و استواری بر باور و عقیده از اموری است که سبب جلب امدادهای الهی می شود. خداوند در این باره می فرماید:

(انَّ الَّذینَ قالوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ استَقموا تَتَنَزَّلُ عَلَیهِمُ المَلکَهُ الّا تَخافوا ولا تَحزَنوا وابشِروا بِالجَنَّهِ الَّتی کُنتُم توعَدون)؛ (۱) در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و می گویند:] «هان، بیم مدارید و اندوهگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد گردید.

۳۴. کوشش در راه خداوند

از دیگر شرایط جلب این امدادها، تلاش و کوشش در راه خداوند است؛ همان گونه که در این آیه می خوانیم:

(وَ الَّذِینَ جَاهَدُواْ فِینَا لَنَهْدِیَنهَُّمْ سُبُلَنَا...)؛ (۲) کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راه های خود را بر آنان می نماییم.

حال که به بعضی از مصادیق امدادهای خاص خداوند و شرایط آن اشاره شد، به امدادهای غیبی خداوند در ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازیم.

چهار. امدادهای غیبی در عصر ظهور

اشاره

از آنجایی که آخرین ذخیره الهی و موعود منجی، راه ناتمام پیامبران و اولیای الهی را به پایان می رساند، خداوند همه امدادهای غیبی را که در اختیار آنان قرار داده بود؛ برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز قرار خواهد داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید:

قائِمُ اَهْلِ بَیْتی... یُؤَیَّدُ بِنَصرِ اللّهِ... ؛ (۳)... قائم

۱- . فصّلت (۴۱)، آیه ۳۰.

۲- . عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۵۷، ح ۲.

اهل بیت من، به یاری الهی تأیید می شود.

برخی از این امدادها از این قرارند:

۴۱. فرشتگان

از نیروهای غیبی که به یاری آخرین حجت خداوند و یاران او می آیند، «فرشتگان الهی» هستند. عبد الرّحمن بن کثیر روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام در باره این آیه که:

(أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ)؛ (۱) فرمود:

هُوَ أَمْرُنَا أَمْرُ اللَّهِ لَا يُسْتَعْجَلُ بِهِ يُؤَيِّدُهُ ثَلَاثَهُ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الرُّعْب؛ (۲) آن امر ما است، خدای عزّ و جلّ امر فرموده که در مورد آن شتاب نشود تا آنکه [خداوند] او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس.

در روایتی از امام صادق علیه السلام که به طور مفصل به چگونگی حضور و نقش فرشتگان در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است. ابان بن تغلب نقل شده است:

شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «گویی قائم را می بینم بر نجف کوفه که جامه ای از استبرق به تن دارد و زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را می پوشد. چون آن را پوشید به تن او، از هم باز و گشاد می شود تا اندازه بدن آن حضرت گردد. سپس سوار بر اسبی سیاه و سفید می شود که میان دو چشمش، سفیدی مشخّص و آشکاری است. پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با اوست. عرض کردم: پرچم اکنون موجود و پنهان است یا برای او آورده می شود؟ فرمود: جبرئیل آن را برای آن حضرت می آورد، دسته آن از عمودهای عرش خدا، و سایه آن از نصرت خداوند است. با آن پرچم بر چیزی فرود نمی آید، مگر اینکه خداوند آن را نابود می سازد. همراه با آن نه هزار فرشته فرود می آیند و نیز

۱- . «[هان] امر خدا دررسید، پس در آن شتاب مکنید»: نحل (۱۶)، آیه ۱.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۸، ح۹.

۳۱۳ فرشته. عرض کردم: فدایت گردم! آیا همه این فرشتگان همراه هستند؟ فرمود: آری، آنان همان فرشتگانی اند که با نوح در کشتی بودنـد و همان فرشـتگانی انـد که وقتی ابراهیم به آتش افکنـده شد، همراه او بودند، و همان هایی اند که وقتی دریا برای موسـی شـکافته شـد همراه او بودند، و همان هائی اند هسـتند که وقتی خداوند، عیسـی را به سوی خویش به آسـمان برد همراه او بودند، و چهار هزار فرشـته نشان دار هستند که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه بودند، و ۳۱۳ فرشته ای که در روز بدر، با آن حضـرت بودند، و همراه با آنان چهار هزار فرشته ای هستند که به آسمان بالا رفتند تا اجازه جنگیدن در رکاب حسین علیه السلام را بگیرند؛ ولی وقتی به زمین بازگشتند که آن حضرت کشته شده بود! آنان در کنار قبر آن حضرت پریشان موی و غبار آلود ماندند و بر آن حضـرت تا روز قیامت می گریند و آنان خروج قائم علیه السـلام را انتظار می کشـند. (۱)

عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِنَّ الْمَلَـائِكَهَ الَّذِينَ نَصَـرُوا مُحَمَّداً ص يَوْمَ بَـدْرٍ فِي الْـأَرْضِ مَا صَـعِدُوا بَعْـدُ وَ لَا يَصْـعَدُونَ حَتَّى يَنْصُـرُوا صَاحِبَ هَـذَا الْأَمْرِ وَ هُمْ خَمْسَهُ آلَافٍ؛ (۲) فرشـتگانی که در جنگ بـدر رسول خدا را در زمین یاری کردند، از آن پس به آسـمان نرفتند و پس از این نیز نخواهند رفت تا آنکه یاری کنند صاحب این امر را و آنان پنج هزار تن هستند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی، به نقل از خداوند در شب معراج چنین می گوید:

... وَ لَأَنْصُـرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأُمِـدَّنَّهُ بِمَلَـائِكَتِي حَـتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي ... ؛ (۳) و بـا لشـکریان خـود او (مهـدی) را یـاری می کنم و با فرشتگانم به او مدد می رسانم، تا آنکه دعوتم را آشکار کند.

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۹، ح ۴.

۲- . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴.

۴۲. ترس در دل دشمنان

خدای متعال، در قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترس و دلهره را بر دل کافران، مشرکان و ستمگران حق ستیز افکنده، قدرت تصمیم گیری و دشمنی را از آنان سلب می کند.

در روایاتی گفته شده که او، «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ وَ مُؤَیَّدٌ بِالنَّصْرِ» است؛ یعنی هنگام ظهور، هراس از وی، در دل قدرتمندان می افتد و نیروهای غیبی و نادیدنی، به کمک او و یارانش می شتابند. البته این امر، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و مردم باید آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالی اش یاری کنند. امام صادق علیه السلام فرمود:

انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می کنند و در پیروزی او شرکت دارند: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب و وحشت. (۱)

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

اَلْقائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ؛ (۲) قائم ما به [افتادن] ترس در دل دشمنان، یاری شده است.

۴۳. نیروهای طبیعت

بعضی از امدادهای غیبی الهی، تسخیر نیروها و امکانات طبیعی است که خداوند پیامبران خود را به آن مجهز کرده است؛ همانند: بادها، طوفان ها، ابرها و... که در قرآن از آنها یاد شده است. (۳) در روایاتی، عوامل طبیعی، از جمله امدادهای غیبی برای یاری آخرین حجّت الهی ذکر شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معراج به نقل از خداوند چنین فرموده است:

۱- . نعمانی، الغیبه، ص۱۹۸، ح۹، ص۲۴۳، ح۴۳.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- . انبیا(۲۱)، آیه۸۱؛ احزاب (۳۳)، آیه ۹.

... وَلَأُسَخِّرَنَّ لَهُ الرِّیاحَ وَلَأُذَلِّلَنَّ لَهُ الرِّقابَ الصِّعاب...؛... و باد را مسخَّر او می کنم و گردنکشان سخت را رام او می سازم.... (۱)

بنابراین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، افزون بر بهره مندی از یاران و اصحاب، به دلیل عظمت قیام جهانی خود، به اذن و اراده الهی، از امدادهای غیبی نیز استفاده می کند.

۴-۴. برخی امدادهای دیگر

افزون بر امدادهای یاد شده، برخی امور دیگر نیز در روایات مورد اشاره قرار گرفته که می تواند در شمار امدادهای الهی باشد.

الف. طِی الاَرْض: یکی از امدادهای الهی در عصر ظهور آن است که زمین، برای آن حضرت و یارانش در هم نوردیده شود. در روایاتی چند از چگونگی طی مسافت آن حضرت و یارانش به «طی الارض» تعبیر شده است. امام رضا علیه السلام می فرماید:

وَ هُوَ الَّذِی تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ وَ یَذِلُّ لَهُ کُلُّ صَعْبٍ؛ (۲) او، کسی است که زمین برایش درنوردیده می شود.

ب. میراث های پیامبران علیهم السلام: از روایات استفاده می شود افزون بر امدادهای یاد شده، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، برخی میراث های پیامبران گذشته را نیز همراه خواهد داشت. امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

المَهْدِی مِنْ وُلْدِی، تَکُونُ لَهُ غَیبَهٌ وَ حَیرَهٌ تَضِلُّ فِیها الاُمَمُ، یأتِی بِذَخِیرَهِ الاَنبیاءِ فَیمْلَأُها عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً؛ (۳) مهدی از فرزندان من است، برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن گمراه شوند. او ذخیره پیامبران را می آورد و زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۵۴، باب۲۳، ح۴.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۱، ح۵.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۵.

دربـاره اینکه این امور به چه هـدفی نزد حضـرت جمع شـده است، سـخن روشـنی در دست نیست؛ ولی با توجه به اینکه نقش حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ادامه فعالیت همه انبیا و اولیا است و او خواسـته آنان را محقّق خواهـد ساخت؛ می توان نتیجه گرفت که تمام ابزار آنان در اختیار وی قرار خواهد گرفت.

دیگر اینکه آن حضـرت وظیفه دارد پیروان همه ادیان را به دین راستین الهی (اسـلام) دعوت کنـد و این میراث ها، نشانه هایی از برحق بودن آن حضـرت است. از این رو همان گونه که در روایات، زنده ماندن حضـرت مسیح علیه السـلام، عامل هدایت مسـیحیان و برگرداندن ایشان به پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است؛ می توان میراث های دیگر پیامبران علیهم السلام را ابزاری برای اتمام حجّت بر آنان دانست.

بعضی از این میراث ها، عبارت است از: «پیراهن»، (۱) «عمامه»، (۲) «زره»، (۳) «سلاح»، (۴) و «پرچم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»، (۵) «سنگ» (۶) و «عصای حضرت موسی علیه السلام (۷)» و «طشتی که وی در آن قربانی می کرد» (۸) و «انگشتری حضرت سلیمان علیه السلام». (۹)

به هر حال هدف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان، در برگیرنده تمامی اهداف پیامبران بزرگ است.

۱- . نعمانی، الغیبه، ص ۳۵۰، ج ۴۲.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۲۴، ح۲۸۵.

۳- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۲۴، ح۲۸۵.

۴- . نعمانی، الغیبه، ص۳۴۹، ح ۴۰؛محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۲۴، ح۲۸۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ح۳۹۶۷۳.

۵- . نعمانی، الغیبه، ۳۴۳، ح۲۸ و ۴۳۵، ح ۱.

۶- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳.

۷- . محمـد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱؛ نعمانی، الغیبه، ص۲۳۸، ح۲۸، صـدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۷۶، ح ۷.

۸- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۱.

۹- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱. نعمانی، الغیبه، ص۳۴۳، ح ۲۷.

از این رو در آن هنگـامه عظیم، او بـا در اختیار گرفتن میراث پیامبران بزرگ علیهم السـلام، هـدف خود را که در واقع هـدف جمیع آنان بوده است تحقق می بخشد و پیروان ادیان را، سوی خود دعوت می کند.

سرانجام کار

حضـرت مهـدی علیه السـلام و یـاران و سـپاهیان مؤمن و شـجاع او، در این جنگ های نهایی و سـرنوشت ساز پیروز شـده و با کمک گرفتن از امدادهای غیبی، دشـمنان (جبهه باطل) را نابود می کنند. بدین سان سـرنوشت کافران و سـتمگران، به بدترین صورت رقم می خورد. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

... وَ هُوَ الثَّانِی عَشَرَ مِنَّا یُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ کُلَّ عَسِیرٍ وَ یُذَلِّلُ لَهُ کُلَّ صَعْبٍ وَ یُظْهِرُ لَهُ کُنُوزَ الْأَرْضِ وَ یُقَرِّبُ لَهُ کُلَّ بَعِیدٍ وَ یُبِیرُ بِهِ کُلَّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ یُهْلِکُ عَلَی یَدِهِ کُلَّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ؛ (۱) و او دوازدهمین ما امامان است؛ خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار می کنـد و گنـج های زمین را برایش آشـکار می سازد. و هر بعیدی را برای وی نزدیک کرده به توسّـط وی تمامی جبّاران عنود را نابود می کند و هر شیطان متمرّدی را به دست وی هلاک سازد.

محمد بن مسلم می گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: مراد از (وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی)؛ چیست؟ آن حضرت فرمود:

اللَّیْلُ فِی هَذَا الْمَوْضِعِ الثَّانِی غَشَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فِی دَوْلَتِهِ الَّتِی جَرَتْ عَلَیْهِ وَ أُمِرَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ أَنْ یَصْبِرَ فِی دَوْلَتِهِمْ حَتَّی تَنْقَضِیَ؛ شب در این آیه، فلانیـاست که سـتم روا داشت بر امیر المؤمنین در مقامی که متعلّق به او بود و آن حضـرت صبر کرد تا دولت آنها منقضی گردد.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۶۸، ح۶.

آن گاه امام درباره (وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّی) فرمود: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَهَ الْبَاطِلِ؛ (۱) منظور از روز قائم از ما اهل بیت است؛ وقتی قیام کند، بر دولت های باطل پیروز می شود.

در این هنگام فجر دولت حقّ می دمد و تاریکی باطل از صحنه گیتی برچیده می شود. (۲) خداوند حضرت مهدی علیه السلام و یارانش را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می گرداند و بدعت ها و باطل ها را به دست او و یارانش نابود می کند. (۳)

... آن گاه که در این قیام جهانی پرچم پیروزی حق در همه کره زمین برافراشته شد، نوبت به برپایی حکومت عدل جهانی می رسد. (۴)

۱- . علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۴۲۵.

۲- . «فعندها یتلألؤ صبح الحقّ وینجلی ظلام الباطل»؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۴۸.

۳- . «یملّکهم الله مشارق الارض و مغاربها و یظهر الدین و یمیت الله عزّوجل به و باصحابه البدع و الباطل»؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۸۷.

۴- . به یاری خداوند در جلد بعد، به بررسی آن دوران نورانی خواهیم پرداخت.

خودآزمایی

۱. امدادهای غیبی به چه معناست و جایگاه آن در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

۲. آیات قرآن از امور فراوانی به عنوان امدادهای غیبی یاد کرده است؛ پنج نمونه را نام ببرید.

۳. بهره مندی از امدادهای غیبی نیازمند شرایطی است؛ آنها را نام برده دو نمونه را توضیح دهید.

۴. در باره امدادرسانی فرشتگان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام توضیح داده، گروه های آنها را نام ببرید.

۵. بخشی از ابزارهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیام جهانی میراث های پیامبران است، در این باره توضیح داده نمونه هایی را نام ببرید.

□□□

منابع برای پژوهش

۱. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ش.

۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ش.

۳. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ ش.

۴. کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۳ش.

۵. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۸ش.

ص: ۲۵۳

درس چهاردهم: آسیب شناسی عرصه های مهدویّت

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم و اهمیت آسیب شناسی مهدویّت

عوامل آسیب در مباحث مهدویّت:

۱. جعل و تحریف؛

۲. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم؛

۳. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف؛

۴. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی؛

۵. تفسیرهاو تطبیق های نادرست؛

۶. طرح مباحث غیرضروری.

پیش درآمد

اعتقـاد به آموزه مهـدویت از توانمنـدترین عوامـل پویایی، رشـد و بالنـدگی جامعه اسـلامی، در طول تاریـخ است که آن را از فروغلتیـدن در فسادها و تباهی ها حفظ می کنـد. سوگمنـدانه بایـد گفت: این باور در تاریـخ خود با اندیشه ها و برداشت های نادرست بسیاری رو به رو شده و رفته رفته به آسیب ها و آفت های جدّی، برای آن تبدیل شده است.

در عصـر کنونی که جامعه ما به شـکل روزافزونی، به این باور روی آورده است، ضـرورت شـناسایی این آسیب ها و آفت ها، بیش از هر زمان دیگر احساس می شود و لازم است ضمن ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت، این موضوع نیز مورد توجه جدّی قرار گیرد.

بی گمان در صورت توجه به آفت ها و رفع اختلال های مفهومی و مصـداقی وارد شـده در این حوزه، می توان از این فرهنگ به عنوان مؤثرترین و کارآمدترین ابزار برای حرکت در مسـیر حق بهره جست و با آن نسل حقیقت خواه را برای رسیدن به آن تحول بزرگ و جهـانی آماده ساخت. بنابراین مهم ترین گام برای فراهم کردن نگرش درست به مباحث مهـدوی ارائه آگاهی های بایسته و پرهیز از گمانه های نادرست است.

در این درس تلاش می شود به برخی از مهم ترین مانع ها و آسیب ها برای ترویج این فرهنگ حیات بخش اشاره نموده، علاقه مندان را به تامل و تفکر دعوت کنیم.

آسیب شناسی

اشاره

«آسیب»، چیزی است که سبب اختلال، ناهنجاری و تباهی در پدیده ها می شود و آسیب شناسی به معنای شناسایی این عوامل و اسباب است. باورداشت به مهدویت نیز همچون دیگر باورها هرگاه مورد نفهمی، کم فهمی و یا کج فهمی قرار گیرد و یا به صورت نادرست بیان شود، دچار مشکل شده، آسیب می بیند.

بنابراین منظور از آسیب شناسی مهدویت، این است که کج روی ها و کج اندیشی هایی که تاکنون در این اعتقاد فاخر وارد شده، مورد شناسایی قرار گیرد و حقیقت آن به دور از هرگونه پیرایه و بیراهه ارائه شود.

شناخت درست در مباحث مهدویت، به همان اندازه اهمیت دارد که آشنایی با آسیب ها و آفت ها؛ ضروری است. بی توجهی به مباحث انحرافی و آفت ها، می توانند معرفت به دست آمده را در مسیر نادرست قرار داده، مانع رسیدن به هدف مطلوب باشد. باغبانی که فقط به کاشت می پردازد و از آسیب ها و آفت ها غافل می ماند؛ بدون شک هنگام برداشت، محصول خوبی به دست نخواهد آورد. به هرحال آگاهی از آسیب ها و آفت ها می تواند زمینه ای باشد برای پیش گیری از آنها که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

من لم یعرف مضره الشر لم یقدر علی الامتناع منه؛ (۱) هرکس آفت شرّی را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست.

آموزه مهدویت امروزه بیش از گذشته با تهدیدهای بزرگ و جدّی روبه رو است که نه فقط

۱- . عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۶، ح۱۹۱۷.

از طرف مخالفان و دشـمنان و در قالب تهاجم تبلیغاتی برنامه ریزی شده بلکه از داخل نیز آگاهانه یا ناآگاهانه تفکر ارزشـمند مهدویت مورد هجوم قرار گرفته است.

اگرچه ممکن است، تهدیدهای داخلی از روی ناآگاهی و ساده لوحی یا عشق افراطی ارزیابی شود!! اما به هیچ وجه نمی توان پیامدهای ناگوار آنها را نادیده گرفت؛ چرا که این جریان حتی اگر ناخواسته و یا ناآگاهانه باشد، توسط دشمنان دامن زده می شود و آثار تخریبی فراوانی، بر پیکره این باور ارزشمند پدید می آورد.

گونه های آسیب

۱. جعل و تحریف

یکی از تلاش هـای دشـمنان در برابر یـک حقیقت، آلوده سـاختن آن به باطـل هـا است؛ از این رو آنان به هر مناسـبتی، برای غبارآلود کردن گوهر تابناك آموزه های دینی با بهره منـدی از همه ابزارهای ممکن، دست به جعل و تحریف می زننـد تا راه را بر انسان های ناآگاه مبهم سازند.

هم زمـان با حیات پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم به ویژه در دوران ده ساله مـدینه کسانی خواسـته یا ناخواسـته، گفتار او را تحریف می کردنـد و یـا نـاگفته ها و ناکرده هایی را بـدو نسـبت می دادنـد که به شـدّت از طرف آن حضـرت مورد توبیـخ و سرزنش واقع می شدند.

بعـد از عروج روح بلنـد آن «نفس مطمئنه» به بارگاه قرب الهی، نادیده گرفتن سـفارش های او در بزرگداشت اهل بیت علیهم السـلام و پیروی از آنـان و نیز بازداشـتن از نوشـتن و حتی نقـل احادیثش، تا قرنی راه را بر جعل، وضع، تحریف، و نیز، نقل به معنا و آفات دیگری بر حدیث باز نمود و ضربات جبران ناپذیری بر اعتبار سنت وارد

ساخت. (۱)

در این میان از جمله احادیثی که در این دوران به دلایلی مورد طمع جاعلین و واضعین روایات بوده، بحث مهدویت است.

روایات مربوط به «مهدویت»، به انگیزه های گوناگونی مورد هجوم قرار گرفته که برخی از این قرار است:

الف. انگیزه های سیاسی: از مهم ترین انگیزه های جعل و تحریف در این روایات، قدرت های سیاسی بوده اند.

که مهم ترین عرصه مورد هجوم آنان، ویژگی های موعود و نیز نشانه های ظهور است. بسیاری از حاکمان ستم پیشه با جعل روایت، خویش و یا منتسبان به خود را به بحث های مهدویت مرتبط می ساختند.

ب. انگیزه های فرقه ای و مذهبی: شواهد فراوانی در دست است که پیروان فرقه ها و مذاهب و نیز سردمداران آنان، برای تثبیت موقعیت و حقانیت باور خود، در مواردی دست به جعل احادیث و یا تحریف آن می زدند. مدعیان مهدویت، روشن ترین مصداق این انحراف است که به هر وسیله به دنبال تثبیت موقعیت خود بودند. از کیسانیه، باقریه، مغیریه، ناووسیه، اسماعیلیه، فطحیه واقفیه و زیدیه می توان به عنوان بارزترین مصداق این بخش اشاره کرد.

ج. انگیزه های قومی و قبیله ای: برخی از اقوام و قبیله ها بویژه فرودستان جامعه از اعتبار وجایگاه مهدویت در اعتبار بخشی به مردمان خود بهره می گرفتند؛ از این رو روایت هایی را جعل و یا تحریف کرده و به خود نسبت دادند.

این سه عامل با هم، یا به طور جداگانه، سبب پدید آمدن ادعاهای دروغین در عرصه مهدویت و یا نیابت شد.

۱- . ر.ک: داود معماری، مبانی و روش های نقد متن حدیث، ص۲۷ (با تصرف)

ماهیت اساسی مهدویت ناب، اگرچه به دلیل روشن بودن خصوصیات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هرگز اقتضای ادعاهای دروغین را ندارد؛ اما در طول تاریخ به سبب آسیب هایی که به متون روایی وارد شده، افراد فراوانی با بهره گیری از زمینه های موجود و نیز ناآگاهی مردم، ادعاهایی را مطرح کرده اند.

این ادعاهای دروغین، آموزه مهدویت را مورد تهدید جدّی قرار داده و به جهت سادگی یا ناآگاهی مخاطبان عده ای را جلب کرده است. (۱)

۲. ادعای مهدویت، نیابت و بابیت

از آسیب هایی که فرهنگ مهدویت را با مخاطراتی جدّی روبه رو کرده ادعای مهدی بودن است: این ادعاها با انگیزه های جاه طلبانه، وسوسه قدرت، شهرت و دنیا طلبی و... شکل گرفته و پیامدهای ناگواری برای جامعه اسلامی رقم زد مانند: گمراهی مردم، دوری از مسیر اهل بیت علیهم السلام، به بازی گرفته شدن دین و اختلافات دینی در اثر متابعت از فرقه های انحرافی، و... .

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا، با قطع شدن ارتباط رودرروی مردم با پیشوای معصوم، «نواب خاص» برای راهنمایی مردم، تلاش های ویژه ای را آغاز کردند. پیروان اهل بیت علیهم السلام رفته رفته، با این روش خو گرفته و کارهای خود را از راه «سفیران چهارگانه» انجام می دادند و این خود جایگاه بلندی را برای این سفیران رقم زد.

در این میان، افرادی سست ایمان و کژاندیش، برای رسیدن به اهداف دنیایی، به دروغ مدعی نیابت امام غایب شدند. البته این آسیب اختصاص به دوره های گذشته ندارد و امروزه نیز به گونه های متفاوت مطرح بوده و خسارت های بزرگی بر این فرهنگ وارد می سازد.

۱- . نک: نگارنده، درسنامه مهدویت، ج۲، درس دهم.

۳. وارد شدن برخی اسرائیلیات

بدون شک از بزرگ ترین آسیب هایی که آموزهای بلند اسلام را همواره به گونه ای جدّی تهدید کرده، ورود اسرائیلیات به روایات اسلامی است. مباحث مهدویت به جهت اهمیت و تأثیر آن در زندگی مسلمانان از طمع دشمنان اسلام به دور نماند؛ از این رو روایات اسرائیلی چندی این مجموعه را تهدید کرد.

در میان موضوعات مهدویت، «بحث نشانه ها»، عرصه این جولان و انحراف بوده است. اسناد بسیاری از این روایات، بویژه آنچه از منابع اهل سنت به منابع شیعه راه یافته ضعیف و غیرقابل اعتماد است. افزون بر آن از نظر دلالت نیز، هماهنگی و انسجام لازم، میان بسیاری از روایات دیده نمی شود و پاره ای از آنها در گذر زمان، دچار دگرگونی های فراوانی شده است.

مهم ترین سبب پدید آمدن آن، تلاش دشمنان و بدخواهان بویژه حاکمان ستمگر است که در پاسخ به علاقه مندی روزافزون مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای که در آینده پدید می آید، تغییراتی را در روایات به وجود آورده، در موارد فراوانی دست به جعل حدیث زده اند!! البته کم نبودند کسانی که بازار این انحراف ها را خواسته یا ناخواسته با نقل روایات و تدوین آثار، روز به روز گرم تر کردند. (۱)

برخی با آگاهی از اینکه این گونه اخبار، ساختگی و دروغ است با گردآوری این روایات خواسته اند اصل این روایات را از خطر نابودی حفظ کنند؛ (۲) اما در هر صورت، امروزه با

۱- . نک: سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضرا در ترازوی نقد (پژوهشی در علامات ظهور، بیان الائمه، خطبه البیان، جزیره خضرا)، ص ۴۱.

۲- . علاّمه مجلسی در ذیل روایت طولانی که در مورد نشانه های ظهور آورده، می نویسد: انّما اوردت هذا الخبر مع کونه مصحّفاً مغلوطاً وکون سنده منتهیاً الی شرّ خلق اللّه عمر بن سعد لعنه اللّه، لأشتماله علی الاخبار بالقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف لیعلم تواطؤ المخالف والمؤالف علیه صلوات اللّه)؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲۷.

روایاتی روبه روییم که دست کم، شماری از آنها، حاصل جعل و تحریف است.

۴. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم

متون خاص دینی، همچون علوم دیگر در بخشی نیازمند تفسیر آگاهان و کارشناسان آن علم است. همان گونه که پذیرفتنی نیست کسی با مراجعه به متن اصلی مباحث پزشکی، برای بیماری خود درمانی تجویز کند و از او خواسته می شود تا با مراجعه به پزشک به مداوا بپردازد؛ در حوزه مباحث دینی نیز وضع همین گونه است. غیر از مباحث عمومی، باید متن های علمی و تخصصی به اهل آن وانهاده و از تفسیر و توضیحات آنها استفاده شود. چه بسا شخصی بدون تخصص سراغ بهره مندی از روایات و یا آیات قرآن برود؛ ولی مفهوم مورد نظر را به دست نیاورد و یا دچار انحراف و سوء برداشت شود.

امروزه به رغم در دسترس بودن منابع روایی «مهدویت»، باید دانست که استفاده از آن ها بدون علم و آگاهی، ممکن است شخص را دچار مشکلاتی در زمینه فهم معارف مهدوی کند.

۵. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف

به همان میزان که مراجعه به منابع تخصصی بدون آگاهی های لازم، کار ناپسندی است، استفاده از منابع سست و غیر معتبر نیز آسیب زاست. اگرچه به روشنی نمی توان اعتبار مشخصی برای یک کتاب ارائه نمود، اما با قرائنی، می توان تا اندازه ای به اعتبار کتاب و توجه مؤلف به نقل روایات دست یافت. بخشی از منابع روایی موجود، به دلایلی دارای اعتبار لازم نیست و متأسفانه بعضی از کتاب ها بدون توجه به اعتبار این گونه روایات، آن ها را نقل کرده اند: به طور روشن می توان به کتاب

الفتن نعیم بن حماد اشاره کرد که به رغم ضعف بسیاری از روایات و نیز مؤلف، به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است.

اگر چه امروزه مهدویت ناب حاصل تلاش های بی وقفه بزرگان دین است؛ اما کم نبوده و نیستند کسانی که به دلیل هایی به تدوین و تألیف کتاب های بی ارزش یا کم ارزش اقدام نموده اند! از این رو می توان به روشنی بخشی از آسیب ها را معلول آثار بی اعتبار یا کم اعتبار دانست.

۶. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی

یکی دیگر از آسیب هایی که باور به مهدویت را به شدّت تهدید می کند، القای شبهه ها در این زمینه است؛ بویژه آنکه با پدید آمدن وسایل ارتباط جمعی سرعت انتشار آن ها بالا رفته است! یکی از راه های مبارزه با این آسیب، بهره مندی از ابزار یادشده، در جهت رشد و ارتقای آگاهی انسان هاست.

در آیات و روایات فراوانی همواره انسان ها به افزایش دانش و آگاهی توصیه شده اند، چرا که یکی از را ه های نفوذ دشمنان در اعتقادات انسان ها جهل و نادانی آنان است.

امروز دشمنان با استفاده از کاستی های علمی عموم مردم بویژه جوانان باور و اعتقاد آنان را نشانه رفته اند. از این رو لازم است در استحکام بخشی به بنیان های اعتقادی تلاشی درخور صورت گیرد که در این صورت شبهه ها و پرسش ها، هرگز خللی در اعتقادات ایجاد نخواهد کرد.

۷. تفسیرها و تطبیق های نادرست

اشاره

از جمله آسیب هایی که بیشتر بحث های مهدویت را تهدید کرده، تفسیرهایی است که توسط برخی گویندگان و نویسندگان ارائه می شود. اگرچه برخی شباهت ها بین برخی حوادث و روایات وجود دارد، اما تفسیر آنها بر این پیش گویی ها، نیازمند دلیل های محکم و استواری است. در

میان آسیب ها این عامل گستره بزرگی را به خود اختصاص داده است که به بعضی از آن ها اشاره می شود:

۱–۷. در موضوع انتظار

بحث «انتظار فرج» یک مقوله بسیار مهم در مهدویت است و این سبب شده تا برخی دوستان نا آگاه، و دشمنان آگاه بحث های انحرافی را در آن پدید آورند. دیدگاه های انحرافی در مورد انتظار که آثار اجتماعی مخربی نیز در پی دارند بیشتر مشتمل بر موارد زیر است:

الف. برخی انتظار را در دعا برای فرج، امر به معروف و نهی از منکر جزئی، منحصر دانسته و بیشتر از آن، وظیفه ای برای خویش قائل نیستند.

ب. گروهی معتقدند: در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی آید و تکلیفی بر دوش ندارند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود، هنگام ظهور کارها را سامان می دهد!!

ج. گروه سوم پنداشته اند: جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری به فساد آن نباید داشت تا زمینه ظهور که دنیایی پر از ظلم و فساد است فراهم آید:

د. چهارمین گروه، گامی فراتر نهاده، می پندارند؛ نه فقط نباید جلوی فسادها و گناهان را گرفت؛ بلکه بایستی به آنها دامن زد تا زمینه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چه بیشتر فراهم شود:

ه . گروهی نیز هر حکومتی را به هر شکل، باطل و برخلاف اسلام دانسته و معتقدند: هر کاری برای برپایی حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات است:

تقویت دیدگاه انتظار به معنای فراهم آوردن زمینه های ظهور، ظلم ستیزی به مقدار توان و آمادگی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سهم مهمی در رفع این آسیب دارد.

۲-۷. موضوع ملاقات

یکی از آفت های مهمی که در عموم علاقه مندان به نسبت های متفاوت، آسیب ایجاد می کند، بحث ملاقات گرایی افراطی است. (۱) از پیامدهای ناگوار این آفت، پدید آمدن مدعیانی است که بی دلیل یا به ساده ترین اتفاق، ادعای ملاقات می کنند یا کسانی که تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می پندارند و از دیگر وظایف اساسی غافل شده و افراد را فقط به این عمل، به عنوان برترین وظیفه، فرا می خوانند!

امروزه کم نیست محافل و مجالسی که تمام وقت خویش را صرف نقل این حکایت ها می کنند و از بحث های اساسی و بنیادین اندیشه مهدویت غفلت می ورزند.

کمترین پیامد این آسیب، یأس و ناامیدی در اثر عدم توفیق دیدار، توّهم گرایی و خیال پردازی، رویکرد به شیّادان و مدّعیان مهدویت، نیابت و مدّعیان ملاقات، دور ماندن از انجام وظایف اصلی، به دلیل اهتمام بیش از اندازه و غیر متعادل به دیدار و بدبینی به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به علت عدم دیدار، است.

سوگمندانه باید گفت: پرداختن افراطی به بحث ملاقات و تشرّفات باعث شده در ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کتاب هایی نوشته شده و رواج فوق العاده ای یابد! این مجموعه ها پُر است از حکایت ها و داستان ها و مطالبی که بسیاری از آنها نادرست و برخاسته از تصورات و خیال بافی های نویسندگان آن هاست! و در برخی، شمه ای از حقیقت وجود دارد.

رواج این گونه کتاب ها و حکایت ها، باعث شده که در برخی از مناطق کشور، شاهد به وجود آمدن جریان های انحرافی و حوادث و اتفاقات نابخردانه و عوام فریبانه و خرافی باشیم. البته از این رهگذر برخی به خواسته های

۱- . ما در جلد دوم یک درس را به بحث ملاقات اختصاص دادیم علاقه مندان رجوع فرمایند.

نفسانی خود دست یافته، افزون بر بهره های ناپایدار دنیایی، به شهرت هایی نیز می رسند. این آسیب جوّی را پدید می آورد که اهل تعقّل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می کند و زمینه انحراف های فکری را فراهم می آورد! به دنبال آن مخالفان تشیع، امکان رشد و گسترش می یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام زدگان به نام تشیع ثبت و به دیگران انتقال می یابد و یک عقیده ای که در اصل آن، تمام فرقه های اسلامی توافق دارند، به گونه ای مطرح شود که با اسلام واقعی، فرسنگ ها فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیش وران اسلامی و درست اندیشان و مصلحان، تنگ می کند. (۱)

نباید فراموش کنیم کم نبودند کسانی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم السلام، به دیدار آن بزرگواران نائل می شدند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات ها نمی بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می شدند.

برای دوری از این آسیب ها، بایسته است افرادی که عهده دار انتقال این آگاهی ها هستند؛ از شایستگی های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی برخوردار باشند تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی، صحیح و سنجیده، نگرش و یا طرز تلقی افراد جامعه را نسبت به مباحث مهدویت، در جهت مثبت تغییر دهند و این مهم ترین و مؤثرترین گام برای نهادینه سازی فرهنگ مهدویت است.

۳-۷. انتساب بی اساس برخی زمان ها و مکان ها به حضرت

برخی از مکان ها و زمان ها به نوعی مرتبط یا منتسب به آن امام همام است و دلدادگان به آن حضرت به نوعی اهتمام بدان ها دارند. این خود سبب شده تا برخی از افراد سودجو، بدون دلیل و استناد قطعی، برخی مکان ها را به آن حضرت مرتبط سازند و در پرتو آن به مطامع دنیوی

۱- . ر.ک: جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۵ ۳۴.

خود دست یابند: از این رو بر علما و دانشمندان است تا با روشنگری از انتساب های بدون دلیل مکان ها و یا زمان ها به آن امام غایب پیش گیری کرده، مردم را از شیطنت منحرفان دور سازند.

۴-۷. شرایط ظهور

در روایاتی چند مهم ترین ویژگی آستانه ظهور، سرشار شدن زمین از ستم و فساد دانسته شده است. برخی پنداشته اند: این وضعیت از «شرایط ظهور» است؛ از این رو بر این گمانند که می بایست برای تسریع در امر ظهور در فراهم آمدن این شرط سهمی داشت!! که انگاره خود با همه آموزه های دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر در تعارض جدّی است.

برخی دیگر پنداشته اند: این وضع از نشانه های ظهور است و در برابر آن، ما هیچ وظیفه ای نداریم. با بررسی در روایات مربوط به نشانه ها، هرگز حدیثی به این نکته اشاره نکرده و نشانه ها به طور مشخص در روایات ذکر شده است.

پیام های زیانبار این دیدگاه، تعطیلی امر به معروف و نهی از منکر و نامشروع بودن حکومت اسلامی در عصر غیبت است که چیزی جز خواسته های دشمنان دین خدا نیست!

۵-۷. قیام های پیش از ظهور

برخی افراد از ظاهر چند روایت اینگونه برداشت کرده اند که هر قیامی پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محکوم به شکست و از نظر امامان معصوم علیهم السلام مردود است!

در پاسخ باید گفت: که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه حدود و قصاص و نیز جهاد با دشمنان و مبارزه فراگیر با فساد، جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست؛ بنابراین تلاش برای برقراری نظام اسلامی، کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات؛ یعنی شرکت در قیام های باطل که

انگیزه الهی ندارد و یا قیام هایی که بدون توجه به شرایط و زمینه های لازم انجام می گیرد و یا حرکت هایی که به عنوان قیام مهدوی شروع می گردد؛ نه اینکه هر انقلاب و حرکتی که در مسیر اصلاح جامعه است، مردود شمرده شود.

تلاش در جهت تقویت علم و بصیرت در بین افراد جامعه، می تواند در مقابل کج اندیشی ها و برداشت های غلط از مفاهیم دینی، نقش اصلاحی بسزایی داشته باشد.

۶-۷. نشانه های ظهور

بحث نشانه ها به دلیل جذّاب بودن و اینکه به نوعی پیش گویی از حوادث آینده است، همواره مورد توجه علاقه مندان بوده است؛ به همین دلیل همواره مورد طمع شیادان و بهره گیری نادرست ساده لوحان بوده است. اگر چه برخی با انگیزه های خوبی، به تطبیق بعضی از حوادث بر نشانه ها پرداخته اند، اما از پیامد های ناگوار آن مثل ایجاد امید های کاذب به نزدیک بودن ظهور و ... غافل هستند.

ریشه این آسیب را می توان در عواملی چون پندارهای نادرست، دخالت افراد غیر متخصص در مطالب فنّی و تخصصی و عدم روشنگری کافی توسط علما و نداشتن عکس العمل مناسب در مقابل مدّعیان، جست وجو کرد.

در محل خود ثابت شد که نشانه های قابل قبول، فقط نشانه های حتمی ظهور است؛ آن هم همزمان و پس از ظهور و بعضی از اموری که به عنوان نشانه مطرح می شود در روایات قابل قبول ارتباطی با ظهور ندارد.

بنابراین به روشنی می توان گفت تا کنون هیچ یک از نشانه های ظهور رخ نداده و تطبیق برخی از حوادث بر نشانه ها، غیر قابل قبول است. (۱)

به عنوان مثال در بحث نشانه های ظهور، حوادث بزرگی چون انقلاب اسلامی ایران، جنگ هشت

۱- . به بحث نشانه ها در همین کتاب مراجعه فرمایید.

ساله میان عراق و ایران، برخی حوادث اخیر در جهان غرب و مانند آن، اگر چه می تواند به نوعی در ارتباط با ظهور تفسیر شود؛ اما انطباق آن به طور دقیق با برخی روایات، کاری بس مشکل می نماید.

مثال دیگر اینکه یکی از نویسندگان پس از ذکر روایاتی در باره سفیانی می نویسد: با نقل روایات یاد شده به این نتیجه می رسیم که احتمال وجود دو سفیانی بعید نیست که نخستین سفیانی همان گونه که در برخی از روایات به وجود حرف (شین)در نام او اشاره شده همان (میشل افلق) رئیس حزب بعث (افلقی) عراق باشد و اگر نام او با صراحت در اخبار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیامده، به خاطر پستی و حقارت او بوده است. البته روش اهل بیت علیهم السلام پیوسته چنین است که معمولا کمتر کسی را به اسم یاد می کرده اند. (۱)

۷-۷. وقت گذاری برای ظهور

از آسیب های فرهنگ مهدویت تعیین زمان برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در سخنان معصومان علیهم السلام نه فقط از این کار نهی شده، بلکه تعیین کنندکان وقت از دروغ گویان شمرده شده و دستور تکذیب آنها صادر شده است؛ چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر بندگان مخفی بماند.

این تعیین وقت به گونه های مختلفی فرض و مثلا گفته می شود: «در فلان روز از فلان ماه از فلان سال؛ یا اینکه بگوید پیش از رسیدن فلان سال» و یا مثلا «جوان ها به طور قطع ظهور را درک می کنند» و ... متوسط عمر یک انسان اندازه ای دارد و وقتی گفته می شود: فلان سنین به طور حتم خواهند دید، یعنی ظهور کمتر از سال متوسط عمر آنهاست. اینها و مانند آن همه

۱- . سید اسدالله هاشمی شهیدی، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۵۸؛ و نیز نک: کورانی، علی، عصر ظهور؛ و ....

تعیین وقت ظهور بوده که در روایات از آنها نهی شده است.

از پیامدهای ناگوار این آسیب، ایجاد ناامیدی پس از انقضای زمان مشخص است. بسیاری نابخردانه با تعیین زمان ظهور، امیدهای کاذبی را پدید آورده و پس از رسیدن زمان مورد نظر با تحقق نیافتن ظهور مشکلاتی ایجاد کرده اند! البته برخی نیز با مطرح کردن بحث «بدا» خواسته اند توجیهی دست وپا کنند که این خود آسیب دوباره ای شده است!

۸–۷. شتاب زدگی در امر ظهور

از آسیب های دیگر، عجله و شتاب برای تحقق ظهور است که در روایات مورد نکوهش واقع شده است. شاید یکی از دلیل های نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور، آن است که به دنبال عجله، یأس و نومیدی در انسانِ منتظر، پدید می آید؛ آرامش و شکیبایی را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت اعتراض و شکایت تبدیل و از تأخیر ظهور بی قرار می شود و گاهی به انکار امام، می رسد!!

روشنگری اندیشمندان نسبت به عواقب تعجیل و نیز بیان آثار صبر و تسلیم و رضا، می تواند بخشی از این آسیب را از بین ببرد. همچنین، تذکر به این نکته مهم که انجام وظیفه و حرکت در این مسیر و شناخت امام و راه و مرام او است می تواند تا حدودی در درمان این آفت مؤثر باشد.

۹–۷. روش نظامی حضرت

چگونگی برخورد حضرت مهدی علیه السلام با ستمگران و نابودی آن ها به گونه های مختلف در روایات ذکر و تحلیل هایی در این باره ارائه شده است.

در بعضی از آنها سخن از کشتارهای بسیار بزرگ و در برخی نیز تنظیم امور بدون کمترین خشونت و خون ریزی مطرح شده است. بی گمان هردو دسته روایت و به دنبال آن تحلیل های ارائه شده، آسیب های خطرناکی را به این فرهنگ

ارزشمند زده است.

معرفی حضرت به عنوان چهره ای خشونت طلب و خونریز، با روح آیات و رسالت پیامبران و اوصیا سازگاری ندارد و بر خلاف تصوّر این افراد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا همگان را با بیان روشن و دلایل آشکار، به اسلام و قرآن می خواند و بیشتر مردم دعوت آن حضرت را پاسخ می دهند و به او می پیوندند. بنابراین امام علیه السلام فقط با مخالفان سرسخت و دشمنان که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می زنند و جز زبان شمشیر نمی فهمند با سلاح برخورد می کند.

این دسته روایات که برخی دارای ضعف سند هستند دارای پیامدهایی همچون ایجاد دلزدگی و نفرت نسبت به امام، ترس و خوف از حضرت و عدم پذیرش امام به عنوان پدری مهربان و ناامیدی از انجام اعمال صالح به جهت ترس از عدم پذیرش توسط امام و ... می باشد.

۸. طرح مباحث غیرضروری

از دیگر آسیب ها در عرصه مهدویت، کشاندن مباحث غیر ضروری و غیر مناسب برای مخاطبان است؛ محل زندگی حضرت، ازدواج، همسر، تعداد همسران، تعداد فرزندان و... از مباحثی هستند که اذهان افراد را به خود مشغول ساخته و از مباحث مهمی چون معرفت امام، وظیفه ما نسبت به امام، تبیین و ترسیم استراتژی آینده و ارائه آن برای زمینه سازی و فراهم آوردن شرایط ظهور و... باز داشته است.

یک خطیب یا نویسنده چیره و زبردست باید با شناخت مخاطب، بحث مناسبی ارائه نموده، از بحث های غیر ضروری بپرهیزد. بی گمان در فرهنگ ناب مهدوی، معارف فراوانی وجود دارد که پرداختن به آنها یک ضرورت شمرده می شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و

برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت بسیار مهم است.

از پیامدهای ناگوار این آسیب، محصور کردن بحث مهدویت در چهارچوب تنگ مباحث سطحی و گاهی بی فایده، بازماندن از مباحث کاربردی و ضروری و بستر سازی برای ورود خرافات و سخنان بی دلیل و غیر مستند است. پس با طرح مباحث ضروری و بنیادین و قابل استفاده برای عموم مخاطبان، می توان ظرفیت های ناشناخته این بحث را در معرض استفاده جهانیان قرار داد.

نتیجه اینکه در انتقال پیام های مهدوی همچون همه آموزه های دینی نیاز به کارشناسان آگاه است و این امر مهم با مطالعه دقیق و مستمر در منابع معتبر حاصل می شود.

خودآزمایی

۱. چرا امروزه آسیب شناسی مباحث مهدویّت از اهمیت ویژه ای برخوردار است؟

۲. یکی از آسیب های مهم در مهدویت، مسئله جعل و تحریف است آن را توضیح داده، دو انگیزه را در این زمینه بنویسید.

۳. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم چگونه می تواندآسیب زا باشد؟ توضیح دهید.

۴. در باره آسیب تفسیرها و تطبیق های نادرست توضیح داده، آن را در بحث انتظار بیان نمایید.

۵. مهم ترین آسیب هایی که ممکن است بحث نشانه های ظهور را تهدید کند کدامند؟

□□□

منابع برای پژوهش

۱. باقری، خسرو، «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، فصلنامه انتظار، شمارگان ۱و۲، مرکز تخصصی مهدویت، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ش.

۲. معین الاسلام، مریم، «چشم اندازی به برخی از آسیب های تربیتی مهدویت»، فصلنامه انتظار، شمارگان ۱۱ و ۱۲، مرکز تخصصی مهدویت، بهار و تابستان، ۱۳۸۳ش.

۳. جعفری، محمد صابر، «اندیشه مهدویت و آسیب ها»، فصلنامه انتظار، ش ۱۵، مرکز تخصصی مهدویت، بهار ۱۳۸۴ش.

۴. داود پور، مرتضی، «بسترها و پیامدهای اجتماعی خرافات در مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۳، پژوهشکده مهدویت، پاییز ۱۳۸۶ش.

۵. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم۱۳۷۲ش.

درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویّت(۳)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ موجود موعود، اثر: آیت الله عبدالله جوادی آملی

۲. تاریخ پس از ظهور، اثر: آیت الله سید محمد صدر

۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اثر: سید اسدالله هاشمی شهیدی

۴. در انتظار ققنوس، اثر: سید ثامر هاشم العمیدی

۵. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان، اثر: سید اسدالله هاشمی شهیدی

۶. ظهور نور، اثر: علی سعادت پرور

۷. تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، اثر: مصطفی صادقی

۸. چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اثر: جمعی از نویسندگان

۹. مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اثر: محمد جواد خراسانی

۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن(الملاحم و الفتن)، اثر: سید بن طاوس

پیش درآمد

گرایش روزافزون به مطالعات اسلامی و گسترش ژرف نگری در اندیشه های دینی در دهه های تازه و نیز توجه فزاینده عموم مسلمانان به ویژه نسل جوان به مباحث مهدویت، زمینه بررسی های گوناگون و عرصه های متفاوتی را در سلسله بحث های مهدوی فراهم آورده است.

از سوی دیگر، بهره گیری های نابه جا و نادرست کژاندیشان از این بستر فراهم شده و ارائه برخی آثار سست و بی اساس که منجر به گسترش خرافه گرایی و رواج سطحی نگری شده اهمیت آشنایی با منابع مطالعاتی درست، علمی و محکم را امری اجتناب ناپذیر ساخته است.

یکی از راه هایی که می تواند به علاقه مندان این عرصه در آشنایی با منابع معتبر، کمک نماید، معرفی آنها در این زمینه است. کتاب هایی که دارای محتوایی استوار و قابل پذیرش هستند یا دست کم بیشتر مطالب آن، از استحکام لازم برخوردارند؛ بنابراین مناسب دیدیم در یک درس همچون دو جلد پیشین به برخی از کتاب هایی از این

دست اشاره کنیم. (۱)

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ موجود موعود

این کتاب در برگیرنـده مجموعه مباحث، گفتارها و نوشـته هایی از آیت الله عبـدالله جوادی آملی است که در سه بخش تنظیم شده و حاوی این مطالب است:

بخش یکم: امام شناسی

این بخش در سه فصل تنظیم شده، که عبارت است از:

فصل ۱. امامت عام

در این فصل به موضوعاتی همچون: چهره فقاهتی امامت، امامت و نصب در نگاه امام رضا علیه السلام، برهان مهدوی بر عدم تعیین امـام به دست مردم، حیـات معقول ثمره معرفت به امـام علیه السـلام، معیـار زنـدگی جاهلانـه، حیـات و مرگ جاهلی در فرهنـگ وحی، حیـات انسان از دیـدگاه قرآن، مراتب و نشانه های حیات عقلی، توقف شـناخت امامت بر نبوت و فهم نبوت بر ادراک توحید، معرفت امام، بهترین راه مسلمان مردن، مفهوم واقعی معرفت امام و... پرداخته است.

فصل ۲. امامت خاص

از بحث هـای این فصـل می توان به موارد زیر اشاره کرد: اسـتمرار ولایت از ابراهیم علیه السـلام تا امام زمان علیه السـلام، نیل همه فرزنـدان صالح ابراهیم علیه السـلام به امامت، بشارت ائمه علیهم السـلام به وجود مبارک ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ظهور کلمه طیبه شـجره مبـارک مهـدوی، نیمه شـعبان شب قـدر اهل بیت علیهم السـلام، راز همتایی شب میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف با شب قدر، عید میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، راه معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، والاترین راه شـناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قرآن و عترت یک حقیقت و دو ظهور و...

۱- . لازم به یـادآوری است معرفی این کتـاب هـا بـدان سـبب است که در مقـایسه بـا کتـاب های دیگر، به دلایلی بیشتر قابل استفاده هستند.

ص: ۲۷۶

فصل ۳. مهدویت شخصی

در این فصل با اشاره به باور پیروان اهل البیت علیهم السلام در موجود بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به نقد دیدگاه مخالفان پرداخته است.

بخش دوم: انتظار

این بخش در چهار فصل بدین قرار سامان یافته است:

فصل ۱. شعاع آفتاب

در این فصل به موضوعات مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اسرار آن و نیز چگونگی بهره بردن از امام غایب و موضوعات مرتبط اشاره شده است.

فصل ۲. حقیقت انتظار

انتظار فرج، انتظار در مکتب اهل بیت علیهم السلام، شرایط تحقق حقیقت انتظار، بهترین راه برترین انتظار... برخی از موضوعات این فصل است.

فصل ۳. منتظر

برتری انتظار فرهیختگان، مراحل کمالی منتظران، رهیدن منتظران از ناامیدی، فضایل منتظران....

فصل ۴. انتظار، ابعاد و تکالیف

که در آن آثار انتظار، تکالیف منتظران، ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ضرورت و چگونگی آن، وظایف شخصی منتظران، وظایف گروه ها بحث و بررسی شده است.

بخش سوم: از ظهور تا مدینه فاضله مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این بخش در دو فصل شکل گرفته است:

فصل ۱. ... تاظهور آفتاب

که در آن ضرورت ظهور، آثار عمومی ظهور، گاه قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیمای عمومی عصر ظهور، برخی رخدادهای هنگام ظهور مورد بحث قرار گرفته است.

که به بحث هـایی چون: روزهـای خوش فرج، از ظهور تـا پیروزی، بهار دل انگیز قلوب، هنـدسه مـدینه مهـدوی، ویژگی های آرمانشهر مهدوی، کمال عقل نظری و عملی در حکومت مهدوی، جلوه

بی نظیر دینداری در حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه شده است.

.........U I ....

ص: ۲۷۸

۲. تاریخ پس از ظهور

تاریخ پس از ظهور ترجمه کتاب «تاریخ مابعدالظهور» عنوان کتابی است که آیت الله سید محمد صدر آن را تالیف کرده و حسن سجادی پور به فارسی برگردانده است.

این اثر که سومین مجموعه از یک رشته پژوهش هایی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان کلی موسوعه الامام المهدی است، به پدیده هایی که پس از ظهور رخ می دهد، به گونه ای مفصل و با بهره مندی از روایات و سخنان بزرگان پرداخته است.

این اثر در سه بخش کلی شکل گرفته است:

بخش اول آن با عنوان «نشانه ها و مقدمات ظهور» در دو گفتار سامان گرفته است:

۱. مبانی کلی ظهور،

۲. حوادث نزدیک به ظهور،

البته هر یک از گفتارهای یاد شده دربردارنده فصل های مهمی است. بخش دوم با عنوان «حوادث دوران ظهور و برپایی دولت جهانی امام علیه السلام تا وفات آن حضرت»، در ضمن گفتارهایی به موضوعات مربوط پرداخته است:

۱. معنای ظهور؛

۲. فتح عادلانه جهان؛

۳. دولت جهانی مهدوی؛

۴. پایان زندگی امام مهدی علیه السلام

در بخش سوم با عنوان جهان پس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این بحث پرداخته که، سرانجام زندگی بر روی این کره خاکی پس از رحلت آن امام همام چگونه خواهد بود؟

این مسئله در دو گفتار با عنوان: ویژگی های دولت و جامعه و برپایی قیامت در زمان انسان ها تبه کار و شرور بحث را به پایان برده است.

از مهـم تریـن بحـث هـای این بخش بحث رجعت و رجعت کننـدگان است. نکته تأمـل برانگیز در این کتـاب همـان گـونه که مترجم نیز بدان اشاره کرده دیدگاه های مؤلف است که در برخی زمینه ها نیازمند دقت و توجه خاص است.

ایشـان در برخی مسائـل همچـون: معجزه، رجعت و حکـومت اولیـای صالـح دارای دیـدگاه خاصـی است که بر خواننـده فهیم پوشیده نیست. همچنین در برخی مواضع کتاب از تأثیر غیبت در تکامل رهبری امام علیه السـلام و تجربه تاریخی ایشان سـخن رفته است که جداً محل تأمل است، زیرا حضـرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به مدد الهی حکومت برپا می کند، لذا در افقی والاـ و برتر از انسـان هـای عـادی به مسائـل می نگرد و ولایت او که جلوه ولایت الهی است، نسـبتی با تجربه تاریخی ندارد.

.........U I ....

۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این کتاب اثر سید اسدالله هاشمی شهیدی است که در پنج بخش تنظیم شده است:

بخش اول: علائم ظهور

در این بخش پس از ذکر برخی دیـدگاه هـای دانشـمندان شـیعه در باره علایم ظهور، به اقسام آنها اشاره است و پس از آن به تفصیل در باره نشانه های حتمی ظهور پرداخته است.

در بخش دوم با عنوان چنـد نکته اساسـی، به پاره ای از ابهام ها در باره نشانه ها اشاره و به برخی پرسـش ها پاسـخ داده است. در این بخش به روایات مربوط به زمینه سازی ایرانیان و پرچم های از خراسان به طور مفصل پرداخته است.

بخش سوم کتاب نیز در باره نهضت سید حسنی و خراسانی است؛ شاید در نگاه نویسنده این بحث دارای جایگاه ویژه ای بوده که آن را به گونه ای جداگانه مورد بررسی قرار داده است.

بخش چهارم کتاب نیز با عنوان رهبری نهضت، بحث بخش سوم را دنبال کرده و در آن رهبری نهضت های مشرق زمین در آستانه ظهور مورد بررسی قرار گرفته است.

سرانجام در بخش پنجم، کتاب را با موضوع عوامل پیروزی به پایان رسانده است. وی در این بخش با اشاره به عواملی که دست به هم داده ایرانیان را بر سپاه سفیانی چیره می کند، به سه عنصر اساسی شایستگی رهبر، لیاقت فرمانده و نیروی مردمی اشاره کرده است.

از آنجایی که بخش چشمگیری از این کتاب در باره حوادث آینده و نشانه های ظهور است، نیازمند دقت و تأمل افزون تری است. چه اینکه در محل خود گفته شد در بحث نشانه ها، در کنار روایات صحیح و مورد قبول، روایات ضعیف نیز فراوان وجود دارد.

.........U I ....

۴. در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری)

در انتظار ققنوس، به وسیله سید ثامر هاشم العمیدی تألیف و به دست مهدی علیزاده ترجمه شده است. در این کتاب، محور اصلی پژوهش «شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و مباحث تاریخی، کلامی و حدیثی مربوط به او است.

مؤلف علاوه بر تکیه بر آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام، از معارف بلند اسلامی به ویژه شیعی بهره های وافری برده است. شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به آن حضرت و فواید و آثار این اعتقاد، تحریفات حدیثی تاریخی در این زمینه و برنامه ریزی دشمنان علیه اعتقاد به مهدویّت، از دیگر موضوعاتی

است که مؤلف به آن پرداخته است.

علاوه بر آن وی بـا اسـتفاده از روش توصـیفی و تحلیلی، اعتقـادات تـاریخی و کلامی به وجود و ظهور حضـرت مهـدی علیه السلام را در این مجموعه به خوبی گرد آورده است.

برخی از سرفصل های کتاب از این قرار است:

در بخش اوّل با عنوان موعود شناسی به مقدمه مؤلف اشاره کرده تعلیقاتی بر آن زده و دارای فصل های زیر است:

۱. سیمای موعود در آیینه ثقلین،

۲. مهدی شناخت،

۳. لغزشگاه های مهدی پژوهی،

۴. جستاری در باب مهدویّت و خردپذیری.

بخش دوم با عنوان «مهدی باوری» دارای هفت فصل با عناوین ذیل است:

۱. مهدی باوری و ضرورت تعمیق پیوندهای عاطفی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۲. مهدی باوری و امنیت روانی،

۳. کالبد شکافی انتظار،

۴. بعثت انبیاء و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۵. شیعه، قافله سالار کاروان انتظار،

۶. توطئه های استکبار جهانی علیه مهدی باوری،

۷. مهر نهان در سپهر ادب.

.........U I ....

۵. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان

این کتاب نوشتار تاریخی عقیدتی، در ظهور مهدی موعود علیه السلام به زبان فارسی، اثر سید اسدالله هاشمی شهیدی از محققان معاصر است. مؤلف پس از پیش گفتار کوتاه، اثر خویش را در دوازده بخش سامان داده است:

۱. در مسئله مهدویت و اصالت

آن و اندیشه های انکار ظهور حضرت مهدی علیه السلام و سپس نظر صحابه و تابعین و سایر مذاهب غیراسلامی (مانند یهود، نصارا، اقوام و ادیان دیگر).

۲. مهدی موعود از دیدگاه اسلام، سپس تشیع و اهل سنّت و تعداد روایات و ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام،

۳. شناخت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۴. اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی و بیان مخالفان (مانند ابن حزم اندلسی و خطیب بغدادی و ابن کثیر دمشقی)،

۵. گفتار دانشمندان اهل سنت (مانند ابن ابی ثلج بغدادی، بیهقی شافعی، محی الدین عربی، ابن خلکان، قاضی جواد ساباطی حنفی و...)،

۶. گفتار مستشرقان و مدعیان مهدویت و سوء استفاده از عنوان مهدی موعود،

۷. در مورد انتظار در قرآن و روایات و اهمیت آن،

۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نویدهای ظهورش در قرآن مجید،

۹. نویدهای ظهور در کتاب های مقدس ادیان دیگر (مانند تورات، انجیل و سایر کتب مقدس ادیان دیگر)،

۱۰. دین آینده جهان و خاتمیت قرآن در روایات و اینکه قرآن خاتم کتب آسمانی است،

۱۱. یأس و ناامیدی، گسترش فساد اخلاقی، اختراع سلاح های مرگ بار، اعتراف دانشمندان و نقل گفته های دانشمندان غربی مبنی بر لزوم حکومت جهانی،

۱۲. برخی از ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، وقت ظهور، مدت حکومت حقه ایشان،

مؤلف تسلط خوبی نسبت به اخبار و احادیث سنی و شیعه و کتاب های جدید و آرای معاصران اعم از مسلمین و مستشرقین و هندوها و... دارد. لذا این کتاب در نوع خود مفید و جامع است.

..........U I ....

۶. ظهور نور

کتاب ظهور نور ترجمه «الشُّمُوسُ المضیئه»، اثر علی سعادت پرور است که به قلم سید محمدجواد وزیری فرد، به فارسی بازگردان شده است.

در این اثر مؤلف به شیوه گزارشی، تاریخ زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسئله رجعت را مورد بررسی قرار داده است. وی ابتدا با ارائه سیمایی کلی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به ذکر ویژگی ها، خصلت ها، شمایل، حالات و علم آن حضرت در کودکی، روایات مربوط به امامت آن حضرت و علت مخفی بودن ولادت ایشان، منکران مهدی و علت انکار آنها، فضیلت انتظار فرج در زمان غیبت و برخی مسائل دیگر از هنگام ولادت تا غیبت صغرا می پردازد.

سپس به بررسی روایات مربوط به غیبت صغرا و کبرا تا زمان ظهور آن حضرت و مسائلی چون نیابت خاص، فلسفه و علل غیبت و طولانی شدن آن، اوضاع و وظایف شیعه در عصر غیبت و چگونگی دیدار با ایشان در غیبت کبرا همت می گمارد.

آن گاه نشانه ها، وقایع و اوضاع زمین و آسمان در هنگام ظهور، حوادث ایام حکومت و چگونگی عمر و رحلت آن حضرت را با استفاده از روایات بررسی کرده، به برخی پرسش ها در این زمینه پاسخ می دهد. در پایان، با اشاره به تخلف ناپذیر بودن رجعت، علت، چگونگی، دفعات و رخدادهای زمان آن را بررسی می کند.

.........U I ....

۷. تحلیل تاریخی نشانه های ظهور

«تحلیل تاریخی نشانه های ظهور» رویکردی جدید و نگاهی نو به علائم و نشانه های ظهور دارد که توسط مصطفی صادقی از پژوهشگران تاریخ تدوین شده است.

این کتاب کندوکاوی در باب نشانه های تاریخی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از آنجایی که این موضوع به صورت زنده و آشکار، با باورهای عمومی مردم ارتباط دارد، توجه و بررسی آن ضروری به نظر می رسد.

اما در مورد نگرش جدید و متفاوت این تألیف باید گفت: نشانه های ظهور که از قدیم موضوعی جذاب بوده تاکنون به گونه ای تحقیقی آن هم با نگاهی تاریخی بررسی و تحلیل نشده است و همه کسانی که در این موضوع قلم زده اند، از این نوع نگاه غفلت و به نقل و ترجمه احادیث اکتفا کرده اند. مراجعه به ده ها کتاب درباره نشانه های ظهور نشان می دهد که متأسفانه بیشتر نویسندگان جدید، روایات منابع گذشته را تکرار کرده و با آنها محققانه و تحلیلی برخورد نکرده اند. بیشتر این کتاب ها درصدد قانع کردن موقت مخاطب خود هستند؛ مخاطبی که در آن قسمت خاص از کتاب، فقط انتظار بیان نشانه ها را دارد. از این رو، جای بررسی همه اخبار درباره یک نشانه، ارتباط آن با نشانه های دیگر، بحث از صحّت و سقم احادیث و تحلیل و نقد منابع آنها بسیار خالی است. کتاب یاد شده در صدد است تا با تکیه بر گزارش های تاریخی بررسی کند که آن حوادث تاریخی که تصور می شود نشانه های ظهور بوده و واقع شده اند چه ارتباطی با ظهور دارند و آیا اینها حقیقتاً علامت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؛ در حالی که صدها سال از وقوع آنها گذشته است و یا پیش گویی پیامبر و ائمه علیهم السلام

درباره آینده می باشند.

این کتاب با دقت نظر بحث هایی را دنبال کرده که حاصل آن در دو فصل سامان یافته است. در فصل نخست در ضمن هفت گفتار به کلیّات بحث اشاره کرده است. بررسی منابع، راویان، واژه نشانه، تاریخچه، اندیشه مهدویت غیبت و انتظار در فرق اسلامی، مروری بر نشانه های ظهور و آمیختگی «نشانه های ظهور» و «اشراط الساعه»، گفتارهای هفت گانه فصل نخست این کتاب هستند.

وی در فصل دوم با عنوان نشانه های تاریخی ظهور، به بررسی رایات سود (پرچم های سیاه)، قتل نفس زکیه، سفیانی، طلوع خورشید از مغرب، (۱) قیام خراسانی و ظهور حسنی، در شش گفتار پرداخته است.

.........U I ....

۸. چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این کتاب با نظر به آیات و روایات، به بررسی تحلیلی مباحث مهدویت می پردازد و شامل ده سرفصل است. نخستین فصل اولین آن به رسالت حوزه های علوم دینی نسبت به مهدویت اشاره کرده و این رسالت را در سه حیطه ائتمام و اقتدا، وراثت و نیابت تعریف می کند.

قسمت دوم به ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت نظر دارد و به نقل دو دیدگاه متناقض مبنی بر عدم امکان ارتباط و دیگری امکان ارتباط و ادله هر یک اشاره می کند.

سومین قسمت کتاب به بحث «حکومت اسلامی در عصر انتظار» اختصاص دارد و به مؤلفه های آن

۱- . ذکر این نشانه در شمار نشانه های ظهور با توجه به نشانه بودن آن برای برپایی قیامت نیازمند دقت بیشتری است.

یعنی «فراگیری ظلم از نشانه های ظهور»، «ممنوعیت قیام در عصر غیبت» و «تشکیل حکومت در عصر غیبت، دخالت در قلمرو امام معصوم را مطرح کرده و به نقد و بررسی هر کدام از آنها می پردازد.

قسمت چهارم کتاب (مهدویت و مدینه فاضله) به ذکر دو دیدگاه نسبت به مدینه فاضله اشاره می کند و به مقایسه آن می پردازد؛ یعنی، در ابتدا آرمان شهر را از منظر افلاطون، فارابی، سوسیالیسم مطرح کرده و به جمع بندی آنها می پردازد. سپس مدینه فاضله مهدوی و اسلامی را مطرح می کند.

پنجمین بحث کتاب به دین داری و زندگی دینی پیش از ظهور اشاره دارد و به شاخصه های دین داری پیش از ظهور نظر دارد.

بحث ششم کتاب به بررسی نشانه های ظهور، پرداخته و به انواع نشانه ها اشاره دارد.

هفتمین قسمت کتاب به تولد و زندگی امام زمان علیه السلام نظر دارد.

موافقان و مخالفان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موضوعی است که در قسمت هشتم کتاب به آن پرداخته شده است.

سرفصل نهم کتاب بررسی فلسفه غیبت در منابع کلامی شیعه است که ابتدا این مسئله را به صورت نقلی بررسی کرده و سپس به بررسی عقلی آن پرداخته و فلسفه غیبت را از نگاه افرادی مثل شیخ صدوق، شخ مفید، شیخ طوسی و پس مطرح کرده است.

در آخرین مبحث کتاب هم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در آثار و منابع شخصیت های اسلامی شیعه و سنی مطرح می کنند، آثاری مثل: کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، الغیبه نعمانی، ینابیع الموده قندوزی.

.........U I ....

۹. مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف

این اثر، پژوهشی تفصیلی درباره امامت و ظهور امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به شیوه روایی تحلیلی و با محتوای کلامی حدیثی، به قلم محمد جواد خراسانی، تألیف شده است. این کتاب دارای عناوین اصلی و فرعی گسترده و متنوع است که مهم ترین موضوعات آن عبارتند از : علایم شخصی نشانه های امامت، علایم تشریفی (مانند همراه داشتن آثار و مواریث انبیا)، نواب اربعه، خصوصیات غیبت، غیبت صغرا و کبرا، وقایع دوران غیبت، پاسخ به شبهات غیبت، فرج کلی و جزئی، بروز فتنه های اجتماعی، دینی، تربیت، اخلاقی و سیاسی، فتنه های مختص به عالم تشیع، شرح تفصیلی علایم ظهور، تکالیف منتظران، کیفیت ظهور و پیروزی و سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

.........U I ....

۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن(الملاحم و الفتن)

این کتاب نوشته رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس (م۶۶۴ ق) مشهور به سید بن طاوس، است که توسط مؤسسه صاحب الامر تحقیق و منتشر شده است.

اگر چه مؤلف در مباحث گوناگون دارای آثار فروانی است؛ اما با توجه به شخصیت عرفانی، بیشترین آثار وی در حوزه مباحث اخلاقی و تربیتی شکل گرفته است. در میان آثار وی بعض از آنها تلخیص یا گردآوری آثار گذشتگان است که از جمله آنها می توان به اثر مورد نظر در این نوشتار اشاره کرد.

همان گونه که از نام کتاب به دست می آید، محتوای آن نقل روایاتی است که به فتنه های پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کند. این کتاب در واقع گزینش و تلخیص سه اثر اهل سنت است:

۱. الفتن، نعیم بن حماد المروزی الخزاعی(م۲۲۸ق)

۲. الفتن، ابوصالح السلیلی احمد بن عیسی بن الشیخ الحسانی (الحسایی) (از علمای قرن ۴)

۳. الفتن، ابویحیی زکریا بن یحیی بن الحارث البزاز النیسابوری (م۲۹۸ق)

البته افزون بر روایـاتی که از کتـاب های یاد شـده نقل کرده، از برخی کتاب های دیگر نیز به نقل روایت پرداخته که برخی از آن آثار ناشناخته و یا نویسندگان آنها نامعلوم اند.

بررسی منـابع سه گانه بالا بویژه کتاب الفتن نعیم بن حماد با ۳۰۸ روایت در این اثر می توانـد در میزان اعتبار این کتاب نقش مهمی داشته باشد.

گویا مؤلف به ضـعف برخی روایاتی که نقل کرده، آگاه بوده است، از این رو در چند جا یادآور می شود که: چنانچه روایتی خلاف واقع نقل شده، گناهش به گردن کسی است که آن را جعل کرده است.

وی در ابتـدای نقلش از الفتن سـلیلی نیز به نوعی خود را از گرفتـاری دور کرده و همه تقصـیرات روایـات را متوجه مؤلف آن نموده است. در پایان آنچه از الفتن زکریا بن یحیی نقل کرده نیز مضمون یادشده را یادآور شده است

پس سید به این باور رسیده که روایات نقل شده از آثار مزبور، دارای اشکالات فراوانی است و با این سخنان تلاش کرده خود را از پیامدهای آن دور کند.

وی هرچنـد با نقل این سـخنان به نوعی خود را از اشـکال ضـعف راویان و روایات دور ساخته؛ اما به نظر می رسد نقل ایشان، موجب اعتماد برخی از افرادی است که چندان حوصـله پژوهش و بررسـی را ندارند. از این رو هرگز دنبال این نیستند که سید بن طاووس روایات را از کدام

منبع نقل کرده است!

البته امروزه کم نیست آثار و کتاب هایی که به صرف وجود یک روایت در منبع شیعی، آن را روایتی صحیح تلقی می کنند و آثاری بر آن مترتب می کنند! بنابراین هر پژوهشگری را بر آن می دارد تا در محتوای این اثر و مانند آن دقت و تأمل افزون تری روا دارد.

منابع و مآخذ

۱.قرآن کریم، ترجمه: محمّد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.

۲.امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، گردآورنده: سید رضی، انتشارات دار الهجره، قم، بی تا.

۳.ابن شهرآشوب، المناقب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.

۴.ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.

۵.ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۶.اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.

۷.الهامی، داود، آخرین امید، دوم، قم، مکتب اسلام، ۳۷۷ش.

۸.امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ش.

۹.بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.

۱۰.برقی، احمدبن محمد بن خالد، محاسن، دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.

۱۱.پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲ش.

۱۲.ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی [بی تا].

۱۳.تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ش.

۱۴.جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، قم، دفتر تبلیغات ۱۳۷۷ش.

۱۵.جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۱۶.جوینی، علی بن محمد، فرائد السمطین، بیروت، مؤسسه محمودی، ۱۴۰۰ ق.

۱۷.حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۱۸.حکیمی، محمّد، در فجر ساحل، بیست و یکم، تهران، آفاق، ۱۳۷۸ش.

۱۹.حمیری قمی، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، انتشارات کتابخانه نینوا، تهران، بی تا.

۲۰.دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.

۲۱.دیلمی، حسن بن ابی الحسن، الارشاد القلوب، [بی جا] شریف رضی ۱۴۱۲ش.

۲۲.ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان(م۷۴۸ق)، میزان الاعتدال، تحقیق: علی احمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه لطباعه و النشر.

۲۳.راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، المفردات فی غریب القران، دوم، [بی جا] دفتر نشر الکتاب [بی تا].

۲۴.راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، سه جلد، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

۲۵.رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی، چاپ اول، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ش.

۲۶.سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.

۲۷.سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سیّد محمّد جواد وزیری فرد، احیاء کتاب، تهران: ۱۳۸۰ش.

۲۸.سید بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، گلبهار اصفهان، اصفهان، ۱۴۱۶ ق.

۲۹.سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، العرف الوردی فی اخبار المهدی، تهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۷ق.

۳۰.شوشتری، محمد تقی و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.

۳۱.شیبانی، احمدبن حنبل، مسند احمد، مصر، موسسه قرطبه [بی تا].

۳۲.صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.

۳۳.صافی گلپایگانی، لطف اللّه، منتخب الاثر، قم، موسسه السیّده المعصومه۱۴۱۹ ،ق.

۳۴.صدر، سیّد رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۸ ش.

۳۵.صدر، سیّد محمّد باقر، رهبری بر فراز قرون، موسسه موعود، تهران: ۱۳۷۹ ش.

۳۶.صدر، سیّد محمّد، تاریخ غیبت کبرا، ترجمه: سید حسن افتخار زاده، دوم، تهران، نیک معارف، ۱۳۸۲ش.

۳۷.صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۲ق.

۳۸.صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.

۳۹.صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.

۴۰.صدوق، محمّدبن علی بن حسـین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، دو جلد، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۴۱.صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، خصال، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

۴۲.صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.

۴۳.صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، بی جا، منشورات المجلس العالمی، بی تا.

۴۴.طباطبایی، محمّد حسین، المیزان فی تفسیر القران، بیست جلد، چ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۶۱ش.

۴۵.طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، چ سوم، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

۴۶.طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد مقدس: ۱۴۰۳ ق.

۴۷.طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، دوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۷ش.

۴۸.طبری، آملی، محمّد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، چ دوم، کتابخانه حیدریه، نجف: ۱۳۸۳ ه.ق.

۴۹.طبری، محمّدبن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.

۵۰.طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.

۵۱.طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، سه جلد، چاپ اول، قم، مرکز الطباعه والنشر فی مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ ق.

۵۲.طوسی، محمّدبن الحسن، الفهرست، نجف اشرف، مکتبه مرتضویه، بی تا.

۵۳.طوسی، محمّدبن الحسن، کتاب الغیبه، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۵۴.طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.

۵۵.عاملی، سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد (پژوهشی در علامات ظهور، بیان الائمه، خطبه البیان، جزیره خضرا، ترجمه: محمد سپهری، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.

۵۶.عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.

۵۷.عسکری، ابو هلال (م۳۹۵)، الفروق اللغویه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۲ق.

۵۸.عُکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، اختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۵۹.عُکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۶۰.عمیدی، سیّد ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی،
۱۳۷۵ش.

۶۱.عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ق.

۶۲.غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۴۶ق.

۶۳.فتال نیشابوری، محمّدبن حسن بن علی، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.

۶۴.فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بی جا، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۹ق.

۶۵.قزوینی، سیّد محمّدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ ش.

۶۶.قزوینی، محمّد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد عبد الباقی، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.

۶۷.قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

۶۸.قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ق.

۶۹.قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، چ دوم، انتشارات رضی، قم: ۱۳۶۳ ش.

۷۰.قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ ش.

۷۱.قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم؛ تفسیر قمی، قم، مؤسسه دار الکتاب، ۱۴۰۴ق.

۷۲.کشی، محمّدبن عمر، رجال کشی، دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۳۴۸ ش.

۷۳.کلینی، محمّدبن یعقوب، الکافی، هشت جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۷۴.کنجی الشافعی، ابو عبدالله محمّد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، بیروت، دارالمحجه البیضاء، ۱۴۲۱ ق.

۷۵.کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ ه.ش.

۷۶.کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۷۷.کوفی، ابن ابی شیبه، المصنف، محقق: سعید اللحام، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۹ق.

۷۸.کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، [بی تا]، موسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ق.

۷۹.گروهی از نویسندگان، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویّت.

۸۰.متقی هندی، علاء الدین علی، کنزالعمال، شانزده جلد، موسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۹ ق.

۸۱.مجلسی، محمّد باقر، بحارالانوار، ۱۱۰ جلد، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۸۲.مجلسی، محمّد باقر، مرآه العقول، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ش.

۸۳.مروزی، نعیم بن حماد(م۲۲۹)، الفتن، تحقیق: ابوعبد الله/ ایمن محمد محمد عرفه، المکتبه التوفیقیه، بی تا.

۸۴.مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق.

۸۵.مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، موسسه فقه شیعه، ۱۴۱۰ق.

۸۶.مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

۸۷.مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، صدرا، ۱۳۷۹ش.

۸۸.معماری، داود، مبانی و روش های نقد متن حدیث، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.

۸۹.معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۰ش.

۹۰.مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبد الفتاح محمد الحلو، قم، انتشارات نصایح، ۱۴۱۶ ق.

۹۱.مکارم شیرازی ودیگران، ناصر، تفسیرنمونه، چ چهلم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.

۹۲.موسوی اصفهانی، سیّد محمّد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سیّد مهدی حائری قزوینی، چاپ پنجم، دو جلد در یک جلد، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ش.

۹۳.مهدی پور، علی اکبر، «برگزیده آثار در طول قرون و اعصار»، مشعل جاوید، محمدعلی مهدوی راد، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰ش.

۹۴.نجاشی، احمدبن علی بن احمد بن عباس(م۴۵۰ق)، رجال النجاشی، دوجلد، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

۹۵.نعمانی، محمّد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.

۹۶.نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، طهران، ۱۴۱۲ق.

۹۷.نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، هیجده جلد، موسسه آل البیت علیهم السلام، قم: ۱۴۰۸ ق.

۹۸.نیشابوری، محمد بن حسن فتال، روضه الواعظین، قم، رضی، [بی تا].

۹۹.نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المضیئه، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ ق.

۱۰۰.هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، قم،

انتشارات پرهیزکار، ۱۳۸۰ش.

۱۰۱.هیتمی، احمدبن محمدبن حجر المکی، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، محقق: مصطفی عاشور، قاهره، مکتبه القرآن، بی تا.

الحمدلله رب العالمین

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹